



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

بازین پورس و خلق عالم بازین پورس پورس پورس



تحقیق و پژوهش:
مهدی آقابابایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عزاداري در سیره اهل بیت (عليهم السلام)

نویسنده:

مهدي آقابابائي

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
عزاداری در سیره اهل بیت (علیهم السلام)	۱۴
مشخصات کتاب	۱۴
اشاره	۱۴
مقدمه:	۴۰
ریشه های عزاداری در قرآن	۴۲
فصل اول: سیره عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) برای امام حسین (علیه السلام)	۴۴
اشاره	۴۴
مجالس امام حسین (علیه السلام) در قیامت تحت عرش	۴۴
عزاداری رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قبل از شهادت امام حسین (علیه السلام)	۴۵
عزاداری رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام)	۴۶
عزاداری حضرت فاطمه (علیها السلام) در محشر	۴۷
عزاداری کاروان اسرای آل الله (علیهم السلام)	۴۸
عزاداری امام رضا (علیه السلام)	۵۰
فصل دوم: تشکیل مجالس عزا	۵۲
اشاره	۵۲
برگزاری مجلس روضه در زمان تقیه	۵۴
منبر روضه خوانی امام سجاد (علیه السلام)	۵۶
احیای امر اهل بیت (علیهم السلام)	۵۹
این گونه مجالس را دوست دارم	۶۰
تاکید و سفارش معصومان (علیهم السلام) به تشکیل مجالس عزا در خانه های خود	۶۰
وفاقت فضیل بن یسار	۶۲
خدمتگزاری در مجالس عزا	۶۶
فصل سوم : بذل مال / انفاق ما در عزاداری امام حسین (علیه السلام)	۶۷
اشاره	۶۷
انفاق اموال	۶۷
جلبه هایی از صرف اموال در عزاداری	۶۸
سنت های حسنه در انفاق مال	۷۱
تهیه غذا و اطعام در عزاداری	۷۲
اطعام طعام در عزای سیدالشهدا (علیه السلام)	۷۵
ثواب خرج کردن در عزای امام حسین (علیه السلام)	۷۵

۷۶	فتوای حضرت امام (ره) درباره مخارج روضه
۷۶	اطعام فقرا در مجلس عزاداری
۷۷	اقامه عزاداری در کشور بیگانه و اطعام عزاداران
۷۷	اطعام عزاداران یا اطعام فقراء
۸۱	فصل چهارم: نصب پرچم عزای
۸۱	اشاره
۸۲	سیاه پوش کردن و نصب پارچه سیاه
۸۴	فصل پنجم: سیاهپوشی در عزای سیدالشهداء (علیه السلام)
۸۴	اشاره
۸۵	سیره سیاهپوشی در عزاداری
۸۵	اشاره
۸۶	توضیحات:
۸۶	اسماء کیست؟ و وثاقت آن بانو
۹۱	منهال کیست؟ و وثاقت وی
۹۳	وثاقت سیف عمیره
۱۰۵	برخی فتاوی فقهای شیعه در سیاهپوشی برای امام حسین (علیه السلام)
۱۰۵	اشاره
۱۰۵	۱: شیخ ابن نما حلی (م ۶۴۵ ق) عالم بزرگوار شیعه در قرن هفتم:
۱۰۵	۲: مرحوم شیخ یوسف بحرانی (قدس سره) صاحب کتاب «حدائق»:
۱۰۶	۳: مرحوم سید محمد جعفر طباطبایی حائری
۱۰۸	۴: علامه شیخ محمد حسین کاظمینی (قدس سره) معروف به محقق کاظمی (م ۱۳۰۸ ق):
۱۰۸	۵: میرزا ابوالفضل تهرانی (م ۱۳۱۷ ق)، شاگرد میرزا میرزای شیرازی و فیه و ادیب نامدار عصر قاجار
۱۰۹	۶: مرحوم میرزا حسین توری (قدس سره) صاحب «مستدرک الوسائل» (م ۱۳۲۰ ق):
۱۰۹	۷: مرحوم آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (قدس سره):
۱۱۰	۸: وصیت نامه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی (قدس سره):
۱۱۰	۹: آیت الله العظمی سیدمحمد رضا گلپایگانی (قدس سره):
۱۱۰	۱۰: آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی (مد ظله العالی):
۱۱۱	۱۱: آیت الله سید ابراهیم میلانی می نویسد:
۱۱۲	۱۲: حضرت آیت الله حاج سید محمدصادق روحانی مد ظله العالی:
۱۱۲	فتوای فقها بر استحباب سیاه پوشی در عزای ائمه (علیهم السلام) به استناد حسنه محاسن برقی
۱۱۲	اشاره
۱۱۳	۱: فتوای استدلالی آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدظله العالی

- ۱۱۸ رساله «مجمع الدرر فی مسائل اثنتی عشر»، نوشته آیت الله عبدالله مامقانی در استحباب سیاه پوشی در عزای ائمه (علیهم السلام)
- ۱۲۳ نتیجه:
- ۱۲۴ فصل ششم: مرثیه خوانی ، نوحه سرایی و شعر
- ۱۲۴ اشاره
- ۱۲۴ واژه «رثاء و مرثیه»:.....
- ۱۲۵ واژه «نوحه و نیاحه».....
- ۱۲۶ شواهدی از منابع تاریخی:.....
- ۱۲۹ واژه «شعر».....
- ۱۲۹ احادیث.....
- ۱۲۹ اشاره.....
- ۱۳۰ وثاقت حسن بن جهم:.....
- ۱۳۱ وثاقت زید شحام.....
- ۱۳۳ دستور اهل بیت (علیهم السلام) به مرثیه سرایی.....
- ۱۳۸ مرثیه سرایی حضرت ام البنین (علیها السلام).....
- ۱۳۸ اشاره.....
- ۱۳۸ از مرثیه های ام البنین (علیها السلام).....
- ۱۴۰ کراهت نداشتن مرثیه سرایی اهل بیت (علیهم السلام) در شب و روز جمعه.....
- ۱۴۱ اجرت گرفتن برای مرثیه خوانی و تعیین آن.....
- ۱۴۱ اشاره.....
- ۱۴۲ ۱: پادشاه امام سجاد (علیه السلام) به فرزدق.....
- ۱۴۳ ۲: عطا کردن امام باقر (علیه السلام) پیراهن خود را به کمیت.....
- ۱۴۳ کمیت در محضر امام صادق (علیه السلام).....
- ۱۴۴ ۳: صله امام صادق (علیه السلام) به اشجع اسلمی.....
- ۱۴۵ ۴: صله امام رضا (علیه السلام) به دعیل خزاعی و ابو نواس حسن بن هانی.....
- ۱۴۵ اجرت گرفتن از صاحب مجلس توسط مداحان.....
- ۱۴۵ دستور به مرثیه سرایی اهل بیت (علیهم السلام).....
- ۱۴۷ مرثیه سرایی امام حسین (علیه السلام) بر جناب حر.....
- ۱۴۸ فصل هفتم: حافی / پابرهنه و سربرهنه در عزای مظلوم عالم.....
- ۱۴۸ اشاره.....
- ۱۵۰ منظور از سربرهنه بودن چیست؟.....
- ۱۵۲ سخن کارشناسان.....
- ۱۵۳ به یاد پابرهنگان!.....

- ۱۵۳
- ۱۵۴ سیره صاحب جواهر
- ۱۵۵ فصل هشتم: برداشتن عبا از روی دوش
- ۱۵۵ اشاره
- ۱۵۵ وثاقت علی بن ابراهیم بن هاشم
- ۱۵۶ وثاقت ابراهیم بن هاشم القمی
- ۱۵۹ وثاقت محمد بن ابی عمیر
- ۱۶۰ پاداش رفتن به زیارت کربلا
- ۱۶۲ فصل نهم : هروله (راه رفتن سریع و با جنب و جوش شبیه دویدن/ حرکت با شتاب)
- ۱۶۵ فصل دهم: گریستن در مصیبت امام حسین (علیه السلام)
- ۱۶۵ اشاره
- ۱۶۵ گریه در روز ولادت امام حسین (علیه السلام)
- ۱۶۶ گریه فاطمه زهرا (علیها السلام)
- ۱۶۷ گریه امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۱۶۸ گریه امام حسن (علیه السلام)
- ۱۶۸ پیام امام حسین (علیه السلام) به شیعیان
- ۱۶۹ چرا امام حسین (علیه السلام) در کربلا گریستند؟
- ۱۷۱ گریه‌های امام سجاد (علیه السلام) در سوگ پدر بزرگوارشان
- ۱۷۲ ام البکاء حضرت رقیه (علیها السلام)
- ۱۷۲ عزاداری به امام باقر (علیه السلام)
- ۱۷۳ گریه امام صادق (علیه السلام) در عزای جد مظلومش
- ۱۷۵ گریه‌های امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام)
- ۱۷۷ تأسی شیعیان به اهل بیت (علیهم السلام) در گریستن بر حضرت سیدالشهداء (علیه السلام)
- ۱۷۸ بلند گریستن بانوان اهل بیت (علیهم السلام) در مصیبت امام حسین (علیه السلام)
- ۱۸۰ گریه حضرت زهرا (علیها السلام) در مصیبت امام حسین (علیه السلام)
- ۱۸۲ اسرار گریه صدیقه طاهره (علیها السلام)
- ۱۸۵ فصل یازدهم: اشک‌های همیشه جاری
- ۱۸۶ فصل دوازدهم: تداوم عزاداری
- ۱۸۶ اشاره
- ۱۸۷ شیعیان از عزاداری خود عذر تقصیر بخواهند!
- ۱۸۹ فصل سیزدهم : گردیدن اشک در چشم پیش از جاری شدن آن
- ۱۹۰ فصل چهاردهم : جاری شدن اشک بر صورت (گونه‌ها)

۱۹۱	
۱۹۲	فصل شانزدهم: بلند کردن صدا به گریه
۱۹۳	فصل هفدهم: گریستن به گونه‌ای که مردم برای او دلسوزی کنند
۱۹۴	فصل هجدهم: ممزوج شدن اشک چشم با غذا و آب
۱۹۵	فصل نوزدهم: پاره شدن رگ قلب در اثر شدت مصیبت (نیاط القلب)
۱۹۶	فصل بیستم: مردن از شدت گریستن (زهاق)
۱۹۶	شرح:
۱۹۸	فصل بیست و یکم: آرزو و تمنای گریستن تا آخرین لحظه زندگی
۱۹۹	فصل بیست و دوم: تباکی
۱۹۹	تباکی در لغت:
۲۰۲	احادیث تباکی:
۲۰۵	تباکی در کلام علما
۲۰۵	۱: مرحوم علامه مجلسی می‌فرماید:
۲۰۶	۲: مرحوم آیت الله شیخ جعفر شوشتری می‌فرماید:
۲۰۷	۳: مرحوم طریحی در مجمع البحرین می‌فرماید:
۲۰۷	۴: سایر علما و بزرگان فرموده‌اند که: تباکی یعنی خود را به گریه زدن، حتی اگر کسی نگیرد، گرفتن این حالت هم در خود شخص حالت اندوه و حزن ایجاد می‌کند و هم به مجلس عزای چهره و رنگ غم می‌بخشد.
۲۰۷	نتیجه:
۲۰۸	فصل بیست و سوم: ضجه: ناله و فریاد
۲۰۸	اشاره
۲۰۸	ضجه:
۲۱۱	فصل بیست و چهارم: شیون شدید (صرخه)
۲۱۱	اشاره
۲۱۳	صرخه و شیون‌های بلند و این نوع عزاداری در روز قیامت
۲۱۵	فصل بیست و پنجم: شیون بلند (شَهَقه)
۲۱۵	اشاره
۲۱۵	برخی از احادیث مرتبط با شَهَقه زدن معصومین (علیهم السلام)
۲۱۶	شَهَقه حضرت فاطمه (علیها السلام) در روز قیامت
۲۱۸	شَهَقه امام سجاد (علیه السلام)
۲۱۹	فصل بیست و ششم: جزع و بی تابی (از خود بیخود شدن)
۲۱۹	اشاره
۲۲۰	فرمایش امام باقر (علیه السلام) در معنای جزع
۲۲۱	کلام مرحوم آیت الله دریندی درباره جزع

- ۲۲۴ جزع و بی تابی حضرت ابراهیم (علیه السلام) در عزای امام حسین (علیه السلام)
- ۲۲۶ اهل جزع چه کسانی هستند؟
- ۲۳۰ حدیث معاویه بن وهب :
- ۲۳۰ اشاره
- ۲۳۱ ۱: وثاقت شیخ مفید (قدس سره) :
- ۲۳۱ ۲: وثاقت ابن قولویه (قدس سره) :
- ۲۳۲ ۳: وثاقت محمد بن قولویه (قدس سره) :
- ۲۳۲ ۴: وثاقت سعد بن عبدالله -
- ۲۳۳ ۵: وثاقت احمد بن محمد بن عیسی -
- ۲۳۴ ۶: وثاقت حسن بن محبوب -
- ۲۳۵ ۷: وثاقت ابی محمدانصاری -
- ۲۳۵ ۸: وثاقت معاویه بن وهب -
- ۲۳۶ معنای عدم کراهت جزع در سوگ امام حسین (علیه السلام) :
- ۲۳۷ فصل بیست و هفتم: دست بر سر نهادن از شدت اضطراب -
- ۲۳۸ فصل بیست و هشتم : کنیبه و اندوهگین بودن -
- ۲۴۱ فصل بیست و نهم : امتناع از خوردن طعام (بی رغبتی به آب و غذا در هنگام عزا و ایام عزاداری) -
- ۲۴۷ فصل سیام : لرزش مدام بدن عزادار حسین (علیه السلام) تا روز قیامت -
- ۲۴۸ فصل سی و یکم : مایل به سیاهی شدن چهره -
- ۲۵۰ فصل سی و دوم : سفید شدن موها در عزای سیدالشهداء (علیه السلام) -
- ۲۵۱ فصل سی و سوم : بی قرار و بی اختیار بودن در عزای امام حسین (علیه السلام) -
- ۲۵۳ فصل سی و چهارم : واله : میهوت شدن از شدت مصیبت -
- ۲۵۴ فصل سی و پنجم : رافع : وحشت زده از مصیبت -
- ۲۵۵ فصل سی و ششم: به هیجان در آوردن -
- ۲۵۶ فصل سی و هفتم: تجدید العزاء (سال به سال و نسل به نسل عزاداری را تجدید کنیم) -
- ۲۵۸ فصل سی و هشتم: البهره و خنقته : بی تابی بسته شدن راه تنفس از شدت گریه و بریده شدن نفس -
- ۲۶۱ فصل سی و نهم: هلع : بالاتر از جزع -
- ۲۶۳ فصل چهلم : تمثیل و تعزیه -
- ۲۶۳ اشاره
- ۲۶۵ نظریه صاحب قوانین درباره شبیه خوانی
- ۲۷۰ فصل چهل و یکم: زخم (شدن) نمودن و جراحت چشم و پلک از گریه -
- ۲۷۲ فصل چهل و دوم : خراشیدن صورت -

- ۲۷۳ برخی از روایات در این زمینه :
- ۲۷۳ عزاداری زنان انصار در سوگ عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) -
- ۲۷۴ خراشیدن صورت توسط اهل حرم -
- ۲۷۹ فصل چهل و سوم : از هوش رفتن از شدت گریه -
- ۲۷۹ اشاره -
- ۲۷۹ از هوش رفتن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) -
- ۲۸۰ از هوش رفتن امیرالمؤمنین (علیه السلام) -
- ۲۸۰ از هوش رفتن امام حسین (علیه السلام) در برخی از مصائب -
- ۲۸۱ از هوش رفتن حضرت زینب (علیها السلام) -
- ۲۸۲ از هوش رفتن امام رضا (علیه السلام) -
- ۲۸۴ اسرار از هوش رفتن حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) -
- ۲۸۶ فصل چهل و چهارم : خاک بر سر ریختن در عزای سید الشهداء (علیه السلام) -
- ۲۸۶ اشاره -
- ۲۸۸ مراسم عاشورا -
- ۲۹۱ فصل چهل و پنجم : ژولیده و غبارآلود بودن ملائک تا روز قیامت -
- ۲۹۱ اشاره -
- ۲۹۱ غبار آلودن بودن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) -
- ۲۹۴ فصل چهل و ششم : مریض شدن از شدت مصیبت سیدالشهدا (علیه السلام) -
- ۲۹۶ فصل چهل و هفتم: سینه زدن -
- ۲۹۶ اشاره -
- ۲۹۶ لدم: -
- ۲۹۶ لطم: -
- ۲۹۷ سینه زنی در تاریخ و روایات -
- ۲۹۷ در وفات امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) : -
- ۲۹۸ نکته: -
- ۲۹۸ دیدگاه مسیحیان درباره سینه زنی برای امام حسین (علیه السلام) -
- ۲۹۹ استفتاء -
- ۲۹۹ حکم سینه زدن، خراشیدن و سیلی زدن به صورت در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) چیست؟ -
- ۲۹۹ بعضی از عزاداران حسینی به گونه‌ای سینه می‌زنند که گاهی مشاهده می‌شود از محل سینه زدن خون خارج می‌شود، نظر مبارک شما چیست؟ -
- ۳۰۱ فصل چهل و هشتم : لطمه زنی -
- ۳۰۱ اشاره -

۳۰۱	
۳۰۹ فتاویٰ علما و مراجع بزرگ تقلید
۳۱۱ فصل چهل و نهم: موی پریشان نمودن
۳۱۶ فصل پنجاهم: گریبان چاک زدن
۳۱۶ تعریف گریبان چاک زدن:
۳۱۶ گریبان چاک نمودن حضرت زهرا (علیها السلام)
۳۱۷ جامه دریدن اهل حرم در هنگام اسارت
۳۱۷ اشاره
۳۲۲ پاسخ به وهابیت
۳۲۴ پاسخ نقضی:
۳۲۵ گریبان چاک زدن در مرگ نووی (یکی از علمای پرآوازه اهل سنت)
۳۲۵ پاسخ حلی:
۳۲۵ خودداری از رفتارهای جاهلی و کفرآمیز
۳۲۵ ضعف سند روایات مخالفان
۳۲۶ امضای معصوم (علیه السلام) بر گریبان چاک زدن زنان حرم حسینی (علیه السلام)
۳۲۷ استثناء شدن چاک زدن گریبان در عزای سیدالشهدا (علیه السلام)
۳۲۸ موارد دیگر از گریبان چاک زدن‌ها
۳۲۸ اشاره
۳۲۹ گریبان چاک زدن حضرت موسی (علیه السلام) در وفات برادرش حضرت هارون (علیه السلام)
۳۲۹ گریبان چاک زدن زنان انصار برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
۳۲۹ گریبان چاک زدن امام عسکری (علیه السلام) در شهادت برادر بزرگوارش
۳۳۰ پزشکی گریبان چاک زدن
۳۳۱ نظرات ارکان و بزرگان شیعه
۳۳۱ اشاره
۳۳۱ در جواهر الکلام از خالد بن سدید نقل شده است:
۳۳۳ شهید اول (قدس سره) می‌فرماید:
۳۳۳ شهید ثانی (قدس سره) می‌فرماید:
۳۳۴ مرحوم میرزای قمی (قدس سره) می‌گوید:
۳۳۴ صاحب کتاب شفاء الصدور
۳۳۵ ابن ادریس در سرائر:
۳۳۶ فصل پنجاه و یکم: لا تبصر من تواتر البكاء
۳۳۷ فصل پنجاه و دوم: المصیبه اجلی من البكاء

۳۴۳ فصل پنجاه و چهارم : زفره

۳۴۵ فصل پنجاه و پنجم : دائم الصوم بودن به خاطر مصیبت

۳۴۸ فصل پنجاه و ششم : آسمانها تا ابد بر مصائب امام حسین (علیه السلام) گریانند

۳۴۹ فصل پنجاه و هفتم : خارج شدن از آبادیها به سوی ویرانهها

۳۵۲ فصل پنجاه و هشتم : مذکور

۳۵۳ تعلیقات:

۳۵۳ زیارت ناحیه

۳۵۳ بررسی زیارت ناحیه مقدسه

۳۵۳ اشاره

۳۵۳ مصادر زیارت ناحیه مقدسه

۳۵۶ بحثی پیرامون شخصیت ابن مشهدی و کتاب ایشان

۳۵۷ صدور زیارت ناحیه:

۳۵۹ اسناد زیارت ناحیه

۳۶۰ زیارت ناحیه دوم (زیارت شهداء)

۳۶۰ اشاره

۳۶۰ سند زیارت ناحیه دوم

۳۶۱ شبها

۳۶۱ پاسخ:

۳۶۶ منابع و مأخذ

۳۸۵ درباره مرکز

عزاداری در سیره اهل بیت (علیهم السلام)

مشخصات کتاب

نام کتاب: عزاداری در سیره اهل بیت (علیهم السلام)

تألیف: مهدی آقابابایی

ناشر: مؤلف

چاپ: اول 1399

قطع و صفحه: 360 صفحه / وزیری

شابک: 978-622-96452-7-7

قیمت: 80000 تومان

ص: 1

اشاره

عزاداری در سیره اهل بیت (علیهم السلام)

مهدی آقابابایی

ص:3

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیم به:

«غَوْثِ اللَّهْمَانِ»

(فریادرس دلسوختگان)

«قُرَّهَ عَيْنِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»

(نور چشمان حضرت زهرا (علیها السلام) سرور زنان جهانیان)

«مَنْ كَسَرَتْ قُلُوبَ شِيعَتِهِ بِغُرْبَتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

(کسی که دل‌های شیعیانش به خاطر غربت او شکسته و محزون است تا روز قیامت)

«عَلَى الْإِمَامِ الرَّءُوفِ الَّذِي هَيَّجَ أَحْزَانَ يَوْمِ

الطُّفُوفِ»

بر امام رئوف و مهربان که خاطرات غم انگیز صحنه کربلا را زنده کرد.

(فرازهایی از زیارت جوادیه یا زیارت چهارم امام رضا (علیه السلام))

ریشه‌های عزاداری در قرآن 19

فصل اول: سیره عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) برای امام حسین (علیه السلام) . 21

مجالس امام حسین (علیه السلام) در قیامت تحت عرش 21

عزاداری رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قبل از شهادت امام حسین (علیه السلام) 22

عزاداری رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) 23

عزاداری حضرت فاطمه (علیها السلام) در محشر 24

عزاداری کاروان اسرای آل الله (علیهم السلام) 25

عزاداری امام رضا (علیه السلام) 27

فصل دوم: تشکیل مجالس عزا 29

برگزاری مجلس روضه در زمان تقیه 31

منبر روضه خوانی امام سجاد (علیه السلام) . 33

احیای امر اهل بیت (علیهم السلام) 36

اینگونه مجالس را دوست دارم 37

تاکید و سفارش معصومان (علیهم السلام) به تشکیل مجالس عزا در خانه‌های خود 37

وثاقت فضیل بن یسار 39

خدمتگزاری در مجالس عزا 43

فصل سوم: بذل مال / انفاق ما در عزاداری امام حسین (علیه السلام) . 44

سنت‌های حسنه در انفاق مال 48

تهیه غذا و اطعام در عزاداری 49

اطعام طعام در عزای سیدالشهدا (علیه السلام) 52

ثواب خرج کردن در عزای امام حسین (علیه السلام) 52

فتوای حضرت امام (ره) درباره مخارج روضه 53

اطعام فقرا در مجلس عزاداری 53

اقامه عزاداری در کشور بیگانه و اطعام عزاداران 54

اطعام عزاداران یا اطعام فقراء 54

سؤال: آیا خرج کردن برای امام حسین (علیه السلام) بهتر است یا اینکه بتوان به فقیری کمک کرد؟ یا به جای اینکه برای حسینیه ها خرج کنیم یا به سفرهای مکرر زیارتی برویم مشکل کسی را حل کنیم؟ آیا ثواب بیشتری نمی بریم؟ 55

فصل چهارم: نصب پرچم عزا 58

سیاه پوش کردن و نصب پارچه سیاه 59

فصل پنجم: سیاهپوشی در عزای سیدالشهداء (علیه السلام) . 61

سیره سیاهپوشی در عزاداری 62

توضیحات: 63

اسماء کیست؟ و وثاقت آن بانو 63

منهال کیست؟ و وثاقت وی 68

وثاقت سیف عمیره 70

برخی فتاوی فقهای شیعه در سیاهپوشی برای امام حسین (علیه السلام) 82

1: شیخ ابن نما حلی (م 645 ق) عالم بزرگوار شیعه در قرن هفتم: 82

2: مرحوم شیخ یوسف بحرانی (قدس سره) صاحب کتاب «حدائق»: 82

3: مرحوم سید محمد جعفر طباطبایی حائری (قدس سره): 83

4: علامه شیخ محمد حسین کاظمینی (قدس سره) معروف به محقق کاظمی (م1308ق): 85

5: میرزا ابوالفضل تهرانی (م 1317ق)، شاگرد مبرز میرزای شیرازی و فیه و ادیب نامدار عصر قاجار 85

6: مرحوم میرزا حسین نوری (قدس سره) صاحب «مستدرک الوسائل» (م 1320ق): 86

7: مرحوم آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (قدس سره): 86

8: وصیت نامه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی (قدس سره): 87

9: آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی (قدس سره): 87

10: آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی (مد ظله العالی): 87

11: آیت الله سید ابراهیم میلانی مینویسد: 88

12: حضرت آیت الله حاج سید محمد صادق روحانی مد ظله العالی: 89

فتوای فقها بر استحباب سیاه پوشی در عزای ائمه (علیهم السلام) به استناد حسنه محاسن برقی 89

1: فتوای استدلالی آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مد ظله العالی 90

2: رساله «مجمع الدرر فی مسائل اثنتی عشر»، نوشته آیت الله عبدالله مامقانی در استحباب سیاه پوشی در عزای ائمه (علیهم السلام) 95

نتیجه: 100

فصل ششم: مرثیه خوانی، نوحه سرایی و شعر 101

واژه «رثاء و مرثیه»: 101

واژه «نوحه و نیاحه»: 102

شواهدی از منابع تاریخی: 103

واژه «شعر»: 106

احادیث 106

وثاقت حسن بن جهم: 107

وثاقت زید شحام 108

مرثیه سرایی حضرت ام البنین (علیها السلام) 115

از مرثیه های ام البنین (علیها السلام) . 115

کراهت نداشتن مرثیه سرایی اهل بیت (علیهم السلام) در شب و روز جمعه 117

اجرت گرفتن برای مرثیه خوانی و تعیین آن 118

1: پاداش امام سجاد (علیه السلام) به فرزدق 119

2: عطا کردن امام باقر (علیه السلام) پیراهن خود را به کمیت 120

کمیت در محضر امام صادق (علیه السلام) 120

3: صله امام صادق (علیه السلام) به اشجع اسلمی 121

4: صله امام رضا (علیه السلام) به دعبل خزاعی و ابو نواس حسن بن هانی 122

اجرت گرفتن از صاحب مجلس توسط مداحان 122

دستور به مرثیه سرایی اهل بیت (علیهم السلام) 122

مرثیه سرایی امام حسین (علیه السلام) بر جناب حر 124

فصل هفتم: حافی / پابرهنه و سربرهنه در عزای مظلوم عالم 125

منظور از سربرهنه بودن چیست؟ 127

سخن کارشناسان 129

به یاد پابرهنگان! 130

سیره علامه امینی (قدس سره) 130

سیره صاحب جواهر 131

فصل هشتم: برداشتن عبا از روی دوش 132

وثاقت علی بن ابراهیم بن هاشم 132

وثاقت ابراهيم بن هاشم القمي 133

وثاقت محمد بن ابي عمير 136

پاداش رفتن به زیارت کربلا 137

فصل نهم: هروله (راه رفتن سریع و با جنب و جوش شبیه دویدن/ حرکت با شتاب) 139

فصل دهم: گریستن در مصیبت امام حسین (علیه السلام). 142

گریه در روز ولادت امام حسین (علیه السلام). 142

گریه فاطمه زهرا (علیها السلام) 143

گریه امیرالمؤمنین (علیه السلام). 144

گریه امام حسن (علیه السلام). 145

پیام امام حسین (علیه السلام) به شیعیان 145

چرا امام حسین (علیه السلام) در کربلا گریستند؟ 146

گریه‌های امام سجاد (علیه السلام) در سوگ پدر بزرگوارشان 148

ام البكاء حضرت رقیه (علیها السلام) 149

عزاداری به امام باقر (علیه السلام) 149

گریه امام صادق (علیه السلام) در عزای جد مظلومش 150

گریه‌های امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام) 152

تأسی شیعیان به اهل بیت (علیهم السلام) در گریستن بر حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) 154

بلند گریستن بانوان اهل بیت (علیهم السلام) در مصیبت امام حسین (علیه السلام). 155

گریه حضرت زهرا (علیها السلام) در مصیبت امام حسین (علیه السلام) 157

اسرار گریه صدیقه طاهره (علیها السلام). 159

فصل یازدهم: اشک‌های همیشه جاری 162

فصل دوازدهم: تداوم عزاداری 163

شیعیان از عزاداری خود عذر تقصیر بخواهند! 164

فصل چهاردهم: جاری شدن اشک بر صورت (گونه‌ها) 167

فصل پانزدهم: جاری شدن گریه بر صورت، ریش و سینه 168

فصل شانزدهم: بلند کردن صدا به گریه 169

فصل هفدهم: گریستن به گونه‌های که مردم برای او دلسوزی کنند 170

فصل هجدهم: ممزوج شدن اشک چشم با غذا و آب 171

فصل نوزدهم: پاره شدن رگ قلب در اثر شدت مصیبت (نیاط القلب) 172

فصل بیستم: مردن از شدت گریستن (ازهاق) 173

شرح: 173

فصل بیست و یکم: آرزو و تمنای گریستن تا آخرین لحظه زندگی 175

فصل بیست و دوم: تباکی 176

تباکی در لغت: 176

احادیث تباکی: 179

تباکی در کلام علما 182

1: مرحوم علامه مجلسی 182

2: مرحوم آیت الله شیخ جعفر شوشتری 183

3: مرحوم طریحی در مجمع البحرین 184

4: سایر علما و بزرگان فرموده‌اند که: تباکی یعنی خود را به گریه زدن، حتی اگر کسی نگرید، گرفتن این حالت هم در خود شخص حالت

اندوه و حزن ایجاد میکند و هم به مجلس عزا چهره و رنگ غم می‌بخشد. 184

نتیجه: 184

فصل بیست و سوم: ضجه: ناله و فریاد 185

فصل بیست و چهارم: شیون شدید (صرخه) 188

صرخه و شیونهای بلند و این نوع عزاداری در روز قیامت 190

فصل بیست و پنجم: شیون بلند (شهقه) 192

برخی از احادیث مرتبط با شهقه زدن معصومین (علیهم السلام). 192

شهقه حضرت فاطمه (علیها السلام) در روز قیامت 193

شهقه امام سجاد (علیه السلام) 195

فصل بیست و ششم: جزع و بی تابی (از خود بیخود شدن) 196

فرمایش امام باقر (علیه السلام) در معنای جزع 197

کلام مرحوم آیت الله دربندی درباره جزع 198

احادیث درباره جزع بر امام حسین (علیه السلام). 199

جزع و بی تابی حضرت ابراهیم (علیه السلام) در عزای امام حسین (علیه السلام) 201

اهل جزع چه کسانی هستند؟ 203

حدیث معاویه بن وهب: 207

1: وثاقت شیخ مفید (قدس سره): 208

2: وثاقت ابن قولویه (قدس سره): 208

3: وثاقت محمد بن قولویه (قدس سره): 209

4: وثاقت سعد بن عبدالله 209

5: وثاقت احمد بن محمد بن عیسی 210

6: وثاقت حسن بن محبوب 211

7: وثاقت ابی محمدانصاری 212

8: وثاقت معاویه بن وهب 212

معنای عدم کراهت جزع در سوگ امام حسین (علیه السلام): 213

فصل بیست و هفتم: دست بر سر نهادن از شدت اضطرار 214

فصل بیست و هشتم: کتیب و اندوهگین بودن 215

فصل بیست و نهم: امتناع از خوردن طعام (بی رغبتی به آب و غذا در هنگام عزا و ایام عزاداری) 218

فصل سی ام: لرزش مدام بدن عزادار حسین (علیه السلام) تا روز قیامت 223

فصل سی و یکم: مایل به سیاهی شدن چهره 224

فصل سی و دوم: سفید شدن موها در عزای سیدالشهداء (علیه السلام) . 226

فصل سی و سوم: بی قرار و بی اختیار بودن در عزای امام حسین (علیه السلام) 227

فصل سی و چهارم: واله: مبهوت شدن از شدت مصیبت 229

فصل سی و پنجم: رائج: وحشت زده از مصیبت 230

فصل سی و ششم: به هیجان در آوردن 231

فصل سی و هفتم: تجدید العزاء (سال به سال و نسل به نسل عزاداری را تجدید کنیم) 232

فصل سی و هشتم: البهره و خنفته: بیتابی بسته شدن راه تنفس از شدت گریه و بریده شدن نفس 234

فصل سی و نهم: هلع: بالاتر از جزع 237

فصل چهلم: تمثیل و تعزیه 239

نظریه صاحب قوانین درباره شبیه خوانی 241

فصل چهل و یکم: زخم (شدن) نمودن و جراحت چشم و پلک از گریه 246

فصل چهل و دوم: خراشیدن صورت 248

برخی از روایات در این زمینه: 249

عزاداری زنان انصار در سوگ عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) 249

خراشیدن صورت توسط اهل حرم 250

فصل چهل و سوم: از هوش رفتن از شدت گریه 255

از هوش رفتن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) 255

از هوش رفتن امیرالمؤمنین (علیه السلام) 256

از هوش رفتن امام حسین (علیه السلام) در برخی از مصائب 256

از هوش رفتن حضرت زینب (علیها السلام) 257

از هوش رفتن امام رضا (علیه السلام) 258

اسرار از هوش رفتن حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) 260

فصل چهل و چهارم: خاک بر سر ریختن در عزای سید الشهداء (علیه السلام) 262

مراسم عاشورا 264

فصل چهل و پنجم: ژولیده و غبارآلود بودن ملائک تا روز قیامت 267

غبار آلودن بودن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) 267

فصل چهل و ششم: مریض شدن از شدت مصیبت سیدالشهدا (علیه السلام) . 270

فصل چهل و هفتم: سینه زدن 272

لدم: 272

لطم: 272

سینه زنی در تاریخ و روایات 273

در وفات امام موسی بن جعفر (علیهما السلام): 273

نکته: 274

دیدگاه مسیحیان درباره سینه زنی برای امام حسین (علیه السلام) . 274

استفتاء 275

حکم سینه زدن، خراشیدن و سیلی زدن به صورت در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) چیست؟ 275

بعضی از عزاداران حسینی به گونه‌ای سینه می‌زنند که گاهی مشاهده می‌شود از محل سینه زدن خون خارج می‌شود، نظر مبارک شما

چيست؟ 275

فصل چهل و هشتم: لطمه زنى 277

روایات لطمه زنی 277

7: لطمه زدن حورالعین در عزای سیدالشهداء (علیه السلام) 281

سر مطلب: 282

12: بانوان در مجالس زنانه موها را پریشان کنند 284

فتاویٰ علما و مراجع بزرگ تقلید 285

فصل چهل و نهم: موی پریشان نمودن 287

سؤال: 288

چگونه ممکن است اهل بیت (علیهم السلام) با این خصوصیات موجود در زیارت ناحیه از خیام حرم (در حالی که موهای خود را پریشان کرده بودند و ...) خارج شده و به طرف مقتل حرکت کرده باشند؟ 288

آیا پریشان نمودن موهای سر، شایسته اهل حرم حسینی است؟ 289

پاسخ: 289

فصل پنجاهم: گریبان چاک زدن 292

تعریف گریبان چاک زدن: 292

گریبان چاک نمودن حضرت زهرا (علیها السلام) 292

جامه دریدن اهل حرم در هنگام اسارت 293

پاسخ به وهابیت 298

پاسخ تقضی: 300

گریبان چاک زدن در مرگ نووی (یکی از علمای پرآوازه اهل سنت) 301

پاسخ حلی: 301

خودداری از رفتارهای جاهلی و کفرآمیز 301

امضای معصوم (علیه السلام) بر گریبان چاک زدن زنان حرم حسینی (علیه السلام) 302

استثناء شدن چاک زدن گریبان در عزای سیدالشهدا (علیه السلام) 303

روایات عام 303

موارد دیگر از گریبان چاک زدن‌ها 304

گریبان چاک زدن حضرت موسی (علیه السلام) در وفات برادرش حضرت هارون (علیه السلام) 305

گریبان چاک زدن زنان انصار برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) 305

گریبان چاک زدن امام عسکری (علیه السلام) در شهادت برادر بزرگوارش 305

پزشکی گریبان چاک زدن 306

نظرات ارکان و بزرگان شیعه 307

جواهر الکلام 307

شهید اول (قدس سره) 309

شهید ثانی (قدس سره) 309

مرحوم میرزای قمی (قدس سره) 310

صاحب کتاب شفاء الصدور 310

ابن ادریس در سرائر: 311

فصل پنجاه و یکم: لا تبصر من تواتر البكاء 312

فصل پنجاه و دوم: المصیبه اجلی من البكاء 313

فصل پنجاه و سوم: خضاب نکردن و روغن نزدن مو عطر نزدن 316

فصل پنجاه و چهارم: زفره 319

فصل پنجاه و پنجم: دائم الصوم بودن به خاطر مصیبت 321

فصل پنجاه و ششم: آسمان‌ها تا ابد بر مصائب امام حسین (علیه السلام) گریانند 324

فصل پنجاه و هفتم: خارج شدن از آبادیها به سوی ویرانه‌ها 325

فصل پنجاه و هشتم: مذکور 328

تعلیقات: 329

زیارت ناحیه 329

بررسی زیارت ناحیه مقدسه 329

مصادر زیارت ناحیه مقدسه 329

بحثی پیرامون شخصیت ابن مشهدی و کتاب ایشان 332

صدور زیارت ناحیه 333

اسناد زیارت ناحیه 335

زیارت ناحیه دوم (زیارت شهداء) 336

سند زیارت ناحیه دوم 336

شبها 337

پاسخ: 337

منابع و مأخذ 342

عزاداری بر اهل بیت (علیهم السلام) از شعائر اصلی مذهب تشیع است و مورد خواست و دستور مؤگد صاحبان شریعت و آمیخته با سرشت پیروان ایشان است.

نگاهی گذرا به عزاداری در سیره اهل بیت (علیهم السلام) و متون دینی و روایی بیندازیم، تا از طرفی این شعار اصلی شیعه رمز بقای مذهب هر چه پر عظمت تر و سزاوارتر برگزار شود و از طرفی پاسخی باشد به بدخواهان و غرض ورزان که در طول تاریخ، عزاداری شیعیان را مورد حملات فرهنگی خود قرار داده اند و نیز اشارتی باشد برای دوستانی که از سرناآگاهی در این حرکت عظیم خلل و آسیب وارد می-کنند و باعث دلسردی دیگر عزاداران می شوند.

عدم انحصار به زمان و مکان خاص

این احادیث منحصر به زمان و مکان خاصی نیست تا گفته شود چون بنی امیه و بنی عباس امروز نیستند پس عنوان جهاد و مبارزه صدق نمی کند؛ زیرا نخست، از دستورات ائمه (علیهم السلام) در صورتی که قرینه خاصی مبنی بر انحصار به مورد خاصی وجود نداشته باشد استفاده اطلاق و شمول می شود چنانکه در دستورات دیگر اخلاقی و فقهی چنین است.

هر چند امروز خلفای بنی امیه و بنی عباس نیستند اما درست همان دو جبهه حق و باطل که در آن زمان صف آرایی داشته، امروز بیشتر از آن زمان به چشم می خورند. آن زمان باطل در چهره بنی امیه و بنی عباس ظهور کرده بودند و امروزه در چهره کسانی که راه آنان را ادامه می دهند و در کشورهای اسلامی از راه های گوناگون نفوذ کرده و بر علیه مسلمانان تلاش می کنند.

در این نوشتار مختصر سعی شده است تا روایات و احادیثی از اهل بیت معصومین (علیهم السلام) را بیش از 50 نوع عزاداری آن هم در سیره و سنت حضرات معصومین (علیهم السلام) بوده است تقدیم شود تا مایه درک عمیق تر از عزای اهل بیت (علیهم السلام) و عمل صحیح و دقیق تر و عزاداری با کمیت و کیفیت بیشتر و بهتر باشد ان شاء الله.

و از آنجا که کلام اهل بیت (علیهم السلام) نور است و آئینه وحی و کلام الهی، جا دارد با تدبر و تعمق و تأمل هر چه بیشتر در احادیث ایشان، حق این کلمات نورانی را بهتر ادا کرده و بهره‌های کامل‌تری ببریم و چه بسا لازم است هر یک از احادیث را بارها و بارها مطالعه کنیم، تا به تدریج بر درک و معرفت ما از موضوع افزوده شود و این معارف در عمق جان ما مستقر شده و مستحکم گردد و باعث عملی با بصیرت و اخلاص و عشقی بیشتر باشد ان شاء الله.

یا رب الحسین، بحق الحسین، اشف صدرالحسن، بظهور الحججه

مهدی آقابابایی

محرم الحرام 1442 هجری فمری

شهریور ماه 1399 شمسی

ریشه های عزاداری در قرآن

از نظر قرآن، عزاداری ریشه‌هایی دارد. اولین روضه خوان خود خداوند است.

خداوند در سوره بروج می‌فرماید:

{ قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ * النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ * إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ * وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ * وَ مَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ؛ مرده باد صاحبان آن خندق [که مؤمنان را در آن سوزاندند .] آن آتشی که آتش گیرانه اش فراوان و بسیار بود، هنگامی که آنان پیرامونش [به تماشا] نشسته بودند، و آنچه را از شکنجه و آسیب درباره مؤمنان انجام می دادند تماشاگر و ناظر بودند، و از مؤمنان چیزی را منفور و ناپسند نمی داشتند مگر ایمانشان را به خدای توانای شکست ناپذیر و ستوده. (1) } ()

قرآن می‌فرماید (که این مؤمنین) فقط به جرم اینکه مؤمن بودند سوخته شدند. قرآن (در این جا) روضه سوخته شدن این مظلومین مؤمن را می‌خواند. پس اولین روضه را خود قرآن (خوانده) است.

قرآن می‌فرماید: { وَ كَأَيُّ مَنِ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ } (2) چه پیغمبرانی بودند و چه یاران مخلصی داشتند. این یاران مخلص، تلاش و جهاد می‌کردند، خسته نمی‌شدند، سست نمی‌شدند و تا آخرین، تا آخرین نفر و تا آخرین فشنگ قیام کردند؛ یعنی قرآن دارد از ایثار آنها تعریف می‌کند.

1- بروج / 4-8 .

2- آل عمران / 146 .

قرآن می‌فرماید: { وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ } (1) ابراهیم فداکاری کرد و تو ای پیغمبر! مأموری یاد ابراهیم را گرامی بداری. { وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ } (2) ای پیغمبر! تو مأموری نام مریم و سختی‌هایی را که به او چشیده شده، بیان کنی.

قرآن روضه می‌خواند و می‌گوید: { إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ * وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ * وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ * وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ * وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ؛ (3) روز قیامت نور خورشید گرفته می‌شود، دریاها به جوش می‌آید و مردم پا به فرار می‌گذارند، آن روز، {وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ } سؤال می‌شود که به چه گناهی این مظلوم را کشتید؟ پس در سوره شمس هم روضه خوانده شده است. { (4)

1- مریم / 4.

2- مریم / 16.

3- تکویر / 1 - 5.

4- تکویر / 8 - 9.

فصل اول: سیره عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) برای امام حسین (علیه السلام)

اشاره

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ عَلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا وَاخْتَارَ لَنَا شَيْعَةً يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَيَبْذُلُونَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ فَيْدًا وَإِلَيْنَا فَاؤُلُنكَ مَنَا وَإِلَيْنَا وَهُمْ مَعْنَا فِي الْجَنَّةِ؛ همانا خدای تبارک و تعالی ما را از میان زمینیان [برای هدایت بشر] انتخاب فرموده و برگزید، و برای ما پیروانی برگزید که ما را یاری می کنند، و در سرور و خشنودی ما خشنود و مسرور هستند و در حزن و اندوه ما محزون و اندوهناک، آنان مال و جان خود را در راه ما می دهند، سرشت آنان از ما می باشد و به سوی ما باز می گردند و در بهشت همنشین ما می باشند.» (1)

مجالس امام حسین (علیه السلام) در قیامت تحت عرش

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

« مَا مِنْ عَبْدٍ يُحْشَرُ إِلَّا وَعَيْنَاهُ بَاكِيَةٌ إِلَّا الْبَاكِينَ عَلَى جَدِّي الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فَإِنَّهُ يُحْشَرُ وَعَيْنُهُ قَرِيرَةٌ وَالْبِشَارَةُ تَلْقَاهُ وَالسُّرُورُ بَيْنَ عَلِيٍّ وَجِهِهِ وَالْخَلْقُ فِي الْفَزَعِ وَهُمْ آمِنُونَ وَالْخَلْقُ يُعْرَضُونَ وَهُمْ حُدَاثُ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) تَحْتَ الْعَرْشِ وَفِي ظِلِّ الْعَرْشِ لَا يَخَافُونَ سُوءَ يَوْمِ الْحِسَابِ يُقَالُ لَهُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ فَيَأْبُونَ وَيَخْتَارُونَ مَجْلِسَهُ وَحَدِيثَهُ وَإِنَّ الْحُورَ لَتُرْسِلُ إِلَيْهِمْ أَنَا قَدِ اشْتَقْنَاكُمْ مَعَ الْوَالِدَانِ الْمُحَلِّدِينَ فَمَا يَرْفَعُونَ رُءُوسَهُمْ إِلَيْهِمْ لِمَا يَرَوْنَ فِي مَجْلِسِهِمْ مِنَ السُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ؛ هر بنده ای با دیدگان گریان محشور می گردد، مگر گریه کنندگان بر جدم امام حسین (علیه السلام) که در حالی محشور می گردند که دیده اش روشن است و مژده به او می رسد و شادمانی بر چهره اش نمودار است. خلاق در

بیم و هراسند در حالی که اینان زیر عرش و در سایه آن با امام حسین (علیه السلام) هم سخن خواهند بود. از سختی روز حساب ترسان نیستند، به ایشان گفته می شود: داخل بهشت شوید، پس امتناع می ورزند و سخن و مجلس آن حضرت را بر می گزینند و همانا حوریان به آنها پیغام می دهند: ما اشتیاق شما را داریم، پس آن ها به سوی حورالعین سر بر نمی دارند، به جهت آنچه از خوشی و بزرگواری در مجلسشان می بیند.» (1)

عزاداری رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قبل از شهادت امام حسین (علیه السلام)

مصیبت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) به قدری عظیم است که قبل از آن که حضرت متولد شوند، هنگامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر شهادت امام حسین (علیه السلام) را به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) می دهند، ایشان بی تاب شده و گریبان خویش پاره می کنند.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«دَخَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَ عَيْنَاهُ تَدْمَعُ فَسَأَلَتْهُ مَا لَكَ؟!

فَقَالَ: إِنَّ جَبْرَيْلَ أَخْبَرَنِي أَنَّ أُمَّتِي تَقْتُلُ حُسَيْنًا فَجَزَعَتْ وَ شَقَّ عَلَيْهَا فَأَخْبَرَهَا بِمَنْ يَمْلِكُ مِنْ وُلْدِهَا فَطَابَتْ نَفْسُهَا وَ سَكَنَتْ؛

حضرت فاطمه (علیها السلام) به محضر مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و چشمان مبارک ایشان را گریان دید، از آن جناب پرسید: شما را چه می شود؟

حضرت فرمودند: جبرئیل به من خبر داده که امتم به زودی حسین (علیه السلام) را می کشند.

پس فاطمه (علیها السلام) به جزع آمده و دست برد و جامه خود را پاره کرد.

1- کامل الزیارات، 81، باب 26، ح 6؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 314، باب 49، ح 12077؛ بحار الانوار، ج 45، ص 207، باب 40، ح 13.

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: یکی از فرزندان این مولود مالک امور گشته و انتقام از قاتلین خواهد گرفت. پس از این خبر حضرت فاطمه (علیها السلام) اندکی آرام و نفس مبارکش تسکین یافت.» (1)

عزاداری رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام)

«حدثنا ابوسعید الاشج حدثنا ابوخلد الاحمر حدثنا رزین (2) قال حدثنی سلمی (3) قال دَخَلْتُ عَلٰی اُمِّ سَلَمَةَ وَ هِيَ تَبْكِي فَقُلْتُ: مَا يُبْكِيكِ؟ قَالَتْ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللّٰهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) تعنی فی الْمَنَامِ وَعَلٰی رَاسِهِ وَ لِحْيَتِهِ التُّرَابُ فَقُلْتُ مَا لَكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ شَهِدْتُ قَتْلَ الْحُسَيْنِ اَنفَاً؛

سلمی می گوید: بر ام سلمه وارد شدم در حالی که ایشان گریه می کردند، عرضه داشتم چرا گریانید؟

ایشان فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در خواب دیدم در حالی که موهای سر و محاسن ایشان خاک آلود بود، عرضه داشتم: یا رسول الله شما را چه شده است (چرا شما را به این حالت می بینم؟) ایشان فرمودند: هم اکنون شاهد کشته شدن حسین بودم.» (4)

همان طوری که در این روایات می بینید رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز برای امام حسین (علیه السلام) به گریه و عزاداری پرداخته اند آن هم سالیان قبل از واقعه عاشورا و شهادت ایشان که

1- کامل الزیارات، ص 57؛ بحار الانوار، ج 44، ص 233.

2- رزین: هو ابن حبیب الجهنی الکوفی بیاع الرمال، روی عنه احديث ابوخلد الاحمر، و ثقة ابن حنبل و ابن معین. الجرح و التعديل، ج 3، ص 508؛ حلیة الابرار، ج 4، ص 127، پاورقی.

3- سلمی: مولاة صفیة بنت عبدالمطلب، امراه ابی رافع و كانت قابله بنتی فاطمه بنت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، و هی التي ساعدت فی غسل الصدیقه الطاهره (علیها السلام) مع اسماء بنت عمیس امیرالمؤمنین (علیه السلام). (اسدالغابه، ج 5، ص 478؛ حلیة الابرار، ج 4، ص 127.

4- سنن ترمذی، ج 12، ص 195؛ فضائل الصحابه باب مناقب الحسن و الحسين (علیهما السلام)؛ حلیة الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار (علیهم السلام)، ج 4، ص 127، ح 16.

این خود حکایت از اهمیت و بزرگی این مطلب (عزاداری) دارد. آیا سیره و سنت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در اتفاقات فوق نمی تواند بهترین دلیل و حجت شرعی بر اقامه عزا برای امام حسین (علیه السلام) باشد؟

عزاداری حضرت فاطمه (علیها السلام) در محشر

حرکت حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) در عرصه محشر دلیلی محکم بر اقامه عزاداری بر شهادت امام حسین (علیه السلام) می باشد. و از این جهت تاسی به تنها یادگار پیامبر گرامی اسلام و وظیفه ارادتمندان به خاندان رسالت و پیروی از روش نیکوی آنان در تشکیل مجالس عزاداری امام حسین (علیه السلام) خواهد بود.

علی بن محمد شافعی مغازلی از ابواحمد عامر از حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) و آن حضرت از پدران گرامی اش از امیرالمؤمنین (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) این حدیث را نقل می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

تُحْشَرُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَعَهَا ثِيَابٌ مَصَّ بُوْعَةٌ بِدَمِ الْحَسَنِ فَتَتَعَلَّقُ بِقَائِمِهِ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ - فَتَقُولُ يَا عَدْلُ يَا جَبَّارَ احْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ قَاتِلِ وُلْدِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) فَيَحْكُمُ لِابْنَتِي وَرَبِّ الْكَعْبَةِ؛

هنگامی که روز قیامت فرا رسد دخترم فاطمه (علیها السلام) در حالی محشور می شود که لباس های خون آلودی با وی خواهد بود. آن گاه یکی از پایه های عرش خدا را می گیرد و می گوید: ای خدای عادل! بین من و قاتل فرزندانم حکم کن! سپس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به خدای کعبه سوگند! که خداوند برای دخترم [به حق] قضاوت می

کند؛ زیرا خداوند برای غضب فاطمه (علیها السلام) غضب می نماید و با رضایت وی راضی خواهد شد.» (1)

ریشه ها و سرچشمه های سنت عزاداری را باید در سال های قبل از واقعه کربلا جستجو کرد. شاهدان واقعه کربلا به بهترین شیوه قادر بودند زوایای این حادثه غمبار را برای مردم شرح دهند و با اقامه عزای امام حسین (علیه السلام) و یارانش، رسالت خود را در رسوا کردن حکومت به انجام رسانند و در این زمینه امام سجاد (علیه السلام) و حضرت زینب (علیها السلام) الگو و سرمشق بودند.

عزاداری کاروان اسرای آل الله (علیهم السلام)

حضرت زینب کبری (علیها السلام) با همراهان از شام بیرون آمد ولی در هر منزل از منزلگاه هایی که می رسید مجلس عزاداری به پا می کرد و وقایع جانسوز عاشورا را با احساسات پرشور بیان می کرد. (2)

کاروان اسرای کربلا هنگام بازگشت از کربلا به مدینه و گذر از شهرهای مسیر حرکت، به خصوص کوفه و شام، با اقامه عزای امام حسین (علیه السلام) و سایر شهدای کربلا همراه بود، به گونه ای که گریه و پشیمانی مسلمانان را به دنبال داشت.

می توان گفت: جملات منسوب به حضرت زینب (علیها السلام) در روز عاشورا پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) و هنگام عبور از کشته برادر، خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مرثیه های جانسوزی است که در گرمی داشت خاطره امام حسین (علیه السلام) و واقعه کربلا سروده اند.

1- مناقب علی بن ابیطالب (علیهما السلام) مغزلی، ص 66؛ ینابیع الموده قندوزی، ج 3، ص 47؛ کشف الغمه، ج 2، ص 269؛ عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج 2، ص 9، ح 21، باب 30. (ترجمه بحار الانوار، ج 43، ص 844).

2- جلوه های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، ص 78، به نقل از خصائص الزینبیه، ص 296.

قره بن قیس تمیمی (1) می‌گوید: « فراموش نمی‌کنم هنگامی را که زینب (علیها السلام) دختر فاطمه (علیها السلام) از کنار قتله گاه برادرش می‌گذشت در حالی که می‌گفت: یا محمداه! یا محمداه! ملانکه آسمان بر تو درود می‌فرستند، این همان حسین است زیر آسمان [ابی سایه‌بان] قرار گرفته، به خاک و خون آغشته و اعضایش قطعه قطعه شده است. یا محمداه! دخترانت اسیر گردیده، فرزندان کشته شده‌اند، باد صبا گرد و غبارش را بر آنان می‌گستراند. [قره که خود جزء لشکر عمر بن سعد بوده می‌گوید:] و الله [زینب] دوست و دشمن را به گریه انداخت به طوری که زنان ضجه زده، بر صورت‌های خویش سیلی می‌زدند. (2)

ابن طیفور در کتاب «بلاغات النساء» می‌نویسد: خدیج اسدی می‌گوید:

در سال 61 ه.ق که سال قتل (امام) حسین (علیه السلام) بود، وارد کوفه شدم، دیدم زنان کوفه گریبان چاک زده کریه می‌کنند و علی بن الحسین (علیهما السلام) را دیدم که با حالت بیماری خطاب به آنان گفت: بر مظلومیت و مصیبت ما گریه می‌کنید؟ و...» (3)

1- قره بن قیس تمیمی حنظلی از گزارشگران و از لشکریان عمر بن سعد در واقعه کربلا است. برخی از حوادث واقعه عاشورا مانند پیوستن حر بن یزید به امام حسین (علیه السلام)، عبور دادن اهل بیت امام بر اجساد شهدا و سخنان حضرت زینب کبری (علیها السلام) هنگامی که از کنار بدن برادرش می‌گذشت از وی نقل شده است. (ویکی شیعه) قره در روز سوم محرم پیام عمر بن سعد را به امام حسین (علیه السلام) رساند و قبل از رساندن پاسخ امام به عمر بن سعد، حبیب بن مظاهر از وی خواست تا به یاران امام حسین (علیه السلام) بپیوندند. (انساب الاشراف بلاذری، ج 3، ص 177)

2- نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا، ترجمه وقعه الطف، ص 193؛ تاریخ طبری، ج 5، ص 456، به نقل از ابی مخنف از ابوزهریر عبسی، و سبط ابن جوزی جملات حضرت زینب (علیها السلام) را هنگام عبور از قتله گاه همراه با کمی تعبیر نقل کرده است. ر.ک: تذکره الخواص، ص 256 به نقل از هشام بن محمد، وقعه الطف، ص 259-260؛ انسب الاشراف، بلاذری، ج 3، ص 206.

3- مواسات با سیدالشهداء (علیه السلام)، ص 40 به نقل از سنت عزاداری و منقبت خوانی در تاریخ شیعه امامیه، ص 20.

در برخی از روایات از خواب عجیب و عبرت انگیز همسر یزید ذکر شده که آن ملعون برای دلجویی و جلب رضایت اهل بیت امام حسین (علیه السلام) خواست آنان را برآورده نمود و اسرای اهل بیت (علیهم السلام) هفت روز برای امام حسین (علیه السلام) عزاداری، ندبه و سواگاری کردند. (1)

عزاداری امام رضا (علیه السلام)

در روایات است که امام رضا (علیه السلام) شخصاً اقدام به آماده سازی مجلس عزا می نمودند. هنگامی که دعبل (2) خواست اشعاری در مصائب سیدالشهداء (علیه السلام) در محضر ثامن

- 1- مواسات با سیدالشهداء (علیه السلام)، ص 40 به نقل از نصوص من تاریخ ابی مخنف، ج 1، ص 500.
- 2- نام اصلی وی محمد بن علی خزاعی و کنیه اش «ابوعلی» یا «ابوجعفر» به او می گفتند، که البته بیشتر به ابوعلی شهرت داشت. (الغدیر، ج 2، ص 368) دعبل خزاعی از ارادتمندان به خاندان اهل البیت (علیهم السلام) می باشد. جد اعلایش عبدالله بن بُدیل از صحابی رسول خدا و امیرالمؤمنین (علیهما السلام) که همراه سه برادرش در جنگ صفین در رکاب آقا امیرالمؤمنین (علیه السلام) به دست معاویه ملعون به شهادت رسید. دعبل در سال 148 قمری همان سال ولادت حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) در کوفه به دنیا آمد و از ابتدا با بغض اعدا آل الله و محبت ایشان رشد نمود. اشعار او در هجو خاندان خبیث عباسی و در مدح خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) شهره آفاق بود؛ لذا در محضر امام هشتم (علیه السلام) ابیات تائیه او در منقبت اهل بیت (علیهم السلام) مشهور و علامه مجلسی (قدس سره) و سید نعمت الله جزایری (قدس سره) شرحی بر آن دارند. خود آقا به او فرمودند: «یا خُزَاعِيُّ نَطَقَ رُوحُ الْقُدْسِ عَلَيَّ لِسَانِكَ بِهَذَا ذَيْنَ الْبَيْتَيْنِ؛ ای خزاعی! این اشعاری بود که روح القدس به زبان تو جاری ساخت». و حضرتش ده هزار درهم از سکه‌هایی که به نام خودشان ضرب شده بود و جامه شخصی خود را به او صلّه دادند و فرمودند بگو: وَقَبْرُ طُوسٍ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ . در بالای سر مبارک آقا دو بیت معروف تولایی و تبرایی او بر کاشی درشت نوشته شده: قَبْرَانِ فِي طُوسٍ خَيْرُ النَّاسِ كُلِّهِمْ وَقَبْرُ شَرِّهِمْ هَذَا مِنْ الْعِبَرِ مَا يَنْفَعُ الرَّجْسُ مِنْ قُرْبِ الزَّكِيِّ وَلَا عَلَيَّ الزَّكِيُّ بِقُرْبِ الرَّجْسِ مِنْ صَدْرٍ يَعْنِي دُو قَبْرٍ فِي شَهْرِ طُوسٍ اسْتَبْهَرْتَنِي وَبَدْتَنِي خَلْقِ خُدا (علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) و هارون ملعون) که این مایه عبرت است. آن پلید یعنی هارون منفعتی از این همجواری نمی برد و برای آقا هم ضرری نیست. مثل آن دو ملعونی که غاصبانه در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دفن شدند. (دعبل ابوذر امام رضا (علیه السلام)، ص 9)

الائمة (عليه السلام) قرائت کند، خود حضرت برخاستند و پرده‌ای نصب کردند، که در یک طرف آن دوستان و محبین و در طرف دیگر خانواده و منسوبین آن حضرت قرار گیرند و در مصائب جدشان امام حسین (عليه السلام) گریه کنند. (1)

امام رضا (عليه السلام) می‌فرماید: روز حسین (عليه السلام) چشم‌های ما را از کثرت گریه و اشک زخم کرده و اشک‌های ما را جاری ساخته و عزیز ما را در کربلا ذلیل نموده، و تا پروز قیامت اندوه و گرفتاری برای ما باقی گذاشته است، پس بر مثل حسین (عليه السلام) گریه کنندگان گریه کنند، چون گریه بر او گناهان بزرگ را می‌ریزد. (2)

همچنین امام رضا (عليه السلام) فرمودند:

این روزهای محرم، روزهای حزن و اندوهی است که بر ما اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است. (3)

1- احرام محرم، ص 56، به نقل از بحارالانوار، ج 45، ص 257.

2- امالی صدوق، مجلس 27، ج 2؛ بحارالانوار، ج 44، ص 283؛ روضه‌الواعظین، (ط قدیم)، ج 1، ص 170؛ مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 86.

3- بحارالانوار، ج 45، ص 257. (فاذا كان يوم عاشر كان ذلك اليوم يوم مصيبة و حزنه و بكائه و يقول هو اليوم الذي قتل فيه الحسين (عليه السلام)). (امالی صدوق، ص 128، مجلس 27).

فصل دوم: تشکیل مجالس عزا

اشاره

هر سال روز اول محرم تا روز عاشورا، پیراهن خونین و پاره پاره سیدالشهداء (علیه السلام) را از طرف عرش به طرف زمین معلق می‌نمایند. لذا از ابتدای محرم کلیه موجودات عالم علویه بلکه مادیات عوالم سفلیه که تعلق به آن حضرت دارند، منقلب و عزادار و محزون‌اند. (1)

امام حسین (علیه السلام) فرمود:

«قولوا لاولیائنا یهتمون فی اقامه مصائبنا؛

به دوستان و شیعیان ما بگویید در اقامه و برپایی (مجالس) عزا و مصیبت‌های ما همت و کوشش نمایند.» (2)

در زمان ائمه اطهار (علیهم السلام) نسبت به سخت‌گیری‌های حاکمان جور، (مجالس و عزاداری‌ها) شدت و ضعف داشته است. اما در هر زمانی عزاداری در منازل دوستان اهل بیت (علیهم السلام) ترک نشده است. (3)

شخصی خدمت امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: ما خادمه‌ای داریم که به آنچه ما از امامت و محبت شما اهل بیت معتقدیم اعتقاد ندارند؛ ولی هرگاه تقصیری از او سر می‌زند و می‌خواهیم او را مؤاخذه کنیم، ما را چنین قسم می‌دهد:

«لَا وَحَقِّ الَّذِي إِذَا ذَكَرْتُمُوهُ بَكَيْتُمْ؛ نه به حق کسی که وقتی او را یاد می‌کنید گریه می‌کنید»

امام (علیه السلام) در حق آن خانه دعا کردند و فرمود: رَحِمَكُمُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ. (4)

1- خصائص الزینبیه، ص 131، خصیصه 19.

2- منتهی الآمال، وداع حضرت با اهل بیت خویش.

3- احرام محرم، ص 30.

4- اختیار معرفه الرجال، ج 2، ص 634؛ بحار الانوار، ج 27، ص 104؛ مستدرک الوسائل، ج 12، ص 393؛ معجم رجال الحدیث، ج

12، ص 168.

این روایت دلالت دارد که در منازل شیعیان ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) می‌شده که آن کنیز چنین قسمی بر زبان جاری کرده است. (1)

در مورد کیفیت و مدت برگزاری مراسم عزاداری در حضور امامان شیعه (علیهم السلام) نیز از روایات و شواهد تاریخی بر می‌آید که بر خلاف ادعای پنهانی بودن این مراسم در زمان ایشان، امامان شیعه (علیهم السلام) برای رسیدن به اهداف مقدس خویش سعی می‌کردند این مراسم را به صورت دسته جمعی، حتی در صورت امکان با حضور خانواده خویش، علنی و در ملاء عام و در هر فرصت ممکن برپا دارند. (2)

در روایتی از حضرت امام رضا (علیه السلام) رسیده است:

« مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا وَبَكَى لِمَا أَزْنَكَبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ ذَكَرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَ أَبَكَى لَمْ تَبْكِ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛

آن کس که مصائب ما را به یاد آورد و بر مصائب ما بگرید، در قیامت با ما و در درجه ما خواهد بود و کسی که مصیب ما را به یاد دیگران بیندازد و خود بگرید و دیگران را بگریاند، روزی که چشم‌ها گریان است چشم او گریان نخواهد بود و کسی که در مجلسی بنشیند که امر ما (مکتب ما) در آن احیاء می‌گردد، روزی که دل‌ها می‌میرد قلب او نمی‌میرد...» (3)

1- احرام محرم، ص 30.

2- مواسات با سیدالشهداء (علیه السلام)، ص 42، به نقل از سنت عزاداری و منقبت خوانی در تاریخ شیعه امامیه، ص 42.

3- عیون اخبارالرضا (علیه السلام)، ج 1، ص 329؛ امالی طوسی، ج 1، ص 117؛ اقناع اللائم، سیدمحسن امین، ص 193؛ امالی، صدوق، ص 173، مجلس 16.

در سیره معصومان (علیهم السلام) می‌بینیم در خفقانی ترین شرایط برای امام حسین (علیه السلام) مجلس عزا برپا می‌کردند و گاه مجلس عادی را هم تبدیل به مجلس عزای امام حسین (علیه السلام) می‌ساختند.

برگزاری مجلس روضه در زمان تقیه

عَنْ سُفْيَانَ بْنِ مُصْعَبٍ الْعُبَيْدِيِّ (1)، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ: قُولُوا لِأُمَّ فَرَوَةَ تَجِيءُ فْتَسَمَعُ مَا صُنِعَ بِجَدِّهَا . قَالَ: فَجَاءَتْ فَفَعَدَّتْ خَلْفَ السُّتْرِ، ثُمَّ قَالَ: أَنْشِدْنَا، قَالَ فَقُلْتُ: فَرُو جُودِي بِدَمْعِكَ الْمَسْكُوبِ، قَالَ: فَصَاحَتْ وَصَدَّحْنَ النِّسَاءُ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): الْبَابُ الْبَابُ، فَاجْتَمَعَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ عَلَى الْبَابِ، قَالَ: فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) صَبِيًّا لَنَا عُشِيًّا عَلَيْهِ، فَصَدَّحْنَ النِّسَاءُ؛

سفیان بن مصعب عبیدی [شاعر اهل بیت (علیهم السلام)] گوید: به محضر امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدم. آن حضرت فرمودند: به ام فروه بگویند بیاید و مصائبی را که بر جدش

1- ابومحمد سفیان بن مصعب، از اصحاب گرانقدر امام صادق (علیه السلام) و از شعرای متعهد شیعی بوده است. وی به سال 104ق متولد شد. او با شعر خود به اهل بیت (علیهم السلام) تقرب جست و با صدق نیت و خلوص ارادت از مقبولین درگاه آنان گردیده است. شعر او متضمن بسیاری از مناقب مشهور امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و ستایش فراوانی از آن جناب و خاندان پاک اوست. شیوه کارش این بود که از امام صادق (علیه السلام) حدیثی را در مناقب عترت طاهره فرا می‌گرفت و آن را به نظم در می‌آورد و بر امام (علیه السلام) عرضه می‌کرد. مرحوم علامه امینی، سفیان بن مصعب را از شعرای غدیر شمرده و قسمتی از ابیات بلند او را در این باره و سایر فضائل علی (علیه السلام) و خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده است و نیز راجع به صحت مذهب و حسن عقیده او استدلال و تأکید کرده است. (الغدیر، ج 2، ص 294) امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: ای شیعیان! شعر عبیدی را به فرزندان خود بیاموزید که او بر دین خدا است. (اختیار معرفة الرجال، ج 2، ص 704) عبیدی کوفی به سال 178ق در کوفه از دنیا رفت. (الغدیر، ج 2، ص 297 و ادب الطّف، ج 1، ص 170).

وارد کردند، بشنود. راوی می گوید: ام فروه آمد و پشت پرده نشست. سپس حضرت به من فرمودند: برای ما شعر بخوان. من نیز این شعر را خواندم: ای ام فروه اشکهای جاری خود را هدیه کن و ارزانی مدار. در این هنگام فریاد گریه ام فروه بلند شد و تمام بانوان به گریه فریاد کردند. در این حال امام صادق (علیه السلام) هشدار دادند: درب خانه درب خانه [مراقب درب خانه باشید]. در اثر این صداها، مردم مدینه بر در خانه حضرت اجتماع کرده بودند. راوی می گوید: امام صادق (علیه السلام) کسی را به نزد آنان فرستاد تا بگوید: کودکی از ما غش کرد و بانوان برای این امر فریاد بر آوردند. (1)

نکات در این روایت:

- 1: در زمان وقوع این روایت، شرایط تقیه به حدی وبده است که در شهر مدینه که مأمّن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است، امام صادق (علیه السلام) و خانواده اش از طرف همسایگان، عابرین کوچه و خیابان و اغلب مردم مدینه مورد تهدید و خطر بوده اند.
- 2: خاندان اهل بیت (علیهم السلام) در هنگام ذکر مصائب کربلا آنچنان از خود بی خود شده و به گریه و عزاداری می پرداخته اند که فریاد گریه ایشان از درون اتاقها و پشت پرده ها به گوش همسایگان و عابرین کوچه می رسیده است.
- 3: امام صادق (علیه السلام) برای دفع خطر دشمنان به مردمی که اجتماع کرده بودند، فرمودند: کودکی از ما غش کرد. بر ما پوشیده است که آیا بعضی از کودکان و نوباوگان خانه حضرت که در مجلس عزای جدشان بودند، از ذکر این مصائب بی تاب شده و غش کردند و حضرت این خبر را برای دفع خطر دشمنان به مردم دادند، یا اشاره حضرت به آن کودکانی است که در کربلا از شدت تشنگی یا ضرب تازیانه و کعب نی غش کردند، یا در هنگام به آغوش گرفتن بدنهای بی سر و پاره پاره عزیزان خود از هوش رفتند و فریاد زنان در خانه حضرت در اثر شنیدن داستان مظلومیت آن کودکان است! (2)

1- الفروع من الکافی، (دارالکتب الاسلامیه، 1391ق)، ج 8، ص 216.

2- جلوه های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، ص 59.

منبر روضه خوانی امام سجاد (علیه السلام)

بشیر بن جذلم (1) می گوید: وقتی به نزدیکی شهر مدینه رسیدیم، حضرت امام سجاد علی بن الحسین (علیهما السلام) از مرکب فرود آمد: ... مرا امر نمود تا اشعاری در مرثیه سیدالشهداء (علیه السلام) بخوانم و بعد از خواندن اشعارم: «فخرج

ومعه مندیل یمسح بها دموعه و خلفه خادم معه کرسی، فوضعه له و جلیس علیه و هو یتماک عن العبرة، وارتفعت اصوات الناس بالبكاء و حنین انسوان و الجواری و الناس یعزونه من کل ناحیه فضجت تلك البقعة ضجة شديدة، فأوماً (علیه السلام) بیده الی الناس ان اسکتوا فسکتت فورتهم، فقال: ایها القوم! ان الله و له الحمد ابتلانا بمصائب جلیله و ثلمه فی الاسلام عظیمه، و داروا براسه فی البلدان من فوق عامل السنان، و هذه الرزیه التي لا مثلها رزیه. ایها الناس! فای رجالات منکم یسرون بعد قتله، ام ای فؤاد لا یحزن من اجله ام ایة عین تحبس دمعها و تصنّ عنا انهما لها فلقد بکت السبع الشداد لقتله و بکت البحار بامواجها و السماوات باركانها و الارض بارجائها و الاشجار باغضانها و الحیتان و لحج البحار و الملائكة المقربین و اهل السماوات اجمعون.

یا ایها الناس! ای قلب لا ینصدع لقتله ام ای فؤاد لا یحزن الیه ام ای سمع یرسم عذبه الثلمه التي ثلمت فی الاسلام و لا یصمّ.»

... آن حضرت از خیمه خارج شد در حالی که دستمالی در دست داشت که با آن اشک‌های خود را پاک می‌کرد و پشت سر او خادمی بود که صندلی‌ای به همراه

1- از یاران امام سجاد (علیه السلام) و شاعران صدر اسلام است در بازگشت کاروان اسیران کربلا از شام به مدینه به دستور امام سجاد (علیه السلام) قبل از کاروان به داخل شهر مدینه رفت و مردم را از رسیدن خاندان امام حسین (علیه السلام) با خبر ساخت. پدر وی شاعر بود و او نیز از شاعری بهره‌ای داشته است. (ادب الطف، شبر، سید جواد، دارالمرتضی، ج 1، ص 65) (سایت ویکی شیعه)

داشت. صندلی را برای حضرت قرار داد و آن حضرت بر روی آن نشست و در این حال حضرت نمی‌توانست جلوی اشک‌های خود را بگیرد و بی اختیار گریه می‌کرد.

[با دیدن این صحنه] صدای گریه مردم بلند شد. زنان و کنیزان با صدای بلند گریه می‌کردند و مردم از هر طرف حضرت را تعزیت می‌دادند. آن سرزمین یکسره ضجه و ناله شد و فریاد گریه مردمان شدت گرفت. در این هنگام حضرت با دست خود به مردم اشاره فرمود که ساکت باشند. جوشش مردم فرو نشست و ساکت شدند. آن‌گاه حضرت پس از حمد و ستایش خداوند و رسولش، خطاب فرمود:

ای قوم! به درستی که خداوند که حمد و سپاس مخصوص اوست، ما را مبتلا کرد به مصیبت‌های بزرگ و رخنه‌های عظیم که در اسلام به وجود آمد بیازمود. کشته شد ابوالفضل الحسین (علیه السلام) و عترت او!! و اسیر شدند زنان و فرزندان او!! و سر مقدس او را در شهرهای بر بلندای نیزه گرداندند!! و این مصیبتی است که هیچ مصیبتی به پایه آن نمی‌رسد.

ای مردم! حال، کدام یک از مردان شما بعد از کشته شدن او شادی می‌کنند؟ بلکه کدام قلبی است که برای او محزون نشود؟ یا کدام چشمی است که اشک خود را حبس کند و از فرو ریختن و جاری شدن آن بر ما بخل ورزد؟ در جایی که آسمان‌های مستحکم هفت‌گانه برای کشته شدن او گریه کردند و دریاها با موج‌هایشان گریه کردند و آسمان‌ها با پایه‌هایشان و زمین با گوشه‌اش و درختان با شاخه‌هایشان و ماهی‌ها و قعر دریاها و ملائکه مقرب و اهل آسمان‌ها همگی برای او گریه کردند.

ای مردم! کدام قلبی است که برای قتل او پاره پاره نشود؟ بلکه کدام دلی است که برای او به ترحم نیاید [و مشتاق او نشود] و کدام گوشه‌ای است که این رخنه و صدمه‌ای را که رخ داده بشنود و کر نشود؟» (1)

امام سجاد (علیه السلام) در طول 35 سال امامت خویش در هر شرایطی کربلا و عاشورا به یاد می‌آورد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«بکی علی بن الحسین (علیهما السلام) عشرين سنه و ما وضع بین یدیه طعام الا بکی»

امام سجاد (علیه السلام) بیست سال گریه کرد و هرگاه در مقابل آن حضرت غذایی گذاشته می شد، می گریست. ⁽¹⁾

هرگاه غذایی نزد حضرت گذاشته می شد چشمان مبارک حضرت پر اشک می شد، روزی یکی از خدمتگزاران آن حضرت گفت: یا بن رسول الله! آیا هنوز زمان پایان حزن و اندوه شما فرا نرسیده؟

حضرت فرمود:

« وَيَحْكُ إِنَّ يَعْقُوبَ النَّبِيَّ (علیه السلام) كَانَ لَهُ اثْنَا عَشَرَ ابْنًا فَغَيَّبَ اللَّهُ عَنْهُ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَأَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنْ كَثْرَةِ بُكَائِهِ عَلَيْهِ وَ شَابَ رَأْسُهُ مِنَ الْحُزْنِ وَ أَحْدَوْدَبَ ظَهْرُهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَانَ ابْنُهُ حَيًّا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا نَظَرْتُ إِلَى أَبِي وَ أَخِي وَ عَمِّي وَ سَبَعَهُ عَشْرًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مَقْتُولِينَ حَوْلِي فَكَيْفَ يَنْقُضِي حُزْنِي؛

وای بر تو! حضرت یعقوب دارای 12 فرزند بود، خداوند یکی از آنان را از جلوی چشمش پنهان نمود در حالی که فرزندش زنده بود، چشمان یعقوب از اندوه سفید شد. اما من در جلو چشمم شاهد بودم پدرم، برادرم، عمویم و هفده تن از اهل بیتم و گروهی از یاران پدرم را به قتل رساندند، چگونه اندوه من پایان می پذیرد. ⁽²⁾

مالک جهنی می گوید: امام باقر (علیه السلام) درباره روز عاشورا فرمود:

«ثُمَّ لِيَدْبِ الْحَسَدِ بَيْنَ (علیه السلام) وَ بَيْنِكِهِ وَ يَأْمُرُ مَنْ فِي دَارِهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَ يُقِيمُ فِي دَارِهِ مُصِدِّبَتَهُ بِأَظْهَارِ الْجَزَعِ عَلَيْهِ وَ يَتَلَقُونَ بِالْبُكَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فِي الْبُيُوتِ وَ يُعَزِّزُ بَعْضُهُمْ

1- مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 165؛ خصال، ج 2، ص 518.

2- کامل الزیارات، ص 107، ح 1؛ خصال، ج 2، ص 518؛ بحار الانوار، ج 46، ص 63، باب 5.

بَعْضًا بِمُصَابِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَأَنَا ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ لَهُمْ إِذَا احْتَمَلُوا ذَلِكَ أَنْ يُعْطِيَهُمْ ثَوَابَ الْفِي حِجَّةٍ وَعُمْرَةٍ وَغَزْوَةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ
الْإِثْمَةِ الرَّاشِدِينَ»

در روز عاشورا برای امام حسین (علیه السلام) زاری کرده و بگریید و اهل خانه را هم امر به گریستن به حضرت کنید، در خانه برای حضرت مجلس عزا بر پا کرده و داغ خویش را ابراز کنید و ضمن دیدار و ملاقات همدیگر بر آن حضرت گریه کنید و یکدیگر را در داغ امام حسین (علیه السلام) تعزیت دهید و هر کس این عمل را انجام دهد پس من برای آنها در نزد خداوند ثواب دو هزار حج و عمره و جهاد در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان راشدین (علیهم السلام) را ضمانت می‌کنم.» (1)

احیای امر اهل بیت (علیهم السلام)

همچنین این که روزهایی برای عزادای اختصاص یابد از سنت‌ها و سیره‌های اهل بیت (علیهم السلام) است. همان‌گونه که حضرت فاطمه (علیها السلام) ایامی را برای عزاداری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اختصاص داد؛ هم چنین اهل بیت (علیهم السلام) دستور داده اند که ایامی برای عزای اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه امام حسین (علیه السلام) اختصاص یابد و آن ایام را ایام حزن و اندوه بدانند و شادی نکنند.

اما رضا (علیه السلام) به دعبل (شاعر) فرمود:

«يَا دَعْبِلُ! أَحِبُّ أَنْ تُنْشِدَنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامَ أَيَّامَ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (علیهم السلام)؛ ای دعبل! دوست دارم که برایم شعری بسرای و بخوانی، چرا که این روزها (ایام عاشورا) روز اندوه و غمی است که بر ما خاندان رفته است.» (2)

1- بحارالانوار، ج 46، ص 174، باب 71، ثواب من زار الحسين عليه السلام.

2- جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 567؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 386، باب 83.

برگزاری مراسم عزادای در حقیقت احیاء خط اهل بیت (علیهم السلام) است تا این که جامعه از حقیقت مقامات و مقاصد اهل بیت (علیهم السلام) دور نشوند و در همان مسیر آنها، سبک زندگی خود را انتخاب کرده و عمل نمایند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«... تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَذَاكُرُوا أَمْرًا وَ أَحْيَاةً؛ به زیارت و دیدار یکدیگر بروید، با هم به سخن و مذاکره بنشینید و امر ما را زنده کنید.» (1)

مجالس حسینی (علیه السلام) یکی از مهم‌ترین شیوه‌های احیای امر اهل بیت (علیهم السلام) و مقاصد و مطالب ایشان است.

این‌گونه مجالس را دوست دارم

تاکید و سفارش معصومان (علیهم السلام) به تشکیل مجالس عزا در خانه‌های خود

«تَجَلِّسُونَ وَ تَتَحَدَّثُونَ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ نَعَمْ قَالَ إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا فَأَحْبِبُوا أَمْرَنَا إِنَّهُ مَنْ ذَكَرَنَا وَ يَا فَضِيلَ مَنْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذُّبَابِ عَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ» (2)

امام صادق (علیه السلام) از فضیل بن یسار پرسید:

آیا مجالس عزا بر پا می‌کنید و از اهل بیت (علیهم السلام) و آنچه بر آنان گذشته است، صحبت می‌کنید؟

فضیل گفت: آری قربانت گردم.

امام فرمود: این‌گونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده گردانید که هر کس امر ما را زنده کند، مشمول لطف خدا قرار می‌گیرد. فضیل، هر کس از ما

1- بحار الانوار، ج 71، ص 352؛ امالی، طوسی، مجلس 2، ص 60؛ مجموعه ورام، ج 2، ص 179.

2- وسائل الشیعه، ج 14، ص 501، باب 66، ح 19691؛ بحار الانوار، ج 44، ص 282؛ قرب الاسناد، ص 36.

یاد کند یا نزد او از ما یاد کنند و به اندازه بال مگسی اشک بریزد، خدا گناهانش را می‌آمزد، اگر چه بیش از کف دریا باشد.»

شبه همین روایت از امام صادق (علیه السلام) در کتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال شیخ صدوق آمده است که:

«حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ تَجَلِّسُونَ وَتَتَحَدَّثُونَ قَالَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ نَعَمْ قَالَ إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا فَأَحِبُّوا أَمْرَنَا إِنَّهُ مَنْ ذَكَرَنَا وَذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الدُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ» (1)

بکر بن محمد ازدی گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: شما خاندان آیا گرد هم می‌نشینید و ذکر احادیث ما می‌کنید؟

گفتم: قربانت گردم آری،

فرمود: راستی که این نوع مجالس را دوست دارم و بدان علاقمندم، آری امر ما را زنده کنید؛ زیرا هر کس ما را یاد کند، یا نزد او یادی از ما بشود، و به اندازه بال مگسی از دیده اش اشک جاری گردد، خداوند همه گناهان او را اگر چه به اندازه کف‌های دریا باشد بیامرزد.

شرح: این حدیث شریف از نظر سند در درجه اعلای صحّت است، و راوی آن بکر بن محمد ازدی خود اهل کوفه و ثقّه و از خاندانی است بس جلیل که همه از شیعیان و مخلصین و طرفداران اهل بیت عصمت (علیهم السلام) هستند، عمّه اش «غنیمه» از روایت امام صادق و موسی بن جعفر (علیهم السلام) است، و پسر عمّش «موسی بن عبد السلام» نیز از اصحاب امام صادق و موسی بن جعفر (علیهم السلام) است، و دو عمویش شدید بن عبد الرحمن و عبد السلام بن عبد الرحمن هر دو از طرفداران سر سخت اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشند و بدین سبب هم زندانی شدند و مدّتی در زندان بسر بردند، فضل ابن شاذان از ابن ابی

عمیر از بکر بن محمد از زید شحّام روایت کرده گوید: من با امام صادق (علیه السلام) مشغول طواف کعبه بودیم و دست من در دست امام (علیه السلام) بود در حالی که امام می‌گریست فرمود: ای شحّام! فهمیدی که خداوند با من چه کرد؟

این می‌گفت و اشک می‌ریخت و دعا می‌کرد، عرض کردم بفرمایید، امام (علیه السلام) فرمود: ای شحّام! من از خدا خواستم این دورا به من ببخشد و از زندان خلاصشان کند، خدا دعایم را در باره آن دو مستجاب فرمود و هر دو آزاد شدند.

پس این خاندان که به غامدیین معروفند جملگی از موالیان و هواداران خاندان عصمتند و امام (علیه السلام) به این چنین مردی فرمود مجالس شما را دوست دارم و اشک چشم شما موجب غفران گناهان شما است، و این جهت را در بیان حدیث باید رعایت نمود و به عموم «من» در جمله «من ذکرنا أو ذکرنا عنده» نباید تمسک کرد به نحوی که موجب تجزّی بی‌مایگان و یا مردم بی‌بندوبار شود، و واضح است که مورد این قبیل روایات شیعیان خالص و شایسته اند که در اعتقاد به ولایت راسخند، و در شناخت اولی الامر کاملاً عارفند، و در راه ترویج مرام ایشان (علیهم السلام) جان نثار و کوشایند. (1)

برگزاری مراسم سوگواری در خانه‌ها نیز سنت و سیره اهل بیت (علیهم السلام) است.

وثاقت فضیل بن یسار

شیخ کشی در فضل و بزرگی این فقیه چنین می‌گوید: «تمام عالمان و دانشمندان شیعه بر عدالت و وثاقت فضیل اتفاق داشته و احادیث او را صحیح می‌دانند و او را فقیه ترین یاران امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) دانسته‌اند.» (2)

نجاشی می‌گوید: فضیل بن یسار اصالتاً عرب و از اهل بصره بود و چهرهٔ موجهی است که از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت نقل می‌کند.» (3)

1- ثواب الاعمال، ترجمه غفاری، ص 416.

2- طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج 2، ص 517.

3- خوبی، معجم رجال الحدیث، ج 13، ص 335.

شیخ طوسی در رجال خود به وثاقت او تصریح کرده است. (1)

علامه حلی نیز او را فقیهی موجه و محدثی بسیار جلیل القدر دانسته است. (2)

بنابراین جمیع ناقلان این حدیث، امامی و مورد اطمینان بوده و این روایت صحیح محسوب می شود.

امام محمد باقر (علیه السلام) می فرماید:

«.. ثم ليندب الحسين (عليه السلام) و يبكيه و يأمر من في داره بالبكاء و يقيم في داره مصيبته باظهار الجزع عليه و يتلاتون بالبكاء بعضهم بعضاً في البيوت و ليعز بعضهم بعضاً بمصاب الحسين (عليه السلام)؛ سپس باید بر امام حسین (علیه السلام) ندبه و گریه کند و اهل خانه اش را به گریه بر او امر کند و مجلس مصیبت را با آشکار نمودن جزع بر آن بزرگواران در خانه اش برپا کند. اهل مجلس همدیگر را در مصیبت امام حسین (علیه السلام) تعزیت و تسلیت بگویند...» (3)

حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ وَغَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْهَمْدَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ وَصَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ جَمِيعاً عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدِ الْحَضَرَمِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مَالِكِ الْجَهَنِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ (عليه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) يَوْمَ عَاشُورَاءَ مِنَ الْمُحَرَّمِ - حَتَّى يَظُلَّ عِنْدَهُ بِأَكْبَا لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِثَوَابِ أَلْفِي [أَلْفِ] حِجَّةٍ وَ أَلْفِي [أَلْفِ] عُمْرَةٍ - وَ أَلْفِي أَلْفِ غَزْوَةٍ وَ ثَوَابِ كُلِّ حِجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ غَزْوَةٍ كَثُوبٍ مِنْ حَجٍّ وَ اعْتَمَرَ وَ غَزَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) وَ مَعَ الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ - فَمَا لِمَنْ كَانَ فِي بُعْدِ الْبِلَادِ وَ أَقَاصِيهَا وَ لَمْ يُمَكِّنْهُ الْمَصِيرُ [الْمَسِيرُ] إِلَيْهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ

1- نجاشی، رجال النجاشی، ص 310.

2- طوسی، رجال الطوسی، ص 134.

3- کامل الزیارات، ص 175.

إِذَا كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ بَرَزَ إِلَى الصَّحْرَاءِ أَوْ صَدَّ عَدَّ سَطْحًا مُرْتَفِعًا فِي دَارِهِ وَأَوْمَأَ إِلَيْهِ بِالسَّلَامِ وَاجْتَهَدَ عَلَى قَاتِلِهِ بِالدُّعَاءِ وَصَلَّى بَعْدَهُ رُكْعَتَيْنِ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي صَدْرِ النَّهَارِ قَبْلَ الزَّوَالِ ثُمَّ لِيَدُ الْاِحْسَانِ (عليه السلام) وَيَبْكِيهِ وَيَأْمُرُ مَنْ فِي دَارِهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَيَقِيمُ فِي دَارِهِ مُصِيبَتَهُ بِإِظْهَارِ الْجَزَعِ عَلَيْهِ وَيَتَلَقَّونَ بِالْبُكَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فِي الْبُيُوتِ وَيُعَزِّزُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِمُصَابِ الْاِحْسَانِ (عليه السلام) فَأَنَا ضَامِنٌ لَهُمْ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ جَمِيعَ هَذَا الثَّوَابِ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَأَنْتَ الضَّامِنُ لَهُمْ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ وَالزَّعِيمُ بِهِ قَالَ أَنَا الضَّامِنُ لَهُمْ ذَلِكَ وَالزَّعِيمُ لِمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ فَكَيْفَ يُعْزَى بَعْضُهُمْ بَعْضًا قَالَ يَقُولُونَ عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحَسَنِ (عليه السلام) وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِأَرْوَاحِهِمْ وَلِيَّهِ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم). (1)

امام (عليه السلام) فرمودند:

وی در چنین روزی به صحراء رفته یا به پشت بام بلندی در خانه اش برآید و با سلام به حضرت اشاره کرده سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.

البته توجه داشته باشد که این زیارت را در روز قبل از ظهر انجام دهد، سپس برای امام حسین (عليه السلام) ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فزع بر آن جناب در خانه اش اقامه مصیبت نمایند و مواظب باشند هر گاه اهل خانه یک دیگر را ملاقات کردند با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبد الله الحسین (عليه السلام) تسلیت دهند و در صورتی که به این دستورهایی که داده شد عمل کنند من ضامن می شوم که حق تعالی تمام ثواب هائی که ذکر شد را به ایشان اعطاء فرماید.

محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم شما برای ایشان ضامن این ثواب‌ها می شوید؟

حضرت فرمودند:

در صورتی که به دستوره‌ای داده شده عمل کنند البته من ضامن آن می باشم.

علقمه می گوید: محضر مبارک امام (علیه السلام) عرض کردم: اگر بعضی خواهند برخی دیگر را تسلیت بدهند چگونه و چه بگویند:

حضرت فرمودند:

بگویند: عَظَّمَ اللَّهُ اجورنا بمصابنا بالحسین (علیه السلام)، و جعلنا و إياکم من الطالبین بثاره مع ولیّه الإمام المهدی من آل محمّد صلوات الله علیهم (خداوند متعال اجرها و ثواب های عزادار بودن ما را برای امام حسین (علیه السلام) زیاد گردانده و ما و شما را در رکاب ظفر قرین ولیّ آن حضرت، حضرت امام مهدی قائم آل محمّد صلوات الله علیهم اجمعین از طلب کنندگان خون آن جناب قرار دهد). (1)

آن حضرت در روز عاشورا برای امام حسین (علیه السلام) مجلس عزا بر پا نموده و بر مصائب آن حضرت گریستند. (2)

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زیارت ناحیه مقدسه، خطاب به جد بزرگوارشان امام حسین (علیه السلام) عرضه می دارند:

«مجالس ماتم برای شما در اعلیٰ علین برپا شد و حوریان بهشتی بر سر و صورت زدند و آسمان و ساکنانش گریستند.» (3)

1- کامل الزیارات-ترجمه ذهنی تهرانی، ص 581 و 580.

2- اشک حسینی سرمایه شیعه، ص 63، به نقل از مصباح المتعجد، ص 713.

3- بحار الانوار، ج 101، ص 323.

خدمتگزاری در مجالس عزا

خدمتگزاری در آستان اهل بیت (علیهم السلام) گذشته از اجر و ثوابی که دارد، تأسی به امام معصوم (علیه السلام) نیز هست که حضرت زین العابدین (علیه السلام) برای زنان عزادار فاطمیات و علویات غذا آماده می کردند. (1)

در حدیث قدسی آماده است:

هر درهم و دیناری که در راه امام حسین (علیه السلام) مصرف شود، خداوند هفتاد هزار برابر آن را در دنیا برکت می دهد. (2)

باید در راه عزاداری سید الشهداء (علیه السلام) از مال و هستی خود تا حد امکان دریغ نکنیم تا مشمول کلام امام علی (علیه السلام) شویم که می فرماید:

« وَ يَبْدُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ فِينَا ...؛ آنان که در راه ما، مال و جان خود را بذل می کنند...» (3)

امام صادق (علیه السلام) در حق صرف کنندگان اموال در راه عزای امام حسین (علیه السلام) چنین دعا فرمودند:

«اغْفِرْ لِي وَإِخْوَانِي وَزُورِ قَبْرِ أَبِي الْحُسَيْنِ الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَأَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِي بَرِّنَا وَرَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فِي صَلَاتِنَا وَسُرُوراً أَدْخَلُوهُ عَلَيَّ نَبِيَّكَ ...؛ بارالها! مرا و برادران مرا که مال خود را از روی میل در راه نیکی به ما و امید به فضل تو و صلۀ ما و مسرور نمودن نبی تو انفاق کردند، بپارز...» (4)

1- احرام محرم، ص 80 به نقل از وسائل الشیعه، ج 3، ص 283؛ نفس المهموم، ص 473.

2- احرام محرم، ص 54.

3- خصال، ج 2، ص 635؛ تحف العقول، ص 123.

4- کافی، ج 4، ص 582؛ کامل الزیارات، ص 228؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 412.

فصل سوم : بذل مال / انفاق ما در عزاداری امام حسین (علیه السلام)

اشاره

اصولاً هر آنچه در جامعه اسلامی از ارزش و اهمیت والایی برخوردار است، پذیرایی و اطعام نمودن اندیشه ای است که ریشه در اعتقادات، سنت ها و باورهای مردم دارد و در بین سایر جوامع زبانزد خاص و عام است. موضوع بحث و مشترک بین تمامی جوامع است، که از زمان های بسیار دور و در میان تمام ملل و اقوام مختلف وجود داشته است و همه انسان ها با هر خصوصیت، تیره و نژادی در هر منطقه دنیا که زندگی می کنند، این خصیصه را در جان و دلشان ثبت کرده و این کار پسندیده را ارج می نهند و به آن عمل می کنند.

این خصلت بسیار خوب و نیک، با ظهور دین مقدس اسلام در بین جوامع و پذیرش آن از طرف مردم برای همیشه ثبت و جاودانی شد و دین مبین اسلام، این خصلت نیک را تأیید و بر آن تأکید می کند.

انفاق اموال

انفاق مال در مواد مختلف جهت عظمت نام اهل بیت (علیهم السلام) بالاخص عزاداری حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) از مهم ترین و بالاترین اعمال است.

بذل مال در عزای سیدالشهداء (علیه السلام) از آثار حزن و اندوه بر آن بزرگوار است. عده ای از کثرت محبت و وفای به اهل بیت (علیهم السلام) و احساس مسئولیت در این امر مهم اموالی را قرض می کنند تا در عزای امام حسین (علیه السلام) اطعام و پذیرایی کنند. عده ای در طول سال مبلغی را جهت پذیرایی از عزاداران حسینی (علیه السلام) پس انداز می کنند. گروهی از دوستان اهل بیت (علیه السلام) اضافه بر پرداخت خمس مال خود، یک دهم یا کمتر و بیشتر از سود مال خود را با امام حسین (علیه السلام) شریک می شوند، تا در راه عزاداری حضرت قدمی برداشته باشند و مالشان نیز برکت پیدا کند.

مبالغ بسیاری توسط افراد متمکن در ایام عزاداری صرف آذوقه، گوشت، برنج، قند و چای و غیره می‌شود. این مبالغ مخصوصاً در جاهایی که افراد مستمند هستند کمکی به قرا به حساب می‌آید. بارها دیده شده که افراد بی بضاعت سرسفره و یا وقت رسیدن غذا به منزل آنها بانی و ساعی را دعا نموده‌اند. این علاوه بر عنایت خداوند و اهل بیت (علیهم السلام) بالاخص امام حسین (علیه السلام) برکت در مال و توفیق در صالح اعمال است.

گاهی با خرید پرچم و کتیبه و پارچه مشکی انفاق می‌کنند. گاهی با خرید چند تابلوی مربوط به عزاداری، نام امام حسین (علیه السلام)، مناظری از کربلای معلی و مکان‌های زیارتی و سفره و دیگر لوازم پذیرایی، گاهی با خرید پرده برای جلوی عزاخانه امام حسین (علیه السلام)، گاهی با خرید فرش زیر پای عزاداران و گاهی با خرید وسیله‌ای برای گرما یا خنکی مکان عزاداری انفاق می‌کند.

جلوه‌هایی از صرف اموال در عزاداری

سفارش اکید برای صرف اموال در عزای امام حسین (علیه السلام)، نه تنها از چهارده معصوم (علیهم السلام) رسیده، بلکه سابقه آن به دوران انبیای گذشته باز می‌گردد.

حدیث اول:

در حدیث مناجات حضرت موسی (علیه السلام) با خداوند متعال است:

در آنجا که از خداوند سؤال کرد: پروردگارا! چرا امت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را بر سایر امتها برتری دادی؟

خداوند فرمود: به جهت ده خصلت.

حضرت موسی (علیه السلام) عرض کرد: آن خصلت‌ها که امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) عمل می‌کنند، کدام است تا من نیز به بنی اسرائیل دستور دهم به آنها عمل کنند؟

خداوند تعالی فرمود: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، جمعه، جماعت، قرآن، علم و عاشورا.

حضرت موسیٰ (علیه السلام) سؤال کرد: پروردگارا عاشورا چیست؟ [و چگونه عملی است؟]

خداوند فرمود: گریه کردن و خود را به گریه زدن [تلاش برای گریه] بر فرزند دختر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و مرثیه خوانی و عزاداری در مصیبت فرزند مصطفیٰ (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

هیچ بنده‌ای نیست که از مال خود به اندازه درهم یا دیناری در راه محبت فرزند دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، طعام یا چیز دیگری را انفاق کند، مگر آنکه برکت دهم برای او در عالم دنیا هر دره‌می را به هفتاد مقابل و بهشت ارزانی او خواهد بود و گناهان او را خواهم بخشید.

به عزت و جلالم قسم! هر مرد یا زنی، در روز عاشورا یا روز دیگر، یک قطره اشک از چشمش [در عزای بر حسین (علیه السلام)] جاری شود، برای او اجر صد شهید نوشته خواهد شد. (1)

حدیث دوم:

امام صادق (علیه السلام) در حق صرف کنندگان اموال در راه عزای امام حسین (علیه السلام) چنین دعا فرموده‌اند:

اغْفِرْ لِي وَإِخْوَانِي، وَ لِزُورِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ، وَأَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ، رَغْبَةً فِي بَرِّنَا، وَ رَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فِي صِدْقِ لِسَانِنَا، وَ سُرُورًا أَدْخَلُوهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ إِجَابَةً مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا، وَ غَيْظًا أَدْخَلُوهُ عَلَى عَدُوِّنَا، أَرَادُوا بِذَلِكَ رِضْوَانَكَ.

فَكَافِهِمْ عَنَّا بِالرِّضْوَانِ، وَ اكْتَلَاهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، وَ اخْلُفْ عَلَى أَهْلِيهِمْ وَ أَوْلَادِهِمْ الَّذِينَ خُلِّفُوا بِأَحْسَنِ الْخَلْفِ، وَ اصْدَحِبْهُمْ، وَ اكْفِهِمْ شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، ...، وَ أَعْطِهِمْ أَفْضَلَ لِمَا أَمَلُوا مِنْكَ فِي غُرْبَتِهِمْ عَنْ أَوْطَانِهِمْ، وَ مَا آثَرُونَا عَلَى أَبْنَائِهِمْ وَ أَهْلِيهِمْ وَ قَرَابَاتِهِمْ ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ، وَ تِلْكَ الْأَبْدَانَ، حَتَّى تُرَوِّبَهُمْ مِنَ الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ.

بار الها! مرا و برادران مرا که مال خود را از روی میل در راه نیکی به ما و امید به فضل تو و صلۀ ما و مسرور نمودن نبی تو انفاق کردند بیامرز.

بار الها! در مقابل این نیکی آنان را در رضوان خود جای ده و شب و روز از نعمت‌های بهشتی به آنان بچشان، و از شر هر جبار بد اندیش حفظ کن، و به آنان و فرزندان و خانواده و نزدیکانشان در قبال آنچه فدای ما کرده‌اند بیشتر و بهتر از آنچه به آن امید و آرزو دارند عطا کن.

خدایا! این روح‌ها و بدن‌ها را نزد تو امانت می‌گذارم تا آنچه به آنها وعده داده‌ایم در روز تشنگی (قیامت) در کنار حوض وفا کنیم. (1)

حدیث سوم:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا وَاخْتَارَ لَنَا شَيْعَةً يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَيَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ فِيْنَا أَوْلِيَّكَ مِنَّا وَإِلَيْنَا.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود:

به درستی که خداوند بر زمین مطلع شد [و نظر کرد] و ما اهل بیت (علیهم السلام) را انتخاب فرمود و برای ما شیعیانی را انتخاب فرمود که ما را یاری و نصرت کنند و برای شادی ما شاد شوند و با غم و حزن ما غمگین شوند و اموال خود و جان‌هایشان را در راه ما بذل کنند. آنها از ما هستند و به سوی ما می‌آیند. (2)

حدیث چهارم:

امام حسین (علیه السلام) فرمودند:

1- کافی، ج 4، ص 582؛ کامل الزیارات، ص 116، باب 40؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 412؛ بحارالانوار، ج 98، ص 52، ح 8؛ ثواب الاعمال، ص 95؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 231، باب 26، ح 11914؛ مزار ابن المشهدی، ص 334؛ روضه المتقین، ج 5، ص 368؛ مرآة العقول، ج 18، ص 309، ح 11.

2- بحارالانوار، ج 44، ص 287.

من دوستانی دارم که برای ما عزاداری و سوگواری می‌نمایند و در راه ما اموال خود را صرف می‌کنند و از جان خود هم دریغ نمی‌کنند و اشک از دیدگان جاری می‌نمایند و از راه دور و نزدیک ما را زیارت می‌کنند. بدانید وقت مردن و شب اول قبر به دیدار آنان می‌آیم و مادرم زهرای مرضیه (علیها السلام) برای ایشان اشک جاری می‌کند و اقامه عزاداری جهت آنان می‌نماید و روز قیامت آنها را شفاعت کرده و داخل بهشت می‌نمایم. [\(1\)](#)

بدون تردید نصرت و یاری ائمه اطهار (علیهم السلام) با بذل مال، محب را به ائمه (علیهم السلام) نزدیکتر می‌نماید.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) می‌فرماید: « مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَنَا بِبَيْدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْعُرْفَةِ الَّتِي نَحْنُ فِيهَا ...؛ هر کس ما را به دل و زبان و دست دوست بدارد با ما در بهشت در غرفه‌ای است که ما هستیم. » [\(2\)](#)

سنت‌های حسنه در انفاق مال

در اکثر شهرها و روستاهای شیعه نسبت یکی از باقیات صالحات که اجر و ثواب بسیاری دارد، وقف در اموال جهت عزاداری سیدالشهداء (علیه السلام) است. کمتر جایی پیدا می‌شود که جه عزاداری سیدالشهداء (علیه السلام) موقوفه‌ای نداشته باشد؛ که از در آمد حاصل از آن موقوفه، قند و چای و فرش و برنج و گوسفند و روغن و غیره برای اطعام و پذیرایی عزاداران امام حسین (علیه السلام) تهیه می‌شود.

1- نهضت حسینی، حاج شیخ علی فلسفی نقل از بحرالمصائب تبریزی، ج 1، ص 287.

2- امالی شیخ مفید، ص 33؛ بحار الانوار، ج 27، ص 101.

در بعضی مناطق اطعام برای امام حسین (علیه السلام) در دهه اول محرم برقرار است. عده‌ای تا اربعین و برخی دو ماه محرم و صفر را هم ادامه می‌دهند. بعضی در ایام شهادت دیگر معصومین (علیهم السلام) هم اطعام و پذیرایی می‌کنند.

آیت الله بروجردی (قدس سره) وصیت فرمود: ثلث اموال ایشان وقف عزاداری حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) و سایر ائمه بشود. (1) علمای گذشته و مخلصین در عزای سیدالشهداء (علیه السلام) و ارادتمندان به اهل بیت (علیهم السلام) بذل و انفاق مال در عزاداری در حیات و بعد از فوتشان را، از بزرگ‌ترین و بهترین سنت‌ها می‌دانسته‌اند.

یکی از خواص مهم انفاق مال در راه اهل بیت (علیهم السلام) بالاخص در عزای سیدالشهداء (علیه السلام) ترویج مذهب شیعه و تبلیغ ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و تعظیم شعائر الله (2) است، که تعظیم ولایت اهل بیت (علیهم السلام) و نام مبارک ایشان خواهد بود.

تهیه غذا و اطعام در عزاداری

یکی از سنت‌های عزاداری امام حسین (علیه السلام) مخصوصاً در ایران - که گذشت زمان نه تنها تأثیری بر آنها نداشته بلکه روز به روز وسعت بیشتری یافته - نذری پزان در روزهای ماه محرم و صفر خصوصاً روز عاشورا است. نوع غذا در کشورهای مختلف و شهرهای مختلف متناسب با آداب و رسوم همان منطقه است. هر کس سعی دارد به طریقی در این راه قدم بردارد. عده‌ای هم حوائجشان برآورده شده، و نذری می‌دهند.

تمام شیعیان و محبین به احترام سیدالشهداء (علیه السلام) غذا تهیه نموده، به دوستان و عزاداران امام حسین (علیه السلام) هدیه می‌دهند و به این عمل خود افتخار می‌نمایند.

1- عزاداری سنتی شیعیان، ج 2، ص 120.

2- «و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب». (حج/32).

کسانی که قصد غذا دادن دارند، سعی کنند مجلس را با عظمت و سخاوت برگزار کنند و غذا را به مقداری تهیه کنند که به همه برسد. از بهترین مواد استفاده کنند و در بهترین ظروف منزل از عزاداران پذیرایی کنند. چنان که خداوند می فرماید: «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون؛ هرگز به نیکی دست نمی یابید تا انفاق کنید از آنچه دوست دارید.» (1)

با این ضابطه بهترین ها را برای بهترین های عالم باید صرف کرد. در حدیث شریف آمده است: آن چیزی را که از همه بیشتر دوست دارید در اه اهل بیت (علیهم السلام) انفاق کنید. (2)

نمونه های جالبی برای اهدای بهترین ها در مجالس عزاداری به چشم می خورد. در فصل گرما، بر سر راه ها و جلوی حسینیه ها و تکایا و مساجد، ظرف های مخصوص آب سرد پوشیده با پارچه های مشکی همراه با جملاتی از قبیل «سلام بر حسین»، «فدای لب تشنه ات یا حسین»، «لعنت بر یزید» به چشم می خورد.

حدیث اول:

عن الصادق (علیه السلام): ... وکان علی بن الحسین (علیهما السلام) يعمل لهن الطعام للمآتم..؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: .. حضرت علی بن الحسین امام سجاد (علیه السلام) برای زنانی که [در مصیبت اما حسین (علیه السلام)] مجلس ماتم بر پا کرده بود غذا می پخت ... (3)

حدیث دوم:

فی الحدیث: من سقی یوم عاشورا عند قیر الحسین (علیه السلام) کان کمن سقی عسکر الحسین (علیه السلام) و شهد معه؛

1- آل عمران/ 92.

2- بحار الانوار، ج 93، ص 216؛ دعائم الاسلام، ج 1، ص 58.

3- معالی السبطين، ج 2، ص 200.

در روایت است که: هر کس در روز عاشورا نزد قبر امام حسین (علیه السلام) به مردم آب بدهد مانند کسی است که به لشکر امام حسین (علیه السلام) آب داده باشد و با امام حسین (علیه السلام) در لشکر او همراه و حاضر بوده باشد.» (1)

طبق این دو حدیث، خوشا به سعادات کسانی که در مجالس عزاداری و ایام مناسبات اهل بیت (علیهم السلام) مسئولیت تهیه و طبخ غذا و رساندن آب و غذا به عزاداران را به عهده می‌گیرند و با تحمل زحمت این کار چه بسا خود ظاهراً از شرکت در مجلس محروم می‌شوند، ولی در نهایت موفق به درک فیض عظیم اقامه عزا و برپا نمودن محافل اهل بیت (علیهم السلام) می‌شوند. و چه بسا مؤمنین غالباً کراماتی از اهل بیت (علیهم السلام) در هنگام تهیه مقدمات مجالس عزا و خصوصاً تهیه غذا در این مجالس مشاهده کرده‌اند که گویای اهمیت دادن حضرات معصومین (علیهم السلام) به این امر است. در این جا خوب است به یک قضیه در این باب اشاره کنیم:

علامه دربندی (قدس سره) در کتاب اسرار الشهادات می‌فرماید:

بدان که در گفته‌های جمعی از صالحان و افرادی که در نقل موثوق هستند چنین آمده: جماعتی از زنان اهل بحرین و قطیف در بعضی مجالس عزا امور عجیبی مشاهده کردند، من جمله این که: در خانه‌هایی که برای عزای امام حسین (علیه السلام) اختصاص داده شده و جایی که متعلق به مجالس ذکر مصائب است، گروهی از زنان که مشغول تدارک مقدمات مجلس روضه بودند، جمعی از بانوان پاک و نورانی و ملکوتی را مشاهده کردند که با حالت مصیبت زده و زعدادار و ندبه کنان و صرخه زنان، در حالی که لباس‌های سیاه بر تن داشته و موها را پریشان کرده و بر صورت و سینه خود لطمه می‌زنند، در آن منزل حاضر شدند. جمع زیادی از زنانی که آنجا حاضر بودند از دهشت و عظمت این امر بیهوش شدند و جمع کمی به هوش باقی ماندند و مشاهده کردند که آن بانوان ملکوتی شروع کردند به تهیه مقدمات و

مایحتاج مجلس روضه و بعضی به روشن کردن آتش اجاق و بعضی دیگر به پختن غذا برای مجلس که بنا بود در آنجا روضه زنانه و مردانه برگزار شود و برخی دیگر به مرتب کردن امور دیگر پرداختند. در اینجا تعدادی از زنان که هنوز به هوش بودند از آن بانوان سؤال کردند که: شما چه کسانی هستید و برای چه امری به اینجا آمده‌اید؟

یکی از بانوان جواب داد: من کلثوم دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستم ... و یان بانو زینب (علیها السلام) دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) است ... و آن بانوی دیگر خدیجه (علیها السلام) جدۀ ماست ... و اما آن بانویی که نور او از زمین تا آسمان متلاً است و نور او بر نور ماه و خورشید و ستارگان غلبه دارد، او مادر مظلومه سید الشهداء حضرت فاطمه زهرا (علیه السلام) است. ما در اینجا حاضر شدیم تا از آنجایی که وقت شما برای مرتب کردن مقدمات مجلس عزای مظلوم شهیدی که لب تشنه سر او را بریدند، تنگ شده است، به شما کمک کنیم تا مردهای شما از میهمانان حاضر در مجلس عزای سیدالشهداء (علیه السلام) خجالت زده نشوند و شما نیز نزد مردانتان و زنانی که در مجلس شما حضور پیدا کرده و گریه و عزاداری می‌کنند خجالت زده نباشید. (1)

اطعام طعام در عزای سیدالشهدا (علیه السلام)

ثواب خرج کردن در عزای امام حسین (علیه السلام)

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است جبرئیل به آن حضرت عرض کرد:

«الا و من انفق در ما علی عزائه او زیارته تاجرت الاملائکه يوم القيامة»

هر درهمی که در زیارت یا عزای آن حضرت خرج کنند، هفتاد حسنه و قصری در بهشت خداوند به صاحب آن درهم عطا می‌فرماید و اشک‌ها را در قواریر ملائکه ضبط کنند و روز قیامت به او گویند:

1- جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، ص 182 و 183 به نقل از اسرارالشهادت، ج 1، ص 197.

ای دوست خدا بگیر این اشک‌های توست که در دنیا بر امام حسین (علیه السلام) جاری نمودی. پس به وسیله آنها آتش دوزخ از تو دور می‌شود آن آتشی که بیش از 500 سال می‌باشد.»

پس روی حضرت رسول خدا از شنیدن آن خیر - از جبرئیل (علیه السلام) - درخشان شد و آثار شادمانی بر آن حضرت ظاهر شد. (1)

فتوای حضرت امام (ره) درباره مخارج روزه

امام خمینی (قدس سره) در مورد افرادی که می‌گفتند مخارج روزه صرف جنگ زدگان شود فرموده‌اند:

اشخاصی که می‌گویند مخارج روزه را صرف جنگ زدگان کنید اشتباه می‌کنند. هر کدام از این دو از اهمیت خاصی برخوردارند که باید کاملاً رعایت شوند یعنی هم باید اهل ایمان که معتقد به مکتب انبیا و اوصیا هستند اهمیت به امر عزاداری بدهند و هم به امر جهاد و جنگ زدگان در راه اسلام که متحمل مصائب شده‌اند باید توجه نمود. (2)

اطعام فقرا در مجلس عزاداری

حکیم فرزانه ملاهادی سبزواری (قدس سره) به خاطر عشق و علاقه به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) و احترام زیادی به سادات می‌گذاشت و همه ساله روزهای عید غدیر به فقرا کمک می‌کرد. او در این روز به سادات احترام بیشتری می‌گذاشت و بیشتر از دیگران به آنها کمک می‌کرد.

1- این البکائون، آداب و سیره علما و بزرگان در عزای سیدالشهدا (علیه السلام)، ص 95 به نقل از کبریت احمر، ص 178.

2- این البکائون، ص 99-100؛ عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، ص 15.

این حکیم عارف، هر ساله، سه شب از دهه آخر ماه صفر را در منزل خویش مجلس روضه خوانی برپا می‌کرد و پس از پایان ذکر مصیبت که توسط یکی از روضه خوانان سبزواری صورت می‌گرفت، فقرا و مستمندان حاضر در مجلس را با آبگوشت پذیرایی می‌کرد و پس از صرف شام به هر نفر یک قرآن هدیه می‌داد. (1)

اقامه عزاداری در کشور بیگانه و اطعام عزاداران

در شب عاشورا در نوفل لوشاتو بعد از اینکه نماز جماعت تمام شد، امام خمینی (قدس سره) فرمودند: کسی هست روضه بخواند؟ و به یکی از برادرها امر فرمودند که روضه بخواند همه ناظر بودند تا ذاکر شروع به ذکر مصیبت کرد، امام دستمالشان را در آورده و شروع کردند به گریه کردن.

این عمل امام به ما آموزش داد که در حادثه‌ترین جریانات سیاسی، اجتماعی، هدف و مقصد که احیای سنت رسول الله می‌باشد، نباید فراموش شود.

در نوفل لوشاتو روز عاشورا که فرا رسید امام فرمودند: تمام حضار در منزل ایشان را، به مناسبت این روز اطعام کنند. (2)

اطعام عزاداران یا اطعام فقراء

سؤال: نذری دادن و اطعام عزاداران چه معنا دارد و آیا بهتر نیست غذاهایی که در مجالس عزای اهل بیت (علیهم السلام) داده می‌شود بین فقراء تقسیم شود؟

جواب: باید به فقرا کمک کرد و همیشه هم متمکنین مالی این کار را می‌کنند ولی اطعام عزاداران ثواب دارد و موجب بقاء مکتب می‌شود و اگر ترک شود همین سائل اصل امامت و شهادت او را انکار می‌کند. (3)

1- این البکائون، ص 102 و 103؛ سیل اشک دیدار با ابرار، ش 13، ص 6.

2- این البکائون، ص 99؛ برداشتهایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 35.

3- استفتانات مکتوب دفتر آیت الله صافی گلپایگانی مد ظله العالی.

سؤال: آیا خرج کردن برای امام حسین (علیه السلام) بهتر است یا اینکه بتوان به فقیری کمک کرد؟ یا به جای اینکه برای حسینیه ها خرج کنیم یا به سفرهای مکرر زیارتی برویم مشکل کسی را حل کنیم؟ آیا ثواب بیشتری نمی بریم؟

ابتدا دقت کنیم که راه های وسوسه شیطانی انس و جن متفاوت است و به هر کسی نیز از راه خودش وارد می شوند. قرار دادن هزاران هزار کار دیگر در مقابل زیارت رفتن و یا خرج کردن برای مساجد، حرم ها، حسینیه ها و مراسم، یکی از همین وسوسه های شیطانی و القانات دشمنان می باشد.

تردید ننمایید اگر برای همان فردی که ایجاد سؤال می کند «آیا خرج کردن برای حسینیه یا مراسم یا زیارت بهتر است یا فقرا؟»، مراسمی مثل جشن نامزدی و عروسی یا سفر تفریحی و یا هزاران هزینه ی تفریحی و اسراف دیگر پیش آید، هرگز فکر فقرا را به مخیله اش راه نمی دهد.

یک مثال ملموس:

شما در میان مسلمین و مؤمنینی که از توان مالی برخوردارند، بسیار دیده اید که روزی چند وعده سّفره ی آنچنانی می اندازند و غذای چرب و لذیذ می خورند، ماهی چند وعده نیز از پیتزا و مرغ سوخاری و فست فود گرفته تا شیشلیک و برگ، غذای رستورانی می خورند، اما در عید فطر که نوبت به پرداخت فطریه برای سیر کردن گرسنگان می رسد، بحث می کنند که آیا برنج خوار هستند یا نان خوار و سعی می کنند آن که کمتر است را به خود اختصاص دهند. در حالی که اساساً نه نانخوار هستند و نه برنج خوار، بلکه گوشت خوار و لذیذ خوار هستند و یک وعده طعام نیز قیمتی ندارد که به این همه بحث بیارزد.

الف - امر خیر، یکی و دو تا و هزار تا نیست. لذا هر امر نیکو و خیری، در جای خودش خوب و گاه لازم است. رسیدگی به فقرا، نیازمندان و مستضعفین، به ویژه اگر در میان خویشاوندان یا نزدیکان و همسایگان باشند، نه تنها امری بسیار نیکو، بلکه لازم و ضروری است و اگر کسی عمداً اهمال کند، مورد مؤاخذه نیز قرار می گیرد. بر پای شاعر اسلامی، حفظ آنها، تبلیغات و ...، به ویژه در مباحث و مسائلی که در

آگاهی و بیداری مردم و جهت دادن به اذهان عمومی نقش آفرین است نیز امری بسیار نیکو و البته لازم و ضروری است و اهمال در آن نیز مورد سؤال خواهد بود.

ب - هیچ لزومی به «قیاس» یا قرار دادن «این به جای آن» وجود ندارد. شما از یک سو می توانید بگویید: «این فرد گرسنه است، پس من چرا به حسینیه کمک کنم، بلکه برای او نان و گوشت می خرم» - از سوی دیگر می توانید بگویید: «البته عقل، قلب، روح و اعتقادات مردم، به مراتب مهم تر و حیاتی تر از معده ی آنهاست؛ مضاف بر این که با برپایی حسینیه ها و مساجد، دین احیا می گردد و کمک های مالی به نیازمندان نیز به صورت مستمر و بیشتر صورت می پذیرد و ...».

ج - پس، هر کس هر دلیلی برای توجیه کار خود می تواند بیاورد و این که گفته می شود به جای حسینیه، مسجد، زیارت و عزاداری به فقرا و گرسنگان و ... کمک کنیم، ظاهرش قشنگ است، اما باطنش به خاطر اولاً دور کردن مردم از تفکرات و گرایشات اعتقادی و سرمایه های معنوی و ارتباط با اهل عصمت و اولیاء الله است و ثانیاً به خاطر مادی کردن فکر و قلب مردم است. و گرنه فرد مؤمن از هیچ کدام باز نمی ماند. هم به نیازمند کمک می کند، هم به مسجد و هیئت و هم زیارت می رود و همه نیز خیر و صواب است و ثواب دارد.

ج - اما این که ثواب (پاداش) کدام بیشتر است؟

باید دقت کنیم که برای خدا چرتکه نیاندازیم، محاسبه حق تعالی عددی، ریالی، کیلویی و متری نیست و بسیار دقیق و عادلانه است و به قول معصوم (علیه السلام): «خداوند متعال راجع به بهشت اش گول نمی خورد». لذا نزد خداوند متعال آن عملی [از واجب یا مستحب]، نیکوتر و مأجورتر است که با اخلاص بیشتری انجام پذیرد. خواه کمک به مستمند باشد و خواه زیارت یا عزاداری یا کمک به ساخت مسجد و مدرسه و بیمارستان.

ضربه شمشیر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، به خاطر شدت اخلاصش وزین تر و والاتر از عبادات انسان ها و ملائک گردید و نه به خاطر طول شمشیر و یا شدت ضربه.

از این رو خداوند متعال در کلام وحی تصریح می نماید که از این قربانی های شما، گوشت و خونس به من نمی رسد، بلکه اخلاص و تقوای شما ملاک محاسبه است:

«لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنَّ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ» (1)

هرگز [نه] گوشت های آنها و نه خون هایشان به خدا نخواهد رسید ولی [این] تقوای شماست که به او می رسد این گونه [خداوند] آنها را برای شما رام کرد تا خدا را به پاس آنکه شما را هدایت نموده به بزرگی یاد کنید و نیکوکاران را مژده ده.

پس، اصلاً ذهن خود را درگیر این «این بهتر است یا آن»، یا «این به جای آن» ننمایید و سعی کنید با اخلاص و بصیرت، از هر صوابی (کار خیری) بهره ای ببرید.

فصل چهارم: نصب پرچم عزا

اشاره

حدیث 1: (قالت زینب الكبرى (عليها السلام) لعلی بن الحسين (عليهما السلام) حينما رأته يجود نفسه): ... لَا يَجْزَعَنَّكَ مَا تَرَى فَوَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَعَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ وَعَمِّكَ وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ آدَمَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ - لَا تَعْرِفُهُمْ فَرَاعِنَهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ وَهُمْ مَعْرُوفُونَ فِي أَهْلِ السَّمَاوَاتِ أَنَّهُمْ يَجْمَعُونَ هَذِهِ الْأَعْضَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ فَيُؤَارُونَهَا وَهَذِهِ الْجُسُومَ الْمُضَرَّجَةَ وَيُنْصِبُونَ لِهَذَا الطِّفِّ عِلْمًا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ لَا يَدْرُسُ أَثَرُهُ وَلَا يَعْفُورُ سَمُّهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَلَيَجْتَهِدَنَّ أُمَّهُ الْكُفْرَ وَأَشْيَاعُ الضَّلَالَةِ فِي مَحْوِهِ وَتَطْمِيسِهِ فَلَا يَزْدَادُ أَثَرُهُ إِلَّا طُهوراً وَ أَمْرُهُ إِلَّا عُلُوًّا ...؛

حضرت زینب کبری (علیها السلام) هنگامی که دید امام سجاد (علیه السلام) در اثر دیدن منظره شهدا نزدیک است جانش را از کف دهد، به آن حضرت عرض کرد: آنچه می بینی، تو را بی تاب نکند؛ به خدا قسم! این به خاطر عهدهی است از طرف رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با جد تو و پدر و عمویت به تحقیق خداوند از گروهی از این امت که فرعون های این زمین [و این امت] آنها را نمی شناسند، ولی در نزد اهل آسمانها معروف و شناخته شده می باشند عهد و میثاق گرفته است که این عضوهای جدا افتاده از هم را جمع کنند و این بدن های به خون رنگین را دفن نمایند و پرچمی را در این سرزمین طف [و ساحل فرات] برای قبر پدیرت سیدالشهدا (علیه السلام) نصب کنند که هیچگاه [در طول دوران ها] و گذشت روزها و شبها اثر آن محو نشود و نشان آن پاک نگردد و سردمداران کفر و پیروان ضلالت هر آینه سعی خواهند کرد که آن را محو کنند و بپوشانند، اما [هر چه بیشتر تلاش کنند] اثر آن [روز به روز] ظاهرتر و آشکارتر و شأن و منزلت آن بالاتر و عالی تر خواهد شد.» (1)

حدیث 2: فی الدمعه الساكبه عن بعض المقاتل: لمادخل بشیر بن حذلم المدینه و اخبر الناس بقتل الحسین (علیه السلام) و ضج الناس بالبكاء و النحیب كان محمد بن الحنفیه مریضاً و لم یکن له علم بذلك الخبر الشنیع، فسمع اصواتاً عظیمة و رجة عظیمة ... ثم اركبوه جواده و اتت خدامه امامه حتی خرج من المدینه فلم یر الا اعلاماً سوداً فقال: ما هذه الاعلام السود و الله قتل الحسین (علیه السلام) بنوامیه! فصاح صیحه عظیمة و خر عن جواده الی الارض مغشياً علیه ...؛

در کتاب الدمعه الساكبه از بعضی از مقاتل نقل شده است:

هنگامی که بشیر بن حذلم وارد شهر مدینه شد و خبر شهادت امام حسین (علیه السلام) را به مردم داد و مردم ضجه کردند و صدای آنان به گریه بلند شد، محمد بن حنفیه مریض بود و هنوز از این خبر ناگوار مطلع نشده بود. در این هنگام صداهای هولناکی را [در اثر ضجه مردم مدینه] شنید و لرزش و حرکت شدید [شهر مدینه] را حس کرد ...

پس از آن سوار بر اسبش کردند و خادمان او در پیش روی او می رفتند تا از شهر مدینه خارج شد. در آنجا چیزی به چشم او نخورد، مگر پرچم‌های سیاه! سؤال کرد: این پرچم‌های سیاه چیست؟ [و قبل از آنکه منتظر جواب شود خودش فرمود]: به خدا قسم! بنی امیه حسین (علیه السلام) را کشتند؛ سپس فریاد بلندی زد و از بالای اسبش بیهوش بر روی زمین افتاد ...» (1)

سیاه پوش کردن و نصب پارچه سیاه

در هنگام خروج اهل بیت (علیهم السلام) از شام هودج‌ها و شترها را با پارچه‌های پر زرق و برق آراستند، حضرت زینب (علیها السلام) فرمود:

اجعلوها سوداء حتی یعلم الناس اننا فی مصیبه و عزاء لقتل اولاد الزهرا (علیها السلام)؛

پارچه های شترها و محمل ها را با پارچه سیاه عوض کنید و شترها و محمل ها را سیاه پوش کنید تا مردم بدانند که ما برای کشته شدن فرزندان زهرا (علیها السلام) در مصیبت و عزا هستیم.» (1)

1- حضرت زینب (علیها السلام) ، فروغ تابان کوثر، ص 261، به نقل از خصائص الزینبیه،.

فصل پنجم: سیاهپوشی در عزای سیدالشهداء (علیه السلام)

اشاره

این جامه سیاه فلک در عزای کیست؟

وین جیب چاک گشته صبح از برای کیست؟ (1)

سیاه، تیره‌ترین رنگ‌هاست. (2)

و نگاه به آن سبب افسردگی روح می‌شود، بنابراین - به خاطر طبیعت این رنگ - مصیبت دیدگان لباس سیاه به تن می‌کنند تا گرفتگی و ناراحتی خویش را ابراز کنند. این مسأله پیش از اسلام نیز وجود داشت و اختصاص به اسلام ندارد، بلکه در بین غیر مسلمانان رواج داشته است؛ ایرانیان، رومیان، روس‌ها و آلمانی‌ها نیز هرگاه حادثه‌ای مثل زلزله، غرق کشتی، و ... پیش می‌آمد، پرچم‌های سیاه نصب می‌کنند و نوار و علامت‌های سیاه رنگی به هنگام فوت یکی از نزدیکان حمل می‌کنند.

شیعیان پوشیدن لباس مشکی و سیاه پوش کردن دیوارها را به خاطر فاجعه عظیم کربلا از پیشینیان خود به ارث برده‌اند و این عمل، کاری شعارگونه است که جوی غمناک و حزن ایجاد می‌کند و مقدمات احیای قیام امام شهید را از طریق ناراحتی و عزاداری ایجاد می‌کند.

لباس سیاه بر دل کسانی که پوشیده‌اند، اثر عمیق می‌گذارد و همواره به یادشان می‌آورد که چه حادثه عظیمی اتفاق افتاده است و به این طریق همواره به یاد قیام امام حسین (علیه السلام) بر ضد یزید و اهداف ایشان خواهند بود.

لباس مشکی برتری بر گریه نیز دارد؛ چرا که اثر گریستن موقت است و شخص پس از مدتی آرام می‌گیرد، لیکن رنگ لباس سیاه اثر عمیق بر قلب شخص می‌گذارد و همواره او را چونان ساعت دقیقی تذکر می‌دهد. بنابراین که لباس سیاه، نشان دهنده مصیبت وارده بر انسان است، طبیعی است در سالروز شهادت امام حسین (علیه السلام) برای کسانی که عزای او را اقامه می‌کنند، مستحب باشد. (3)

1- محتشم کاشانی.

2- جهت اطلاع بیشتر در مورد خواص رنگ‌ها، ر.ک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 18 و بهداشت لباس، ص 118.

3- شیوه‌های یاری غریب کربلا، ص 88-89.

شکی نیست که سیرهٔ علما، صلحا، ابرار و اخیار در همهٔ قرون و اعصار بر این بوده است که در مصیبت جامهٔ سیاه بپوشند و همین‌طور در ایام عزای معصومین (علیهم السلام)، خصوصاً حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)، بلکه سیرهٔ همهٔ عقلا بر این جاری بوده است. زیرا لباس سیاه را لباس حزن و اندوه می‌دانستند. در شرع مقدس اسلام هیچ‌گونه ردع و منعی از این سیره نرسیده، بلکه احادیث و شواهد فراوانی بر تأیید آن وارد شده است، ما در چند قضیه که دلالت بر وجود سیره می‌کنیم می‌آوریم، سپس احادیث دال بر مطلوبیت سیاه پوشی در عزای ائمه (علیهم السلام) را نقل می‌کنیم در پایان فتوای بعضی از فقها را می‌آوریم.

سیره سیاه‌پوشی در عزاداری

اشاره

موارد زیر شامل فعل معصوم (علیه السلام) در سیاه پوشی در عزاداری و همچنین تقریر ایشان می‌باشد و در بردارنده نقل قول‌هایی از سیرهٔ مؤمنان متصل به زمان و در حضور امام معصوم (علیه السلام) است:

1: در جنگ احد که هفتاد تن از مسلمانان شهید شدند، زنان مسلمان از جمله ام المؤمنین ام سلمه در سوگ شهیدان جامه سیاه در برکردند. (1)

2: عمادالدین ادریسی قرشی از ابونعیم اصفهانی به سندش از ام سلمه نقل کرده که:

«انها لما بلغها مقتل الحسين ضربت قبة في مسجد رسول الله جلست فيها و لبست سواد»

هنگامی که خبر شهادت امام حسین (علیه السلام) به ام سلمه رسید در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قبه و خیمه‌ای زد و جامهٔ سیاه پوشید. (2)

1- سیره ابن هشام، ج 3، ص 159.

2- مقتل ابی مخنف، ص 222 و 223؛ عیون الاخبار و فنون الآثار، ص 109؛ شرح الاخبار، قاضی نعمان، ج 3، ص 171، ح 1919؛ مدینه المعاجز، سید هاشم بحرانی، ج 4، ص 196؛ تاریخچه عزاداری اهل سنت بر امام حسین (علیه السلام)، ص 137.

توضیحات:

این دو روایت به بانوی جلیل القدری مربوط می‌شود که هفت سال همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و بیش از 50 سال با امامان معصوم (علیهم السلام) از نزدیک مربوط، محشور و مأنوس بود. ودایع حضرت امیرمؤمنین و امام حسین (علیهما السلام) در نزد او بود و امام حسین (علیه السلام) او را مادر خطاب می‌کرد. با توجه به اینکه اقامه مراسم عزا از مسائل مبتلا به بود و همواره رخ می‌داد، می‌توان عمل او را به تقریر معصومین (علیهم السلام) نیز نسبت داد و عمل او را علاوه بر سیره، کاشف از سنت دانست.

3: اسماء بنت عمیس، پس از جنگ موته در عزای همسر خویش «جعفر طیار» به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) لباس سیاه پوشید. (1)

اسماء بنت عمیس همواره در محضر حضرت فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین (علیهما السلام) حضور داشت. و عمل او نیز بیش از مسأله سیره برای ما مطرح می‌باشد.

اسماء کیست؟ و وثاقت آن بانو

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) او را از زنان بهشتی خواند و بر صدق ایمان او شهادت داد. (2) و از وی و خواهرانش با تعبیر خواهران مؤمن یاد کرد. (3) اسماء از زنان محدثه و راویان اخبار نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) است که با نقل 60 روایت، نقش مهمی در حوزه فکری فرهنگ جامعه ایفا نموده است. (4) اسما از نزول آیه: «الیوم اکملت لکم دینکم» در غدیر خم خبر داده است.

1- مجمع الزوائد هیشمی، ج 3، ص 16؛ البدایه و النهایه، ج 4، ص 288؛ فتح الباری، ج 9، ص 402؛ لسان العرب، ج 1، ص 473.

2- طرائف، سید بن طاووس، ص 249.

3- طبقات الکبری، ج 8، ص 209.

4- رجال طوسی، ص 53؛ المغازی، ج 2، ص 766.

نزدیکی اسماء به خانواده پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تا بدانجا رسید که حضرت فاطمه (علیها السلام) او را مادر خطاب می کرد. (1) احادیثی که از وی در منزلت حضرت علی (علیه السلام) رسیده، حاکی از عشق و علاقه وافر او به حضرت و خاندان رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) است. (2) ایشان از اهل سرّ ایشان بود به گونه ای که در تغسیل حضرت صدیقه اطهر (علیها السلام) دخیل بوده است. امام صادق (علیه السلام) در حق اسماء دعا کرد و مرحوم مامقانی به استناد همین دعا، وی را در نقل حدیث، ثقه دانسته است. (3)

اسماء از کسانی بود که در قصه فدک به نفع بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) گواهی داده و در این مورد، همپای ام ایمن و ام سلمه بوده، و از کسانی بوده است که در ماجرای شهادت حضرت فاطمه (علیها السلام) که آزمونی دشوار برای مسلمانان بود در جناح حق حضور داشته و از این آزمون سربلند بیرون آمده است.

سخن عمر درباره اسماء که حامی از محبت و علاقه اسماء به خاندان ابی طالب است و این که اسماء، به نفع بنی هاشم شهادت داده است. (4)

اسماء چه در کتب شیعه و چه در کتب اهل تسنن ستایش شده است. دشمن با آن که در نهایت دشمنی و عناد بوده، اما نه تنها اسماء را ستوده، بلکه نسل و ذریه گرامی این بانو را مورد اعتماد (5) دانسته و آنان را تمجید کرده است. اهل تسنن گفته اند: آنان، بهترین بندگان خدایند. (6)

1- بحار الانوار، ج 78، ص 256.

2- مناقب، ج 3، ص 94.

3- مامقانی، ج 3، ص 69.

4- نک: عوالم العلوم، ج 11، ص 635، باب 3، ح 27.

5- در علم حدیث و رجال.

6- الخصائص الفاطمیه، کجوری، ترجمه سید علی اشرف، ج 2، ص 162.

اسماء عون را نیز از امیرالمؤمنین (علیه السلام) به دنیا آورد که در واقعه کربلا جزو شهیدان لشکر امام حسین (علیه السلام) بود. (1) امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) او را ستوده‌اند. (2) امام صادق (علیه السلام) او را در شمار هفت خواهر اهل بهشت نام برد و برای آنان دعا کرد. (3) این دعا نشان می‌دهد که اسما تا پایان زندگی بر ایمان خود استوار بود و هیچ‌گاه در لغزش‌های فکری و سیاسی نلغزید.

4: زنان بنی هاشم در ماتم امام حسین (علیه السلام) لباس‌های سیاه و ضخیم پوشیدند.

روی عن عمر بن زین العابدین (علی بن الحسین) (علیه السلام) انه قال: «لما قتل جدی الحسین المظلوم الشهید لبس نساء بنی هاشم فی ماتمه ثياب السواد ولمیغیرنها فی حرّ او برّد و كان الامام زین العابدین یصنع لهن الطعام فی المأتم.»

یکی از فرزندان امام سجاد (علیه السلام) نقل می‌کند: هنگامی که جدم حسین (علیه السلام) شهید شد، زنان بنی هاشم لباس سیاه و ضخیم پوشیدند و از گرما و سرما شکایتی نمی‌کردند و امام سجاد (علیه السلام) برای آنها غذای ماتم زدگان و عزاداران تهیه می‌کرد. (4)

الحسن بن طریف بن ناصح عن ابیه عن الحسین بن زید عن عمر علی بن الحسین (علیه السلام) قال: «لما قتل الحسین بن علی صلوات الله لبس نساء بنی هاشم السواد و المسوح و کن لا یشتکین من حرّ و لا برّد و كان علی بن الحسین (علیهما السلام) یعمل لهن الطعام للمأتم.»

1- ام البنین (علیها السلام)، مادر پرچمدار کربلا، ص 200.

2- اختیار معرفه الرجال، ص 63-64؛ خصال، صدوق، ج 2، ص 363.

3- خصال شیخ صدوق، ج 2، ص 363.

4- المحاسن، ج 2، ص 420، ح 195؛ نفس المهموم، ص 473؛ بحار الانوار، ج 45، ص 188 و ج 82، ص 84؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 238، باب 67 از دفن، ح 10؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ص 209؛ طبقات الکبری، ابن سعد، ج 8، ص 169؛ مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 173؛ اسد الغابه، ابن اثیر، ج 1، ص 493؛ تاریخچه عزاداری اهل سنت بر امام حسین (علیه السلام)، ص 138.

احمد بن ابی عبدالله برقی (قدس سره) روایت کرده است که چون امام حسین (علیه السلام) شهید شد، زنان بنی هاشم لباس سیاه و خشن پوشیدند و از گرما و سرما شکایتی نمی کردند و امام سجاد (علیه السلام) برای آنها غذای ماتم زدگان و عزاداران تهیه می کرد. (1)

سند روایت هیچ گونه مشکلی ندارد و از نظر دلالت هم دلالت این روایت کاملاً بر رجحان پوشیدن لباس سیاه روشن است؛ زیرا از شخصیت هایی همچون خواهر، همسر، دختران سیدالشهداء و ام البنین همسر وفادار مولای متقین بعید است کاری سرزند که بر خلاف موازین شرع باشد.

توضیحات: باید گفت که وجود افرادی چون عقیلۀ بنی هاشم، نائبه حضرت زهرا، قهرمان کربلا، حضرت زینب کبری (علیها السلام) در میان بانوان سیاه پوش، مسأله را از حد سیره بالاتر می برد. مخصوصاً از نظر اینکه این بانوان در حضور امام زین العابدین (علیه السلام) بودند و حضرت شخصاً برای آنها غذا تهیه می کرد و طبعاً وضع لباس آنها را می دید و نهی نمی کرد، به عنوان تقریر معصوم حجت شرعی می شود و مطلوبیت آن را اثبات می کند.

این عمل و سیره هاشمیات - که از زنان بزرگوار و عالم بودند - از قبیل خواهران، همسران و دختران سیدالشهدا (علیه السلام) و سایر بنی هاشم و زنانی همچون ام المؤمنین ام سلمه، و حضرت زینب کبری (علیها السلام) آن هم در حضور حضرت سجاد (علیه السلام) می - تواند برای ما الگو و سرمش خوبی باشد.

5: هنگامی که یزید، اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را طلبید و آنان را میان ماندن در شام و در برگشتن به مدینه مخیر نمود، گفتند: «ما بیش از هر چیز دوست داریم که برای امام مظلوم مجلس ماتم و عزا بر پا کنیم و گریه و زاری کنیم.»

یزید گفت: آنچه می خواهید انجام دهید. آن گاه خانه هایی را برای آنها مهیا ساخت، پس از زنان بنی هاشم و طایفه قریش کسی باقی نماند، جز اینکه (به نشانه عزاداری)

برای حسین (علیه السلام) لباس سیاه پوشیدند، و به مدت هفت روز برای آن حضرت ندبه و زاری کردند. (1)

این روایت هم مانند روایت قبل می‌باشد و در حد حجت شرعی می‌باشد.

6: پس از پایان خطبه تاریخی و افشاگرانه امام سجاد (علیه السلام) در مسجد دمشق، منهل برخواست و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! چگونه صبح کردی؟

امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود:

«كيف حال من اصبح وقد قتل ابوه و قلّ ناصره و ينظر الى حرم من حوله اسارى فقد فقدوا الستر و الغطاء و قد اعدموا الكامل و الحمى، فما ترانى الا اسيراً ذليلاً قد عدمت الناصر و الكفيل قدد لسيت انان و اهل بيتى ثياب الأسى و قد حرمت علينا جدى العرى»

چگونه است حال کسی که پدرش به قتل رسیده و یارانش اندکند و اهل و عیالش اسیر و بی پوشش و حجاب و بی سرپرست و حامی هستند. پس مرا جز (به هیئت) اسیری خوار (و گرفتار در چنگ دشمن) که یاور و سرپرست خویش را از دست داده نمی‌بینی، همانا من و اهل بیتم لباس عزا پوشیده‌ایم و (پوشیدن) لباس نو بر ما روا نیست. (2)

این روایت بیش از روایات قبل دلالت دارد، جز اینکه به لفظ سیاه تصریح نشد، بلکه به عنوان لباس عزا مطرح شده است.

سیاه پوشیدن هاشمیان تحت اشراف امام معصوم حضرت زین العابدین (علیه السلام) بوده، ایشان نه تنها از این کار نهی نمی‌فرمودند بلکه فعل امام (علیه السلام) در عزای ایشان به عنوان تقریر، تأیید و رجحان فعل هاشمیان و نوعی خدمت به سیاه پوشان بر عزای امام حسین (علیه السلام) است. و دلیل صحت و مقبول بودن آن است.

1- مستدرک، ج 3، ص 327، باب 48، احکام ملابس، ح 31؛ منتخب طریحی، ج 2، ص 482؛ بحار الانوار، ج 45، ص 196؛ مقتل ابی مخنف، ص 220.

2- ناسخ التواریخ، زندگانی امام سجاد (علیه السلام)، ج 1، ص 293؛ بلاغۃ الامام علی بن الحسین (علیهما السلام)، ص 93؛ مقتل ابی مخنف، ص 317.

هاشیمان چند سال بعد از شهادت حضرت امام حسین (علیه السلام)، لباس مشکی زیر و ضخیم خود را بیرون نیاوردند.

منهال کیست؟ و وثاقت وی

منهال بن عمرو اسدی، بی واسطه از امام سجاد (علیه السلام) و با واسطه از امام علی (علیه السلام) روایت نقل کرده است. او از طریق عبدالله بن حارث نوفل حدیث منزلت (1) و از طریق عباد بن عبدالله حدیثی از حضرت علی (علیه السلام) نقل کرده که بر اساس آن فقط امام علی (علیه السلام) صدیق اکبر است. (2) همچنین روایتی با واسطه عباد بن عبدالله از حضرت علی (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت شأن نزول تمام آیات قرآن را می دانسته است. (3) برخی از رجالیان اهل سنت او را ثقه دانسته (4) و به یحیی بن معین نیز نسبت داده اند که او را ثقه می دانسته است. (5)

وی راوی نفرین امام سجاد (علیه السلام) در حق حرمله می باشد.

شیخ طوسی (قدس سره) منهال را از اصحاب حضرت سجاد (علیه السلام) شمرده است. (6) برخی او را از اصحاب امام حسین و امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) نیز به شمار آورده اند. (7)

7: و بالاسناد عن محمد بن عیسی بن رشید عن ابیه قال: «رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) وَ عَلَيْهِ دُرَاعَةٌ سَوْدَاءٌ وَ طَيْلَسَانٌ أُرْرُقُ»

- 1- البرهان، بحرانی، ج 4، ص 186.
- 2- عمده عیون صحاح الاخبار، ص 221.
- 3- شواهر التنزیل، ج 1، ص 46-47.
- 4- معرفه الثاقت، ج 2، ص 300.
- 5- الجرح و التعديل، ج 8، ص 357.
- 6- رجال الطوسی، ص 119.
- 7- مستدرک علم رجال، نمازی شاهرودی، ج 7، ص 515.

سلیمان بن راشد از پدرش نقل می‌کند که امام سجاد (علیه السلام) را دیدم که جبه‌ای سیاه رنگ و جلو باز پوشیده بودند. (1)

8: امام سجاد (علیه السلام):

«... انا و اهل بیتی ثياب الأسی وقد حرمت علينا جدید العری؛ همانا من و اهل بیتم لباس عزا پوشیده‌ایم و (پوشیدن) لباس نو بر ما روا نیست.» (2)

باید گفت که وجود افرادی چون نائبة الزهرا (علیها السلام)، عقيلة بنی هاشم، حضرت زینب کبری (علیها السلام) در میان بانوان سیاه پوش، مسأله را از حد سیره بالاتر می‌برد. و حجت شرعی است. علاوه بر آن تقریر امام زین العابدین (علیه السلام) تأییدی محکم در این قضیه است.

9: نعمان بن بشیر هنگامی که خبر شهادت امام حسین (علیه السلام) را به گوش اهالی مدینه رسانید، همه مردها سیاه پوشیدند و فریاد ناله سر دادند. (3) و در روایتی هم آمده که: (در مدینه زنی نبود جز آنکه از پشت پرده بیرون آمد و لباس مشکی پوشیده، مشغول عزاداری شد.) (4)

10: سلیمان بن ابی جعفر (عموی هارون) در تشییع پیکر مطهر حضرت کاظم (علیه السلام) جامه سیاه پوشیده بود. (5)

11: سیف بن عمیره، در سوگنامه خود می‌گوید:

«والبس ثياب الحزن يوم مصابه ما بین اسود حالک او اخضر»

در روز شهادت آن حضرت (روز عاشورا) جامه‌های عزا بر تن کن، جامه‌هایی به رنگ سیاه تند و یا سبز تیره.» (6)

1- دعائم الاسلام، ج 2، ص 161، ح 576؛ کافی، ج 6، ص 449؛ مستدرک، ج 3، ص 210، ب 17، لباس مصلی، ح 2، ح 3387؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 35، ب 18، احکام ملابس، ح 2.

2- بحار الانوار، ج 45، ص 143.

3- مقتل ابی مخنف، ص 222.

4- عیون الاخبار و فنون الآثار، ص 109.

5- بحار الانوار، ج 48، ص 227.

6- منتخب طریحی، ج 2، ص 437.

سیف بن عمیره نخعی کوفی از اصحاب بزرگوار امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) و از راویان برجسته و مشهور شیعه است، فقه را از ائمه (علیهم السلام) روایت کرده است.

سیف بن عمیره، همچنین از جمله راویان زیارت معروف عاشورا به نقل از امام باقر (علیه السلام) است که قرائت آن در طول سال، از سنن رایج میان شیعیان می‌باشد. (1)

وثاقت سیف عمیره

شیخ طوسی در «الفهرست» فرموده‌اند: سیف بن عمیره ثقة له کتاب.

نجاشی در رجال فرمودند: سیف بن عمیره النخعی، عربی، کوفی، ثقة، روی عن ابی عبدالله (علیه السلام) و ابی الحسن (علیه السلام) له کتاب یرویه جماعات من اصحابنا. (2)

محدث نوری در مستدرک الوسائل می‌فرماید: سیف بن عمیره، صحیح فی الفهرست.

از این رو بر وثاقت او تصریح شده و هیچ کس ایرادی بر او وارد نکرده است.

علاوه بر تصریحات مذکور درباره‌ی وی، وثاقت او را می‌توان در ضمن برخی توثیقات عام دیگر نیز یافت که عبارتند از:

1: از جمله مستثنی منه از رجال کتاب «نوادر الحکمه» است.

2: از قسم اول و دوم از رجال کتاب «تفسیر قمی» است.

3: از جمله رجال کتاب «المزار ابن مهدی» است.

4: از جمله رجالی است که مشایخ ثقات، از او روایت کرده‌اند.

علاوه بر آنچه گذشت او از کسانی است که کتابشان مشهور بوده و از اجلایی به شمار می‌رود که روایتش از دیگری دلیل بر وثاقت او می‌شود و این رتبه فوق وثاقت است. (3)

مرحوم نجاشی، شیخ طوسی و ابن شهر آشوب صراحتاً او را توثیق کرده‌اند. (4)

1- سیاه پوشی در سوگ ائمه نور (علیهم السلام)، ص 140 - 141.

2- رجال النجاشی، ج 1، ص 425.

3- فصلنامه علوم حدیث، سال 11، ش 3، پاییز 1388 ش، ص 130-131.

4- رجال نجاشی، رقم 504، ص 189؛ فهرست شیخ طوسی، ص 78، رقم 333؛ معالم العلماء، رقم 369.

عظمت او به حدی است که حتی مخالفین نیز او را جزء مشایخ فقها و روای امامیه شمرده‌اند. (1)

برخی از اصحاب اجماع و بزرگان از روای امامیه مثل «ابن ابی عمیر»، «علی بن اسباط»، «حماد بن عثمان»، «یونس بن عبدالرحمان»، «حسن بن علی بن بقاح»، «حسن بن محبوب» از او روایت مستقیم دارند. (2)

تعبیر نجاشی که فرموده: «له کتاب یرویه جماعات من اصحابنا» حاکی از عظمت، مقام علمی و جایگاه روایی اوست. در رجال نجاشی هر جا تعبیر «له کتاب یرویه جماعات من اصحابنا» آمده است، راوی ثقه است. (3) بر خلاف تعبیر «له کتاب یرویه جماعه» گاهی در مورد ضعیف هم به کار برده شده است. (4)

سیف بن عمیره را شیخ در «فهرست» و نجاشی و علامه در «خلاصه» تصریح به وثاقت کرده‌اند. (5)

اسم ایشان در کتاب شریف «کافی» حدود 151 مرتبه آمده است و در کتاب «من لا یحضر الفقیه» حدود 8 مرتبه و در کتاب «تهذیب الاحکام»، حدود 124 مرتبه و در «وسائل الشیعه» حدود 313 مرتبه و در «بحار الانوار» حدود 153 مرتبه و در منابع دیگر هم آمده است. (6)

- 1- میزان تشیع بررسی سند زیارت عاشورا، ص 155 به نقل از فهرست ابن ندیم، ص 308؛ میزان الاعتدال، ج 3، ص 354؛ تهذیب التهذیب، ج 9، ص 344.
- 2- جامع الرواة، ج 1، ص 396.
- 3- رجال نجاشی، رقم 504.
- 4- میزان تشیع، ص 155.
- 5- خلاصه الاقوال، ص 82؛ شفاء الصدور، ص 57؛ فهرست، ص 78؛ رجال نجاشی، ص 189.
- 6- اشک‌های رقیه (علیها السلام)، ص 55.

این موارد از قضایای مربوط به صدر اسلام به روشنی ثابت می‌کند که در قرون اولیه اسلام (1) نیز همانند روزگار ما، لباس سیاه علامت عزای بوده و افراد مصیبت زده لباس مشکی و یا حداقل لباس تیره به تن می‌کردند.

اینک به روایاتی که حاکی از قول معصوم (علیه السلام) می‌باشد می‌پردازیم:

1: اصبع بن نباته گوید: بعد از شهادت مولای متقیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد مسجد کوفه شدم، دیدم که:

«ان الحسنین لبسنا السواد علی ایهما فی الکوفه بعد شهادته...»

به درستی امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) بعد از شهادت پدر بزرگوارشان (علیه السلام) در کوفه در عزای پدرشان مشکی پوشیدند. (2)

2: بعد از شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، عبدالله بن عباس به سوی مردم بیرون آمد و گفت: امیرالمؤمنین (علیه السلام) از میان ما رفت و برای خود جانشینی گذاشت که اگر دوست دارید به سوی شما بیرون آید و گر نه کسی را بر کسی (اجباری) نیست. مردم به گریه افتادند و گفتند: بیرون آید. پس امام حسن (علیه السلام) در حالی که جامه‌های سیاه پوشیده بود به سوی مردم بیرون آمد و برای آنان خطبه خواند. (3)

1- ابن کثیر می‌نویسد: در سال 352ق معزالدوله احمد بن بویه امر کرد: دهه اول محرم در بغداد همه بازارها را ببندند و مردم لباس سیاه بپوشند و مراسم عزاداری و نوحه سرایی بر پا کنند و مردان و زنان به سینه و صورت خود بزنند و با این هیئت به سوی حرم کاظمین (علیهما السلام) بروند و مصیبت امام حسین (علیه السلام) را به آن و امام همام تعزیت بگویند. (البدایه و النهایه، ج 11، ص 243؛ تاریخچه عزای حسینی، ص 225)

2- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 4، ص 8؛ حدائق الناظره للیوسف بحرانی، ج 7، ص 128؛ اثبات الوصیه، ص 157؛ مقتل الامام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام)، فصل امر ابن ملجم و قتله، ص 95، ح 89؛ مجمع الدرر فی المسائل للثانی عشر، شیخ عبدالله مامقانی.

3- مجمع الزوائد، ج 9، ص 146؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 16، ص 22.

ابن ابی الحدید در جای دیگر از شرح نهج البلاغه از مدائنی نقل می‌کند که چون امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به شهادت رسید، امام حسن (علیه السلام) در حالی که لباس مشکی بر تن داشت، خطبه‌ای ایراد فرمود. (1)

امام حسن (علیه السلام) پس از شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر مسجد کوفه برای مردم خطبه خواند در حالی که لباس سیاه بلندی بر تن داشت و عمامه مشکی بر سر داشت و در عزای پدرش امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌گریست. (2)

این روایات صراحت دارند که امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) در شهادت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) لباس سیاه بر تن کرده بودند و به روشنی دلالت بر رجحان این کار از نظر دو حجت پروردگار دارد.

3: در شهادت امام مجتبی (علیه السلام) اهل مدینه تا هفت روز به تبعیت از خاندان عصمت، سیاه پوشیدند. (3)

4: دو شخصیت برجسته اهل سنت (ابن عساکر (4) و حاکم (5)) به سند متصل از عایشه دختر سعد روایت کرده است که: زنان بنی هاشم در سوگ امام حسن مجتبی (علیه السلام) یک سال زینت را ترک کردند و لباس سیاه پوشیدند.

5: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در آستانه شهادتشان سیاه پوشیدند، چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرمودند: روزی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رحلت فرمود، در حالی که پیراهن سیاهی بر تن

1- شرح ابن ابی الحدید، ج 16، ص 22.

2- الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه، سید علی خان مدنی، مؤسسه الوفاء، ص 1474؛ ابن ابی الحدید، ج 16، ص 22؛ اثبات الوصیه للامام علی بن ابیطالب، ص 133؛ سیر اعلام النبلاء، ج 3، ص 267 و ص 272.

3- آداب عزاداری شهیدان کربلا، ص 150 به نقل از چرا سیاه می‌پوشیم، از وحیدالدین شریانی، ص 92.

4- تاریخ مدینه دمشق، ج 13، ص 291.

5- المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 189.

داشتند، نماز صبح را به جماعت در مسجد خواندند و سپس به ایراد خطبه پرداختند. (1)

در این روایت علت سیاه پوشیدن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان نشده؛ ولی روشن است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در آستانه انقطاع وحی، یتیمی حضرت زهرا (علیها السلام)، هجوم ددمنشانه ستمگران به خانه وحی، آتش افروزی دژخیمان برای سوزانیدن در خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) و شهادت حضرت محسن (علیه السلام) بر خلاف شیوه همیشه‌اش جامه سیاه بر تن کرده، مسلمانان را از جنایات فجیعی که به وسیله دوت بزرگ قریش در شرف تکوین بود، آگاه ساخت. (2)

6: امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: هنگامی که امام حسین (علیه السلام) کشته شد، لباس تیره مایل به مشکی یا مشکی در تن شریف حضرت بود. (3)

7: پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) فرشته‌ای از آسمان به دریاها فرود آمد و صیحه‌ای زد و گفت: «الپسوا ثواب الحزن فان فرخ رسول الله مذبوح، جامه‌های عزا بپوشید که فرزند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را سر بریدند.» (4)

(فرشته‌ای از فرشتگان بهشتی بر دریاها فرود آمد و بال‌های خویش را بر فراز آن گسترد، سپس صیحه‌ای کشید و گفت: ای اهل دریاها! جامه عزا بر تن کنید که فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را سر بریدند.)

1- بصائر الدرجات، ص 304، جزء 6، باب 16، ح 10.

2- صحاب رحمت، ص 189.

3- کافی، ج 6، ص 452؛ دلائل الامامه، ص 178؛ بحار الانوار، ج 45، ص 94؛ وسائل الشیعه، ج 4، ص 365، ح 383.

4- مستدرک الوسائل، ج 3، ص 328؛ کامل الزیارات، باب 21، ح 3، ص 143؛ بحار الانوار، ج 45، ص 221؛ مقتل خوارزمی، ج 1، ص 162، ف 8.

عن هشام بن سعد قال: اخبرني المشيخه ... و ذلك ان ملكاً من ملائكة الفردوس نزل على البحر و نشر اجنحته عليها، ثم صاح صيحة و قال: يا اهل البحار البسوا اثواب الحزن، فان فرخ الرسول (صلى الله عليه و آله و سلم) مذبح، ثم حمل من تربته في اجنحته الى السماوات فلم يلق ملكاً فيها الا شمها و صار عنده لها اثر و لعن قتلته و اشياهم و اتباعهم.

هشام بن سعد گوید: اساتیدم برای من روایت کرده‌اند ... و چنین بوده است که: یکی از فرشتگان بهشت بر دریا نازل شد و بال‌های خود را بر آن گسترد، سپس فریاد زد و گفت: ای اهل دریاها! لباس‌های حزن و عزا را در بر کنید، چرا که فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سر بریده شده است. سپس بال‌های خود از تربت امام حسین (علیه السلام) برداشت و به آسمان‌ها برد و این ملک با هیچ فرشته‌ای در آسمان‌ها ملاقات نکرد، مگر آنکه او از آن تربت بویید و اثری از آن تربت نزدش باقی ماند و بر قاتلان امام حسین (علیه السلام) و پیروان و دنباله‌روهای آنان لعنت فرستاد. (1)

همچنین فرشته‌ای دیگر در آسمان‌ها و زمین ندا کرد: «یا عبادالله البسوا اثواب الاحزان و اظهروا التفجع و الاشبان؛ ای بندگان خدا لباس‌های حزن بپوشید و ناراحتی و ناله‌های خود را آشکار کنید». (2)

گرچه در این روایات به لفظ سیاه تصریح نشده؛ ولی تعبیر جامه عزا به روشنی، آن معنی را ایفاء می‌کند.

8: حضرت سکینه دختر امام حسین (علیه السلام) خطاب به یزید ملعون فرمود:

«دیشب خواب دیدم که ... سپس خادم بهشتی دستم را گرفت و داخل قصر نموده آنجا با 5 بانوی بزرگ و نورانی روبرو شدم که در میان آنها زنی بزرگوار و نورانی‌تر از

1- بحار الانوار، ج 45، ص 221؛ کامل الزیارات، 67، باب 21، ح 3؛ مقتل خوارزمی، ج 1، ص 162، ف 8.

2- احرام محرم، ص 68.

همه به چشم می خورد که موی پریشان کرده و لباس سیاه پوشیده و در دستش پیراهن خون آلود بود او فاطمه زهرا (علیها السلام) بود.» (1)

رؤیای صادقه حضرت سکینه خاتون (علیها السلام) و سیاهپوشی صدیقه طاهره (علیها السلام) در عالم برزخ به روشنی موضوع را ثابت می کند.

9: حضرت زینب (علیها السلام) در آستانه ورود به مدینه دستور داد: «محمل ها را سیاه پوش کنید تا مردم بدانند ما در مصیبت و عزاداری فرزندان فاطمه (علیها السلام) به سر می بریم.» (2)

10: حضرت زینب (علیها السلام) در راه کوفه و شام لباس مشکی پوشیدند... (3)

11: هنگامی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) از فضیلت نهم ربیع الاول صحبت می فرمایند چنین خطاب فرمودند:

«یوم الغدير الثاني ... یوم عیدالله الاکبر، ... یوم نزع السواد ... یوم الفطر الثاني؛ نهم ربیع الاول روز غدیر دوم، ... روز عید بزرگ خداوند ...، روز بیرون آوردن لباس سیاه ... روز فطر دوم ... می باشد.» (4)

امام حسن عسکری (علیه السلام) در اوصاف روز نهم ربیع الاول فرمودند: «یوم نزع السواد؛ روز بیرون آوردن جامه های سیاه است.» (5)

با توجه به اینکه امام حسن عسکری (علیه السلام) این حدیث را از جد بزرگوارشان حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت نموده، بر صحت گذاشتن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به سیاهپوشی در ایام عزا و لزوم در آوردن آن در ایام جشن و سرور دلالت روشن دارد.

1- مستدرک، ج 3، ص 327؛ منتخب طریحی، ج 2، ص 479؛ بحارالانوار، ج 45، ص 195.

2- خصائص الزینبیه، ص 210؛ از شام به مدینه، ج 2، ص 487.

3- ناسخ التواریخ، ج 1، ص 344.

4- بحارالانوار، ج 31، ص 127؛ المستدرک، ج 3، ص 326، باب 48 از احکام ملابس، ح 30؛ اقبال سید بن طاووس، ص 464؛ المختصر، ص 54.

5- مستدرک الوسائل، ج 3، ص 326، باب 48، از احکام لابس، ح 30؛ المختصر، ص 54.

این عادت که امروزه میان شیعیان رواج دارد که تا روز نهم ربیع الاول سیاه می‌پوشند و در این روز از عزا در می‌آیند دنباله همان تقریر و امضای معصوم (علیه السلام) است. از پاره‌ای از احادیث چنین فهمیده می‌شود که از نظر شیعه در عصر ائمه طاهرین (علیهم السلام) عادت بر این بوده که مقداری از ماه محرم و صفر تا ماه ربیع الاول لباس سیاه می‌پوشیده‌اند، و این عمل مورد تقریر و امضاء فعلی و قولی ائمه (علیهم السلام) قرار گرفته است. مرحوم علامه مجلسی به مناسبت روز نهم ربیع الاول حدیث مفصلی نقل می‌کند و سپس می‌فرماید: ما احادیث دیگری یافته‌ایم که مؤید این مطلب است، و به این احادیث اعتماد می‌کنیم. از احمد بن اسحاق قمی نماینده امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت می‌کند که ضمن روایتی گفت: «... امروز روز بیرون آوردن لباس سیاه است». و مرحوم سید بن طاووس قریب به این حدیث را در کتاب «الاقبال» از کتاب «نشروطنی» با اسناد خود از حضرت امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند. بنابراین مادام که معصومین و اهل بیت (علیهم السلام) در عزای امیرالمؤمنین و امام حسین (علیهما السلام) لباس سیاه می‌پوشیده‌اند چرا نباید ما لباس سیاه بر تن کنیم و به آنان اقتدا کنیم. (1)

برخی از بزرگان در این رابطه کتب مستقلی نوشته‌اند که از آن جمله است:

1: ارشاد العباد الی الاستحباب لبس السواد علی سیدالشهداء (علیه السلام) و الائمة الامجاد، تألیف: سید جعفر طباطبایی، نوه صاحب ریاض، متوفی 1321ق، چاپ 1404ق. قم.

2: تبیین الرشاد فی استحباب لبس السواد علی الائمة الامجاد، تألیف: سید حسن صدر، متوفی 1354ش. (2)

3: سیاهپوشی در سوگ ائمه نور (علیهم السلام)، تألیف: مرحوم علی ابوالحسنی منذر - معاصر - چاپ 1375ش، در 392 صفحه، قم. در این کتاب علاوه بر بررسی ابعاد

1- در سوگ امام حسین (علیه السلام)، ص 7-8.

2- الذریعه، ج 3، ص 333.

مختلف مسأله فتوای ده‌ها مرجع بزرگ تقلید، از زمان صاحب حدائق و صاحب عروه تا مراجع عصر. از رساله‌های عملیه، کتب فقهیه و استفتائات موجود نقل شده است.

کتاب‌های دیگری نیز درد ست است که به گردآوری فتاوی فقها از گذشته دور تا عصر حاضر اختصاص دارد و آنها متن پرسش و پاسخ مراجع بزرگ تقلید با مهر و امضاء آنها چاپ و گراور شده است که از آن جمله است:

4: عزاداری سید الشهداء (علیه السلام)، تألیف: سبط حسین زیدی - معاصر - چاپ 1415ق، 216 صفحه. در این کتاب صدها فتوا از مراجع گذشته تا معاصر در مورد ابعاد مختلف عزاداری از جمله پوشیدن لباس سیاه در سوگ سیدالشهداء (علیه السلام) عیناً گراور شده است.

5: عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، تألیف: علی ربانی خلخالی - معاصر - چاپ 1415ق، در 240 صفحه، قم. در این کتاب نیز فتوای صدها مرجع بزرگ شیعه پیرامون مسائل مختلف عزاداری از جمله پوشیدن لباس مشکی گردآوری شده است.

6: مجمع الدرر فی مسائل اثنی عشر، تألیف: مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالله مامقانی متوفی 1315ق، چاپ سنگی.

7: الدعاء الحسینیة، تألیف: مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد علی نخجوانی، متوفی 1334ق، گزیده این کتاب اخیراً به پیوست ده‌ها استفتاء از مراجع معاصر در 240 صفحه در قم چاپ و منتشر شده است.

8: نجاه الامة فی اقامة اعزاء علی الحسین و الائمة، تألیف: حاج سید محمد رضا حسنی فهم - معاصر - چاپ 1413ق، قم. ایشان در این کتاب و در کتاب دیگرش «احسن الجزاء فی اقامة العزاء علی سیدالشهداء (علیه السلام)» چاپ 1399ق، قم. مسأله را دقیقاً بررسی نموده و بر رجحان شرعی آن استدلال کرده است.

در بعضی از این کتاب‌ها و ده‌ها کتاب دیگر «کراهت لباس مشکی» (1) مورد تشکیک قرار گرفته و تصریح شده که برای اثبات آن راهی وجود ندارد زیرا:

1: اجماعی بر آن محقق نشده است.

1- مانند فتوای آیت الله سیستانی و آیت الله روحانی.

2: حجیت شهرت فتوایی ثابت نیست. به ویژه در جایی که مستند فتاوی معلوم باشد.

3: روایات وارده همه مرسل و ضعیف هستند.

4: استناد اصحاب به این روایات از باب «تسامح در ادله سنن» می باشد و ضعف سند آنها را جبران نمی کند.

5: بر فرض صحت سند، دلالت هم ندارد؛ زیرا معطل می باشند. در این روایات آمده است که لباس مشکی، لباس فرعون و آل فرعون می باشد، و حداکثر بر کراهت شعار قرار دادن دلالت می کند نه مطلق پوشیدن. از این روایات و روایات امام صادق (علیه السلام) که می فرمایند: «من آن را می پوشم و می دانم که لباس اهل آتش است». به خوبی روشن می شود که این روایات ناظر بر بنی عباس و تعریض بر خلفای ستمگر آن زمان است که لباس مشکی را شعار خود قرار داده بودند.

داوود رقی می گوید: گروهی از شیعیان از امام صادق (علیه السلام) در مورد لباس مشکی پرسیدند، در حالی که ایشان جبه سیاهی بر تن و قلنسوة سیاهی بر سر و کفش سیاهی در پا داشتند. امام صادق (علیه السلام) در پاسخ آنها، رشته ای از لباس خود را به دست گرفت و فرمود: «نبه این لباس سیاه است، شما دل های خود را سفید کنید و هر چه می خواهید پوشید». (1) امام (علیه السلام) با این بیان لطیف اشاره کردند که تیرگی محبت دشمنان ما را از دل خود بزداید و دلها را با نور محبت ما نورانی کنید. آن گاه هر چه خواستید پوشید. همه اینها اشاره به این است که نهی از لباس مشکی تعریض به بنی عباس بوده که آنها به پیروی از آل فرعون لباس مشکی را شعار خود قرار داده بودند و در مقام بیان حکم شرعی نیست. (2)

آنچه از ملاحظه مجموع اخبار وارده در باب لباس نمازگزار فهمیده می شود این است که بهترین رنگ ها، رنگ سفید است و هر رنگ تیره ای مکروه است و سیاه نیز که تیره ترین رنگ هاست. البته هر مکروهی جایز است؛ خداوند عزوجل اگر در چیزی

1- وسائل الشیعه، ج 4، ص 385، باب 19، از لباس مصلی، ح 9.

2- صحاب رحمت، ص 194

مصلحتی نمی‌دید، قطعاً آن را حرام می‌کرد. پس در رنگ سیاه نیز مصلحتی وجود دارد که حرام نشده است. پس نهی وارد شده در این احادیث، دلالت بر کراهت رنگ سیاه دارد که در فقه ما نیز ثابت شده است.

این که چیزی لباس اهل جهنم یا زبان آنان باشد، دلیل بر حرمت آن چیز در دنیا نمی‌شود؛ چرا که اگر چنین بود، در اخبار بسیاری وارد شده که دعای اهل جهنم، لباس آنان و زبانشان و ... را تعیین کرده و اگر همه این‌ها در دنیا حرام باشد، بسیاری از اشیاء و کارهای مباح و بلکه مستحب، حرام خواهد شد.

اضافه بر این، اگر لباس جهنمیان حرام باشد و همان‌گونه که در دنیا حرام بوده، به جهت اضافه شدن بر عذابشان به علت کفرشان، اجازه به پوشیدن آن نمی‌دادند؛ همان‌گونه که انجام سایر منکرات هم بدان‌ها اجازه داده می‌شود. همه اخباری که دلالت بر کراهت لباس سیاه دارد، بنابر این است که فرعون انجام داد و قسسیس‌ها و راهبان انجام می‌دهند و یا کار بنی عباس است.

در کتاب «وسائل الشیعه» از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: لباس سیاه نپوشید، چرا که لباس فرعون است. ⁽¹⁾

پس پوشیدن لباس سیاه به دلیلی که فرعون پوشید مکروه است، نه مطلق سیاه پوشیدن. بنابراین اخبار و روایاتی که دال بر کراهت لباس سیاه دارند، به این خاطر است که آن رنگ، شعار و مظهر دشمنان خدا بوده است. اما پوشیدن لباس مشکی به دلیل مصیبت و در زمان موقت و یا در تمام طول عمر به دلیل مصیبتی یا حتی بدون مصیبت مکروه نیست؛ همان‌گونه که ائمه اطهار (علیهم السلام) انجام دادند.

شایان ذکر است اگر این روایات و اخبار درباره حرمت پوشیدن لباس سیاه صحیح باشند واجب است که یا به آن‌ها توجهی نشود و یا حرمت را حمل بر کراهت کرد؛ چرا که بسیاری از امامان (علیهم السلام) در مصایب یا حتی غیر مصایب لباس مشکی به تن می‌کردند.

محدث نوری (قدس سره) و شیخ صدوق (قدس سره) از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل کرده اند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روزی لباس سیاه پوشیده بود و از خانه خارج شد. فقیل له یا رسول الله! من کساک هذه الخمیص؟

فقال: کسانی حبیبی.

پرسیدند: یا رسول الله! چه کسی لباس مشکی بر تن شما کرده؟ فرمود: حبیبم بر تنم کرده است. (1)

(عبا و چادر سیاه در نماز استثناء شده است.)

آنچه در این رابطه مورد استفاده مخالفان شیعه قرار گرفته و می گیرد، می گویند: چون لباس سیاه سنت عباسیان بوده است مکروه است و متأسفانه عده ای از این دوش خصمانه شیعه ستیزان تبعیت کرده اند در صورتی که با توجه به طرح دو موضوع در این زمینه چنین توطئه ای که از جمله روش های تخریب تشیع است جواب داده می شود.

1: حکم مکروه بودن پوشیده سیاه در عزای حسینی را که چون لباس سیاه عباسیان بوده است از مراجع عظام تقلید سؤال کرده اند نه اینکه بلا مانع دانسته اند، بل پوشیدن سیاه را در عزای شهیدان کربلا مستحب و حتی بعضی واجب دانسته اند. (2)

2: این که عباسیان چون در طول به دست آوردن حکومت، داعیه خون خواهی حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) را داشتند؛ دولت خود را دولت آل محمد (علیهم السلام) و ادامه خلافت علی امیرالمؤمنین (علیه السلام) قلمداد می کردند لباس سیاه را انتخاب کرده بودند تا با این ترفند دوستداران اهل بیت (علیهم السلام) را به دور خود گرد آورند و برای آنان که این تبلیغ

1- امالی صدوق، ص 155؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 210-211. در المنجد آمده است که: «خمیص» نوعی پارچه سیاه چهارگوش است.

2- آداب عزاداری شهیدان کربلا، تألیف حسین حسن سمنانی، ص 150.

ظاهری را در اذهان مردم زنده نگه دارند؛ پس از به قدرت رسیدن هم در ظاهر، سیاهی پرچم و لباس را شعار همیشگی خویش ساختند.

(1)

به همین لحاظ حضرت امام صادق (علیه السلام) و دیگر ائمه (علیهم السلام) به رنگ و لباس سیاه تعرضاتی داشته‌اند.

برخی فتاوی فقهای شیعه در سیاهپوشی برای امام حسین (علیه السلام)

اشاره

فقهای شیعه پس از بررسی دو دسته روایات نهی کننده از پوشش سیاه و روایات جواز، دسته نخست را بر کراهت حمل نموده و پوشیدن لباس سیاه در ایام عزاداری حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) را جایز، بلکه مستحب می دانسته‌اند.

1: شیخ ابن نما حلی (م 645 ق) عالم بزرگوار شیعه در قرن هفتم:

شیعیان را در سوگ اهل بیت سیدالشهدا (علیه السلام) و شهدای کربلا، به ظاهر ساختن شعار اندوه و پوشیدن لباس عزاداران (لبس شعار الاحزان) دعوت کرده و کسانی را که چنین نمی کنند سرزنش می کند. (2)

2: مرحوم شیخ یوسف بحرانی (قدس سره) صاحب کتاب «حدائق»:

این فقیه نام آور، پس از آن که نظر خود را در مورد کراهت رنگ سیاه در نماز ابراز می کند، می فرماید: بعید نیست پوشیدن لباس سیاه در عزای امام حسین (علیه السلام) را به خاطر روایات مستفیضه در امر به اظهار شعائر حزن، از این اخبار استثناء کرده و قائل به عدم کراهت شویم. (3)

1- زیارت عاشورا میراث جاودان عاشورا، ص 67 به نقل از اخبار الدوله العباسیه، 230، 232 و 242.

2- سیاهپوشی در سوگ ائمه نور (علیهم السلام)، ص 224؛ مشیرالاحزان، ص 12 و 14 و 15 و 117.

3- ثم اقول: لا یبعد استثناء لبس السواد فی مآتم الحسین (علیه السلام) من هذه الاخبار لما استفاضت به الاخبار من الامر باظهار شعائر الاحزان. (الحدائق الناظره، ج 7، ص 116، باب استثناء لبس السواد فی مآتم الحسین (علیه السلام)، یوسف بن احمد البحرانی (1318ق) النشر الاسلامی لجماعه المدرسین، قم، تحقیق: محمد تقی الایروانی.

همو در پایان، کلامش را مستند به روایاتی در این زمینه می‌سازد.

جایگاه فقهی مرحوم صاحب «حدائق» به قدری است که دیگر فقها نیز در کتب فقهی خود، با استفاده از روایات اهل بیت (علیهم السلام) و اشاره به سخنان مرحوم بحرانی (قدس سره) همان حکم را استنباط می‌نمایند؛ به عنوان نمونه از محضر مرحوم آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در مورد نظر مرحوم بحرانی در رجحان لباس سیاه در عزای امام حسین (علیه السلام) پرسیده شد و ایشان نیز با تأیید نظر مرحوم بحرانی، پوشیدن لباس سیاه را از مظاهر حزن در مصیبت سیدالشهدا و اهل بیت (علیهم السلام) دانسته و اظهار اندوه را در مصائب آنان با توجه به روایات از نظر شرعی مستحب می‌داند.

پرسش: به عقیده شما پوشش در عزای امام حسین (علیه السلام) و سائر ائمه (علیهم السلام) رجحان شرعی دارد؟ چنان چه صاحب حدائق نظرش همین است.

پاسخ: نظر صاحب حدائق صحیح است؛ زیرا پوشش سیاه از مظاهر حزن در مصیبت سیدالشهدا (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) و یاران او و سائر ائمه هدی (علیهم السلام) است و اظهار حزن در مصیبت آنان به خاطر روایات فراوانی که میان آنها روایت صحیح هم وجود دارد، مستحب است. (1)

3: مرحوم سید محمد جعفر طباطبایی حائری

3: مرحوم سید محمد جعفر طباطبایی حائری (2) (قدس سره):

1- سؤال: هل ترون ما ذهب اليه صاحب الحدائق من ان لبس السواد في عزاء سیدالشهدا و بقیة الائمة (علیهم السلام)، راجح شرعاً؟
جواب: ما ذهب اليه صاحب الحدائق (قدس سره) صحیح، فان لبس السواد من مظاهر الحزن علی ما اصاب سیدالشهدا و اهل بیته و اصحابه و کذا سائر الائمة (علیهم السلام) و اظهار الحزن فی مصائبهم مندوب شرعاً، للنصوص الكثيرة و فیها الصحیح. (الانتصار، ج 9، ص 247؛ الشیخ الکورانی العاملی (معاصر)، دارالسیره بیروت، 1422 ه.ق، لبنان، الطبعة الاولى).

2- وی از نوادگان صاحب ریاض است. رساله‌ای فقهی - استدلالی قرن سیزدهم و چهاردهم هجری است که در تبیین ادله و مبانی فقهی پوشیدن لباس مشکی در تعزیت و عزاداری امام حسین (علیه السلام) و امامان معصوم (علیهم السلام) می‌باشد. نویسنده نحوه استنباط و استخراج حکم کراهت و استحباب را در یک موضوع با دو هدف متفاوت بررسی و تحلیل کرده و روایات و ادله مختلفی از اصول کافی، من لا یحضر الفقیه و دیگر کتب حدیثی نقل نموده است. سپس به تفصیل، مصادیق و نمادها و پوشش سیاه و نحوه انجام این مستحب شرعی را در عزاداری توضیح داده و از قواعد اصولی و فقهی برای تبیین و تحلیل کمک گرفته است. توضیح مطلب این است که عنوان تلبس بر لباس حزن در ماتم و عزاداری‌ها و دیگر اغراض صحیح بر آن حمل نشود. فی المثل جایی که از پوشش سیاه قصد تجمل و فخر فروشی باشد طبق ادله مستحکم فقهی این لباس غیر شرعی و پوشیدن آن کراهت دارد. نویسنده به تفصیل از تحقق مفهوم حزن و انجام عزاداری و ارتباط آن با پوشش سیاه بحث کرده و معنای حزن را تبیین کرده و بر پایه آن پوشش سیاه در عزاداری امام حسین (علیه السلام) را جزو شعائر شیعی و مستحب دانسته است. (نرم افزا مجموعه جامع فقه اهل بیت، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)).

وی در کتابی که در همین مورد و با همین نام نگاشته، پس از آن که نظرش را بر استحباب پوشی در مراسم عزاداری سالار شهیدان (علیه السلام) اقامه داشته در بخشی از کتابش می‌گوید:

زنان بنی هاشم در محضر امام سجاد (علیه السلام) در سوگ سیدالشهدا (علیه السلام) به ماتم و عزاداری پرداختند و لباس سیاه را در بر کرده و امام هم با سکوتش کار آنان را تأیید فرمود. اگر این کار، مورد تأیید آن حضرت نبود یا جایز نمی‌بود، حتماً آن حضرت مانع می‌شد و در صورت نهی، اطاعت امام زمانشان بر آنان واجب بود، سکوت و تأیید امام دلیل بر جواز و استحباب این کار است؛ به ویژه این که در میان زنانی که جامه سیاه پوشیده، حضرت زینب (علیها السلام) بوده که بالاترین مقام را پس از معصوم دارد. (1)

1- وجه الدلالة على الاستحباب هو لبسهن ذلك بمحضرة (علیه السلام) وعدم منعهن عن لبسه و امرهن بغيره من مراسم العزاء و خصوصاً بعد وجود مثل الصديقه الصغرى زینب الكبرى (علیها السلام) الذى لا يقصر فعلها عن فعل المعصوم لكونها تالیة له فى المقامات العالیة و الدرجات السامیه. كما يدل له انه شعار الحزن و العزاء على المفقود العزيز الجليل من قديم الزمان و سالف العصر و الاوان: و كما هو الموسوم فى جميع نقاط العالم. (ارشاد العباد الى استحباب لبس السواد على سیدالشهدا و الائمة الامجاد، ص 28؛ میرزا جعفر طباطبایی الحائری حفید صاحب الرياض (1321ه.ق)، تحقیق: الحسینی الفحام).

او در جای دیگر عقیده و رفتار پدرش (حاج میرزا علامه سید علی نقی طباطبایی که از اعظام مجتهدین کربلا بوده) را این گونه بیان می‌کند: در اواخر عمر پدرم علامه، پوشیدن لباس سیاه و ندبه او در ایام عزاداری مولای ما امام حسین (علیه السلام) در فتوا و عمل تا هنگامی که به رحمت حق پیوست دیده می‌شود. (1)

4: علامه شیخ محمد حسین کاظمینی (قدس سره) معروف به محقق کاظمی (م1308ق):

ایشان نیز در تأیید سیاه پوشی برای اقامه عزای اباعبدالله الحسین (علیه السلام) چنین می‌نویسد:

در استثنای پوشش سیاه در عزای امام حسین (علیه السلام) و مانند آن (از کراهت) بعید نیست. چنان که در کتاب «حدائق» نیز استثناء شده است. دلیل استثنای آن [روایاتی] است که بر اظهار سعاتر حزن بر امام حسین (علیه السلام) دلالت می‌کند و دلیل دیگر، روایتی است که زنان بنی هاشم در ماتم آن حضرت، سیاه پوشیدند که حتی در گرما و سرما هم از تن بیرون نکردند و امام زین العابدین (علیه السلام) در مدتی که زنان مشغول عزاداری بودند، غذا آماده می‌فرمود و هرگز زنان را از این کار باز نداشت. (2)

5: میرزا ابوالفضل تهرانی (م1317ق)، شاگرد مبرز میرزای شیرازی و فیه و ادیب نامدار عصر قاجار

پوشیدن جامه سیاه در عزای امام حسین (علیه السلام) را «قیام به وظیفه عزاداری» و «تعظیم شعار و احیای امر ائمه» می‌داند. (3)

1- و كان والدي العلامة اعلى الله مقامه في اواخر امره و عمره يري حسن التلبس بهذا اللباس في ايام ماتم مولانا الحسين (عليه السلام) المعودة و ندبيته فتوى و عملاً الى ان انتقل الى رحمة الله. (ارشادالعباد، ص 54)

2- وفي استثناء لبسه في ماتم الحسين (عليه السلام) و نحوه وجه غير بعيد كما في «حدائق» لما دل على اظهار شعائر الحزن عليه (عليه السلام) و لما روى من لبس نساء بنى هاشم السواد و لم يغيرنها في حراً و برد و كان زين العابدین (عليه السلام) يصنع لهن الطعام في الماتم و لم ينكره (عليه السلام) عليهن. (هداية الانام في شرح شرايع الاسلام، ص 454، محمد حسين الكاظميني (1308ه.ق)، طبع نجف، 1330ه)

3- سیاهپوشی در سوگ ائمه نور (علیهم السلام)، ص 227 به نقل از: شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، بمبئی، 1309ق، ص 324.

6: مرحوم میرزا حسین نوری (قدس سره) صاحب «مستدرک الوسائل» (م 1320ق):

محدث فقیه، مرحوم میرزای نوری (قدس سره) در «مستدرک الوسائل» پس از نقل اخبار دال بر کراهت جامه سیاه و وراثت محاسن برقی نظر خود را بر استحباب را این گونه بیان می‌فرماید:

در این اخبار و قصه‌ها، اشاره یا دلالت بر عدم کراهت پوشش سیاه یا رجحان آن در حزن حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) است همچنان که سیره بسیاری در ایام حزن و ماتم آن حضرت بر این است. (1)

7: مرحوم آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (قدس سره):

این بزرگوار در پاسخ به استفتایی چنین فرموده است:

پرسش: مستدعی است نظرتان را درباره مسأله‌ای که پس از مسأله مظلومیت حضرت زهرا (علیها السلام) جایگاه مهمی در کویت پیدا کرده، بیان فرمایید. و آن مسأله پوشیدن لباس سیاه و سینه زنی در اثنای مراسم عزاداری سیدالشهدا (علیه السلام) در ماه محرم و ایام عزاداری ائمه (علیهم السلام) است.

پاسخ: بدون شک میان شیعه اختلافی نیست که سینه زنی و پوشیدن لباس سیاه از شعائر اهل بیت (علیهم السلام) و از مصادیق بارز این آیه کریمه است که می‌فرماید: «هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل‌هاست». (2) چنانچه این کارها از مظاهر جزع در مصائب و سوگواری اهل بیت (علیهم السلام) است که روایات فراوان بر رجحان آن دلالت می‌کند. هر کس در تضعیف یا کم رنگ نمودن اهمیت آن در میان جوانان شیعه

تلاش نماید از جفاکاران در حق اهل بیت (علیهم السلام) و از جمله کسانی است که در

1- قلت وفي هذه الاخبار، والقصاص، إشارة او دلالة على عدم كراهة لبس السواد او رجحانه حزناً على ابي عبدالله (عليه السلام) كما عليه سيرة كثير في ايام حزنه و ماتمه. (مستدرک الوسائل، ج3، ص 328، ح 33، باب 48، الميرزا حسين النوري (1320ق) تحقيق و الناشر: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لاحياء التراث، بيروت، 1408ه، الطبعة الثانية).

2- حج / 20.

قیامت به خاطر به اشتباه انداختن مردم در باره ظالمان به اهل بیت (علیهم السلام) مورد سؤال قرار خواهد گرفت. خداوند مؤمنان را بر ایمان و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) ثابت قدم نگه دارد و خداوند هدایت کننده به راه راست است. (1)

8 : وصیت نامه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی (قدس سره) :

ایشان در وصیت نامه خود این چنین می نویسد:

به پسر و وصیت می کنم لباس سیاهی که جهت حزن و اندوه در مصائب آل رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) در ماه محرم و صفر می پوشیدم با من دفن نماید. (2)

9 : آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی (قدس سره) :

سیاه پوشی در عزای سالار شهیدان سیره مستعمره شیعه در طول تاریخ بوده و امری مجاز و مستحسن است.

10 : آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی (مد ظله العالی) :

1- سؤال: یرجی من سماحتکم بیان رأیکم فی هذه المسألة التي اخذت منحی حظيراً فی الكويت بعد مسألة مظلومیة الزهرا (علیها السلام) و التي لا تخفی علیکم و المسألة فی ما هو رأیکم المبارک فی لبس السواد، و اللطم علی الصدور اثناء احیاء مراسم العزاء لسید الشهداء (علیه السلام) فی شهر محرم الحرام و لباقی الاثمة الاطهار (علیهم السلام)؟ جواب: لا اشکال و لا ریب و لا خلاف بین الشیعة الامامیه فی ان اللطم و لبس السواد من شعائر اهل البيت (علیهم السلام) و من لمصادیق الجلیة للآیة: «و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب» كما انها من مظاهر الجزع الذی دلت النصوص الكثيرة علی رجحانه فی مصائب اهل البيت و ماتمهم. و من یحاول تضعیف هذه الشعائر و التقلیل من اهميتها بین شباب الشیعة، فهو من الآثمین فی حق اهل البيت (علیهم السلام) و من المسئولین يوم القيامة عما اقترفه فی تضلیل الناس عن مظالم الاثمة (علیهم السلام) ثبت الله المؤمنین علی الايمان و الولاية. والله الهادی الی سواء السبیل. (الانتصار، ج9، ص 247، الشیخ الکورانی العاملی (معاصر)، دارالسیره، بیروت، 1424ق، الطبعة الاولى).

2- شهاب شریعت، درنگی در زندگی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ص 366، علی رفیعی، علاء مرو دشتی، طبع کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی، قم، 1373ش.

در کتاب استفتانات آیت الله العظمی سیستانی این چنین آمده است:

پرسش: نظر شما در مورد پوشیدن لباس مشکی در عزای امام حسین (علیه السلام) (خامس اصحاب کساء) چیست؟

پاسخ: پوشیدن لباس سیاه در عزای سیدالشهداء (علیه السلام) امر پسندیده‌ای است. (1) و (2)

و همچنین وی، می‌فرماید: کراهت لباس سیاه ثابت نیست. (3)

11: آیت الله سید ابراهیم میلانی می‌نویسد:

«در صورتی که آل عصمت و طهارت (علیهم السلام) در عزای ختمی مرتبت و علی مرتضی و صدیقه شهیده فاطمه زهرا و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین سیاه پوشیده‌اند، بدون هیچ تردیدی نه تنها استفاده از لبس سیاه کراهت ندارد، بلکه به لحاظ حفظ سیره آن ذوات مقدسه در ایام عزای اهل بیت (علیهم السلام) نوعی احیاء امر ایشان بوده، مستحبی است که نباید تحت هیچ عنوان و بهانه‌ای ترک شود و چه بسا به جهت عنوان ثانوی و وجوب انزجار و نفرت از قاتلان شهدا (علیهم السلام) حفظ فرع با اهمیت تولا و تبرا تشیع جنبه وجوب پیدا کند. و اگر در لسان بعضی از بزرگان قوم -رحمه الله علیهم اجمعین- برای استفاده آن کراهت نقل شده اولاً در غیر ایام عزای آل‌ال‌بیت (علیهم السلام) بوده که استفاده آن تشبّه به بنی‌العباس به شمار می‌رفته است با توجه به این مورد اخیر نیز پوشیدن سیاه در عزای ائمه طاهرین (علیهم السلام) نوعی احیاء امر و مظلومیت آل رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) محسوب می‌شود و چون به روزگار ما اشقیاء و خبثاء اموی و عباسی وجود خارجی ندارد و سیاه پوشی نشانه انزجار و تنفر از برخورد ظالمانه آنان با خاندان وحی است می‌باید به طور جدی سنت سیاه پوشیدن در عزای ائمه

1- السؤال: ما هورأیکم فی لبس السواد فی عزاء خامس اصحاب الکساء؟ الجواب: لبس السواد فی عزاء سیدالشهدا روحی فداه امر مطلوب. (استفتانات (فتاوی مراجع) السید السیستانی، ص 192.

2- شبهات عزاداری، ج 1، ص 450-456.

3- سایت دارالصادق (علیه السلام).

اطهار (علیهم السلام) خاصه حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) مراعات گردد و بر آن اصرار داشت و اگر جایی بر اثر عدم استطاعت مالی ترک سیاه پوشی می شود باید در تهیه آن کوشا بود حتی در مواردی که با غرض عده‌ای را فریب می دهند و مانع پوشیدن سیاه در عزای آل البیت (علیهم السلام) می شوند باید مانند سایر امور که امر به معروف و وظیفه می شود تا حدی که تولید فساد نشود و موجب تضعیف وحدت ضروری عصر ما که امویان و عباسیانی دیگر سعی در تخریب و تحذیف و تخریب اسلام دارند نگردد، امر به معروف نموده...» (1)

12 : حضرت آیت الله حاج سید محمدصادق روحانی مد ظله العالی :

سیاه پوشیدن در عزای ائمه (علیهم السلام) بدون شک مکروه نیست بلکه مستحسن است. من خودم مقیدم به پوشیدن سیاه، در غیر ایام عزاداری هم کراهت پوشیدن سیاه معلوم نیست، بلکه در زمان خاصی (خلافت بنی العباس) چون شعار آنان پوشیدن سیاه بود نهی شده است، فعلاً هیچ اشکالی ندارد. (2)

آنچه در بالا- از نظرات علمای بزرگوار بیان شد از باب نمونه بود، علاوه بر این که علمای بزرگ معاصر شیعه نیز در ایام شهادت سالار شهیدان (علیه السلام) و ایام شهادت ائمه اطهار (علیهم السلام) لباس سیاه پوشیده و به عزاداری پرداخته و هم اکنون نیز چنین می کنند.

فتوای فقها بر استحباب سیاه پوشی در عزای ائمه (علیهم السلام) به استناد حسنه محاسن برقی

اشاره

«اتقان سند» و «وضوح دلالت حسنه» بر جواز سیاه پوشی در سوگ سالار شهیدان (علیه السلام) سبب شده که این حدیث شریف، که مفاد آن، مؤیدات گوناگونی نیز در کتب سیره و حدیث و تاریخ دارد، مورد توجه خاص فقها قرار گیرد و مراجع قله پویی چون صاحب عروه طبق آن فتوا دهند.

1- شیعه و عاشورا، ص 199.

2- آداب عزاداری شهیدان کربلا، ص 176.

توجه شما را به نوشته محققانه دو تن از فقهای بزرگ دوران اخیر که در باب جواز بل استحباب سیاه پوشی در وفیات ائمه (علیهم السلام) به حدیث محاسن برقی استدلال کرده اند، جلب می کنیم:

1: فتوای استدلالی آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدظله العالی

مرجع عالیقدر حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی در پاسخ به سؤال از «رجحان شرعی پوشیدن لباس سیاه در عزای امام حسین (علیه السلام) و دیگر امامان (علیهم السلام)» در تاریخ 8 ذی الحجه 1415 ق جواب مفصل و مستدلی مرقوم داشته اند که خود بخشی مستوفی و منقح در استدلال به حدیث محاسن برقی بر رجحان سیاه پوشی در مصیبت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) است. متن استفتاء و پاسخ ارزشمند و خواندن ایشان را، برای ثبت در تاریخ، نقل می کنیم:

سؤال:

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی دامت برکاته

به نظر مبارک حضرتعالی پوشیدن لباس سیاه در عزای امام حسین (علیه السلام) و دیگر امامان (علیهم السلام) چنانکه از کلام صاحب «حدائق» استفاده می شود رجحان شرعی دارد یا خیر؟ 13/2/1374.

جواب:

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام الله و سلام انبیائه و ملائکته علی سیدنا و مولانا ابی عبدالله الحسین المظلوم سیدالشهدا و ابی الاحرار و علی اهل بیته و اولاده و اصحابه.

با توجه به اینکه پوشیدن لباس سیاه شعار اهل مصیبت و علامت سوگواری و عزاست، پوشیدن آن در عزای سیدالشهدا (علیه السلام) و سایر حضرات معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - بی شبهه راجح و تعظیم شعائر و اعلان ولایت و برائت از اعداء آل محمد - صلوات الله علیهم اجمعین -، تجلیل از ایثار و فداکاری و شهادت در راه خدا، پاسداری از دین و مذهب، و مصداق عناوین و جهات راجحه دیگر است. یکی از شعائر شیعیان در عراق در دهه عاشورا برافراشتن پرچمهای سیاه عزا بر بالای خانهها

بود، که حتی کسی که در وسط بیابان تنها در یک خانه و کوخ محقر زندگی می‌کرد ملتزم به این اعلام عزا و سوگواری بود. یقیناً این برنامه‌ها و سیاه پوشیدن و سیاه پوش کردن در و دیوار خانه‌ها و حسینه‌ها و تکایا و مجالس که متضمن درس‌های بسیار آموزنده و موجب تعالی افکار و اهداف و تبلور شعور مذهبی و انسانی است، همه راجح و سبب احیاء و بسط امر مذهب و تحکیم علائق و روابط با خاندان رسالت و تجدید میاق تشیع و پیروی از آن بزرگواران و محکوم کردن ظلم و استضعاف و استکبار است.

و ما مسئله کراهت پوشیدن لباس سیاه که به اجماع و اخبار بر کراهت آن استناد شده است:

اولاً: اصل حکم به کراهت قابل خدشه و اشکال است؛ زیرا عمده دلیل آن که اجماع است محصل نیست، و به فرض محصل بودن، با وجود احتمال استناد مُجمَعین به اخبار، حجت و کاشف از قول معصوم (علیه السلام) نیست و روایاتی که بر آنها استناد شده است اخباری مُرسل و ضعیف است و تمسک به آنها - به عنوان تسامح در ادله مکروهات جریا علی التسامح فی ادله المستحبات - مثبت حکم شارع مقدس به کراهت نیست. علاوه بر اینکه اثبات حکم موضوعی برای موضوع دیگر یا اثبات حکم موضوع ذی الخصوصیه برای فاقد خصوصیت، بدون یقین به تساوی هر دو موضوع در موضوعیت برای حکم و بدون یقین به عدم دخالت خصوصیت (مثل ما نحن فیه) قیاس و حکم به غیر علم است.

بنابراین با اخبار تسامح در ادله سنن، جواز تسامح در ادله مکروهات و حکم به کراهت ثابت نمی‌شود، مضافاً بر اینکه در اصل مقیس علیه نیز استفاده محکم به استحباب ما بلغ فیه الثواب عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) محل تأمل و اشکال است.

غایه الامر نقول: انه يستفاد من هذه الاخبار ان من بلغه عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ثواباً علی امر ثبت رجحانه بالشرع سواء كان مستحباً او واجباً او لم یثبت عدم رجحانه ان اتی به

التماساً لهذا الثواب يعطى به ذلك الثواب ويوجز ربه؛ و این هذا من الحكم بالاستحباب حتى يقال به فی غیره؟!

به هر حال، اخبار داله بر کراهت از جهت سند فاقد اعتبارند، و جبران ضعف آنها به عمل اصحاب - بنابراینکه عمل جابر ضعف سند باشد- در صورتی است که استناد ایشان در فتوی به نفس خیر باشد، ولی در مثل این مورد که محتمل است بر اساس همان تسامح در ادله مشی کرده باشد، عمل به استناد به نفس حدیث ثابت نمی‌شود. مضافاً بر اینکه، به فرض جبر ضعف سند به عمل، دلالت روایات بر کراهت مطلقه مورد اشکال است؛ زیرا از خود آنها استفاده می‌شود که حکم در این موضوع به عنوان اولی موضوع نیست، بلکه به جهت تَعْنُونِ آن به عنوان ثانوی و شعار و لباس بنی عباس بودن است که پوشیدن آن تشبّه به آنها و موجب ارائه نفوذ و کثرت جمعیت پیروان آنها است. و در واقع، نهی از آن به ملاحظه این بوده که یکی از مصادیق تلبس به لباس ظلمه و تشبّه به آنهاست و مثل این حکم طبعاً دائر مدار بقاء تعنون موضوع به عنوان مورد نظر است. بنابراین اگر بنی عباس از بین رفتند و این شعاریت و عنوان، بی موضوع و منتفی شد، یا رنگ دیگر شعار آنها یا ظلمه و کنار و اهل باطل شد، موضوع عوض می‌شود و حکم بر موضوع خود مترتب می‌گردد و پوشیدن لباسی که شعار فعلیه مثل کروات دارد مکروه می‌شود.

ثانیاً: با قبول اینکه اصل حکم فی الجملة ثابت است، دلیل آن اگر اجماع باشد دخول پوشیدن لباس سیاه در عزا - که ظاهراً در اعصار ائمه (علیهم السلام) و بعد از ایشان متداول بوده - در معقد اجماع معلوم نیست و قدر متیقن از آن، مواردی است که این عنوان عزا را نداشته باشد و تلبس به لباس و شعار اعدا بر آن صادق باشد؛ و اگر احادیث را هم مستند حکم بشماریم شمول و ظهور اطلاق یا عموم آنها در این مورد به مناسبت حکم و موضوع قابل منع است. و بعد از تمام این تفصیلات، همان روایتی که صاحب حدائق به عنوان تأیید نفی بُعد استثناء لبس سواد در عزای حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) از جلاء العیون علامه مجلسی (قدس سره) نقل کرده دلیل است و به نظر حقیر، با آن حصر

مفاد روایات کراهت در غیر موارد عزا فهمیده می‌شود، و هم می‌توان به فرض قبول اطلاق یا عموم روایات آن را مقید یا مخصص آنها دانست، و جهت اینکه صاحب حدائق صریحاً به آن استناد نکرده ظاهرراً عدم ذکر سند آن در جلاء و عدم اطلاع یا عدم مراجعه ایشان به واسطه ضیق مجال به کتاب‌های دیگر بوده است. اینک حدیث شریف:

محدث مشهور احمد بن محمد بن خالد برقی از طبقه سابعه در کتاب محاسن، ص 420، ح 195 از پدرش محمد بن خالد از حسن بن ظریف بن ناصح از طبقه ششم از پدرش ظریف بن ناصح از طبقه پنجم از حسین بن زید که ظاهراً حسین بن زید بن علی بن الحسین (علیهما السلام) معروف به ذی الدمعه و از طبقه پنجم است و او از (عمویش) عمر بن علی بن الحسین (علیهما السلام) روایت کرده است و سند و لفظ حدیث به این شرح است:

«عنه عن الحسن بن ظریف بن ناصح عن ابيه عن الحسين بن زید عن عمر بن علی بن الحسین (علیهما السلام) قال: لما قتل حسین بن علی (علیهما السلام) لبس نساء بنی هاشم السواد و المسوح و کن لا تشتکین من حرّ و لا برد، و کان علی بن الحسین (علیهما السلام) يعمل لهن الطعام للمأتم» (1)

از این حدیث شریف که مورد اعتماد و حجت است و شخصیت‌هایی از مشاهیر و از ثقات و اکابر اهل بیت (علیهم السلام) آن را روایت نموده اند استفاده می‌شود:

1: اینکه پوشیدن لباس سیاه در ماتم و عزا از صدر اول مرسوم بوده است. و لذا بانوان معظمه بنی هاشم در ماتم حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) لباس سیاه پوشیده‌اند و ظاهر این است که این عادت و سنتی بوده است که قبل از آن تا عصر رسالت هم سابقه داشته است و مثل این است که لباس سیاه به عنوان ترک تزئین و شعار عزادار بودن متداول و مرسوم بوده است بنابراین، روایات کراهت لبس سواد شامل این - گونه لبس موقت و معمول نمی‌شود و منصرف به این است که لباس متعارف و رسمی شخص، سیاه باشد

1- این حدیث را علامه مجلسی (قدس سره) از محاسن در بحار الانوار، ج 79، ص 84، باب التعزیه و المأتم، ح 24 روایت فرموده است.

و به فرضی که اطلاق یا عموم داشته باشد این روایت آن اطلاق یا عموم را تقیید یا تخصیص می دهد.

2: تشویق و ترغیب امام (علیه السلام) از این عمل، دلیل بر رجحان آن است و از آن فهمیده می شود که ادامه آن، جهت فراموش نشدن این واقعه بسیار بزرگ تاریخی و بزرگداشت موقف عظیم سیدالشهدا (علیه السلام)، راجح و مستحب است.

گفته نشود: که حدیث، حکایت از عمل بانوان و تصویب امام (علیه السلام) دارد و دلالت بر رجحان پوشیدن لباس سیاه در عزای آن حضرت برای مردها ندارد؛ زیرا گفته می شود: وجه تصویب و تشویق امام (علیه السلام) حال حزن و مصیبتی است که به وسیله پوشیدن لباس سیاه ظاهر می شود و خصوصیت صدور این حال از زن یا مرد ملحوظ نیست و این حال در هر کس ظاهر شود، مطلوب است؛ البته اگر پوشیدن لباس سیاه فقط ظهور این حال را از زن ها نشان می داد اختصاص به آنها پیدا می کرد. ولی وقتی در هر دو - عندالعرف - علی السواء ظاهر می شود یا گاهی در مردها ظاهر تر است وجهی برای اختصاص نیست و مثل رجل شک بین الثلاث و الاربع است که چون این شک برای زن و مرد - هر دو - علی السواء حاصل می شود از آن، اشتراک زن یا مرد در حکم معلوم می شود. این حدیث مانند کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) است: «الخصاب زینة و نحن قوم فی مصیبة» که از آن استفاده می شود زینت مناسب مصیبت زدگی نیست، خواه خضاب باشد یا چیز دیگر؛ مصیبت زده مرد باشد یا زن. از این حدیث هم استفاده می شود، اظهار عزاداری به وسیله پوشیدن لباس سیاه مورد تصویب و تشویق است خواه از مرد صادر شود یا از زن. و چنان نیست که با اینکه از جانب مرد نیز این اظهار ممکن باشد رجحان اظهار آن مختص به زن باشد؛ زیرا عرف آنچه را موضوع مطلوبیت این عمل می یابد ارائه حال عزا و سوگواری است که صدور آن از زن و مرد - هر دو - مطلوب است.

بلکه می توانیم بگوییم از مثل این حدیث می فهمیم که: ارائه حال سوگواری در مصیبت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به هر نحو مشروع که عندالعرف حال سوگواری باشد

مطلوب است؛ خواه به وسیله پوشیدن لباس سیاه یا صیحه زدن در مجالس عزای ناله و گریه کردن یا مرثیه خواندن یا پا برهنه رفتن یا صورت‌های مشروع و مقبول دیگر، موجب اجر عظیم الهی در آخرت خواهد بود.

جعلنا الله من القائمین بها و حشرنا فی زمرتهم بحق محمد و آله الطاهرین، صلوات الله علیهم اجمعین.

8 ذی الحجه 1415، لطف الله صافی. (1)

2: رساله «مجمع الدرر فی مسائل اثنتی عشر»، نوشته آیت الله عبدالله مامقانی در استحباب سیاه پوشی در عزای ائمه (علیهم السلام)

مرجع عالی قدر، آیت الله شیخ عبدالله مامقانی اثری به نام کتاب «الاثنتی عشر» دارند که سال 1344 ق در مطبعه مرتضویه نجف اشرف به چاپ رسیده است. این کتاب حاوی 12 رساله است که یکی از آنها تحت عنوان «مجمع الدرر فی مسائل اثنتی عشر» به بحث پیرامون استحباب سیاه پوشی در عزای ائمه (علیهم السلام) اختصاص دارد. متن رساله «مجمع الدرر» را ذیلاً می خوانید:

بسم الله الرحمن الرحیم

احمدالله علی جزیل نعمه و اصلی علی اشرف رسله و اله و عترته سیما ابن عمه و صهره و خلیفته.

و بعد فبقول الفقیر الی الله الغنی و الجانی الفانی عبدالله المامقانی عفی عنه ربه ابن الشیخ قدس [سرّه‌بمانه لَمَا كان بعض المستفتین یلتمس التعرض فی الجواب الدلیل الفتوی اجمالاً و كنت اجیب الالتماس احببت ضبط صورها لتكون للمبتدی تصبره و للمنتهی

تذكرة و تفعنى يوم الفقر و الفاقة و سميتها بمجمع الدرر فى مسائل اثنتى عشر و من الله استمد و به استعين.

السؤال الاول: ما يقول شيخنا و ملاذنا - ادام الله ظله العالى - فى لبس السواد فى مصيبة الـعزة من الـاموات خصوص عزاء مولينا سيدالشهدا عليه افضل الصلوة و السلام و ساير المعصومين صلوات الله عليهم اجمعين هل هو مكروه او مباح او فى عزاء المعصومين (عليهم السلام) مستحب و راجح؟ فان اطلاق الاخبار يقتضى الكراهة الشديدة حتى ورد ان الاسود من الالبسة ما عدا الخف و العمامة و الكساء لباس فرعون و ورد انه لباس اهل لنار و ورد النهى عن الصلوة فيه سيما لامام الجماعة فواجه تداول الشيعة لبس السواد ايام عزاء الائمة (عليهم السلام) و فى مصيبة موتاهم و

اقامتهم الصلوة فيه و هل لذاك مخرج عن العمومات او انه مندرج تحتها؟ افيدونا ادام البارى سبحانه تايدكم.

الجواب: لا ريب فى قيام السيرة القويمه من العلماء و الصلحاء و المتدينين و الابرار فى كافة الامصار على لبس اهل المصيبة السواد و كذا فى ايام عزاء المعصومين صلوات الله عليهم اجمعين سيما سيدالشهداء ارواحنا له الفداء حتى صار ذلك من شعارهم و الذى به يمتازون عن غيرهم، و من البعيد جدا ان تستمر سيرتهم القويمه و طريقتهم المستقيمة خلفا عن سلف من غير تحاشى منهم و لا نكير على ارتكاب مثل هذا المكروه كراهه شديدة من غير مستند شرعى. فالمصنف المتدبر يستكشف بالتزامهم بذلك و استمرارهم عليه عن وجود مقيد لاطلاقات كراهه لبس السواد سيما فى الصلوة و مخصص لعموماتها، بل يستكشف بذلك عن وجود مايفيد رجحانه اذ لولا الرجحان لما التزموا به هذا الالتزام التام و ما اهتموا به هذا ال اهتمام؛ بل السيرة قائمه على لبس السواد فى عزاء الـآباء و الـارحام و حملة شرع سيد الانام ايضا، فيكشف ذلك عن وجود مخرج المطلق العزاء عن العموم.

ولك ان تتمسك لرجحان لبس السواد في عزاء المعصومين (عليهم السلام) ونوابهم و اباحتهم بالمعنى الاخص في عزاء الارحام بما دلّ عموماً على رجحان اظهار الحزن لى نوابهم (رض) و المؤمنين الابرار و ما دلّ على اباحتهم اظهار الحزن على الابوين و الارحام. غاية ما هناك وقوع التعارض من وجه بين هذه العمومات وبين عمومات كراهة لبس السواد سيما في الصلوة، و لا مانع من ترجيح هذه العمومات بالسيرة القويمة المذكورة.

و يؤيد المطلوب بل يدل عليه جملة من الاخبار:

فمنها الحسن الذي رواه الفاضل المجلسي (قدس سره) في البحار في باب الوقائع المتأخرة عن قتل سيدنا المظلوم ابي عبدالله الحسين - صلوات الله عليه - عن المحاسن عن الحسن بن ظريف عن ابيه عن الحسين بن زيد عن عمر بن علي بن الحسين (عليهما السلام) قال لما قتل الحسين بن علي (عليهما السلام) لبس نساء بنى هاشم الوساد و المسوح و كن لا يشتكين حراً و لا برداً و كان علي بن الحسين (عليهما السلام) يعمل لهن الطعام للمأتم. فان لبس الهاشميات السواد و فيهن محرام علي بن الحسين (عليهما السلام) كعمّاته و اخواته، و سكوته (عليه السلام) عنهن و عمله الطعام لهنّ تقرير لهن علي لبس السواد في العزاء و لو كان ذلك مكروها لمنعهنّ البتة، و تقريره (عليه السلام) حجة فلا مجال لتوهم انّ فعل الهاشميات مع عدم عصمتهن ليس بحجة.

و منها ما رواه في الباب المذكور في خبر طويل الى ان قال (عليه السلام) فلما اصبح - يعني يزيد لعنه الله - استدعى بحرم رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) فقال لهنّ ايما احب اليكنّ: المقام عندي او الرجوع الى المدينة؟ و لكم الجزرة السنّية، قالوا نحبّ اولاً ان ننوح على الحسين (عليه السلام). قال افعلوا ما بدا لكم ثم اخلت لهنّ الحجر و البيوت في دمشق و لم تبق هاشمية و لا قرشيّة الا و لبست السواد على الحسين و ندبوه على ما نقل سبعة ايام (الحديث). فانّ لبسهن

السّواد بمحضر زين العابدين (عليه السلام) او عدم منعه ايّاهنّ عن ذلك يكشف عن كون العزاء مستثنى، وكيف يغضى صوت الله عليه عن اتفاق اهل بيت الطهارة والعصمة سلام الله عليهم على ارتكاب المكروه كراهة شديدة؟!

ومنها ما رواه هو (ره) في الباب المذكور عن الحسين بن علي الزعفراني عن محمد بن عمر النصيبى عن هشام بن سعد قال اخبرني المشيخة أنّ الملك الذي جاء الى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) و اخبره بقتل الحسين بن علي (عليهما السلام) ملك البحار و ذلك ان ملكا من ملائكة الفردوس نزل على البحر و نشر اجنحة عليها ثم صاح صيحة و قال يا اهل البحار البسوا اثواب الحزن على الحسين (عليه السلام)؛ و لباس الحزن عند الناس ليس الا الثوب الاسود، فتأمل.

ومنها ما رواه هو (ره) في الباب المذكور الى ان قال (عليه السلام) قال الوصيف يا سكينه اخفضى صوتك فقد ا بكميت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) ثو الوصيف اخذ بيدي فادخلني القصر فاذا بخمس نسوة قد عظم الله تعالى خلقهنّ وزاده في نورهنّ وبينهنّ امرئة عظيمة الخلقة ناشرة شعورها و عليها ثياب سود بيدها قميص مضمّخ بالدمّ و اذا قامت يقمن معها و اذا جلست جلسن معها فقلت للوصيف ما هؤلاء النسوة اللاتي قد عظم الله خلقتهنّ فقال يا سكينه هذه حواء ام البشر و هذه مريم بنت عمران و عيذه خديجة بنت خويلد و هذه سارة و هذه التي بيدها القميص المضمّخ و اذا قامت يقمن معها و اذا جلست يجلس معها هي جدتك فاطمة الزهرا (عليها السلام) فدنوت منها و قلت لها يا جدّاتاه قتل والله ابي و اوتمت على صغر سنّي فضمّنتي الى صدرها و بكت بكاء شديدا و بكين النسوة كلّهن و قلن لها يا فاطمة و يحكم الله بينك و بين يزيد يوم فصل القضاء (الحديث). فان لبس سيدتنا الزهرا صلوات الله عليها الصياب السّود يكشف عن عدم كراهة ذلك للحزن، الا ان يناقض

بانّ لبسها للسّواد بعد ارتحالها عن هذا العالم لا يدل على عدم كراهة لبس الثوب في هذا العالم الذي هو عالم التكليف، فتأمل.

و منها ما في شرح ابن ابي الحديد على نهج البلاغة عن الاصمغ بن نباتة قال دخلت مسجد الكوفة بعد قتل امير المؤمنين (عليه السلام) و رأيت الحسن و الحسين (عليهما السلام) لابسى السواد؛ فان فعلهما حجة و في نهاية العبد اقدامهما على ارتكاب المكروه كراهة شديدة، بل اقدامهما (عليهما السلام) على ذلك يكشف عن رجحانه لانه الاصل في افعالهم كما تقرر في محله.

و منها ما في جزء السادس عشر من الشرح المذكور عن المدائني انه قال لما توفّي على (عليه السلام) خرج عبدالله بن العباس بن عبدالمطلب الى الناس فقال ان امير المؤمنين (عليه السلام) توفّي و قد ترك خلفا فان احببتم خرج اليكم و ان كرهتم فلا احد على احد فبكى الناس و قالوا بل يخرج الينا فنخرج الحسين (عليه السلام) فخطبهم فقال ايها الناس فانا امرائكم و اوليائكم و انا اهل البيت الذين قال الله فينا انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت فبايعه الناس و كان خرج اليهم و عليه ثياب سود، و دلالة كسابقه؛ الى غير ذلك مما يقف عليه المتتبع من الاخبار.

و قد تحصل من ذلك كلّ عدم كراهة لبس السواد في عزاء الأئمة (عليهم السلام) بل رجحانه بل عدم كراهة لبس السواد في عزاء مطلق المؤمن احتراماً له بل رجحانه لما دل من العقل و النقل على حسن احترام المؤمن حيّاً و ميّتاً و ما دل على رجحان العزاء عليه؛ و النسبة بين تلك الادلة و بين ادلة كراهة لبس السواد- و ان كان هو العموم من وجه- الا ان ترجّح تلك الادلة بالسيرة القويمه و الله العالم.

و يؤيد ما ذكرنا ما عن ابن شهر آشوب من ان السّواد حداد آل محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و شهداء كربلاء و زيد و يحيى، و ما عن ابن فهد في التحصين من أنّه قيل لراهب رأى عليه مدرعة

شعر سوداء ما الذي جعلت على لبس السواد؟ فقال هو لباس المحزونين وانا اكبرهم، فقبل له و من اي شيء انت محزون؟ قال لانني اصبت في نفسي و ذلك اتي قتلتها في معركة الذنوب فانا حزين عليها ثم اسبل دمعه. القصة. (1)

نتیجه:

سیاه پوشی شیعیان در عزاداری یک نوع اظهار محبت و ارادت به ساحت مقدس امامان اهل بیت (علیهم السلام) و اظهار همدردی با صاحب عزای اصلی و حجت الهی حضرت حجت بن الحسن المهدی ارواحنا فداه است.

سیاه پوشی حضرات معصومین (علیهم السلام) فعل خود معصوم است.

سیاه پوشیدن، اقتدا به سیره اهل بیت (علیهم السلام) در عزاداری‌ها می‌باشد.

1- سیاهپوشی در سوگ ائمه نور (علیهم السلام)، ص 218-221.

فصل ششم: مرثیه خوانی، نوحه سرایی و شعر

اشاره

از آیین‌های عزای امام حسین (علیه السلام) در فرهنگ و سیره اهل بیت (علیهم السلام) مرثیه سرایی و مرثیه خوانی است.

واژه «رثاء و مرثیه»:

در لغت نامه‌های عرب «رثاء» از ریشه «رث ی» به معنای «گریستن بر مرده» و «برشمردن نیکویی‌های او» و «شعرگفتن درباره مرگ کسی با اظهار دلسوزی» است. (1)

در لغت فارسی، «مرثیه» عبارت است از: «عزاداری»، «در عزای کسی شعر سرودن»، «گریستن بر مرده و بر شمردن خوبی‌های او» را سوگواری، «روضه»، «مراسم سوگواری که یاد شهدای کربلا بر پا کنند»، «اشعاری که در ذکر مصیبت‌های معصومان (علیهم السلام) می‌خوانند». (2)

در کتاب امالی شیخ مفید (قدس سره) از قول ابراهیم بن واحد نقل شده است:

«اول شعر رُثی به الحسین بن علی (علیهما السلام) قول عقبه بن عمرو السهمی؛ اولین شهری که برای حسین (علیه السلام) سروده شد، کلام عقبه بن عمر سهمی است». (3)

توصیه‌های اهل بیت (علیهم السلام) مبنی بر بزرگداشت واقعه دلخراش طف و عمق و شدت تراژدی عاشورا از عواملی است که بسیاری از ادیبان متعهد را از دوره‌های خفقان بار اموی و عباسی تاکنون تحت تأثیر قرار داد و عواطفشان را شعله ور ساخت و آنان سوگ سروده‌هایی از خود پیرامون واقعه کربلا به جای گذاشته‌اند. و در تاریخ شیعه شعرای برجسته همچون فرزدق، کمیت، عبدالله بن کثیر، دعبل و سید حمیری،

1- زبیدی، تاج العروس، ج 19، ص 447؛ ازهری، تهذیب اللغه، ج 15، ص 90؛ فراهیدی، العین، ج 8، ص 234؛ ابن منظور، لسان العرب، ج 14، ص 309.

2- دهخدا، لغت نامه، ج 1، ص 1452؛ معین، فرهنگ معین، ص 728.

3- مفید، امالی، ص 324.

فضائل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه شهدای کربلا را به بهترین شکل ترسیم کرده‌اند. استاد جواد شبر بخشی از مرثی سیدالشهدا (علیه السلام) را در فرهنگی قطور به نام «ادب الطف» (1) و کتاب «عبرات المصطفین» اثر: آقای محمودی، «شعراء کربلا او الحائریات» اثر: آقای علی الخاقانی محتوی معرفی 84 تن شاعر این شهر می‌باشد (2) و «عاشورا فی الادب العاملی المعاصر» اثر: سید حسن نورالدین، پیرامون شاعران جبل عامل و محتوا و سبک‌های شعری آنان پیرامون حادثه کربلا را می‌توان نام برد.

واژه «نوحه و نیاحه»

در لغت‌نامه‌های عربی، «نوحه» و «نیاحه» از ریشه «ن و ح» به معنای گریه و زاری و شیون بر مرده تعریف شده است. (3)

در لغت‌نامه‌های «العین» و «الصحاح» به معنای: «اجتماع زنان در مرگ و اندوه» و همچنین «شیون زنان بر مردگان خود» آمده است. (4)

1- ادب الطف او شعراء الحسین (علیه السلام) من القرن الاول الهجرى حتى القرن الرابع عشر، اثر: سید جواد شبر مشتمل است بر شرح حال و نمونه اشعار بیش از 500 شاعر که درباره امام حسین (علیه السلام) به عربی شعر سروده‌اند. (ویکی نور) این کتاب مجموعه‌ای ده جلدی به زبان عربی است که به بیان اشعار و معرفی شاعران حسینی در طول 14 قرن می‌پردازد. نخستین شاعر معرفی شده، عقبه بن عمرو سهمی است که در اواخر قرن اول، شعری درباره امام حسین (علیه السلام) و شهیدان کربلا سروده است. آخرین شاعر هم شیخ مهدی حجار است که در سال 1385 ق درگذشت. (کتابشناسی تاریخی امام حسین (علیه السلام)، ص 178-179، محمد اسفندیاری) کتاب ادب الطف، به سال 1409 ق توسط انتشارات دارالمرتضی در بیروت منتشر شد. (ویکی شیعه)

2- الذریعه، ج 14، ص 194.

3- ابن درید، جمهره اللغه، ج 1، ص 575؛ ابن منظور، لسان العرب، ج 2، ص 627.

4- جوهری، الصحاح، ج 1، ص 414؛ فراهیدی، العین، ج 3، ص 304.

اشکالی ندارد که «نوحه» به معنای شیون و اندوه و گریه باشد؛ زیرا اجتماع زنان نیز بدین جهات است. (1)

در لغت نامه‌های فارسی «نوحه» این‌گونه تعریف شده است: «بیان مصیبت، گریه کردن با صدا و شیون و زاری، شعری که در سوگواری با صوت حزین و ناله و زاری خوانده، اعم از سوگواری برای کسی که تازه وفات کرده، یا برای امامان شیعه (علیهم السلام)». (2)

شواهدی از منابع تاریخی:

1: در جنگ اُحُد، شهادت مجاهدان فداکار به ویژه شهادت حضرت حمزه (علیه السلام) برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان بسیار سخت بود، به طوری که وقتی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از بازگشت به مدینه از کنار خانه انصار گذشتند، صدای نوحه و گریه زنان انصار را که بر شهدای خود می‌گریستند شنیدند (فسمع بکاء النوائح) چشمان مبارکشان پر از اشک شد آنگاه فرمودند: عموم حمزه امروز گریه کن ندارد». (3) لکن حمزه لا بواکی له الیوم.

جماعت بسیاری در سوگ حضرت حمزه (علیه السلام) و شهدای اُحُد مرثیه سرایی نموده‌اند از جمله:

صفیة در سوگ برادرش حضرت حمزه (علیه السلام)؛ کعب بن مالک انصاری در قصائد بسیار؛ حسان بن ثابت در قصیده‌های متعدد مرثیه سرایی نموده‌اند. (4)

1- لسان العرب، ج 12، ص 4، ذیل کلمه ماتم.

2- دهخدا، لغت نامه، ج 2، ص 3058؛ معین، فرهنگ معین، ص 1704.

3- حضرت حمزه (علیه السلام) حامی رسالت، ص 63؛ حلبی، السیرة الحلییه، ج 2، ص 260. کتاب «حضرت حمزه (علیه السلام) حامی رسالت» توسط محققین و پژوهشگران حوزه علمیه اصفهان در سال 1397 ش به زیور طبع آراسته گردید.

4- حضرت حمزه (علیه السلام) حامی رسالت، صص 64-69.

در کتاب شریف «وسائل الشیعه» بابتی منعقد شده است با عنوان: «باب جواز النوح و البكاء علی المیت و القول الحسن عند ذلک الدعاء» باب جواز نوحه کردن و گریستن بر مرده و گفتار نیکو و دعا کردن در آن وقت. (1)

هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به شهادت رسید، نزدیکان، یاران و صحابه ایشان در فقدان آن حضرت، عزاداری و مرثیه سرایی نمودند از جمله:

حضرت زهرا (علیها السلام) (2)؛ صفیه دختر عبدالمطلب (3)؛ حسان بن ثابت (4)؛ ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب بن هشام (5)؛ ابوذؤیب هذلی (6)؛ ابوهیثم بن تیهان (7)؛ ام رعله قشیری (8)؛

1- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 3، ص 241.

2- العقد الفرید، ج 3، ص 218؛ النهایه، ج 3، ص 156؛ تاج العروس، ج 2، ص 206.

3- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 312. صفیه دختر عبدالمطلب بن هاشم به عبدمناف، عمه پیامبر و حضرت علی (علیهما السلام)، مادر زبیر بن عوام و خواهر حمزه سیدالشهدا (علیه السلام) می باشد که اضافه بر قدرت سرودن شعر و داشتن شجاعت و رسیدن به حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، از آن حضرت حدیث هم روایت کرده است. زنان دانشمند و راوی حدیث، ص 187. صفیه اولین زن مسلمانی است که، مردی از مشرکین را به قتل رسانده است. زنان دانشمند و راوی حدیث، ص 187 به نقل از اسدالغابه، ج 5، ص 493.

4- سیره ابن هشام، ج 4، ص 666-669.

5- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 144.

6- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 97.

7- ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج 4، ص 184.

8- الاصابه، ج 4، ص 276. ام رعله قشیری: این زن از بانوان شاعر، خوش بیان، فصیح و روای حدیث می باشد. تاریخ نویسان می گویند: ام رعله از مدینه خارج شد و دیگر در شهر مدینه دیده نشد، تا اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وفات یافت، وقتی به شهر آمد که مدینه، دیگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را نداشت و مردم هم عموماً به «ارتداد» و ترک سخنان و سفارش های پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) (درباره خلافت) گرفتار شده بودند. (الاصابه، ج 4، ص 450) وی به حضور امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) رسید، به آنان احترام و اظهار علاقه زیادی کرد و همچون پروانه دور آنان می چرخید. (ریاحین الشریعه، ج 3، ص 396) و بعد هم در کوچه ها و محله های مدینه می گشت و آه و ناله سوزناکی سر می داد، به طوری که با شنیدن ناله های سوگوارانه وی، همه خانه های انصار همنوا می شدند، و در سوگ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و بر حوادث تلخ پس از شهادت آن وجود نازنین، آوای ناله ها، فضای مدینه را انباشته می ساخت! (الاصابه، ج 4، ص 450؛ اعلام النساء المومنات، ص 154) یکی از چکامه ها و مرثیه های «ام رعله» هم چنین است: یا دار فاطمه المعمور ساحتها! هیجت لی حزنا حیت من دار ای خانه فاطمه! ای که روزگاری فضای تو را عمران و آبادی انباشته ساخته بود. امروز امواج غم و اندوه را شعله ور می سازی، و اما خانه دلم با وجود یاد تو آباد و زنده می گردد! (زنان دانشمند و راوی حدیث، ص 84).

عامر بن طفیل (1)؛ سواد بن قارب (2) و (3)

2: حضرت زهرا (علیها السلام)، سرور زنان دو جهان، در رثای پدر بزرگوارشان شعرهایی را خوانده که موجب برانگیختن حزن و اندوه انسان می شود از جمله:

ان حزنی علیک حزن جدید و نوادی والله صب عیند

کل یوم یرید فیه شجونى و اکتیابی علیک لیس ببید

همانا حزن من برای تو حزن تازه ای است و قلبم به خدا قسم جریحه دار و سخت شده و هر روز غصه ام گلوگیرتر می شود و چهره ام در غم تو شکسته می شود، که این نابود شدنی نیست. (4)

3: امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مصیبت شهادت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این مرثیه را ایراد فرمود:

نَفْسِي عَلَى زَفَرَاتِهَا مَحْبُوسَةٌ

يَا لَيْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الزَّفَرَاتِ

لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ وَإِنَّمَا أَبْكِي مَخَافَةَ أَنْ تَطُولَ حَيَاتِي

جانم در ناله ها زندانی است، کاش با این ناله ها خارج می شد؛ زندگی بعد از تو خیری ندارد و من گریه می کنم از ترس طولانی شدن عمرم. (5)

1- الاصابه، ج 3، ص 54.

2- الروض الانف، ج 3، ص 249.

3- تاریخچه عزاداری اهل سنت بر امام حسین (علیه السلام)، صص 93-104.

4- بحار الانوار، ج 43، ص 176.

5- دیوان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ص 123؛ بحار الانوار، ج 22، ص 547؛ تسلیه المجالس، ج 1، ص 241.

بعضی از بزرگان این اشعار حضرت علی (علیه السلام) را در مصیبت همسر بزرگوارشان حضرت زهرا (علیها السلام) نقل نموده‌اند. در روایت آمده است که امام حسین (علیه السلام) بعد از شهادت برادر بزرگوارشان امام حسن مجتبی (علیه السلام) هنگامی که او را در قبر قرار دادند در رثای آن بزرگوار اشعاری ایراد فرمودند. (1)

واژه «شعر»

«شعر» از ماده «ش ع ر» به معنای «شناخت دقیق همراه با فطانت و موشکافی» است. (2)

برای همین شاعر به کسی گفته می‌شود که با قدرت تحلیل خود، دقیق‌ترین مطالب را که دیگران از فهم و درک آن عاجزند، به خوبی درک کند و در قالب سخنانی موزون و زیبا به دیگران بفهماند. (3)

احادیث

اشاره

امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید:

يَا بَشِيرُ رَحِمَ اللَّهُ أَبَاكَ لَقَدْ كَانَ شَاعِرًا فَهَلْ تَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ قُلْتُ بَلَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي لَشَاعِرٌ قَالَ فَادْخُلِ الْمَدِينَةَ وَانْعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ .

«ای بشیر! خداوند رحمت کند پدرت را که شاعر بود. آیا تو نیز می‌توانی چند شعری بگویی؟»

گفتم: بلی ای فرزند رسول خدا! من نیز شاعرم.

1- بحار الانوار، ج 44، ص 160.

2- جوهری، الصحاح، ج 2، ص 698؛ ابن منظور، لسان العرب، ج 4، ص 410.

3- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج 1، ص 456.

فرمود: داخل مدینه شو و خبر شهادت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را به مردم برسان. (1)

ابوطالب قمی شعری در فضیلت امام سجاد (علیه السلام) سرود و آن را برای امام باقر (علیه السلام) نوشت و اجازه خواست درباره آن حضرت نیز شعر بسراید. امام باقر (علیه السلام) در جای خالی بالای همان کاغذ نوشت: «کار نیکی انجام دادی، خداوند پاداش خیر به تو عنایت فرماید». (2)

حسن بن جهم می‌گوید: از امام رضا (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: «هیچ مؤمنی در مدح ما شعری نمی‌سراید، مگر آنکه خداوند برای او شهری در بهشت بنا کند که هفت مرتبه از تمام دنیا بزرگ‌تر باشد و در آن شهر تمام ملائکه مقرب و انبیای مرسل به دیدار او می‌آیند». (3)

وثاقت حسن بن جهم:

نجاشی می‌گوید: حسن بن جهم بن بکیر، ابومحمد ثقه است. از ابوالحسن موسی بن جعفر و امام رضا (علیهما السلام) روایت کرده و دارای یک کتاب است که عده‌ای از اصحاب آن را برای ما روایت کرده‌اند. (4)

وی از کسانی است که امام رضا (علیه السلام) از شهادتشان به او خبر داده است. (5)

زید شحام می‌گوید: ما گروهی از اهل کوفه در محضر امام صادق (علیه السلام) بودیم که جعفر بن عفان خدمت آن حضرت رسید. حضرت او را به سوی خود فرا خواند و نزدیک خود جای داد. سپس به او فرمود: ای جعفر! به من خبر رسیده که تو درباره امام حسین (علیه السلام) شعر می‌گویی و این کار را به خوبی انجام می‌دهی؟

1- بحارالانوار، ج 45، ص 147، لهوف، ص 197.

2- وسائل الشیعه، ج 10، ص 468.

3- عیون اخبارالرضا (علیه السلام)، ج 1، ص 7؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 598.

4- رجال نجاشی، ص 40.

5- عیون اخبارالرضا (علیه السلام)، ج 2، ص 184-5؛ بحارالانوار، ج 49، ص 153، 189.

عرض کرد: بله. سپس جعفر شروع به خواندن اشعار کرد و امام صادق (علیه السلام) با کسانی که گرداگردشان بودند گریستند؛ به طوری که اشک‌های حضرت بر صورت و محاسن شریفش جاری شد. سپس فرمود: ای جعفر! قسم به خداوند! ملائکه مقرب خدا در اینجا حاضر بودند و سخن تو را درباره امام حسین (علیه السلام) شنیدند و همانا آنها نیز مثل ما، بلکه بیشتر، گریستند و حق تعالی در همین ساعت بهشت را با تمام نعمت‌های آن برای تو واجب گردانید و گناهان تو را آمرزید. سپس فرمود: ای جعفر! می‌خواهی زیادت‌تر بگویم؟

جعفر عرض کرد: بله، سرور من.

حضرت (علیه السلام) فرمود: هر که در مرثیه حسین (علیه السلام) شعری بگوید و بگیرد و بگیراند، حق تعالی او را می‌آمرزد و بهشت را برای او واجب می‌گرداند. (1)

وثاقت زید شحام

زید بن محمد بن یونس، ابواسامه لقبش شحام، اهل کوفه روایت می‌کند از دو تن از پیشوایان بزرگوار شیعه، حضرت امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام)، این بزرگوار کتابی دارد که شاگرد بلند مرتبه اش «صفوان بن یحیی» از او روایت می‌کند. (2)

شیخ مفید، زید شحام را یکی از فقیهان و برگزیدگان شیعه می‌داند که شیعیان در مسائل شرعی و احکام دین آموزه‌های مکتب تشیع و فراگیری فتاوا به آن مراجعه می‌کردند. (3)

شیخ طوسی در دو اثر گرانسنگ خود که در زمینه زندگی نامه و معرفی چهره‌های محدثان پدید آورده است، زید را بدین سان می‌شناساند:

1- وسائل الشیعه، ج 14، ص 594؛ البکاء، ص 359.

2- رجال نجاشی، ص 175.

3- معجم رجال الحدیث خوبی، ج 8، ص 375.

زید شحام، کنیه‌اش ابواسامه، نام پدرش محمد، شهروند کوفه، و از تبار ازدیان است. او یکی از راویان موجه و قابل اعتماد شیعه است. [\(1\)](#)

ابن شهر آشوب: زید الشحام کان من خواص اصحاب ابی عبدالله؛ زید شحام یکی از یاوران ویژه امام صادق (علیه السلام) بود. [\(2\)](#) و حامل اسرار آن حضرت به شمار می‌رفت.

علامه مجلسی (قدس سره) بعد از نقل دیدگاه نجاشی و شیخ طوسی چنین می‌نگارد: زید شحام در حوزه نشر و گسترش روایات آل‌البیت (علیهم السلام) از جایگاه بلند و ممتازی برخوردار است. افزون بر آنکه او چهره بزرگی از محدثان شیعی است. [\(3\)](#)

کشی می‌نویسد: زید شحام به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: آیا نام من در سلسله گروه اصحاب الیمین - مؤمنان و شیعیان خالص و ولایت‌مدار - قرار دارد؟

حضرت فرمودند: بلی. [\(4\)](#)

از شاگردان وی می‌توان افراد زیر را نام برد:

جمیل بن دراج، ابان بن عثمان، عمار بن مروان، حماد بن عثمان، علی بن نعمان، حسن بن محبوب، سیف بن عمیره، معاویه بن عمار، بکر بن محمد بن ازدی، جعفر بن بشیر، حریر بن عبیدالله سجستانی، ابن ابی عمیر، عبدالرحمان بن حجاج، عبدالله بن مسکان، درست بن ابی منصور و ابراهیم بن عمر الیمانی و... [\(5\)](#)

قال الصادق (علیه السلام): مَا قَالَ فِينَا قَائِلٌ بَيْتاً مِّنَ الشَّعْرِ حَتَّى يُؤَيَّدَ بِرُوحِ الْقُدُسِ؛ گوینده‌ای در حق ما بیت شعری را نسروده است، مگر آنکه روح القدس او را تأیید کرده باشد. [\(6\)](#)

1- رجال طوسی، ص 122 و ص 195؛ فهرست طوسی، ص 129.

2- المناقب، ابن شهر آشوب، ج 4، ص 281.

3- خلاصه الاقوال، ص 148.

4- رجال الکشی، ج 2، ص 628.

5- فهرست طوسی، ص 129؛ رجال نجاشی، ص 125؛ جامع الرواه، ج 1، ص 345؛ تنقیح المقال، ج 24، ص 36.

6- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج 1، ص 7؛ بحار الانوار، ج 76، ص 291.

مطابق این سخن، شعر دربارهٔ معصومان (علیهم السلام) با تأیید و الهام جبرئیل (علیه السلام) بر زبان شاعر متعهد جاری می‌شود و شاعر این خاندان حامل پیام الهی روح القدس است. با توجه به اینکه روح القدس امتیاز بزرگی است که هر کسی از آن برخوردار نیست، می‌توان به جایگاه عالی شاعر اهل بیت (علیهم السلام) پی برد.

دستور اهل بیت (علیهم السلام) به مرثیه سرایی

1: علامه مجلسی (قدس سره) به نقل از متأخرین از دعبل نقل می‌کند که امام رضا (علیه السلام) در روز عاشورا فرمود: ای دعبل! هر کس بر مصیبت جدم حسین (علیه السلام) گریه کند، خداوند حتماً گناهایش را می‌آمرزد. آن گاه امام (علیه السلام) برخاست و پرده‌ای میان ما و خانواده‌اش زد. اهل بیت خود را پشت پرده نشانند تا بر مصیبت جدش حسین (علیه السلام) گریه کنند. آن گاه رو به من کرد و فرمود: ای دعبل! برای حسین (علیه السلام) مرثیه بخوان. (1)

2: امام رضا (علیه السلام) به دعبل شاعر فرمود:

یا دعبل! ارث الحسین (علیه السلام) فانت ناصرنا و مادحنا مادمت حیا فلا تقصر عن نصرنا ما استطعت؛ ای دعبل! برای امام حسین (علیه السلام) مرثیه بگو، تا زنده‌ای یاور و ستایشگر مایی، پس تا می‌توانی از یاری ما کوتاهی مکن. (2)

(طبق این روایت یکی از شیوه‌های یاری اهل بیت (علیهم السلام) بالاخص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مرثیه گفتن می‌باشد).

3: حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره سیرهٔ جدش فرمودند:

«نیح علی الحسین بن علی سنة فی کل یوم و لیلۃ و ثلاث سنین من الیوم الذی اصیبک فیه»

1- بحار الانوار، ج 45، ص 257.

2- جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 567.

یک سال تمام، هر شب و روز بر حسین بن علی (علیهما السلام) نوحه خوانی شد و سه سال در روز شهادتش سوگواری برپا گشت. (1)

اجاره کردن نوحه خوان نیز عملی است که در سنت و سیره امامان (علیهم السلام) برای امام حسین (علیه السلام) گزارش شده است.

4: امام صادق (علیه السلام) می فرماید: پدرم امام باقر (علیه السلام) به من فرمود:

یا جعفر! اوقف لی من مالی کذا و کذا النوادب تندبنی عشر سنین بمنی ایام منی»

ای جعفر! از مال خودم فلان مقدار وقف نوحه خوانان کن که به مدت ده سال در منا در ایام حج، بر من نوحه خوانی و سوگواری کنند. (2)

5: امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

بر حسین (علیه السلام) ندبه و زاری کنید و در خانه‌ها و اهل آن، عزاداری بر پا نمایید و یکدیگر را در حالت ماتم و تعزیت گویی ملاقات

کنند. (3)

6: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) ... ثُمَّ قَالَ: بَلَّغْنِي أَنْ قَوْمًا يَأْتُونَهُ مِنْ نَوَاحِي الْكُوفَةِ وَ نَاسًا [أُنَاسًا] مِنْ غَيْرِهِمْ وَ نِسَاءً يَدْبُنُهُ، وَ ذَلِكَ فِي النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، فَمِنْ بَيْنِ قَارِيٍّ يَقْرَأُ، وَ قَاصِّ يَقْصُّ، وَ نَادِبٍ يَدْبُ، وَ قَائِلٍ يَقُولُ الْمَرَاثِي، فَقُلْتُ: نَعَمْ جَعَلْتُ فِدَاكَ قَدْ شَهِدْتُ بَعْضَ مَا نَصِفُ، فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفِدُ إِلَيْنَا وَ يَمْدَحُنَا وَ يَرِثِي لَنَا وَ جَعَلَ عَدُوَّنَا مَنْ يَطْعُنُ عَلَيْهِمْ مِنْ قَرَابَتِنَا وَ غَيْرِهِمْ يَهْدُونَهُمْ [يَهْدِدُونَهُمْ] وَ يَقْبَحُونَ مَا يَصْنَعُونَ.

عبدالله بن حماد بصری از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند:

1- بحار الانوار، ج 79، ص 102.

2- بحار الانوار، ج 46، ص 220.

3- کامل الزیارات، ص 175.

.... سپس حضرت فرمودند: به من خبر رسیده است که قوم و گروهی از نواحی کوفه و مردمان دیگری از جاهای دیگر برای زیارت امام حسین (علیه السلام) می آیند و زنانی [به زیارت او می آیند که] در عزای او ندبه می کنند. (1) و این امر در نیمه شعبان است [که مردم دسته دسته برای زیارت امام حسین (علیه السلام) مشرف می شوند و در بین مردم گروه‌های مختلفی هستند]. خوانندگان [در عزای او] می خوانند و قصه گویان قصه [مصائب] او را بازگو می کنند و ندبه کنندگان بر او ندبه می کنند و خوانندگان مرثیه، به مرثیه خوانی می پردازند. راوی گوید: به حضرت عرض کردم: بلی فدایت گردم، من خود شاهد برخی از آنچه توصیف فرمودید بوده‌ام.

پس از آن حضرت فرمودند: شکر و سپاس مخصوص خداوندی است که در بین مردم کسانی را قرار داده که به زیارت ما می آیند و به مدیحه سرایی برای ما می پردازند و برای ما مرثیه می خوانند و [شکر خدا که] دشمنان ما را کسانی قرار داده که طعنه می زنند و عیب جویی می کنند اعم از اینکه خویشان ما باشند یا غیر آنان و خون آنان را هدر می داند و کارهای آنان را تقبیح می کنند و زشت می پندارند. (2)

7: ابوهارون مکفوف می گوید:

خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم، حضرت مرا امر کرد که ذکر مصیبتی بخوان و من نیز اشعاری خواندم، هارون مکفوف تا مصرع اول مرثیه را برای حضرت خواند، امام صادق (علیه السلام) چندان گریست که ابوهارون ساکت شد، حضرت فرمود: او را بخوان و تمام کن اشعار را، بیشتر بخوان، که بعد از آن، صدای فریاد و ناله و گریه و ولوله زنان در منزل بلند شد. (3)

1- ندبه کردن: گریه کرد و نوحه گری بر میت به گونه‌ای که میت را به بهترین اوصافش یاد کند و محاسن و کارهای خوب او را بشمارد.
2- کامل الزیارات، باب 108، ص 325-326، ح 829؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 599؛ هدایه الائمة الی احکام الائمة (علیهم السلام)، ج 5، ص 505.

3- بزرگترین مصیبت عالم، محمد خادمی، ص 93، به نقل از کامل الزیارات، ص 86.

8: عن ابی هارون مکفوف قال: «دخلت علی ابی عبدالله (علیه السلام): فقلی لی: انشدنی، فانشدته فقال: لا، کما تشدون و کما ترثیه عند قبره، فانشدته: امرر علی جدت الحسین (علیه السلام) فقل لاعظمه الزکیه، قال: فلما بکی امسکت انا فقال: مر فمررت، قال ثم قال: زدنی قال: فانشدته:

یا مریم قومی اندبی مولاک و علی الحسین (علیه السلام) فاسعدی بیکاک

قال فبکی و تهاجج النساء. قال: قلما ان سکتین قال لی: یا ابا هارون! من انشد فی الحسین (علیه السلام) فابکی عشرة فله الجنة، ثم جعل ینتقص واحداً و احداً حی بلغ الواحد، فقال: من انشد فی الحسین (علیه السلام) فابکی و احدا فله الجنة ثم قال: من ذکره فبکی فله الجنة؛

از ابوهارون مکفوف روایت شده است که گفت:

بر حضرت صادق (علیه السلام) وارد شدم حضرت به من فرمود: برای من [در مرثیه اباعبدالله الحسین (علیه السلام)] شعر بخوان. من نیز برای حضرتش به شعر خواند پرداختم.

حضرت فرمود: نه [به این کیفیت]، بلکه آن چنان که شما [در بین خود] شعر می خوانید (1) [بخوان] و آنچنان که رثای آن حضرت را در نزد قبر او می خوانی رایم بخوان!

من نیز شروع کردم به خواندن این اشعار: بر قبر حسین (علیه السلام) گذر کن و به استخوان های پاک او بگو ...

1- در بعضی از نسخه ها آمده است: یعنی با رقت و لحن رقت انگیز.

راوی می‌گوید: هنگامی که آن حضرت گریه کردند من از خواند بقیه اشعار خودداری کردم؛ حضرت فرمودند: به شعر خواندن ادامه بده. من نیز ادامه دادم. راوی گوید: سپس حضرت به من فرمودند: بیشتر برایم بخوان [و این جمله را تکرار کردند]. من نیز این اشعار را برای حضرت خواندم: ای مریم برخیز و برای مولای خود ندبه کن و با گریه خود حسین (علیه السلام) را یاری کن.

راوی گوید: آن حضرت گریه کردند و بانوان از شدت گریه به جوشش و التهاب آمدند. هنگامی که ساکت شدند حضرت به من فرمود: ای ابهارون! هرکس درباره حسین (علیه السلام) شعر بخواند و ده نفر با بگریاند بهشت برای او خواهد بود. سپس شروع کردند یک نفر یک نفر کم کنند تا رسیدند به یک نفر و فرمودند: هر کس درباره حسین (علیه السلام) شعر بخواند و یک نفر را با آن بگریاند بهشت برای او خواهد بود سپس فرمودند: هر کسی حسین (علیه السلام) را به یاد آورد و گریه کند بهشت برای او می‌باشد». (1)

9: بعد از واقعه کربلا، حضرت ام البنین (علیها السلام) همواره به بقیع می‌رفت و با سوزناک‌ترین ناله، بر سیدالشهدا و اصحابش نوحه‌گری می‌کرد. (2)

10: امام صادق (علیه السلام) به جعفر بن عغان فرمود:

«ما من احد قال فی الحسین شعراً فبکی و ابکی به الا اوجب الله له الجنة و غفر له؛ هیچ کس نیست که درباره امام حسین (علیه السلام) شعری بسراید و بگرید و با آن بگریاند مگر آن که خداوند، بهشت را بر او واجب می‌کند و او را می‌آمرزد. (3)

11: امام صادق (علیه السلام) نیز فرموده است:

«من انشد فی الحسین بیتا من شعر فبکی و ابکی عشرة فله و لهم الجنة و من انشد فی الحسین فبکی و ابکی تسعة فله و لهم الجنة...»

کسی که یک بیت شعر درباره امام حسین (علیه السلام) بسراید و گریه کند و ده تن یا نه تن را بگریاند جایگاه آنان بهشت است...» (4)

1- بحار الانوار، ج 44، ص 287.

2- مقاتل الطالبین، ص 84.

3- رجال، شیخ طوسی، ص 289.

4- بحار الانوار، ج 44، ص 289، باب ثواب البكاء علی مصیبة الحسین (علیه السلام)؛ نفس المهموم، ص 59-60، ح 13.

مرثیه سرایی حضرت ام البنین (علیها السلام)

اشاره

علامه سماوی در «ابصار العین» آورده است: حضرت ام البنین (علیها السلام) هر روز به بقیع می‌رفت و بر حضرت ابالفصل العباس (علیه السلام) مرثیه خوانی می‌کرد. او فرزند حضرت عباس (علیه السلام)، عبیدالله را با خود می‌برد و مردم برای شنیدن مرثیه خوانی ام البنین (علیها السلام) گرد می‌آمدند و در میان آنان مروان بن حکم نیز بود. مردم از سوز گریه ام البنین (علیها السلام) می‌گریستند.

از مرثیه های ام البنین (علیها السلام)

یا من رأی العباس کز علی جماهیر النقد و وراه من ابناء حیدر کلّ لیث ذی لبد

أنبئت أنّ ابنی أصیب برأسه مقطوع ید و یدی علی شبلی أمال برأسه ضرب العمد

لو کان سیفک فی یدیک لما دنی منه أحد (1)

ای کسی که عباس را دیده است که بر دشمنان هجوم می‌آورد، و در پی او دیگر فرزندان حیدر هر یک بسان شیر بیشه‌ای است. به من خبر داده اند که بر سر فرزندم عمود آهنین زدند، در حالی که دست هایش را بریده بودند. وای بر فرزندم! آیا بر سرش عمود آهن فرود آمد؟ اگر شمشیر در دست داشتی، هیچ کس به او نزدیک نمی‌شد!

همچنین می‌خواند:

لا تدعوئی ویک أمّ البنین تذکّرینی بلیوث العرین

کانت بنون لی ادعی بهم و الیوم أصبحت و لا من

بنین أربعه مثل نسور الرّبی قد واصلوا الموت بقطع الوتین

تنازع الخرصان أشلاءهم فکلّهم أمسى صریعاً طعین

یا لیت شعری اکما أخبروا بأنّ عبّاسا قطع الیمین

دیگر مرا «ام البنین» نخوانید؛ که مرا به یاد شیرهای بیشه ام می اندازد.

من پسرانی داشتم که مرا به آنان می خواندند، در حالی که امروز هیچ پسری ندارم. چهار پسر همانند باز شکاری داشتم که رگ گردنشان را دشمنان بریدند و پسرانم کشته شدند. نیزه های بسیاری بر جسم آنان فرود آمد و آنان در حالی روز به پایان رساندند که همگی با بدن های چاک چاک بر روی خاک افتاده اند.

کاش می دانستم؛ آیا این خبر درست است که دست های عباس (علیه السلام) را بریده اند؟! (1)

حضرت ام البنین (علیها السلام) در خروج به بقیع، از فاطمه زهرا (علیها السلام) الگو گرفته بود. چنانکه آن مظلومه شهیده، حسنین (علیهما السلام) را به همراه گرفته و به بقیع می رفت و در آن مکان بر پدر گرمی اش می گریست.

ابوالفرج اصفهانی می گوید: ام البنین مادر آن چهار برادر شهید به بقیع می رفت و به سوزناک ترین و اندوهناک ترین گریه ها بر فرزندانش می گریست. مردمان نیز نزد و گرد آمده، به او گوش می سپردند. مروان نیز در میان آنان برای شنیدن گریه های ام البنین می آمد و همواره گریه ام البنین را می شنید و می گریست. (2)

1- سفینه البحار، ج 3، ص 308؛ ام البنین، مادر پرچمدار کربلا، ص 245-246، به نقل از ابصار العین، ص 31-32.

2- مقاتل الطالبین، ص 90. سید جمال اشرف در پاورقی کتاب ام البنین، ص 244 می نویسد: گریه های ام البنین بسیار اندوهناک بود؛ اما این گریه ها نمی تواند دل مروان بن حکم، وزغ بن وزغ، را متأثر گرداند. از سخن ابوالفرج چنین استفاده می شود که گریه ام البنین (علیها السلام)، آتش در دل ها می افکند، به گونه ای که مروان با تمام سنگدلی اش متأثر می شد. اما این موضوع، در خصوص این لعین، غیر قابل تصور است؛ زیرا مروان کسی است که با اهل بیت (علیهم السلام) پیکار کرد و لحظه ای از عمر نامبارک خویش را از پیکار با آنان نایستاد. او کسی است که دشمنان را علیه اهل بیت (علیهم السلام) گرد می آورد و دیگران را علیه آنان می شورانید و در زمان حیات و پس از زمان وفات اهل بیت (علیهم السلام)، علیه آنان حيله و نیرنگ به کار می بست وی کسی است که قلبش از شهادت امام (علیه السلام) شفا یافت. هنگامی که سر مبارک امام را نگریست با این اشعار اظهار خوشحالی و شادکامی نمود: **يَا حَبْدًا بَرْدَكَ فِي الْيَدَيْنِ وَ لَوْنَكَ الْأَحْمَرُ فِي الْخَدَيْنِ كَأَنَّهُ بَاتَ بِمَجْسِدَيْنِ شَفِيْتُ مِنْكَ النَّفْسَ يَا حُسَيْنَ** به به! از سردی تو در میان دست ها و رنگ قرمزی که در گونه های خویش داری، گویا در میان طلا و نقره خوابیده [که گونه هایش چنین گلگون و درخشان است]. از خون حسین، قلبم شفا یافته است.

کراهت نداشتن مرثیه سرایی اهل بیت (علیهم السلام) در شب و روز جمعه

برخی روایات دلالت دارد به اینکه شعر خواندن در شب‌ها، شب و روز جمعه و تمام ماه مبارک رمضان کراهت دارد. (1)

اما از کلمات نورانی معصومین (علیهم السلام) و سیره علمی آنان معلوم می‌شود که کراهت یاد شده، شامل اشعار مرتبط با مدح و سوغ اهل بیت (علیهم السلام) نمی‌شود از جمله:

1: از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل است که در شب 19 رمضان اشعاری دربارهٔ شهادت خود خواندند. (2)

2: اشعار متعددی از امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا که مطابق با روز جمعه بود نقل کرده‌اند. (3)

3: خَلْف بن حَمَّاد (4) از امام رضا (علیه السلام) پرسید: شیعیان از پدران شما روایت می‌کند که شب و روز جمعه و ماه رمضان و شب‌ها شعر خواندن کراهت دارد و من تصمیم

1- نک: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَقُولُ يُكْرَهُ رِوَايَةُ الشَّعْرِ لِلصَّائِمِ وَ لِلْمُحْرِمِ وَ فِي الْحَرَمِ وَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ أَنْ يُرَوَى بِاللَّيْلِ.» طوسی، تهذیب الاحکام، ج 5، ص 195.

2- ارشاد، ج 1، ص 117.

3- ارشاد، ج 2، ص 95.

4- خلف بن حمّاد: راوی شیعی قرن 2 و 3، از اصحاب امام کاظم (علیه السلام) است. رجالیان شیعه وی را توثیق کرده‌اند. نام او در اسناد نزدیک به 80 روایت در کتب اربعه شیعه آمده است که غالباً مضمون فقهی دارند. (دانشنامه جهان اسلام، ج 16، ص 19) نجاشی وی را ثقة خوانده است. علامه حلی در خلاصه الاقوال، ص 139 و ابن داوود حلی در کتاب الرجال، ص 88 نیز به تبع توثیق نجاشی او را در بخش اول کتاب رجال خود (ممدوحین و معتمدین) آورده و به تغصیف ابن غضائری نیز اشاره کرده است. رجالیان متأخر و معاصر نیز توثیق نجاشی را ترجیح داده‌اند. (تنقیح المقال، ج 25، ص 381؛ معجم رجال الحدیث، ج 7، ص 66؛ قاموس الرجال، ج 4، ص 194؛ الوجیزه فی الرجال مجلسی، ص 74) بزرگانی چون ابراهیم بن هاشم، حسن بن علی و شاء، صفوان بن یحیی، علی بن اسباط، محمد بن خالد برقی، محمد بن سنان، محمد بن عیسی از او روایت کرده‌اند. (معجم رجال الحدیث، ج 7، ص 63-64؛ روایات وی در کتب اربعه شیعه ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج 7، ص 392-396). خلف بن حماد کتابی داشته است که محمد بن حسین بن ابی خطاب و محمد بن خالد برقی آن را روایت کرده‌اند. (فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، ص 176)

گرفته‌ام برای امام کاظم (علیه السلام) مرثیه سرایی کنم. با اینکه ماه رمضان است. حضرت فرمود: مرثیه سرایی کن برای آن حضرت در شب جمعه و ماه رمضان و بقیه ایام، خداوند تو را پاداش خواهد داد. (1)

بر پایه همین روایات است که فقهای شیعه اشعار مربوط به اهل بیت (علیهم السلام) را نه تنها از حکم کراهت خارج کرده‌اند، بلکه به استحباب آن در تمام اوقات فتوا داده‌اند. (2)

اجرت گرفتن برای مرثیه خوانی و تعیین آن

اشاره

شاعر اهل بیت (علیهم السلام) با هنر زیبا و کلام رسای خود، امامان (علیهم السلام) را بر مردم می‌شناساند و آنها را به پیروی از ایشان دعوت می‌کند، امامان معصوم (علیهم السلام) هنگامی که

1- عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَاعِ إِنَّ أَصْحَابَنَا يَرُونَنِي عَنْ أَبِيكَ (علیهم السلام) - أَنَّ الشُّعْرَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ - وَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ فِي اللَّيْلِ مَكْرُوهٌ وَ قَدْ هَمَمْتُ أَنْ أُرْتِي أَبَا الْحَسَنِ (علیه السلام) وَ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ - فَقَالَ لِي ابْنُ أَبِي الْحَسَنِ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ - وَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ فِي اللَّيْلِ وَ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ فَإِنَّ اللَّهَ يَكْفِيكَ عَلَى ذَلِكَ. (وسائل الشیعه، ج 14، ص 599.)

2- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج 14، ص 120.

شاعران و مرثیه سرایان خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضورشان شرفیاب می شدند آنان را مورد تشویق و دلجویی قرار داده و عمل آنها را نوعی دفاع از مکتب اهل بیت (علیهم السلام) تلقی کرده و از آنها درخواست می کردند که سروده های خویش را در حضورشان بخوانند که به برخی از این عطایا اشاره می کنیم:

1: پاداش امام سجاد (علیه السلام) به فرزدق

هشام بن عبدالملک، پادشاه اموی، به حج آمده بود. در ازدحام مسجدالحرام نتوانست حجرالاسود را استلام کند. در جایگاهی نشست و اهل شام او را طواف می دادند. در این حال، امام سجاد (علیه السلام) وارد مسجدالحرام و مشغول طواف شد. او دید که مردم کنار می روند و به امام راه می دهند تا ایشان به راحتی حجرالاسود را استلام کند. مردی شامی از هشام پرسید: «امیر مؤمنان! این مرد کیست؟»

هشام برای اینکه اهل شام به امام رغبت پیدا نکنند، به دروغ گفت: «او را نمی شناسم».

ابوفراس فرزدق شاعر حاضر بود. گفت: «ولی من او را می شناسم.» سپس شعر زیبایی در وصف امام سجاد (علیه السلام) سرود و آن را خواند.

هشام خشمگین شد. جایزه ای که به او نداد، به او هم عتاب کرد و گفت: «چرا درباره ما چنین شعری نمی سرایی؟»

فرزدق پاسخ داد: «تو جدی همانند جد امام سجاد (علیه السلام) و پدری مثل پدر او و مادری نظیر مادر او برای خود بیاور تا درباره تو نیز مثل آن بسرایم!»

هشام وی را در عُسفان، جایی بین مکه و مدینه، زندانی کرد. خبر به امام سجاد (علیه السلام) رسید، امام، دوازده هزار درهم برایش فرستاد و فرمود: «ای ابافراس! عذر ما را بپذیر. اگر بیش از این داشتیم آن را به تو می دادیم».

فرزدق پول را برگرداند و عرض کرد: «ای پسر رسول خدا! آن اشعار را جز برای خدا و رسولش (صلی الله علیه و آله و سلم) نگفتم و در صدد پاداش مادی آن نبودم.»

امام سجاد (علیه السلام) دوباره پول را برایش فرستاد و فرمود: «به حقی که من بر تو دارم، آن را بپذیر. خداوند از جایگاهت آگاه است و تیت تو را می‌داند». فرزدق صلهٔ امام را پذیرفت و در زندان هشام با شعر خویش، هشام را هجو می‌گفت. (1)

2: عطا کردن امام باقر (علیه السلام) پیراهن خود را به کمیت

امام باقر (علیه السلام) پس از شنیدن شعر کمیت رو به کعبه کرد و سه بار فرمود: بار خدایا! رحمت نما و او را بیامرز. سپس فرمود: ای کمیت! این صد هزار درهم است که از اهل بیتم برایت جمع کرده‌ام. کمیت عرض کرد: نه، به خدا سوگند! پول را نمی‌گیرم تا خدای متعال پاداشم را بدهد؛ ولی خواهشمندم یکی از پیراهن‌های خود را به من هدیه دهید. امام هم پیراهنی به وی داد. (2)

کمیت در محضر امام صادق (علیه السلام)

کمیت در ایام تشریق (3) شرفیاب محضر مبارک امام صادق (علیه السلام) شد، اجازه گرفت تا اشعارش را بخواند، حضرت اشاره به عظمت ایام تشریق فرمود، او عرض کرد که اشعارم مربوط به شماسست، ابیات گذشته را قرائت کرد، صدای گریهٔ حاضرین بلند شد و بسیار اشک ریختند. هنگامی که چهار بیت اخیر را دربارهٔ سیدالشهدا (علیه السلام) خواند، امام صادق (علیه السلام) دست‌های مبارک را بلند کرده و دعا نمود: خدایا! گناهان گذشته و آینده، مخفی و آشکار کمیت را بیامرز، آن قدر به او عطا کن تا راضی و خشنود گردد.

سپس حضرت هزار سکه طلا و لباس‌هایی به او عنایت فرمود.

کمیت سوگند یاد نمود که: من برای دنیا به شما محبت نمی‌ورزم و گرنه نزد اهل دنیا (یعنی خلفا) می‌رفتم. من شما را برای (خدا و) آخرت دوست دارم، لباس‌هایی

1- بحار الانوار، ج 46، ص 124.

2- بحار الانوار، ج 46، ص 333.

3- ایام منی پس از عید قربان، یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی الحجّه. (مجمع البحرین).

که به بدن (پاک و طاهر) شما اصابت کرده برای تبرک می‌پذیرم ولی مال (وسکته‌های طلا) را نه. (1)

3: صله امام صادق (علیه السلام) به اشجع اسلمی

اشجع اسلمی شاعر به عیادت امام صادق (علیه السلام) آمد و دو بیت برای امام (علیه السلام) خواند. امام (علیه السلام) به خادم خود فرمود: چقدر پول همراه داری؟

عرض کرد: چهارصد درهم. امام صادق (علیه السلام) چهارصد درهم به او صله داد. اشجع شکرکنان می‌رفت. امام (علیه السلام) او را طلبید و انگشتی خود را به او عطا کرد که ده هزار درهم قیمت داشت. (2)

1- عزاداری رمز محبت، ج 1، ص 200، ح 172، به نقل از: الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه سید علی خان مدنی، ص 570-571؛ الغدیر، ج 2، ص 192. قال محمد بن سعد: دخلت مع الكمیت علی ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) فی ایام التشریق، فقال: جعلت فداک الا اُنشدک؟ قال: انها ایام عظام! قال: انه فیکم، قال (علیه السلام): هات، فانشدته قصیدته التي اولها: الا هل عم فی رأیه متأمل و هد مدبر بعد الإساءة مقبل... فكثر البكاء و ارتفعت الاصوات، فلما امر علی قوله فی الحسین (علیه السلام): کان حسینا و البهالیل حوله لاسیافهم ما یختلی المتقبل یخضن بهم من آل احمد فی الوغی دما ظل منهم کالبهیم المحجل فلم ار مخذولاً اجل مصیبه و اوجب منه نصره حین یخذل یریب به الرامون عن قوس غیرهم فیا آخر اسدی له الغی اول رفع ابوعبدالله (علیه السلام) یدیه، و قال: اللهم اغفر للکمیت ما قدم و آخر، و ما اسرّ و اعلن، و اعطه حتی یرضی. ثم اعطاه الف دینار و کسوه، فقال له لکمیت: و الله ما احببتکم للدنیا، و لو اردتها لایت من هی فی یدیه، و لکننی احببتکم للآخرة، فاما الثیاب التي اصابت اجسادکم فانی اقبلها لبرکتها، و اما المال فلا اقبله.

2- بحار الانوار، ج 47، ص 24.

4: صلہ امام رضا (علیه السلام) به دعبل خزاعی و ابو نواس حسن بن هانی

یاسر خادم گزارش کرده است: «ابونواس حسن بن هانی» در مدم امام رضا (علیه السلام) شعری سرود و آن را خواند. امام رضا (علیه السلام) به او فرمود: ای حسن بن هانی! ابیاتی را گفتمی که پیش از تو کسی مثل آن را نسروده است. خداوند جزای خیرت دهد. سپس به خادم خویش فرمود: چقدر پول داریم؟ عرض کرد: سیصد دینار. امام (علیه السلام) به او امر کرد آنها را به ابونواس بدهد. علاوه بر آن اسب خویش را هم به او بخشید. (1)

اجرت گرفتن از صاحب مجلس توسط مداحان

بر اساس این احادیث، اجرت گرفتن و پول از صاحب مجلس توسط مداحان اگر بدون شرط و تعیین مبلغ باشد، هیچ اشکالی ندارد؛ ولی اگر مرثیه سرایی اهل بیت (علیهم السلام) را به شرط گرفتن مبلغ هنگامت قبول کنند، اگر چه حرام نیست، مذموم است و با اخلاصی که شایسته آنان است منافات دارد. همان طور که امیرمؤمنان (علیه السلام) می فرماید: اصل الاخلاص الیأس عما فی ایدی الناس؛ ریشه اخلاص ناامید شدن از چیزهایی است که در دست مردم است. (2)

دستور به مرثیه سرایی اهل بیت (علیهم السلام)

1: سفیان گوید: نزد امام صادق (علیه السلام) رفتم، حضرت فرمود: به ام فروه - دختر حضرت - بگویند بیاید تا بشنود چه بر سر جدش آمده است. او آمد و پشت پرده نشست، حضرت به من فرمود: بخوان، شروع کردم به خواندن اشعارم، ناله ام فروه بلند شد و فریادی کشید، صیحه بانوان دیگر نیز به گوش می رسید، مردم مدینه از شنیدن صدای شیون و ناله (تعجب کرده سراسیمه) درب خانه حضرت اجتماع کردند،

1- بشارهالمصطفی لشيعه المرتضى، ص 134.

2- تمیمی آمدی، غررالحکم و درالکلم، ص 198.

حضرت بلافاصله دستور داد که به آنها گفته شود: کودکی از ما غش کرد، زنان بر او شیون نمودند. (1)

قال الشيخ المازندرانی فی شرح قوله: (عن سفیان بن مصعب العبدی): شاعر کوفی من أصحاب الصادق (علیه السلام)، و فی روایه قال له (علیه السلام): قل شعرا تنوح به النساء. (2) و فی اخرى قال (علیه السلام) «یا معشر الشیعه علموا اولادکم شعر العبدی». (3)

در شرح کافی آمده: سفیان عبدی شاعری از اهل کوفه است، در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) به او فرمود: شعری بگو تا زنان با آن نوحه سرایی نمایند.

در حدیث دیگر نقل شده که فرمود: ای شیعیان! اشعار عبدی را به فرزندانان بیاموزید.

2: عبدالله بن غالب گوید: شرفیاب محضر مبارک امام صادق (علیه السلام) شده و در عزای سیدالشهدا (علیه السلام) مرثیه سرایی نمودم، هنگامی که به بیت گذشته رسیدم، شیون و ناله بانویی که گریه می کرد از پشت پرده بلند شد: (آه) ای پدر! (4)

1- کافی، ج 8، ص 215-216؛ الغدیر، ج 2، ص 294. سَفِيَانُ بْنُ مُصَعبٍ الْعَبْدِيُّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقَالَ: قُولُوا لِأُمِّ فَرْوَةَ تَجِيءُ فَتَسْمَعُ مَا صُنِعَ بِجَدِّهَا، قَالَ: فَجَاءَتْ فَقَعَدَتْ خَلْفَ السُّتْرِ، ثُمَّ قَالَ: أَنْشِدْنَا، قَالَ: فَقُلْتُ: فَرُو جُودِي بِدَمْعِكَ الْمَسْكُوبِ ... قَالَ: فَصَاحَتْ، وَصَحْنَ النِّسَاءُ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام): الْبَابُ الْبَابُ، فَاجْتَمَعَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ عَلَى الْبَابِ، قَالَ: فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام): صَبِيٌّ لَنَا غَشِيَ عَلَيْهِ فَصَحْنَ النِّسَاءُ.

2- شرح اصول کافی، ج 12، ص 287.

3- شرح اصول کافی، ج 12، ص 287.

4- کامل الزیارات، ص 105؛ بحار الانوار، ج 44، ص 286؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 385. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَأَنْشَدْتُهُ مَرثِيَةَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ - لَبِيَّةٍ تَسْقُوا حُسَيْنًا بِمِسْقَاهِ الثَّرَى غَيْرِ الثَّرَابِ فَصَاحَتْ بِأَكْبَهُ مِنْ وَرَاءِ السُّتْرِ وَابْتَاءَ.

3: عَنْ أَبِي طَالِبٍ يَعْزِي عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الصَّلْتِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرِ بْنِ الرِّضَا (عليهما السلام) فَأَذِنَ لِي أَنْ أَزِيئَ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) أَعزِي أَبَاهُ - قَالَ وَ كَتَبَ إِلَيَّ أَنْدُبِي وَ أَنْدُبَ أَبِي.

عبدالله بن صلت گوید: به حضرت جوادالائمه (علیه السلام) نامه‌ای نوشته و از آن حضرت رخصت طلبیدم که برای پدر بزرگوارش مرثیه سرایی کنم. حضرت در پاسخ نوشت: برای من و پدرم نوحه سرایی (و مرثیه سرایی) کن. (1)

مرثیه سرایی امام حسین (علیه السلام) بر جناب حر

... ثُمَّ قِيلَ فَاتَاهُ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) وَ دَمُهُ يَشَّ حَبُّ، فَقَالَ بَخُّ بَخُّ يَا حُرُّ، أَنْتَ حُرٌّ كَمَا سَمَّيْتَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. ثُمَّ أَنْشَأَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) يَقُولُ:

لِنِعْمِ الْحُرِّ حُرُّ بَنِي رِيَّاحٍ صَبُورٍ عِنْدَ مُخْتَلَفِ الرَّمَّاحِ

وَ نِعْمِ الْحُرِّ إِذْ نَادَى حُسَيْنًا فَجَادَ بِنَفْسِهِ عِنْدَ الصَّبَّاحِ

و زاد بعضهم:

فِيَا رَبِّي أَضْفَهُ فِي جَنَانٍ وَ زَوْجَهُ مَعَ الْحُورِ الْمَلَّاحِ

هنگامی که جناب حر به شهادت رسید، حضرت بالای سر او آمد، خون از بدن او جاری بود، حضرت دست به صورت او کشیده و فرمود: تو آزادمردی، چنانکه مادرت نامیده.

و بنابر روایتی فرمود: به به ای حر! چنانکه نامت را نهاده‌اند تو در دنیا و آخرت حر هستی. سپس شعر مذکور را سرود. (2)

1- رجال کشی، ص 567-568؛ بحارالانوار، ج 26، ص 232؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 598.

2- امالی شیخ صدوق، ص 160؛ ارشاد، ج 2، ص 100؛ روضه الواعظین، ص 186.

فصل هفتم: حافی / پابرهنه و سربرهنه در عزای مظلوم عالم

اشاره

در روایت وارد شده است:

«صاحب المصیبه... يستحب ان یمشی حافياً حاسراً مكشوف الرأس؛ صاحب مصیبت مستحب است که پابرهنه و سربرهنه و سرپاز باشد». (1)

عن ابی عبدالله (علیه السلام) فی حدیث: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَمَرَ بِغُسْلِ سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ حِينَ مَاتَ ثُمَّ تَبِعَهُ بِلَا حِذَاءٍ وَلَا رِدَاءٍ، فَسُئِلَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ بِلَا رِدَاءٍ وَلَا حِذَاءٍ فَتَأَسَّيْتُ بِهَا؛

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی فرمود: هنگامی که سعد بن معاذ فوت کرد، رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) دستور داد که او را غسل دهند. سپس آن حضرت پشت سر جنازه او بدون کفش و عبا حرکت کردند. درباره این موضوع از حضرت سؤال شد، فرمودند: ملائکه [را دیدم که پشت سر جنازه] بدون کفش و عبا حرکت می کردند، من نیز به آنان تأسی کردم. (2)

عن الصادق (علیه السلام): مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ فَإِذَا أَتَيْتَ الْفُرَاتَ فَاعْتَسِلْ وَ عَلَّقْ نَعْلَيْكَ وَ امْشِ حَافِياً وَ امْشِ مَشَى الْعَبْدِ الذَّلِيلِ؛

هر کسی که پیاده به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) بیاید، خداوند برای او به ازای هر قدم هزار حسنه می نویسد و هزار [گناه و] عمل بد از او پاک می کند و هزار درجه برای او بالا برده می شود. تو نیز هرگاه که [برای زیارت او] به نزد نهر فرات آمدی، غسل کن، و کفش های خود را بیاویز و پابرهنه راه برو و مانند راه رفتن بنده ذلیل حرکت کن... (3)

1- مستدرک الوسائل، ج 2، ص 110، باب 19، ح 1564.

2- وسائل الشیعه، ج 2، ص 654، ابواب الاحتضار، باب: استحباب وضع صاحب المصیبه حذاء و رداء، ح 5.

3- کامل الزیارات، باب 49، ح 381.

در ورود اهل بیت (علیهم السلام) به مدینه گویی بانگ بشیر نفخه صور بود ... با صورت‌های مکشوفه و گیسوهای آشفته و پاهای برهنه بیرون دویدند. (1)

در مورد عزاداری اهل بیت (علیهم السلام)، اموری مجاز شمرده شده است که در مصائب دیگر مجاز نمی‌باشد. مثل لطم و خدش و خاک بر سرریختن و... در این روایات فرموده است که در مصائب معمولی مستحب است که فرد پابرنه و سر برهنه باشد، پس به طریق اولی، استحباب آن در عزای اهل بیت (علیهم السلام) ثابت است.

همچنین در مورد نساء طاهرات حرم حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) وارد شده است که:

« ثُمَّ أُخْرِجَ النِّسَاءُ مِنَ الْخَيْمَةِ وَ أَشَّ عَلُوا فِيهَا النَّارَ فَخَرَجْنَ حَوَائِرَ مُسَلِّبَاتٍ حَافِيَاتٍ بَاكِياتٍ يَمْشِينَ سَبَايَا فِي أَسْرِ الذَّلَّةِ ...؛ سپس بانوان را از خیمه خارج کردند و آتش در خیمه‌ها افروختند، بانوان هم از خیمه‌ها خارج شدند، در حالی که قناع از سرافکننده و غارت زده و پابرنه بودند و گریان بودند و راه می‌رفتند در حالی که در بند ذلت اسیر بودند.» (2)

و در روایت دیگر:

«وخرج بنات سيدالانبياء و قرّة عين الزهراء حاسرات مبديات للنياحة و العويل يندبن على الشباب و الكهول و اضرمت النار في الفسطاط فخرجن هاربات؛ و دختران سيدالانبياء و نورديدگان فاطمه زهرا (عليها السلام) خارج شدند در حالی که سر برهنه بودند و برای نوحه و طلب یاری خواستن ظاهر شدند و با صدای بلند می‌گریستند بر جوان‌ها و پیرانشان و آتش بر خیمه‌هایشان شعله می‌کشید، پس خارج شدند در حالی که می‌گریختند.» (3)

همچنین روایت شده است که:

1- منتهی الآمال، ج 1، ص 824.

2- مقتل ابی مخنف، ص 344؛ معالی السبطين، ج 2، ص 83.

3- اللهوف، ص 66؛ مثيرالاحزان، ص 77.

«... قداجتمع فيها جل بني هاشم من الطالبين و العباسين و القواد و غيرهم و اجتمع خلق من الشيعة، خرج بعده ابو محمد (عليه السلام) حاسراً مكشوا الرأس مشقوق الثياب و عليه مبطنة ملحم بيضاء...؛ ... بزرگان بني هاشم از طالبين (از نسل حضرت ابوطالب (عليه السلام)) عباسی‌ها و رهبران و ایشان و جمعی از شیعیان در (خانه ابی الحسن امام هادی (عليه السلام)) خارج شدند در حالی که عمامه بر سر نداشت و پیراهنش دریده شده بود و آستر لباسشان کاملاً دیده می‌شد) پارچه سفید بود...» (1)

منظور از سربرهنه بودن چیست؟

قابل توجه آنان که می‌گویند دشمنان ما را تمسخر می‌کنند. امام عسکری (عليه السلام) در مصیبت امام هادی (عليه السلام) را در جمعی که بسیاری از دشمنان حاضر بودند اند بی عمامه و با گریبان چاک زده حاضر می‌شوند. و لو این که حضرت را تمسخر کنند و بگویند چرا حاسر و چرا گریبان دریده است، باز امام به صورت هیأت عزادار بیرون می‌آید و البته باید توجه داشت که مصیبت امام حسین (عليه السلام) از هر مصیبتی عظیم‌تر است. از این روست که برخی علمای اعلام در ایام عاشورا، بدون عمامه در جمع عزاداران حاضر می‌شدند.

به راستی چقدر حرف آن عده احمق شبیه با حرف‌هایی است که این روزها می‌شنویم که: آیا دیده‌اید ائمه (علیهم السلام) در عزاداری این چنین کنند؟

باور کنید! اگر اینها روزی با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم برخورد کنند همین ایرادات را بگیرند چنانکه این عده شیعیان ضعیف الایمان حتی به امام حسن عسکری (عليه السلام) ایراد گرفتند.

1- مستدرک الوسائل، ج 2، ص 457؛ من لا یحضر الفقیه، ج 1، ص 175؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 274؛ بحار الانوار، ج 79، ص 105؛ رجال کشی، ص 572.

همچنین در مورد حضرت زینب (علیها السلام) وارد شده است که امام زین العابدین (علیه السلام) فرمودند:

«و هی امراء و من شأن النساء الرق و الجزع فلم تملک نفسها و ثبت ثوبها و هی حاسره حتی انتهیت الیه و قالت: اثکلاه لیت الموت اعدمنی الحسیا الیوم ماتت امی فاطمه و ابی علی و اخی الحسن؛ و چون او زن بود و رقت قلب و بی تابی از خصوصیت زنان است، بی قرار شد و از جا پرید و پیراهنش را پاره کرد و در حالی که سرش باز بود سریع به طرف پدرم دویدم و عرض کرد: وای از مصیبت! ای کاش مرک مرا نابود می کرد. امروز مادرم فاطمه و پدرم علی و برادرم حسن از دنیا رفتند. (1)

البته پر واضح است که روسری برداشتن حضرت زینب (علیها السلام) در خیمه خصوصی ایشان بوده است و جای آن دارد که بانوان در اوج عزاداری در مجالس خودشان روسری از سر بکنند و موهای خود را پریشان کنند.

اقتداءً به ام المصائب زینب الکبری.

و البته در روایاتی که می فرماید:

مخدرات حرم به صورت حاسر از خیمه بیرون آمده اند، منظور این است که مکشوف الرأس باشند. بلکه حجاب آن زمانها تنها مقنعه و چادر و روبند نبوده است. تا برداشتن یک روسری، مکشوف الرأس شوند. مخصوصاً حجاب نوامیس الهی لذا اینکه به صورت حاسر بوده باشند منظور این است که نساء طاهرات به نشانه عزا پارچه یا روسری از سر خود باز می کردند به گونه ای که مکشوف الرأس باشد. و در روایتی ذکر شده است که شایسته است فرد عزادار حافی، حاسر و مکشوف الرأس باشد که در کنار گرفتن این سه لفظ این را می رساند که ظاهراً این سه لفظ مباین هستند حداقل بدین معناست که لزوماً فردی که حاسر است، مکشوف الرأس نمی باشد.

همچنین در روایت آمده است که:

«... فسمع اولاد مسلم بن عقيل ذلک الکلام و تنفسوا الصعداء و بکوا بکاءً شديداً و رموا بعمائمهم الی الارض و نادوا مسلما و ابن عقيله؛ ... فرزندان مسلم بن عقيل آن سخن را شنيدند و از سوز دل نفس های بلند کشيدند و گريه شديدي کردند و عمامه ها را از سر به روی زمین انداختند و ندا سر دادند: واملماه [وای از مصيبت مسلم] وای از مصيبت فرزند عقيل!» (1)

سخن کارشناسان

امروزه کارشناسان می گویند: زمانی که کسی با پای برهنه روی چمن راه می رود به میدان مغناطیسی زمین که به نوبه خود بر میدان الکتریکی و مغناطیسی بدن تأثیر می گذارد، متصل می شود و این اتصال به خنثی کردن آثار منفی در بدن و کاهش استرس و بهبود بیماری و پاک سازی بدن کمک می کند.

لذا یکی از آداب زیارت پابرنه بودن است. مردم به ویژه انبیا و اولیا در مکان های مقدس پابرنه بودند. امام باقر (علیه السلام) فرموده اند: هر کس پابرنه و با فروتنی و خشوع به مسجد در آید خداوند گناهان او را می بخشد. (2)

پای برهنه نشان بندگی حق و تواضع است. داستان خلع نعلین حضرت موسی (علیه السلام) که مورد توجه است خدا به موسی (علیه السلام) امر می کند تا کفش را بیفکند؛ زیرا پا برهنگی در برابر معبود با تواضع و حسن ادب سازگارتر است به همین دلیل، از آن روست که شرافت آن وادی به قدم های موسی برسد و از برکت آن زمین نصیب برد. افراد گاه برای بیان خواسته ای بزرگی و بهنشانه عجز و پریشانی و نیاز و یا توبه پا برهنه می شدند.

کفش نماد آلودگی های خاکی است و آن که پابرنه است از این آلودگی ها به دور است. خلق زینت ظاهر را می بیند و آن که حق را می بیند جویای زینت باطن است، پابرنه می گردد تا وجودش نظرگاه خلق نباشد. (3)

1- معالی السبطين، ج 1، ص 268.

2- کافی، ج 4، ص 40.

3- دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، ش 18، سال 5، بهمن و اسفند 96، ص 236-245.

به یاد پا برهنگان!

محفل عزای سرور مظلومان حسین بن علی (علیهما السلام) در هر کجای عالم که باشد گوشه‌ای از حرم حسین (علیه السلام) و دیدگاه نظر او و محل حضور مادر غمدیده او و جد بزرگوار و پدر و برادر و فرزندان معصوم اوست.

خوشا به حال کسی که در ایام خاص عزاداری با پای برهنه در این محضر حاضر شده و به این حرم مشرف می‌شوند و به زبان حال می‌گویند: ای حسین! اگر عصر عاشورا فرزندان و اهل حرمت پابرنه از خیمه‌ها بیرون دویدند، اکنون عزاداران به احترام آن قدم‌های نازنین که از سنگ و خار بیابان آزرده شده بود، پابرنه عزاداری می‌کنند و عزای تو را تا روز قیام منتقم استمرا می‌بخشند...

پابرنه در عزا بیرون آمدن از یک سو علامت شدت تأثر عزادار است و از سوی دیگر یادی از پابرنه دویدن آل الله در بیابان کربلاست. در نجف اشرف در ایام عاشورا جمع کثیری از علما که پیشاپیش آنان میرزا محمد نائینی و سید جمال گلپایگانی و سید محمد هادی میانی و جمعی دیگر از علما بودند بر سر و سینه می‌زدند و خاک بر سر می‌ریختند و بعضی سر و صورت خود را به گل آغشته کرده، جهت عزاداری وارد صحن مطهر علوی می‌شدند. شبیه به همین هیئت عزاداری در شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم حرکت می‌کرده است. (1)

حضرت علی (علیه السلام) در شهادت حضرت زهرا بدون عبا و عمامه بودند.

سیره علامه امینی (قدس سره)

حضرت آیت الله سیدمرتضی نجومی در مورد حالات علامه امینی (قدس سره) در روز عاشورا می‌نویسد:

در روز عاشورا با «پای برهنه» به مجالس عزای حسینی در حسینیه بوشهری‌های نجف اشرف می‌آمد و فرش را به کناری زده و بر روی زمین می‌نشست و به مجرد نشستن، نهیب و گریه‌اش بلند می‌شد. (1)

سیره صاحب جواهر

در مجلس روضه‌ای که مرحوم «صاحب جواهر» دهه عاشورا در منزل خود برپا می‌نمود در روز عاشورا رسم بر این بود که پذیرایی را ترک نموده و همگی حزین و ماتم زده نشسته و به یاد مصائب امام حسین (علیه السلام) می‌گریسته‌اند. در آن روز، مقتل امام حسین (علیه السلام) خوانده می‌شد و شور و هیجانی از حزن و گریه برپا می‌شد. مرحوم صاحب جواهر و اولادشان عادت داشته‌اند که روز عاشورا را با پای برهنه در مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) حرکت می‌کرده‌اند. (2)

مرحوم حاج سید حسین قمصری، روز عاشورا زیر آسمان با سر و پای برهنه در حالی که اشک می‌ریخت، زیارت عاشورا می‌خواند سپس داخل اتاق می‌شد و ظرف آبی مقابل خود می‌گذاشت و به آن نگاه می‌کرد و برای تشنگی حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) و اهل بیت و اصحاب آن حضرت می‌گریست. (3)

1- این البکائون، ص 148.

2- عزاداری سنتی شیعیان، ج 2، ص 703.

3- این البکائون، ص 153؛ احرام محرم، ص 107.

فصل هشتم: برداشتن عبا از روی دوش

اشاره

حدیث 1: امام صادق (علیه السلام): علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابی عمیر من بعض اصحابه عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال:

يَنْبَغِي لِصَاحِبِ الْمُصِيبَةِ أَنْ يَضَعَ رِدَاءَهُ حَتَّى يَعْلَمَ النَّاسُ أَنَّهُ صَاحِبُ الْمُصِيبَةِ؛

با سند صحیح از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که حضرت فرمودند: برای صاحب مصیبت سزاوار است که عبا را از دوش بردارد تا مردم بدانند که او صاحب عزا و مصیبت زده است. (1)

راویان ذکر شده در سند این حدیث همه راویان ثقه و امامی هستند و در نتیجه این حدیث صحیح می باشد.

وثاقت علی بن ابراهیم بن هاشم

نجاشی در رجالش وی را ثقه، معتمد و صحیح المذهب معرفی کرده است. (2)

علامه حلی و ابن داوود نیز از تعابیر نجاشی برای او استناد کرده اند. (3)

آیت الله خویی او را از مشایخ کلینی می داند که او برخی روایاتش را در کتاب «الکافی» ذکر می کند. (4)

1- وسائل الشیعه، ج 2، ص 655. (ابواب الاحتضار، باب: استحباب وضع صاحب المصیبه حذاء و رداءه...، ح 8)؛ الکافی، ج 3، ص 204.

2- رجال النجاشی، ص 260، رقم 680.

3- ابن داوود، رجال ابن داود، ص 237؛ خلاصه الاقوال، علامه حلی، ص 100.

4- خویی، معجم الرجال الحدیث، ج 11، ص 213.

وثاقت ابراهیم بن هاشم القمی

نجاشی در رجالش از قول ابو عمر کشی نقل می‌کند: «وی از یاران امام رضا (علیه السلام) و شاگرد یونس بن عبدالرحمان بوده و اصحاب شیعه در مورد وی می‌گویند: او اولین کسی بود که حدیث کوفین را در قم نشر داد.» (1)

بسیاری از دانشمندان به وثاقت و عدالت وی تصریح کرده‌اند. (2)

برخی علمای قدیم، به جهت اینکه کلام مشخصی در وثاقت او به دوستان نرسیده است روایت او را حسن (3) خوانده‌اند. (4)

ابن طاووس درباره حدیثی که ابراهیم در روایاتش باشد می‌گوید: «روایت گران این حدیث، همگی از موثقین هستند» (5)

ابن قولویه به وثاقت تمام کسانی که احادیث کتابش، کامل الزیارات، روایت نقل می‌کنند، شهادت می‌دهد که از جمله آنها ابراهیم بن هاشم است. (6)

علامه حلی درباره وی می‌گوید: من هیچ یک از دانشمندان را پیدا نکردم که او را مذمت کرده باشد و نیز کسی که به عدالت او تصریح کرده باشد احادیث او بسیار

1- رجال النجاشی، ص 16، رقم 18.

2- استرآبادی، تعلیقه بر منهج المقال، ص 21.

3- حسن روایتی است که واجد تمام شروط روایت صحیح است، به استثنای آنکه در میان سلسله راویان، درباره یکی از چند راوی در منابع رجالی تصریح به عدالت نشده و تنها به مدح و ستایش او اکتفا شده باشد. سبحانی، اصول الحدیث، احکام فی علم الدرايه، ص 63.

4- سلوک ماتم، ص 65. حسن روایتی است که واجد تمام شروط روایت صحیح است، به استثنای آنکه در میان سلسله راویان، درباره یکی از چند راوی در منابع رجالی تصریح به عدالت نشده و تنها به مدح و ستایش او اکتفا شده باشد. (سبحانی، اصول الحدیث، احکام فی علم الدرايه، ص 63.

5- فلاح السائل، ص 158.

6- خویی، معجم الرجال الحدیث، ج 1، ص 317.

است و نظر قوی تر نزد من قبول آن روایات است. (1) شهید ثانی حدیث وی را از بهترین مراتب «حسن» و روش روایی او را از بهترین راه‌ها می‌شناسد. (2)

شیخ بهایی به نقل از پدرش گفته است: «من حیا می‌کنم حدیث ابراهیم را صحیح ندانم». (3)

از عبارات محقق اردبیلی و محقق بحرانی بر می‌آید که وی جزو موثقان شیعه بوده است. (4)

علامه مجلسی نیز احادیث او را «حسن»، اما در مرتبه، صحیح معرفی می‌کند. (5)

علامه بحرالعلوم می‌نویسد: «قول قوی نزد من آن است که او ثقه و روایتش صحیح است». (6)

سید داماد نیز احادیث ابراهیم را نزدیک روایت صحیح می‌داند. (7)

به نظر می‌رسد علاوه بر مطلب ذکر شده، با مراجعه به کتاب‌های رجالی می‌توان شواهد بسیاری بر صحت روایات و وثاقت ابراهیم بن هاشم به دست آورد، از جمله آن شواهد می‌توان به این‌ها اشاره کرد:

فرزند بزرگوار ابراهیم در مقدمه تفسیرش می‌نویسد: «احادیثی را که به ما رسیده است، بیان می‌داریم مشایخ و ثقات ما، از کسانی که خداوند اطاعت و ولایت آنها را بر ما واجب ساخته است [اهل بیت]، آن را روایت کرده‌اند». بنابراین تصریح وی مبنی بر وثاقت ناقلان این کتاب، که از جمله آنها پدرش ابراهیم است که ناقل بیشترین روایات است، بدین معناست که به وثاقت ابراهیم نیز اذعان کرده است. (8)

1- خلاصه الاقوال، ص 138.

2- شهید ثانی، مسالک الافهام، ص 50.

3- مامقانی، تنقیح المقال، ج 1، ص 400.

4- سلوک ماتم، ص 66 به نقل از: آقاجانی، قنادعلی، ابراهیم بن هاشم کوفی قمی، نامه قم، تابستان 1380، ش 14، ص 127.

5- سلوک ماتم، ص 66 به نقل از: آقاجانی، قنادعلی، ابراهیم بن هاشم کوفی قمی، نامه قم، تابستان 1380، ش 14، ص 127.

6- بحرالعلوم، الفوائد الرجالیه، ج 1، ص 462.

7- بحرالعلوم، الفوائد الرجالیه، ج 1، ص 451.

8- «و نحن ذاکرون و منخبرون بما انتهى الینا و رواه مشایخنا و ثقاتنا عن الذین فرض الله طاعتهم و اوجب ولايتهم» قمی، تفسیر القمی، ج 1، ص 4؛ تنقیح المقال، ج 1، ص 41.

بسیاری از علمای متأخر، دانشمندان بعد از علامه حلی، وی را توثیق کرده‌اند. توثیق نکردن صریح متقدمان، علمای قبل از علامه حلی، نیز به علت دست نیافتن به سبب‌های توثیق بوده است. (1)

احادیث ابراهیم را در موارد بسیار، علمای شیعه از قبیل: شهید اول، شهید ثانی و علامه حلی به «صحت» توصیف کرده‌اند. (2)

مقدمان و متأخران بر قبول احادیث ابراهیم بن هاشم اتفاق داشته و در قبول روایاتش درنگ نکرده‌اند؛ با آنکه در حجیت حدیث «حسن» نظریات گوناگونی بیان کرده‌اند. (3)

دانشمندان رجالی شیعه، از قبیل کشی، و نجاشی و شیخ طوسی، در توصیف ابراهیم نگاشته‌اند: «او اولین کسی بود که حدیث کوفین را در قم نشر داد». حال با توجه به اینکه حوزه قم در پذیرش روایات شیوه سخت گیرانه‌ای داشته است، نمی‌توانسته نسبت به روایات ابراهیم و انتشار آنها بی‌اعتنا باشد. این خود دلیل مستقلاً بر وثاقت ابراهیم است؛ زیرا طرد او از جانب بزرگان قم، دلیل بر نهایت وثاقت اوست. (4)

آیت الله خوبی بعد از ذکر برخی شواهد فوق می‌نگارد که در وثاقت ابراهیم بن هاشم هیچ تردیدی سزاوار نیست. در بسیاری از ابواب فقهی و اخلاقی او روایت نقل شده است و کمتر بابی است که از روایات او تهی باشد. وی متجاوز از 6400 حدیث نقل کرده و رجالیان مشایخ و استادان او را در حدود 160 تن ذکر کرده‌اند. این مطالب بر مقام بزرگ و ارزشمند او می‌افزاید. (5)

بر این اساس، با توجه به شواهد بیان شده، نتیجه می‌گیریم ابراهیم بن هاشم بزرگتر از آن است که در وثاقت او تردید روا باشد.

1- معجم الرجال الحدیث، ج 1، ص 317.

2- الفوائد الرجالیة، ج 1، ص 464.

3- الفوائد الرجالیة، ج 1، ص 464.

4- مامقانی، تنقیح المقال، ج 1، ص 41.

5- خوبی، معجم الرجال الحدیث، ج 1، ص 318.

وفاقت محمد بن ابی عمیر

نجاشی درباره او می‌گوید: اصالت او بغدادی است. زمان امام کاظم (علیه السلام) را درک کرده است و از آن حضرت و امام رضا (علیه السلام) روایت شنیده است. در برخی روایات حضرت کاظم (علیه السلام) او را کنیه «ابامحمد» خوانده است. وی شخصیتی جلیل القدر و دارای مرتبه بالا در میان ما و اهل سنت است.» (1)

شیخ طوسی در کتابش می‌نویسد: وی نزد شیعه و اهل تسنن، شخصی موثق و متقی است.» (2)

حدیث 2: (فی الزیارة الصادرة من الناحية المقدسه): ... وَ قَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ (صلى الله عليه وآله وسلم)، فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالذَّمِّ الْهَطُولِ قَانًا يَا رَسُولَ اللَّهِ! قُتِلَ سِدِّ بَطُوكَ وَ فَتَاكَ وَ اسْتُتِيحَ أَهْلُكَ وَ حِمَاكَ وَ سُبِيَّ بَعْدَكَ ذَرَارِيكَ وَ وَقَعَ الْمَحْدُورُ بِعَتْرَتِكَ وَ بَنِيكَ فَزَعَرَ الرَّسُولُ (صلى الله عليه وآله وسلم) الرِّدَاءَ وَ عَزَّاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَ الْأَنْبِيَاءُ ...؛

.... خبر آورنده شهادت تو نزد قبر جدت رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) حاضر شد و با اشکی که پی در پی و لایتنقطع از چشمانش جاری بود خبر کشته شدن تو را برای او آورد و گفت: ای رسول خدا! کشته شد میوه تو و فرزند جوانمرد [و کریم] تو و حلال دانسته شد [ریختن خون] اهل تو و حریم تو و به اسارت گرفته شد بعد از تو ذریه تو، و آنچه نباید واقع شود در مورد عترت و فرزندان واقع شد. آنگاه رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) ردا را از دوش خود برداشت و ملائکه و انبیاء درباره تو به آن حضرت تعزیت دادند.»

(3)

حدیث 3: امام صادق (علیه السلام) در حدیثی فرمود: هنگامی که سعد بن معاذ درگذشت. رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) دستور داد او را غسل دهند. سپس آن حضرت پشت سر جنازه او

1- رجال النجاشی، ص 326.

2- الفهرست، ص 218.

3- بحار الانوار، ج 98، ص 241.

بدون کفش و عبا حرکت کرد. درباره این موضوع از حضرت سؤال کردند فرمود: ملائکه بدون کفش و عبا حرکت می‌کردند، من نیز به آنان تأسی کردم.» (1)

با توجه به این روایت می‌توان برداشت کرد که حرکت کردن با پای برهنه نیز در سوگواری مناسب است؛ همچنانکه بنا بر احادیث، زائر کربلا نیز برای همدلی با امام حسین (علیه السلام) و یاران و همراهانش مستحب است کفش‌های خود را در بیاورد و با پای برهنه، مثل راه رفتن بنده ذلیل حرکت کند. «فَإِذَا أَتَيْتَ الْفُرَاتَ فَأَغْتَسِلْ وَ عَلَّقْ نَعْلَيْكَ وَ امْشِ حَافِيًا وَ امْشِ مَسْيَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ» (2)

پاداش رفتن به زیارت کربلا

جابر مکفوف به نقل از ابی الصامت می‌گوید: از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمودند:

کسی که پیاده به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) برود خداوند متعال به هر قدمی که بر می‌دارد هزار حسنه برایش ثبت و هزار گناه از وی محو می‌فرماید و هزار درجه مرتبه‌اش را افزایش می‌دهد، سپس فرمودند: وقتی به فرات وارد شدی ابتدا غسل کن و کفش‌هایت را در آور و پای برهنه مانند بنده ذلیل راه برو... (3)

عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجْلِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ قَادِمٌ مِنْ خُرَاسَانَ مَاشِيًا فَأَخْرَجَ رِجْلَيْهِ وَقَدْ تَغَلَّقَتَا وَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ مَا جَاءَ بِي مِنْ حَيْثُ جِئْتُ إِلَّا حُبُّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَاللَّهِ لَوْ أَحَبَبْنَا حَجْرًا حَسَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ إِنَّ

1- امالی، ابن بابویه، ص 385. (تبعه رسول الله بلا حذاء و لا رداء ... فقال ان الملائكة كانت بلا رداء و لا حذاء فتأسيت بها.)

2- کامل الزیارات، ص 133.

3- وسائل الشیعه، ج 14، ص 441.

اللَّهُ يَقُولُ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَقَالَ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحَبُّ « (1)

استاد مطهری (قدس سره) در توضیح و ترجمه این روایت می‌فرمانید: شخصی که اهل خراسان بود، از راه دور با رنج فروان آمد خدمت امام باقر (علیه السلام) (عشق به اهل بیت او را کشانده بود) در حالی که چون با پای پیاده آمده بود کفش هایش از بین رفته و پایش ترک خورده و پاشنه آن شکاف زیادی برداشته بود. آمد خدمت امام با یک عشق و ولعی. خدا را شکر کرد که بالاخره به مقصود خودش رسید. بعد پایش را نشان داد و با آن شکاف‌ها که خون آمده بود، و عرض کرد: یابن رسول الله! نکشید مرا به اینجا جز محبت شما اهل بیت که از خراسان تا اینجا پیاده آمدم ام. امام این جمله را فرمود: هر کس هر چه را دوست داشته باشد با هموست و حقیقتش همان می‌شود و با همان محشور می‌شود. (2)

از اعمال روز عاشورا این است که عبا از دوش بردارند و بدون عمامه باشند.

1- تفسیر العیاشی، ج 1، ص 167، و الآیه الأولى فی آل عمران: 29 و الثانیه فی الحشر: 9.

2- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج 22، ص 447.

فصل نهم : هروله (راه رفتن سریع و با جنب و جوش شبیه دویدن / حرکت با شتاب)

تعریف: «هروله» مصدری از ریشه «ه ر ل» (1) یا «ه ر و ل» (2) است و به معنای شتاب در راه رفتن، به گونه‌ای که ما بین راه رفتن معمولی و دویدن است. (3)

هروله به معنای راه رفتن بین راه عادی و معمولی و دویدن است. (4)

حالت هروله نشان از نوعی سردرگمی و حیرت دارد. شاید به همین دلیل عده‌ای در عزای امام حسین (علیه السلام) این گونه رفتار می‌کنند.

هروله را خداوند عملی مستحب برای مردان در میان صفا و مروه قرار داده است. حکمت‌هایی نیز دارد که یکی از آن‌ها بنا بر فرمایش امام صادق (علیه السلام)، تجدید خاطره‌هاجر (علیها السلام)، همسر حضرت ابراهیم (علیه السلام)، در طلب آب است. (5)

هروله کردن در مراسم سوگواری یادآوری مصائب اهل بیت (علیهم السلام) است، از قبیل آنچه در زیارت ناحیه مقدسه آمد است که:

«... فَلَمَّا رَأَيْنِ السَّاءَ جَوَادِكَ مَخْزِيًّا، وَ نَظَرْنَ سَرْجَكَ عَلَيْهِ مَلُويًّا، بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ، ... وَ إِلَى مَصْرَعِكَ مُبَادِرَاتٍ.»

1- فراهیدی، العین، ج4، ص 43؛ ابن درید، جمهره اللغه، ج2، ص 802.

2- ابن منظور، لسان العرب، ج11، ص 696؛ طریحی، مجمع البحرین، ج5، ص 498.

3- دهخدا، لغت نامه، ج2، ص 3162؛ معین، فرهنگ معین، ص 1309.

4- راغب اصفهانی، المفردات، ج11، ص 695.

5- إِنَّ إِبْرَاهِيمَ (علیه السلام) لَمَّا خَلَفَ إِسْمَاعِيلَ بِمَكَّةَ عَطَشَ الصَّبِيُّ فَكَانَ فِيهَا بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ شَجْرٌ فَخَرَجَتْ أُمُّهُ حَتَّى قَامَتْ عَلَى الصَّفَا فَقَالَتْ هَلْ بِالْبَوَادِي مِنْ أُنَيْسٍ فَلَمْ تُجِبْهَا أَحَدٌ فَمَضَتْ حَتَّى انْتَهَتْ إِلَى الْمَرْوَةِ فَقَالَتْ هَلْ بِالْبَوَادِي مِنْ أُنَيْسٍ فَلَمْ تُجِبْ ثُمَّ رَجَعَتْ إِلَى الصَّفَا وَقَالَتْ ذَلِكَ حَتَّى صَنَعْتَ ذَلِكَ سَبْعًا فَأَجْرَى اللَّهُ ذَلِكَ سَنَةً. (کلینی، الکافی، ج4، ص 202، ح2)

«... آن هنگام که بانوان اسب تو را دیدند که خوار و ذلیل گردیده و نگاه کردند به زین اسب که کج شده [و در هم پیچیده] است، از حریم و پناهگاه خیمه خارج شدند.... و به سوی محل کشته شدن شتابان می‌رفتند.

و همچنین، مانند آنچه در مقاتل ذکر شده است:

.... و لما سقط الحسين (عليه السلام) الى الارض خرجت زينب (عليها السلام) من باب الفسطاط و هي تنادي: وا اخاه واسيده...

هنگامی که امام حسین (علیه السلام) از اسب به زمین افتاد، حضرت زینب (علیها السلام) از درب خیمه خارج شد در حالی که ندا سر می‌داد: وای از مصیبت برادرم! وای از مصیبت آقا و بزرگم! (1)

وفي تظلم الزهرا (عليها السلام): ان زينب (عليها السلام) لما علمت بالوقعة خرت مغشياً عليها، فلما افادت من غشيتها ركضت نحو المعركة و هي تارة تعثر باذيالها و تارة تسقط على وجهها من عظم دهستها، حتى انتهت الى المعركة فجعلت تنظر يمينا و شمالاً فرأت اخاها الحسين (عليه السلام) على وجه الارض...

و در کتاب تظلم الزهرا (علیها السلام) آمده است: وقتی حضرت زینب (علیها السلام) از واقعه مطلع شد بی هوش بر روی زمین افتاد. آن‌گاه که به هوش آمد دوان دوان به سمت معرکه رفت و در این حال گاهی پایش به پایین لباسش گیر می‌کرد و گاهی از شدت مصیبت و دهشت با صورت بر زمین می‌افتاد. تا وقتی که به آنجا رسید. در آن لحظه شروع کرد به نگاه کردن به سمت چپ و راست و برادر خود حسین (علیه السلام) را دید که بر روی زمین افتاده است... (2)

همچنین روایت شده است که:

1- بحار الانوار، ج 98، ص 322.

2- معالی السبطين، ج 2، ص 37.

... ان زينب الكبرى (عليها السلام) اقبلت على زين العابدين (عليه السلام) وقالت: يا بقیة الماضين و شمال الباقيين قد اضر موا الناس في مصاربنا فما رأيك فينا؟ فقال (عليه السلام): عليكن بالفرار. ففررن بنات رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) صائحات باكيات نادبات ...

... حضرت زينب الكبرى (عليها السلام) به سوى حضرت زين العابدين (عليه السلام) رو آورد و فرمود: ای باقی مانده از گذشتگان و ای سرپرست و مددکار باز ماندگان! اینان در خیمه‌های ما آتش افروختند. اینک درباره ما چه دستوری می‌فرماید؟

امام سجاد (عليه السلام) فرمود: بر شما باد به فرار کردن. آن‌گاه دختران رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) از دشمنان فرار کردند در حالی که صیحه می‌زدند و گریه می‌کردند و ندبه می‌نمودند. (1)

با توجه به مطالب ذکر شده می‌گوییم: هروله کردن در مراسم سوگواری، اگر به نحو متعارف و به گونه‌ای باشد که از مظاهر اندوه محسوب شود، سنخیت و قابل نماد بودن با عزاداری را دارد و مصداق حرام و ضرر معتنا به و وهن مذهب نیست.

عن ابی عبدالله (عليه السلام)، عن ابیه (عليه السلام): ان قوماً مشاة ادرکهم النبی فشکور الیه شده المشی. فقال لهم: استعینوا بالسنل.

امام صادق (عليه السلام) از قول پدرشان (عليه السلام) فرمودند: گروهی پیاده به پیامبر (صلى الله عليه و آله و سلم) برخوردند و از خستگی راه رفتن به آن حضرت شکایت کردند. پس حضرت به آنها فرمود: از هروله کردن کمک بگیرید. (2)

در این موضوع شش روایت از معصومین (عليهم السلام) وارد شده است.

لذا یکی از راه کارهای اربعین هروله، یعنی دویدن آهسته که سبب زدودن خستگی در راهپیمایی می‌شود می‌باشد.

1- معالی السبطين، ج2، ص 83.

2- 8000 متر عشق، ص 61، به نقل از: المحاسن، ج2، ص 377.

فصل دهم: گریستن در مصیبت امام حسین (علیه السلام)

اشاره

با نگاهی به شیوه عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) در اهل بیت (علیهم السلام) می توان دریافت که مهم ترین آیین در عزاداری آن حضرت (علیه السلام) گریستن است که از آدم تا خاتم بر مصائب سیدالشهداء (علیه السلام) گریسته اند.

احادیث و روایت های فراوانی از معصومین (علیهم السلام) در مورد گریه کردن بر مصیبت سیدالشهداء (علیه السلام)، گریه انداختن دیگران، اظهار کردن حزن برای سالار شهیدان و دیگر مواردی که دخالت مستقیم و یا غیر مستقیم به زنده نمودن شعائر حسینی (علیه السلام) دارد، نقل شده است که همه و همه بر اظهار نمودن حزن در مصیبت سیدالشهداء (علیه السلام) دلالت دارد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«... أَلَا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى الْبَاكِينَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) رَحْمَةً وَ شَفَقَةً...»

آگاه باشید که خداوند بر گریه کنندگان امام حسین (علیه السلام) از روی رحمت و مهربانی درود می فرستد. ⁽¹⁾

نه تنها پیامبران الهی برای حضرت اباعبدالله (علیه السلام) عزاداری کردند که اهل بیت (علیهم السلام) نیز از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تا حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و حضرت زهرا (علیها السلام) همه و همه در عزای آن حضرت گریه سر دادند و ناله زدند و می زنند.

گریه در روز ولادت امام حسین (علیه السلام)

در روز ولادت امام حسین (علیه السلام) تمام ملائکه به خدمت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده و حضرت را به میلاد نور دیده اش تبریک گفته و در همان حال خبر شهادت او را داده

و هر یک به گونه‌ای مرثیه شهادت را برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خواند و حضرت اشک می‌ریخت. (1)

گریه فاطمه زهرا (علیها السلام)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

رَوَى أَنَّهُ لَمَّا أَخْبَرَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ بِقَتْلِ وَلَدِهَا الْحُسَيْنِ وَ مَا يَجْرِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَحَنِّ بَكَتْ فَاطِمَةُ بُكَاءً شَدِيداً وَ قَالَتْ يَا أَبَهُ مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ فِي زَمَانٍ خَالَ مَنِي وَ مِنْكَ وَ مِنْ عَلِيٍّ فَاشْتَدَّ بُكَاءُهَا وَ قَالَتْ يَا أَبَهُ فَمَنْ يَبْكِي عَلَيْهِ وَ مَنْ يَلْتَزِمُ بِإِقَامِهِ الْعَزَاءَ لَهُ فَقَالَ النَّبِيُّ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ نِسَاءَ أُمَّتِي يَبْكُونَ عَلَيَّ نِسَاءَ أَهْلِ بَيْتِي وَ رِجَالُهُمْ يَبْكُونَ عَلَيَّ رِجَالِ أَهْلِ بَيْتِي وَ يُجَدِّدُونَ الْعَزَاءَ جِيلاً بَعْدَ جِيلٍ فِي كُلِّ سَنَةٍ فَإِذَا كَانَ الْقِيَامَةُ تَشْتَمِعِينَ أَنْتِ لِلنِّسَاءِ وَ أَنَا أَشْفَعُ لِلرِّجَالِ وَ كُلُّ مَنْ بَكَى مِنْهُمْ عَلَيَّ مُصَابِ الْحَسَنِ أَخَذْنَا بِيَدِهِ وَ أَدْخَلْنَاهُ الْجَنَّةَ يَا فَاطِمَةُ كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنٌ بَكَتْ عَلَيَّ مُصَابِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ.

هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر شهادت امام حسین (علیه السلام) و مصائبی که بر آن حضرت وارد می‌شود برای حضرت فاطمه (علیها السلام) بیان کرد، حضرت فاطمه (علیها السلام) گریه شدیدی نمود، بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال نمود، پدرم این واقعه در چه زمانی است؟

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: در زمانی این حادثه واقع می‌شود که من و تو و علی (علیهم السلام) نیستیم، گریه حضرت فاطمه (علیها السلام) بیشتر شد و فرمود: پدرم چه کسی بر حسینم گریه خواهد کرد؟ و چه کسی مجالس عزا برای پسرم بر پا می‌کند؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ای فاطمه! زنان امت من بر زنان اهل بیتم گریه می کنند و مردان امتم بر مردان اهل بیتم گریه می کنند. و این عزاداری را هر سال بر پا می کنند (و پاداش این عزاداری ها این است که) روز قیامت تو برای زنان امتم شفاعت می کنی و من هم برای مردان، و هر کس از این امت من بر مصیبت حسین (علیه السلام) گریه کرده باشد، این چشم روز قیامت خندان است و بشارت بر او به نعمت های بهشتی باد.

ای فاطمه! هر چشمی روز قیامت گریان است مگر چشمی که بر امام حسین (علیه السلام) گریسته باشد، پس همانا آن چشم در روز قیامت خندان است و به نعمت های بهشتی مزده داده می شود.» (1)

گریه امیرالمؤمنین (علیه السلام)

1: امیرالمؤمنین (علیه السلام) بارها و بارها برای مصیبت فرزندش اشک ریخت، از جمله هنگامی که به طرف صفین می رفتند گذرشان از کربلا بود، به این سرزمین که رسیدند گریه سختی کرده تا جایی که اشک حضرت روی سینه مبارکشان ریخت و فرمودند:

«أَوْهٍ أَوْهٍ مَا لِي وَلَا لِي أَبِي سُفْيَانَ مَا لِي وَلَا لِي حَرْبِ حِزْبِ الشَّيْطَانِ وَأَوْلِيَاءِ الْكُفْرِ صَبْرًا يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ لَقِيَ أَبُوكَ مِثْلَ الَّذِي تَلَقَى مِنْهُمْ»

«آه آه! مرا با آل ابی سفیان چه کار؟ مرا با آل حرب حزب شیطان و سردمداران کفر چه کار؟ ای اباعبدالله! صبر کن همانا پدر تو نیز از این گروه دید آنچه راکه تو می بینی.» (2)

2: امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سفر خود به صفین به نینوا رسیدند. نام آن منطقه را سؤال فرمودند. به ایشان عرض شد، نام اینجا کربلاست.

1- بحار الانوار، ج 44، ص 293.

2- بحار الانوار، ج 42، ص 252.

«فبکی حتی بل الارض من دموعه من دمعت عیناه فینا دمعاً او قطرت عیناه فینا قطرة اتاه الله عزوجل الجنة.»

به قدری امیرالمؤمنین (علیه السلام) گریه کردند که زمین جلوی ایشان از اشک چشمان حضرت خیس و گل شد. پس فرمودند: کسی که برای ما گریه کند یا قطره اشکی در عزای ما بریزد (خداوند) پاداش اشکش را بهشت قرار خواهد. (1)

این روایت را حتی مخالفین شیعه نقل کرده‌اند.

گریه امام حسن (علیه السلام)

حضرت امام حسن (علیه السلام) در روز شهادت خود هنگامی که امام حسین (علیه السلام) برای غربت و مظلومیت برادر گریه می‌کردند، فرمودند:

«... لا یوم کیومک یا ابا عبدالله»

(روزی، به سختی روز شهادت تو نیست ای ابا عبدالله). (2)

پیام امام حسین (علیه السلام) به شیعیان

امام حسین (علیه السلام) در آخرین لحظات جانسوز خود، به امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

«پسرم! به شیعیانم سلام مرا برسان و به آنها بگو: پدرم غریبانه از دنیا رفت، پس بر او با ناله گریه کنید، و شهید از دنیا رفت پس بر او اشک بریزید.» (3)

1- الصواعق المحرقة، ص 198.

2- معالی السبطين، ج 2، ص 10؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 86.

3- شجرة طوبی، ج 2، ص 45.

چرا امام حسین (علیه السلام) در کربلا گریستند؟

با وجودی که خود آن جناب طالب شهادت بودند و با شوق و شعف تمام در این مرحله اقدام می نمودند، پس علت چه بود که آن سرور در مصیبت دوستان، یاوران، برادران، برادرزادگان و فرزندان گریان و نالان بودند؟

جواب از این سؤال - چنانچه در مهیج الاحزان ذکر شده (مجلس نهم، صفحه 419) به چند وجه است:

وجه اول:

گریه ایشان برای ناشکیبایی و راضی نبودن به قضای خداوند نبود؛ زیرا اگر گریه بر مصیبت را دلیل بر نارضایتی بدانیم، پس باید گفت پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی مرتضی (علیه السلام) نیز راضی نبودند؛ زیرا ایشان نیز در این مصیبت بسیار گریستند. چنانچه پیغمبران گذشته بر مصائب خود و مصائب آن سرور نیز بسیار گریستند. چنانچه حکایت گریستن یعقوب و یوسف معروف، و گریه آدم و نوح (علیهما السلام) مشهور است. و گریستن سیده نساء (علیها السلام) و سیدالسادین (علیه السلام) معروف است.

وجه دوم:

گریه بر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) از بالاترین عبادت و برترین قربات است و محزون بودن در مصیبت ایشان عبادت و بندگی است. و این عبادت چنانچه از ما و تو مطلوب است، از ایشان نیز مطلوب است. و چه مصیبتی بالاتر از کشته شدن جوانان اهل بیت، تشنگی جوانان محنت نصیب، غریبی و بی کسی خواهران، اطفال و زنان آن امام مظلوم و غریب است؟!

وجه سوم:

بعد از آنکه آن سرور مشاهده می فرماید که شریعتی که در نصب پرچم های آن سال های سال پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) زحمت کشیده؛ در مرتب شدن آن کوشش بسیار نموده، و پدر بزرگوارش علی بن ابیطالب (علیهما السلام) جهادها نموده و بنای آن را محکم گردانده، می بیند که به سبب کشته شدن او، اقربا و خویشان آن سرور، کهنه و از هم پاشیده

می‌گردد؛ بنای آن ویران می‌شود؛ آثار هدایت و معرفت بر طرف می‌گردد؛ پرچم علم و حکمت سرنگون می‌گردد و بازار کفر و نفاق رواج می‌یابد. چنانچه گردیده.

حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در یکی از فقرات زیارت آن سرور می‌فرماید: «لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ، وَعَظَلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ، وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْكَامَ؛ با کشتن تو اسلام را کشتند؛ نماز و روزه را تعطیل نمودند و سنت و احکام را نقض نمودند.» (1)

با وجود این حال، آن برگزیده ذوالجلال چرا محزون نگردد و اشک از دیده ببارد؟!

و اگر به مجرد گریستن از درجه صبر و شکر بیرون می‌رفتند، پس باید انبیاء نیز بیرون روند. در حالی که خداوند جلیل در کلام خود مکرراً ایشان را صابر یاد فرموده است؛ چنانچه می‌فرماید: «فاصبر كما صبر اولوالعزم من الرسل؛ پس صبر کن و شکیبیا باش چنانکه پیغمبران اولوالعزم و دارندگان احکام و آنچه را که خدا بر بندگانش واجب کرده، صبر کردند.» (2)

وجه چهارم:

شکی نیست که ایشان بشر بودند و اندوه وقت محنت و مصیبت؛ و خوشحالی هنگام نعمت از لوازم بشریت است. همچنانکه گرسنگی و تشنگی از لوازم بشریت است، هم چنانکه وقت گرسنگی گرسنه در تشنگی تشنه می‌شود، بی اختیار می‌شود، هم چنین هنگام وقوع ناراحتی‌ها بی اختیار گریان می‌شود. بلی العیاذ بالله اگر کار مکروهی انجام دهد یا شکایت و مثل آن نماید، با مقصود منافات دارد.

وقتی حضرت یوسف (علیه السلام) را به زندان بردند، آن قدر گریست که اهل زندان از گریه او به تنگ آمدند پس سیدالشهدا روحی و ارواح العالمین له الفداء که از یک جانب بدن کشتگان، از طرفی جسد پاره پاره نوجوانان، از یک جانب تشنگی کودکان، از یک سمت غریبی زنان و از یک جانب نوحه و زاری خواهران را در مصیبت نوجوانان

1- ادامه: وَ هَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ، وَ حَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ، وَ هَمَلَجُوا فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ... (مزار کبیر مرحوم مشهدی، ص 505).

2- احقاف / 35.

مشاهده می نمود، چگونه محزون نشود و اشک از دیده اش نبارد؟! بلکه نسوختن دل بر آن‌ها، علامت قساوت قلب و بی رحمی است و این از صفات رذیله و از اخلاق قبیحه است و آن سرور از آن صفات عاری بودند. (1)

گریه‌های امام سجاد (علیه السلام) در سوگ پدر بزرگوارشان

حضرت سجاد (علیه السلام) از بعد از عاشورا تا به هنگام شهادتشان هر زمان که غذا یا آب برای حضرت می آوردند، به یاد تشنگی و گرسنگی پدر و اهل حرم و کودکان گریه می کردند. (2)

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است:

«إِنَّ زَيْنَ الْعَابِدِينَ (علیه السلام) بَكَى عَلَى أَبِيهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً صَائِمًا نَهَارَهُ وَ قَائِمًا لَيْلَهُ فَإِذَا حَضَرَ الْإِفْطَارُ جَاءَ غَلَامُهُ بِطَعَامِهِ وَ شَرَابِهِ فَيَضَعُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَيَقُولُ كُلْ يَا مَوْلَايَ فَيَقُولُ قَتَلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) جَائِعًا! قَتَلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) عَطْشَانًا فَلَا يَزَالُ يُكْرِرُ ذَلِكَ وَ يَبْكِي حَتَّى يَبْتَلَّ طَعَامَهُ مِنْ دُمُوعِهِ ثُمَّ يُمَزِّجُ شَرَابَهُ بِدُمُوعِهِ فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى لَحِقَ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»

به درستی که امام زین العابدین (علیه السلام) چهل سال بر پدرش گریه کرد در حالی که روزها را روزه می گرفت و شب‌ها را تا صبح به عبادت می پرداخت. هنگامی که موقع افطار می شد، خادم آن حضرت غذا و نوشیدنی او را می آورد و در مقابل حضرت قرار می داد و عرض می کرد: میل کنید آقای من، آن حضرت می فرمود: فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کشته شد در حالی که گرسنه بود! فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کشته شد در حالی که تشنه بود! و دائماً این جملات را تکرار می کرد و گریه می کرد، تا جایی که غذای خود را از اشک‌های جاری اش خیس می نمود و نوشیدنی خود را با قطرات اشکش ممزوج

1- امواج البكاء، گریه‌های حضرت سیدالشهداء (علیه السلام)، ص 51-53.

2- جلاء العیون، علامه مجلسی، ص 836.

می‌کرد. آن حضرت تمام عمر را به همین حال سپری کرد تا زمانی که به دیدار خداوند عزوجل شتافت. (1)

ام البكاء حضرت رقیه (علیها السلام)

هنگامی که حضرت رقیه (علیها السلام) ریحانه و دختر سیدالشهداء (علیه السلام) سر مطهر بابا را به دو دستش گرفته و ساکت نمی‌شد و گریه می‌کرد، امام سجاد (علیه السلام) خواهر را در آغوش گرفت تا او را ساکت نماید، ولی او گریه می‌کرد، ناگهان نفس بی بی رقیه (علیها السلام) قطع شد و صدای ناله حضرت زین العابدین (علیه السلام) بلند شد و خرابه یک پارچه اشک و ناله شد. (2)

امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید:

«هر مؤمنی که چشمانش برای کشته شدن حسین (علیه السلام) گریان شود به طوری که اشک بر گونه‌هایش سرازیر گردد، خداوند به سبب آن، او را در غرفه‌های بهشتی جای دهد که روزگاران درازی را در آنها به سر برد.» (3)

عزاداری به امام باقر (علیه السلام)

کمیت شاعر به مدینه آمد و در حضور امام باقر (علیه السلام) قصیده‌ای خواند. وقتی به این بیت رسید:

وقتیل بالطف غودر منهم بین غوغاء امه و طعام

امام باقر (علیه السلام) گریست و فرمود: ای کمیت! اگر نزار ما مالی بود به تو می‌دادیم، ولی برای تو همان چیزی هست که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به حسن بن ثابت فرمود: «همیشه مورد تأیید روح القدس خواهی بود مادامی که از ما اهل بیت حمایت می‌کنی...» (4)

1- معالی السبطين، ج2، ص 200.

2- ریاض القدس، ج2، ص 322.

3- ثواب الاعمال، ص 108؛ منتخب میزان الحکمه، ص 20380.

4- الغدير، ج2، ص 187؛ بحار الانوار، ج 46، ص 341.

گریه امام صادق (علیه السلام) در عزای جد مظلومش

راوی می‌گوید: محضر امام صادق (علیه السلام) بودیم یادی از امام حسین بن علی (علیهما السلام) کردیم، حضرت گریه کرد ما هم گریه کردیم، سپس حضرت سرش را بلند کرد و فرمود، امام حسین (علیه السلام) فرمود: «من کشته اشک‌هایم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند مگر آنکه می‌گرید.» (1)

در روایتی آمده است:

«روزی که نام امام حسین (علیه السلام) در محضر امام صادق (علیه السلام) برده می‌شد، تا شب لبخندی بر لبان حضرت نبود.» (2)

زید شحام می‌گوید: همراه جماعتی از اهل کوفه در خدمت امام صادق (علیه السلام) بودیم، یکی از شعرای عرب به نام جعفر بن عفان وارد شد آن حضرت او را احترام نموده و در نزدیک خود جای داد، آن‌گاه فرمود: ای جعفر! او عرض کرد: لیبیک، حضرت فرمود: به من گفته‌اند تو اشعار نیکویی درباره امام حسین (علیه السلام) سروده‌ای؟

عرض کرد: آری.

حضرت فرمود: اشعارت را بخوان. او شعر می‌خواند و امام و اطرافیانش می‌گریستند به گونه‌ای که قطرات اشک بر صورت و محاسن آن حضرت جاری بود. سپس امام فرمود:

«یا جعفر! والله لقد شهدت ملائكة الله المقربون هاهنا يسمعون قولك في الحسين ولقد بكوا كما بكينا او اكثر...؛ ای جعفر! فرشتگان مقرب الهی در این مجلس حاضر شدند و شعرت را شنیدند و گریه کردند همانگونه که ما گریه کردیم بلکه بیشتر از ما گریستند.» (3)

1- بحار الانوار، ج 44، ص 284.

2- کامل الزیارات، ص 101؛ اقتناع اللائم، ص 181.

3- بحار الانوار، ج 44، ص 282.

شیخ صدوق (قدس سره) با سند خویش از امام صادق (علیه السلام) روایت می‌کند:

بسیار گریه کنندگان پنج نفرند: آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه دختر پیامبر و علی بن الحسین (علیهم السلام) و اما علی بن الحسین (علیهما السلام) بیست یا چهل سال بر امام حسین (علیه السلام) گریه کرد.

هرگاه غذا مقابلش می‌گذاشتند گریه می‌کرد و ... می‌فرمود: من هرگاه به یاد شهادت فرزندان فاطمه (علیها السلام) می‌افتم، اشک در چشمم می‌آید. (1)

امام صادق (علیه السلام) به مسمع بن عبدالملک فرمود:

آیا مصائب آن جناب (امام حسین (علیه السلام)) را یاد می‌کنی؟

عرض کرد: بلی والله مصائب ایشان را یاد کرده و گریه می‌کنم.

حضرت فرمود: آگاه باش که در وقت مردن پدران مرا خواهی دید که به ملک الموت وصیت تو را می‌کنند که سبب روشنی چشم تو باشد.))

همچنین فرمود:

«ای مسمع! گریه بر احوالات حسین (علیه السلام) سبب می‌شود که ملک الموت بر تو مهربان‌تر از مادر گردد. گریه بر حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) باعث راحتی در قبر، فرحناک شدن مرده، شادمان و پوشیده بودن او در هنگام خروج از قبر است در حالی که او مسرور است، فرشتگان الهی به او بشارت بهشت و ثواب الهی را می‌دهند. اجر و مزد هر قطره آن این است که شخص همیشه در بهشت منزل کند. (2)

و همچنین از امام رضا (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: از امام صادق (علیه السلام) از زیارت امام حسین (علیه السلام) سؤال شد فرمود که:

1- خصال، ج 1، ص 272.

2- بحار الانوار، ج 44، ص 289؛ کامل الزیارات، باب 32، ص 101.

« إِنَّ حَوْلَ قَبْرِهِ أَرْبَعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ شَدُّ غَمِّهِ غَيْرَ يَبْكُونَ عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ آری هفتاد هزار فرشته و ملائکه تا روز قیامت در کنار مضجع نورانی سیدالشهدا (علیه السلام) غبار آلود، دائماً در حال گریه و ماتم هستند. » (1)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«حادثه روز عاشورا دل‌های ما را آتش می‌زند، اشک‌های ما را جاری می‌سازد، و ما وارث غم و اندوه سرزمین کربلا هستیم، پس گریه کنندگان بر مثل حسین (علیه السلام) باید گریه کنند، زیرا ای مومنان! گریه بر او گناهان را از بین می‌برد. » (2)

گریه‌های امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام)

امام رضا (علیه السلام) فرمود:

كَانَ أَبِي (علیه السلام) إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَكَانَتِ الْكِتَابَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ؛ با فرا رسیدن ماه محرم پدرم موسی بن جعفر (علیهما السلام) با چهره خندان دیده نمی‌شد و حزن و اندوه سراسر وجودش را فرا می‌گرفت تا روز دهم فرا می‌رسید آن روز، روز مصیبت، اندوه و گریه آن حضرت بود. » (3)

دعبل خزاعی شاعر بزرگ اهل بیت (علیهم السلام) می‌گوید:

«در ایام محرم بر امام رضا (علیه السلام) وارد شدم، حضرت فرمود: دوست دارم برای من شعر بخوانی، این روزها روز حزن و اندوه ما اهل بیت و شادی دشمنان ما به ویژه بنی امیه است ...، پس از آن امام رضا (علیه السلام) برخاست پرده‌ای را جهت حضور خانواده در مصیبت

1- وسائل الشیعه، ج 14، ص 422.

2- نورالعین فی مشهد الحسین (علیه السلام)، ابواسحاق اسفرائینی، ص 84.

3- امالی، صدوق، ص 128؛ نورالعین، ص 284.

جدشان حسین (علیه السلام) آویزان کردند. سپس فرمود: دعبل برای حسین (علیه السلام) مرثیه بخوان تا زنده‌ای یار و مدیحه سرای ما هستی، آنگاه گریستم به گونه‌ای که قطرات اشک بر صورتم جاری شد و این شعر را سرودم که: «افاطم لو خلت الی آخر» امام رضا (علیه السلام) گریست و به همراه حضرت خانواده و فرزندان حضرت گریستند.» (1)

امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید:

«... فَإِنَّ الْبُكَاءَ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ؛ گریه بر امام حسین (علیه السلام) گناهان بزرگ را محو می‌کند.» (2)

از امام معصوم (علیه السلام) نقل شده است: «هر که بگرید یا بگریاند یا حالت اندوه و گریه داشته باشد بر مصیبت امام حسین (علیه السلام)، بهشت برای او واجب می‌شود.» (3)

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا وَ أَذَلَّ عَزِيْرَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ وَ أَوْرَثَنَا الْكَرْبَ وَ الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِي الْبَاكُونَ...؛ همانا روز شهادت حسین (علیه السلام) پلک‌های ما را مجروح نمود، و اشک‌های ما را جاری ساخت، و عزیز ما را در سرزمین کربلا به ذلت کشاند و از آن روز ذلت و سختی را تا روز تمام شدن مشکلات به ارث بردیم، پس باید بر کسی مثل حسین (علیه السلام) گریه کنندگان گریه کنند...» (4)

امام رضا (علیه السلام) فرمود:

1- سفینه البحار، ج 3، ص 46.

2- مسند امام رضا (علیه السلام)، ج 2، ص 27.

3- الخصائص الحسينية (علیه السلام)، ص 142.

4- امالی صدوق، ص 128.

«من کان یوم عاشورا یوم المصیبه و حزنه و بکائه جعل الله عزوجل یوم القیامه یوم فرحه و سروره؛ هر کس که عاشورا، روز مصیبت و اندوه و گریه‌اش باشد، خداوند روز قیامت را برای او روز شادی و سرور قرار می‌دهد. (1)

تأسی شیعیان به اهل بیت (علیهم السلام) در گریستن بر حضرت سیدالشهداء (علیه السلام)

گریه با اشک نشان از سوز دل است. قطرات اشک برای امام حسین (علیه السلام) ریختن، برات بهشت و رهایی از دوزخ است.

امام حسین (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

«مَنْ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ فِينَا قَطْرَةً بَوَّأَهُ اللَّهُ عِزَّ الْجَنَّةِ؛ چشمان هر کس در مصیبت‌های ما قطره‌ای اشک بریزد، خداوند او را در بهشت جای می‌دهد.» (2)

در سوگ تو با سوز درون می‌گیریم از نیل و فرات و شط فزون می‌گیریم

گر چشمه چشم من بخشد تا حشر از دیده به جای اشک، خون می‌گیریم (3)

شیعیان حضرت با تأسی به حضرت عقیله بنی هاشم، در ماتم سرور شهیدان دائماً می‌گریند، همچنان‌که در زیارت نامه حضرت زینب کبری (علیها السلام) آمده است:

«می‌گیریم به حال بانویی که روزگار او را از منظره‌های وحشت‌انگیزی غمگین کرد، در حالی که مصیبت او با دیگر مصیبت‌ها شباهتی نداشت.

می‌گیریم به حال بانویی که بدن‌های پاره پاره مقتولین را بر روی زمین افتاده دید.

می‌گیریم به حال بانویی که قتلگاه خویشاوندان و برادران و عموزادگان شهید خود را مشاهده فرمود که شمشیر میان سر و بدن‌های آنان جدایی انداخته و حرارت آفتاب رنگ آنان را دگرگون ساخته بود و در میان آنان پیکر گل گلزار مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) آقای

1- بحار الانوار، ج 44، ص 284.

2- احقاق الحق، ج 5، ص 523.

3- شعر از سید مصطفی آرنج.

جوانان اهل بهشت بر روی خاک‌های گرم کربلا افتاده بود به ناگاه فریادش به گریه بلند شد و فرمود: خدایا! این قربانی را از آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) قبول فرما...» (1)

و زهی سعادت بر گریه کنندگان سیدالشهداء (علیه السلام) چرا که از امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت شده که فرمودند:

آگاه باشید! خداوند به فرشتگان مقرب خویش دستور می‌دهد اشک‌های گریه کنندگان بر عزای حسین (علیه السلام) را گرفته و گرد آورند و به خزانه بهشت ببرند و آن را با آب حیات بیامیزند تا هزار بار گواراتر و خوشبوتر گردد و ... (2)

بلند گریستن بانوان اهل بیت (علیهم السلام) در مصیبت امام حسین (علیه السلام)

نساء طاهرات و حرم مطهر ائمه معصومین (علیهم السلام) در مصیبت امام حسین (علیه السلام) صدا را به گریه و فریاد و زاری بلند می‌کردند. هنگامی که سیدالشهداء (علیه السلام) مقابل لشکر دشمن خطبه خواندند، روایت شده است که:

« فَلَمَّا خَطَبَ هَذِهِ الْخُطْبَةَ وَ سَمِعَ بَنَاتُهُ وَ أُخْتُهُ زَيْنَبُ كَلَامَهُ بِكَيْنٍ وَ نَدْبِنٍ وَ لَطْمَنٍ وَ اَزْتَقَعَتْ اَصْوَاتُهُنَّ...؛ چون دختران و خواهرش زینب (علیها السلام)، کلام ابی عبدالله (علیه السلام) را شنیدند اشک ریختند و بلند گریه کردند و لطمه زدند و صداهایشان بلند شد...» (3)

«فلما نظر اخوات الحسين و بناته و اهله الى الفرس ليس عليه احد رفعت اصواتهن بالبكاء و العويل...؛ هنگامی که نگاه خواهران امام حسین (علیه السلام) و دختران و اهل حرم او به اسب حضرت (علیه السلام) افتاد که احدی بر او سوار نیست صدا را به گریه بلند نمودند...» (4)

1- اشک حسینی سرمایه شیعه، ص 125.

2- تفسیر الامام العسکری (علیه السلام)، ص 367، ذیل آیه «و اذ اخذنا میثاقکم...» (بقره/85).

3- ملهوف، ص 162.

4- بحار الانوار، ج 45، ص 59.

عبدالله بن غالب نقل کرده گفت: بر حضرت امام صادق (علیه السلام) داخل شده، پس شعری در مرثیه حضرت امام حسین (علیه السلام) خواندندم و وقتی به این بیت منتهی شدم:

لبلیه تسقو حسینا بمسقاء الثری غیر التراب

هر آینه مصیبتی بود که آن مصیبت حسین (علیه السلام) را در آب خورگاه زمینی مرطوب (دارای آب) نه خشک سیراب نمود.

«فصاحت باکیه من وراء الستر و ابتاه؛ پس مخدره ای که در پشت پرده می گریست با صدای بلند فریاد زد: وا ابتاه» (1)

این تنها چند نمونه از صدها نمونه ای است که نساء طاهرات اهل بیت (علیهم السلام) در مصیبت امام حسین (علیه السلام) صدا را به گریه بلند کرده اند.

با تذکر این دو نکته که:

اولاً: بی تردید ائمه اطهار (علیهم السلام) بسیار از ما غیورتر بوده اند، بلکه غیرت الله هستند و اگر بلند گریستن اهل حرمشان اشکال داشت، از این کار ممانعت می کردند.

ثانیاً: نساء طاهرات اهل بیت (علیهم السلام) بسیار با حیا تر و عقیف تر از خانم های ما بوده اند، اما با این وجود در مصیبت امام حسین (علیه السلام) صدا به گریه و زاری بلند می کرده اند.

پس آنان را چه شده که از اهل بیت (علیهم السلام) جلو افتاده و می گویند: بلند گریستن زن در عزاداری امام حسین (علیه السلام) اشکال دارد!

گریستن به گونه ای که اشک تمام صورت را فرا گیرد و کاملاً خیس کند. صورت غرق در اشک شود.

روایت شده است که:

1- مستدرک الوسائل، ج 10، ص 385، باب 83، ح 12235؛ بحار الانوار، ج 44، ص 286؛ کامل الزیارات، ص 105.

«ان زين العابدين (عليه السلام) بکی علی ایبه اربعین سنه، صائماً نهاره، قائماً ليله ... ثم رفع رأسه من السجود و ان لحيه و وجه؛ همانا امام زين العابدين (عليه السلام) چهل سال بر پدر بزرگوارشان گریست، روزها روزه می گرفت و شبها به نماز می ایستاد. سپس سر را از سجده بلند نمودند و در حالی که محاسن و صورت حضرت غرق اشک چشم شده بود.» (1)

گریه حضرت زهرا (علیها السلام) در مصیبت امام حسین (علیه السلام)

به سند معتبر روایت شده از ابابصیر، که وی می گوید: در خدمت حضرت امام صادق (علیه السلام) بودم و مطالب خود را به آن حضرت عرض می کردم؛ ناگاه بر آن حضرت طفل کوچکی داخل شد، پس به او فرمود:
مرحباً بک یا ولدی.

و او را گرفته و به سینه خود چسبانید و او را بوسید و فرمود:

«حقرا لله من حقرکم و انتقم ممن و ترکم؛ خدا حقیر و ذلیل گرداند کسی که شما را حقیر کرد و انتقام بکشد از کسی که شما را یکه و تنها گردانید.

لعن الله من قتلکم

و خدا لعنت کند کسی را که شما را کشت.

و خدا شما را حافظ و یار و معین می باشد.

فقد طال بکاء النساء و بکاء الانبياء و الصديقين و الشهداء و ملائكة السماء؛ پس به تحقیق که طول کشیده گریه زنان و گریه پیغمبر و صدیقان و شهدا و ملائکه آسمانها بر شما.

و بعد از آن حضرت گریست گریه شدیدی و فرمود: ای ابابصیر!

اذا نظرت الی ولد الحسين اتانی ما لا املکه مما اتی الی ابيهم و اليهم.

1- الملهوف، ص 209؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 282 و ج 25، ص 278؛ اسرار الشهادت، ج 2، ص 378؛ مسکن الفؤاد، ص 100.

هر وقت که نظرم می افتد به سوی اولاد امام حسین (علیه السلام) حالتی به من دست می دهد که دیگر مالک خود نمی باشم و نمی توانم خود را حفظ نمایم، به سبب مصیبت هایی که بر پدر ایشان، امام حسین (علیه السلام) وارد شده است.

ای ابابصیر! به درستی که فاطمه (علیها السلام) چنان بر حسین مظلوم گریه می کند و نعره می زند که آتش جهنم به خروش می آید و اگر حافظین و موکلین جهنم در وقتی که صدای ناله حضرت فاطمه (علیها السلام) را می شنوند آن را حفظ نکنند، می سوزاند جمیع اهل زمین را و جهنم آرام نمی گیرد تا صدای گریه حضرت زهرا (علیها السلام) ساکن نشود. و دریاها به جهت گریه او به خروش و موج و اضطراب می آیند و بر هر قطره ای از آن، ملکی است که آن را حفظ می کند و نمی گذارد که طغیان بگیرد و بال های خود را بر آن می زنند و آن را حبس می کنند که غرق نکند زمین و اهل آن را.

فلا تزال الملائكة مشفقين يبكون لبكائها.

پیوسته ملائکه به جهت گریه فاطمه گریه می کنند و به جهت گریه آن مظلوم به درگاه خدا تضرع و زاری می کنند. و بلند است صدای ملائکه به تقدیس و تسبیح خدا، به جهت خوف بر اهل زمین و اگر صدایی از صداهای ایشان برسد بر زمین، هر آینه، زمین از هم می پاشد و زهره خواهند شکافت اهل زمین و پاره پاره خواهند شد کوهها و زلزله در زمین به نحوی واقع خواهد شد که همه اهل زمین را هلاک نماید.

ابابصیر عرض کرد: پس این امری بسیار عظیم و شدید است.

حضرت فرمود: آنچه شنیده ای اعظم از این است. بعد از آن، فرمود: ای ابابصیر!

اما تحب ان تكون ممکن یسعد فاطمه؟

آیا دوست نمی داری که از جمله یاری کنندگان فاطمه (علیها السلام) در این مصیبت باشی؟

فبکیت حین قالها فما قدرت علی المنطق و ما قدر علی کلام من البكاء

ابابصیر می‌گوید: به گریه در آمدم وقتی که حضرت این سخن را فرمودند و از شدت گریه نتوانستم جواب بگویم و حضرت هم نتوانست از شدت گریه متوجه کلام من بشود. پس حضرت به نماز ایستاد و من بیرون رفتم. (1)

اسرار گریه صدیقه طاهره (علیها السلام)

اخبار متعددی در خصوص گریه آن معصومه مظلومه در اکثر اوقات عالم برزخ ذکر گردیده، کسی که در این اخبار تدبر و تأمل کند در می‌یابد که نسبت گریه و ناله آن مظلومه صدیقه (علیها السلام) در دنیا با عالم برزخ مثل نسبت اقل قلیل است به اکثر کثیر. حال آنکه حضرت در دنیا فرمود:

صبت علی مصائب لوانها صبت علی الایام صرن لیالیا

گرفتاری‌ها و مشکلات زیادی بر من وارد آمد که اگر اینها بر روز وارد می‌شد تحمل آن را نداشت و به شب و تاریکی تبدیل می‌شد.

هیچ کس به اندازه حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) پس از وفات [شهادت] پدر بزرگوارش سیدالمرسلین (صلی الله علیه و آله و سلم) گریه و زاری نکرد. وقتی این امر مشخص شد یک سؤال در این بحث وارد می‌شود که:

چطور می‌شود خداوند عالمیان راضی شود که حبیبه خودش، صدیقه عظمی و افضل خلق پس از رسول خدا و امیرالمؤمنین (علیهما السلام)، علی الدوام و الاتصال هم در دنیا و هم در عقبی در حزن و غم، گریه و بکاء و جزع و ناله باشد. حال آنکه حق تعالی هر دو عالم را به خاطر وجود شریف آن معصومه مظلومه خلق فرموده است؟ علاوه بر اینکه دار عقبی و آخرت برای حجج الله و خلفاء الله و اولیاء الله (علیهم السلام) و همچنین برای شیعیان مؤمنین و مؤمنان خانه نعمت، راحت و سرور است، پس باید از آن اموری که در دنیا داشتند (حزن و غم و بکاء و گریه) ذره‌ای در آخرت نداشته باشند؟!

1- انوارالشهاده فی مصائب الحسین (علیه السلام)، ص 129-131؛ کامل الزیارات، ص 82، باب 26، ح 7؛ بحارالانوار، ج 45، ص 208، باب 40.

بعد از تدبیر و تأمل در خصوص این سؤال، برای عاقل عارف سؤال دیگری مطرح می‌شود با این مقدمه که در شهادت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) همه موجودات گریه کردند. از آن جمله اهل بهشت و آنچه در آن است (مانند حورالعین و غلمان، چنانکه حورالعین لطمه بر صورت زدند و سینه‌ها را خراشیدند) و اهل جهنم همه و همه گریه کرده و صیحه و ضجه زدند. در مورد تمامی این اتفاقات اخبار متکثری وجود دارد و اینها از ضروریات مذهب امامیه محسوب می‌شود.

با این مقدمه سؤال دوم مطرح می‌شود که: اهل بهشت و سعادت‌مندان برزخ باید در نعمت، زینت، فرح، سرور و نشاط باشند. این امر با گریه، بکاء، حزن، غم، الم، لطمه بر صورت و خراشیدن سینه منافات دارد. علاوه بر اینکه از اخباری که درباره گریه و بکاء حضرت صدیقه عظمی فاطمه زهرا (علیها السلام) وارد شده استفاده می‌شود که هرگاه آن معصومه مظلومه مشغول گریه و ناله می‌شود، همه کسانی که گریه حضرت را می‌شنوند گریه می‌کنند و ناله می‌زنند. پس لازمه این قضیه این است که همه اهل بهشت و برزخ غرق در حزن و بکاء و الم باشند!

برای پاسخ به این دو سؤال ابتدا مقدمه‌ای مختصر و مفید را ذکر می‌کنیم و سپس به پاسخ سؤال می‌پردازیم. بر هر عاقل عارف روشن است که التذاذ و بهره‌مندی از نعمات، فرح و سرور و انبساط در میان اهل جنان خواه در نشئه برزخی باشد، خواه در آخرت به یک سطح و اندازه نیست؛ بلکه انواع و اقسام دارد. چه بسا مقربین درگاه حق تعالی و فانیان عبودیت، در خضوع، خشوع برای حق سبحانه و تعالی، بهره‌مندی از نعمات حسی ظاهری را مثل خوردن، آشامیدن، هم‌نشینی با حور عین و امثال اینها را از جنس لذات به حساب می‌آورند.

بلکه لذت واقعی در نزد ایشان به اقسام روحانی و تقرّبات الهی و در زیر پرچم ملکوت منحصر است و این مقام در واقع مقام تقرب رضای حق تعالی است. این بهترین نعمت و لذت اهل بهشت است کما اینکه در قرآن مجید هم به این امر اشاره شده است.

با این مقدمه مختصر و مفید سیری از اسرار شهادت آشکار می‌شود و آن این است که آنچه در خصوص بسیاری گریه و کثرت بکاء حضرت صدیقه عظمی فاطمه زهرا (علیها السلام) و همچنین گریه مقربین انبیاء و ملائکه بیان شده است در واقع مقامی است که به مقربین کبریایی عطا می‌شود. پس مقام گریه، زاری، بکاء، جزع و فزع برای سیدالشهداء (علیه السلام) عین مقام جزاء مقربین و رضوان الله است. در حقیقت مقام رضوان الله، اکبر مقامات، اعظم درجات، اشرف پاداشها و نعمت‌های ظاهری و باطنی است به عبارت روشن‌تر گریه کنندگان و جزع و فزع کنندگان بر حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) (از مرد و زن) در حین بکاء و گریه در دریای رضای خداوند و سرچشمه رحمت و محبت حق تعالی (در دنیا و برزخ و آخرت) غرق هستند. (1)

فصل یازدهم: اشک‌های همیشه جاری

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«ما بکی لنا من الملائکة اکثر و ما رقأت دموع الملائکة منذ قتلنا؛ موجودی بیشتر از فرشتگان بر ما گریه نکرده است، ایشان اشک‌هایشان لا ینقطع جاری بوده و هرگز قطع نمی‌شود.» (1)

به راستی چه مصیبتی صعب و سخت روی داده است که ملائکه در عالم بالا اشک‌هایشان متصل جاری است؟

آسمان‌ها و زمین تا ابد بر مصائب امام حسین (علیه السلام) گریانند.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«اذا قبض الله نبیا علیه السماء اربعین سنة و اذا مات امام من الائمة الاوصیاء بکت علیه السماء و الارض اربعین شهراً و اذا مات العالم العامل بعلمه بکت اربعین يوماً علیه. و اما الحسین (علیه السلام) فبکی علیه السماء و الارض طول الدهر و تصدیق ذلك ان یوم قتله قطرت السماء دماً.»

همانا هنگامی که خداوند متعال قبض روح پیامبری را کند، آسمان تا چهل سال بر او می‌گرید و هنگامی که امامی از امت از دنیا مفارقت کند، آسمان بر او تا چهل ماه می‌گرید و هنگامی که عالمی که به علم خود عمل می‌نموده بمیرد، آسمان بر او تا چهل روز می‌گرید... و اما حسین (علیه السلام)، پس گریست بر او آسمان‌ها و زمین به طول روزگار و تصدیق آن این است که روزی که به شهادت رسید، از آسمان باران خون بارید. (2)

1- کامل الزیارات، ص 102.

2- اسرارالشهادت، ج 3، ص 83؛ المنتخب، ج 1، ص 143.

فصل دوازدهم: تداوم عزاداری

اشاره

فصل: همیشه برای مصائب ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) عزادار باشیم

عن الصادق (علیه السلام): رحم الله شیعتنا لقد شاركونا فی المصیبه بطول الحزن و الحسرة علی مصاب الحسین (علیه السلام).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند رحمت کند شیعیان ما را، به تحقیق که مشارکت کردند با ما در مصیبت [و] با حزن و حسرت همیشگی بر مصائب امام حسین (علیه السلام) [با ما همدردی کردند]. (1)

قال الرضا (علیه السلام): إِنَّ يَوْمَ الْحَسَنِ (علیه السلام) أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسَّ بِلَ دُمُوعَنَا وَ أَدَلَّ عَزِيرَنَا بِأُضْ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ وَ أَوْرَثَنَا الْكَرْبَ وَ الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِقْضَاءِ...؛

امام رضا (علیه السلام) فرمود: به درستی که روز حسین (علیه السلام) پلک‌های چشم ما را [در اثر گریه‌های همیشگی] مجروح کرد و [هماره] اشک‌های ما را روان و جاری ساخت و عزیز ما را در سرزمین کربلا ذلیل کرد. کرب و غم نفس‌گیر و بلا و مصیبت را تا روز پایان برای ما به ارث گذاشت. (2)

قال دعبل بن علی الخزاعي: دخلت علی سیدی و مولای علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) ... ثم التفت الی و قال: یا دعبل ارث الحسین (علیه السلام) فانت ناصرنا و مادحنا، فلا تقصر عن نصرنا ما استطعت ما دمت حياً...؛

دعبل بن علی خزاعی می‌گوید: بر آقا و مولای خود علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) وارد شدم ... سپس به من رو کرد و فرمود: ای دعبل! هماره رثای امام حسین (علیه السلام) را بخوان

1- اسرار الشهادات، ج 1، ص 100 به نقل از: المنتخب فی المقتل، ص 28.

2- بحار الانوار، ج 44، ص 283.

که تویار و کمک کار ما و مدح کننده ما هستی. از این رو تا جایی که می توانی و تا زمانی که زنده هستی، در یاری ما کوتاهی نکن... (1)

شیعیان از عزاداری خود عذر تقصیر بخواهند!

فإذا كان أواخر نهار يوم عاشوراء فقم قائما و سلم على رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) و على مولانا أمير المؤمنين (عليه السلام) و على مولانا الحسن بن علي و على سيدتنا فاطمة الزهراء و عترتهم الطاهرين صلوات الله عليهم أجمعين و عزم على هذه المصائب بقلب محزون و عين باكية و لسان ذليل بالنائب ثم اعتذر إلى الله جل جلاله و إليهم من التقصير فيما يجب لهم عليك و أن يعفو عما لم تعمله مما كنت تعمله مع من يعز عليك فإنه من المستبعد أن يقام في هذا المصاب الهائل بقدر خطبه النازل...»

در هنگامی که ساعات پایانی روز عاشورا فرا می رسد، از جای خود برخیز و بایست و بر آقا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و مولایمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) و مولایمان امام حسن (علیه السلام) و بر بی بی فاطمه زهرا (علیها السلام) و عترت طاهرین ایشان (علیهم السلام)، سلام بفرست و با قلبی محزون و چشمی اشکبار و زبانی که از شدت مصیبت خاضع و ذلیل شده است، آن بزرگوار را درباره این مصائب تعزیت بده. سپس به درگاه خداوند متعال جل جلاله و اهل بیت (علیهم السلام) عذرخواهی کن و به جهت کوتاهی خود در آن حقی که برای ایشان بر گردن تو واجب است، پوزش بطلب و از ایشان نسبت به آن کارهایی که می توانستی در عزای ایشان انجام دهی [و کوتاهی کردی] و انجام ندادی، که [چه بسا] اگر عزای عزیزان خودت بود، آن کارها را انجام می دادی، طلب عفو و بخشش کن؛ زیرا که

بسیار بعید است که بتوانی در این مصیبت هولناک به اندازه لازم و درخور شایسته شأن آن مصائب عظیم که بر ساحت اهل بیت (علیهم السلام) نازل شد، عزاداری نمایی. (1)

1- اقبال الاعمال (ط قدیمه)، ج 2، ص 583؛ بحار الانوار، (ط بیروت) ج 95، ص 344.

فصل سیزدهم : گردیدن اشک در چشم پیش از جاری شدن آن

«ما بکی احد رحمه لنا و لما لقینا الا رحمه الله قبل از تخرج الدمعه من عینیه» (1)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: خداوند گریه کننده را رحمت کند، پیش از آن که اشک از چشمش بیرون آید.

فصل چهاردهم : جاری شدن اشک بر صورت (گونه‌ها)

1: امام صادق (علیه السلام) درباره کیفیت گریه کردن امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید:

« كَانَ جَدِّي إِذَا ذَكَرَهُ بَكَى حَتَّى تَمَلَأَ عَيْنَاهُ لِحَيْثُهُ وَ حَتَّى يَبْكِيَ لِبُكَائِهِ رَحْمَةً لَهُ مِنْ رَأَى » (1)

عادت جدم این بود که هر وقت به یاد امام حسین (علیه السلام) می‌افتاد، می‌گریست تا آنکه محاسنش از اشک چشمش خیس می‌شد و آن قدر می‌گریست که هر که او را می‌دید به گریه در می‌آمد و دلش برای او می‌سوخت.

2: حضرت رضا (علیه السلام) به ریان بن شیبب فرمودند:

اگر به گونه‌ای بر حسین (علیه السلام) گریه کنی که اشک‌هایت بر گونه‌هایت جاری شود، خداوند هر گناهی که مرتکب شده باشی، چه کوچک، چه بزرگ و چه کم و چه زیاد، خواهد بخشید. (2)

3: امام صادق (علیه السلام) به فضیل فرمود: « يَا فَضِيلُ، مَنْ ذَكَرْنَا - أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ - فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الدُّبَابِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ ». (3)

کسی که در حضورش یادی از مصیبت ما شود و از چشمش به اندازه بال مگسی اشک جاری شود، خداوند گناهانش را هر چند مانند کف دریاها باشد، می‌آمرزد.

تعبیر «جناح ذباب؛ به مقدار بال مگس» ناظر به این نکته است که هر طور شده، بکوشید خود را از طریق گریه به امام حسین (علیه السلام) متصل کنید، هر چند به کمترین حد آن، چرا که آن چه مهم است اصل اتصال است، هر چند که اگر اشک بیشتری بیرون آید پاداش بیشتری خواهد داشت. (4)

1- کامل الزیارات، ص 81.

2- لوامع صاحبقرانی، ج 6، ص 268؛ امالی صدوق، مجلس 27، ح 5، ص 206، ترجمه کریم فیضی؛ امالی صدوق، م 27، ص 129؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 502، باب استحباب البكاء لقتل الحسین (علیه السلام)؛ عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج 1، ص 604، باب 28، ترجمه: حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری .

3- قرب الاسناد، حمیری، ص 36.

4- سلوک ماتم، پاورقی، ص 164.

فصل پانزدهم : جاری شدن گریه بر صورت ، ریش و سینه

1: «...یا بن عباس اتعرف هذا الموضع؟ قلت له ما اعرفه يا امير المؤمنين. فقال: لو عرفته كمعرفتي لم تكن تجوزه حتى تبكي كبكايي قال فبكي طويلاً حتى اخضلت لحيته و سالت الدموع على صدره».

ابن عباس می گوید همراه حضرت علی (علیه السلام) در جنگ صفین از سرزمین نینوا گذشتیم. به من فرمود: ای ابن عباس! آیا این سرزمین را می شناسی؟

عرض کردم: خیر، ای امیر مؤمنان.

حضرت فرمودند: اگر مثل من آن را می شناختی از اینجا عبور نمی کردی، مگر آنکه مانند من می گریستی، آنگاه شروع به گریستن کرد تا اینکه اشک، محاسنش را فرا گرفت و بر سینه مبارک جاری شد. (1)

2: «فَبَكَى وَ مِنْ حَوْلِهِ حَتَّى صَارَتْ الدَّمُوعُ عَلَى وَجْهِهِ وَ لِحْيَتِهِ ثُمَّ قَالَ يَا جَعْفَرُ وَاللَّهِ لَقَدْ شَهِدْتُ مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقْرَبُونَ هَاهُنَا يَسَّ مَعُونَ قَوْلَكَ فِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ لَقَدْ بَكَوْا كَمَا بَكَيْنَا وَ أَكْثَرَ»

امام صادق (علیه السلام) وقتی که مرثیه خوان مرثیه می خواند می گریست، تا اینکه اشک محاسنش را فرا می گرفت و بر سینه مبارک جاری می شد. سپس می فرمود: هر آینه ملائکه گریه کردند، چنان که ما گریه کردیم، بلکه بیشتر. خداوند تمام بهشت را برای تو واجب کرد. (2)

1- امالی، ابن بایویه، ص 597.

2- بحار الانوار، ج 44، ص 283.

فصل شانزدهم: بلند کردن صدا به گریه

1: هنگامی که نگاه خواهران امام حسین (علیه السلام) و دختران و اهل احرم او به اسب حضرت افتاد که صاحبش بر او سوار نیست، صدا را به گریه بلند کردند.

«فلما نظر اخوات الحسين (عليه السلام) و بناته و اهله الى الفرس عليه احد رفعن اصواتهن بالبكاء و العويل» (1).

2: عبدالله بن غالب نقل می‌کند: خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و شعری در مرثیه امام حسین (علیه السلام) خواندم پس شنیدم مخدره‌ای که در پشت پرده می‌گریست. با صدای بلند فریاد زد: وا ابتاه.

عن عبدالله بن غالب قال: دخلت على ابي عبدالله (عليه السلام) فانشدته مرثية الحسين (عليه السلام) فلما انتهيت الى هذه الموضع ... فصاحت باكية من وراء الستر وا ابتاه . (2)

این دو روایت نمونه‌هایی بود از نمونه‌های بسیار که زنان اهل بیت (علیهم السلام) در حضور امام معصوم (علیه السلام) صدا را به گریه بلند کرده‌اند و معصومین (علیهم السلام) نیز از این کار ممانعت نکرده‌اند.

1- بحار الانوار، ج 45، ص 60.

2- کامل الزیارات، ص 105.

فصل هفدهم: گریستن به گونه‌ای که مردم برای او دلسوزی کنند

امام صادق (علیه السلام) در مورد حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) فرمودند:

«و کان جدی اذا ذکره بکی حتی تملأ عیناه لحیته و حتی یبکی لبکائه رحمه له من راه؛ و عادت جدم این بود که هر وقت یاد و ذکر امام حسین (علیه السلام) می شد می گریست تا آن که محاسنش از اشک چشمش خیس می شد و آن قدر می گریست که هر که او را می دید از گریه او به گریه در می آمد و دلش بر او می سوخت.» (1)

حضرت زینب کبری (علیها السلام) نیز به قتلگاه آمده و پس از آنکه بدن پاره پاره برادر را یافت به مرثیه سرایی پرداخت که تمام اهل بیت (علیهم السلام) و حتی لشکریان کفر نیز گریستند. (2)

- 1- کامل الزیارات، ص 80؛ مدینه المعاجز لائمة الاثنی عشر، ج 4، ص 167؛ بحار الانوار، ج 45، ص 206؛ ریاض الابرار، ج 1، ص 266؛ عوالم العلوم، ج 17، ص 462.
- 2- بحار الانوار، ج 45، ص 58.

فصل هجدهم : ممزوج شدن اشک چشم با غذا و آب

روی عن الصادق (علیه السلام) انه قال ان زين العابدين (علیه السلام) بکی علی اییه اربعین سنه صائم نهاره قائماً ليله فاذا حضر لافطار جاءه غلامه بطعامه و شرابه فیضعه بین یدیه فیقول کل یا مولای فیقول قتل ابن رسول الله (علیه السلام) لی جائعاً قتل ابن رسول الله (علیه السلام) عطشاناً فلا یزال یکرر ذلک و یبکی حتی یبل طعامه من دموعه ثم یخرج شرابه بدموعکم یزل کذلک حتی لحق بالله عزوجل.

اماو صادق (علیه السلام) می فرماید: زین العابدین (علیه السلام) چهل سال در عزای پدرش گریه کرد، در حالی که روزها روزه بود و شبها عبادت می کرد. هنگامی که وقت افطار فرا می رسید، غلام آن بزرگوار خوراک و آشامیدنی آن حضرت را حاضر می کرد و در مقابل آن بزرگوار می نهاد و می گفت: ای مولای من! افطار کن. امام سجاد (علیه السلام) می فرمود: پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گرسنه کشته شد. پسر پیغمبر خدا با لب تشنه شهید شد. آن بزرگوار همچنان این سخنان را می گفت و گریه می کرد، تا این که غذای آن حضرت با اشک چشمش تر می شد و آب آشامیدنی آن بزرگوار با اشک چشمش ممزوج می شد. امام سجاد (علیه السلام) همیشه این حال را داشت تا به لقای حق تعالی پیوست. (1)

فصل نوزدهم: پاره شدن رگ قلب در اثر شدت مصیبت (نیاط القلب)

انقطاع نیاط القلب: نیاط القلب: رگ دل است. انقطاع نیاط القلب: یعنی درد مصیبت به رگ قلب مصیبت زده رسیده و آن را پاره کند.

وقتی حضرت سکینه (علیها السلام) در شام، حضرت زهرا (علیها السلام) را در خواب می بیند و از مصائب کربلا خدمتشان عرض می - کند، حضرت زهرا (علیها السلام) می فرماید:

«كُفِّي صَوْتِكِ يَا سَكِينَةَ فَقَدْ أَحْرَقَتْ كَبِدِي وَقَطَعَتْ نِيَاطَ قَلْبِي هَذَا قَمِيصُ أَبِيكَ الْحُسَيْنِ مَعِيَ لَا يُفَارِقُنِي حَتَّى أَلْقَى اللَّهَ»

ای سکینه! همانا که جگرم را آتش زدی و رگ قلبم را قطع نمودی این پیراهن پدرت حسین (علیه السلام) است که از من جدا نمی شود تا خداوند را با آن ملاقات کنم. (1)

فصل بیستم: مردن از شدت گریستن (ازهاق)

شرح:

«ازهاق» در کتب لغت به معنای جدا شدن روح از بدن و هلاک شدن است. (1) در روایت فوق، حضرت امیرمؤمنان (علیه السلام) نمی‌فرماید: اگر مصیبت سیدالشهداء (علیه السلام) را می‌دانستید جان می‌دادید؛ این که جای خود دارد. بلکه روایت می‌فرماید: اگر اثری که مصیبت امام حسین (علیه السلام) بر اهل دریاها و ساکنین کوه‌ها کرد را می‌دانستید روحتان از بدن جدا می‌شد. یعنی از اثر مصیبت می‌مردید؛ خود مصیبت که جای خود دارد!

اینجاست که باید اقرار کرد که حد مصیبت، ما فوق جان دادن ماست.

حضرت اباذر (علیه السلام) روایت ذیل را نقل می‌کنند که:

« وَ إِنِّكُمْ لَوْ تَعْلَمُونَ مَا يَدْخُلُ عَلَى أَهْلِ الْبِحَارِ وَ سُكَّانِ الْجِبَالِ فِي الْغِيَاضِ وَ الْأَكَامِ وَ أَهْلِ السَّمَاءِ مِنْ قَتْلِهِ لَبَكَيْتُمْ وَ اللَّهُ حَتَّى تَزْهَقَ أَنْفُسُكُمْ وَ مَا مِنْ سَمَاءٍ يَمُرُّ بِهِنَّ رُوحُ الْحَسَنِ (علیه السلام) إِلَّا فَرَعَ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ يَوْمٍ يَقُومُونَ قِيَامًا تُرْعَدُ مَفَاصِلُهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَا مِنْ سَحَابَةٍ تَمُرُّ وَ تُرْعَدُ وَ تُبْرِقُ إِلَّا لَعَنَتْ قَاتِلَهُ وَ مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ تُعْرَضُ رُوحُهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) فَيَلْتَقِيَانِ »

اگر شما می‌دانستید که از این مصیبت چه چیز بر اهل دریاها و ساکنین کوه‌ها در جنگل‌ها و تپه‌ها و اهل آسمان‌ها وارد خواهد آمد و الله که جان‌هایتان از سینه بیرون می‌آمد. روح امام حسین (علیه السلام) را به آسمان‌ها بردند، به هیچ آسمانی نگذشت، مگر آن که هفتاد هزار ملک فزع کردند و از جای برخاستند، و در حالی که مفاصل آن‌ها می‌لرزید و به همین حال ماندند تا روز قیامت و هیچ ابری نیست که حرکت کرده و بغرد

1- جمهره اللغة، ج2، ص 322؛ العين، ج3، ص 363؛ لسان العرب، ج 10، ص 147.

و برق زند مگر آنکه کشنده حضرت را لعنت می کند و هیچ روزی نیست مگر آنکه روح مطهر آن حضرت را بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه داشته پس آن دو با هم ملاقات می کنند.» (1)

به احتمال قوی همین سختی مصیبت بود که سبب شد:

حضرت رقیه (علیها السلام)، بیست و پنج روز بعد از عاشورا در پنجم ماه صفر به شهادت رسیدند. (2)

حضرت ام کلثوم (علیها السلام)، چهار ماه بعد از بازگشت قافله کربلا به مدینه رحلت نمودند. (3)

همچنین ام سلمه (علیها السلام)، یک سال بعد از عاشورا از دینا رفت. (4)

و نیز حضرت رباب (علیها السلام)، نیز یک سال در کربلا ماند و بعد از آن به مدینه برگشت و از غصه وفات نمود. (5)

و حضرت رقیه همسر حضرت مسلم بن عقیل (علیهما السلام) و خواهر امام حسین (علیه السلام) چند روز قبل از حضرت زینب (علیها السلام) به شهادت رسیدند.

همچنین حضرت زینب (علیها السلام) یک سال و نیم بعد از عاشورا در نیمه رجب رحلت شهادت گونه داشته اند. (6) [البته عده ای از علما قائلند که حضرت زینب (علیها السلام) را به شهادت رساندند.]

1- کامل الزیارات، ص 73؛ بحار الانوار، ج 45، ص 219؛ عوالم، ج 17، ص 455، ح 1؛ تذکره الشهداء، ج 1، ص 121.

2- وقایع الشهور، ص 47؛ کامل بهایی، ج 2، ص 179؛ تقویم شیعه، ص 56.

3- ریاحین الشریعه، ج 3، ص 256؛ تقویم شیعه، 29 جمادی الثانی، ص 177.

4- بحار الانوار، ج 20، ص 143 و ص 185؛ تقویم شیعه، دهم محرم سال 62 ق، ص 29.

5- نفس المهموم، ص 528؛ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج 4، ص 88؛ الدایه و النهایه، ج 8، ص 210؛ تذکره الخواص، ص 265؛

تاریخ مدینه دمشق، ج 69، ص 120؛ سفینه البحار، ج 1، ص 256؛ دانشنامه امام حسین (علیه السلام)، ج 9، ص 404.

6- مستدرک سفینه البحار، ج 4، ص 326؛ تقویم شیعه، ص 207؛ موااسات با سیدالشهدا (علیه السلام)، ص 90.

فصل بیست و یکم : آرزو و تمنای گریستن تا آخرین لحظه زندگی

امام صادق (علیه السلام) در مورد گریه کنندگان بر امام حسین (علیه السلام) فرمودند:

«فلو علم الباکون ای اجر یؤجرون لتمنوا دوام هذه الحال حتی المأل»

اگر گریه کنندگان بر حسین (علیه السلام) می دانستند چه اجری برای آنها در نظر گرفته شده هر آینه تمنا و آرزوی این را می داشتند که تا آخرین نفس در گریه و ناله بر آن بزرگوار باشند. (1)

منتها تمنایی که امام صادق (علیه السلام) برای گریه کنندگان امام حسین (علیه السلام) می فرماید این است که: «تا آخرین نفس برای امام حسین (علیه السلام) گریه کنند.»

اگر به فرمایش امام صادق (علیه السلام) ایمان داریم باید منتها تمنا و آرزوی ما گریستن دائمی در مصیبت امام حسین (علیه السلام) باشد و بس.

فصل بیست و دوم : تباکی

تباکی در لغت:

تباکی بر وزن تفاعل است که یکی از معانی وزن تفاع، تظاهر می‌باشد که در کتب ادبیات عرب مذکور است. قد یکون وزن تفاعل للظاهر بما لیس فی الواقع نحو تمارض ای: اری من نفسه المرض و لیس به. (1)

خود را به گریه زدن، خود را گریه نشان دادن، خود را شبیه گریه کننده ساختن، حالت گریه به خود گرفتن.

گذاشتن دست مقابل پیشانی و چشم‌ها، پایین انداختن سر، خشوع در اعضا و جوارح، انکسار و شکستگی در چهره و هر کاری که انسان را شبیه گریه کنندگان در آورد از مصادیق تباکی است.

در راه احیای عاشورا و سوگواری بر عزای امام حسین (علیه السلام) هم گریستن، هم گریاندن و هم حالت گریه داشتن، ثواب دارد. حتی اگر کسی نگرید یا گریه اش نیاید، گرفتن این حالت، هم در خود شخص حالت اندوه و تحسُّر ایجاد می‌کند، هم به مجلس عزا، چهره و رنگ غم می‌بخشد.

تباکی، هم سوئی با داغ داران سوگ عاشوراست و مثل گریستن و گریاندن است.

نداشتن گریه و خشک بودن چشم؛ نشانه عدم رقت قلب، و طبق روایات علامت شقاوت است، بدین لحاظ اگر افراد در مراسم سوگواری سیدالشهدا (علیه السلام) گریه نمی‌کنند، باید به مصائب آن بزرگوار و اهل بیت او (علیهم السلام) توجه کنند و همراه با گریه کنندگان، تباکی و اظهار حزن و تأثر و اصرار به گریه کردن نمایند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«إذا لم یجتک البكاء فتباک فان خرج مثل راس الذباب فیخ یخ»

1- بزرگترین مصیبت عالم، ص 49 به نقل از: مبادی العریبه، ج 4، ص 20.

اگر گریه‌ات نمی‌آید، خود را به گریه وادار کن، زیرا اگر به اندازه سرمگشی اشک از چشم تو بیرون آید، مبارک است و جای خوشحالی دارد. (1)

همان‌طور که اشاره شد «تباکی» خود را به گریه زدن است، که گاهی با ناله سردادن، به پیشانی زدن، و خود را به حزن و اندوه واداشتن همراه است و دارای اجر و پاداش نیز می‌باشد.

البته غیر از تباکی در مصیبت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) حالت گریه به خود گرفتن در مناجات و دعا و از خوف خدا نیز مطلوب است و این از نمونه‌های روانی تأثیر ظاهر در باطن است.

تباکی، نفس گریه را دارد و با صدا همراه است، یا با منقبض کردن عضلات صورت و یا با حرکت کردن و زدن بر پیشانی، بدون اینکه اشک جاری شود.

تباکی معمولاً برای کسانی است که به لزوم گریستن بر فاجعه‌ای باور دارند، اما به دلایل پزشکی (طبی)، توان اشک ریختن ندارد؛ بنابراین حالت ناراحتی به خود می‌گیرند.

کسی که تلاش می‌کند گریه کند، اگر چه توان آن را نداشته باشد، در حقیقت انسان مؤمنی است که به وجوب حمایت از مظلوم و قیام علیه ظالم، اعتقاد دارد؛ اگر چه عملاً توان آن را نداشته باشد. این سعی و کوشش او نشان دهنده اعتقاد درونی وی برای بیان بردن ضعف درونی است و هر کس برای اصلاح خود کوشش کند، قطعاً پیروز خواهد شد؛ چرا که هر کس در راه درست گام نهد، حتماً به مقصود خواهد رسید. هر شخصی که نقطه ضعف خویش را بشناسد و برای اصلاح آن تلاش کند، موفق خواهد شد.

بنابراین کسی که حالت گریه به خود می‌گیرد، ثواب گریه کننده را دارد؛ به جهت اشتراک هر دو در انجام واجب دینی‌شان.

ائمه معصومین (علیهم السلام) به مساوی بودن ثواب گریه کردن و حالت گریه به خود گرفتن در چندین مناسبت تأکید کرده‌اند و همان‌گونه که به گریستن تشویق کرده‌اند، همان‌طور نیز تباکی (حالت گریه گرفتن) را ترغیب کرده‌اند.

در کتاب «کنز العمال» مذکور است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای گروهی از انصار آیه شریفه: «وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا» (1) را خواند، همه گریه کردند جز یک جوان! وی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت: قطره‌ای اشک از چشم من نیامد، اما حالت گریه به خود گرفتم.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس که حالت گریه هم به خود بگیرد، بهشت جایگاهش خواهد بود. (2)

از جریر نقل شده که: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «من آیه «الهنکم التکاثر» را برای شما می‌خوانم، هر کس گریه کرد بهشت جایگاهش خواهد بود. همانا من برای مرتبه دوم این آیه را می‌خوانم، هر کس گریه کرد، جایگاه او بهشت خواهد بود و کسی که نتواند گریه کند، پس باید خود را شبیه گریه کنندگان در آورد.» (3)

در مجموعه شیخ ورام آمده است: اباذر غفاری از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرد که فرمودند:

«هر کس از شما توانست بگیرد، پس باید گریه کند و هر کس نتوانست گریه کند، حالت اندوه به خود بگیرد و خود را شبیه گریه کنندگان در آورد؛ چرا که قسی القلب از خدا دور است.» (4)

1- زمر / 71؛ و آنان را که به خدا کافر شدند، فوج فوج به جانب دوزخ رانند.

2- بحارلأنوار، ج 44، ص 288 و 287.

3- کنز العمال، ج 1، ص 596.

4- شیوه‌های یاری غریب کربلا، ص 73.

احادیث تباکی:

روایاتی که درباره تباکی صحبت می‌کند در حد تواتر اجمالی است (یعنی انسان قطع به صدور برخی آن روایات دارد) و فقط منحصر به آن روایتی نیست که در آن لفظ «اظنه» آمده است.

1: شیخ صدوق در کتاب «امالی» از ابوعماره و او نیز از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل می‌کند:

ای ابعمار! هر کس که شعری درباره امام حسین (علیه السلام) بخواند و پنجاه نفر را بگریاند، بهشت جایگاه اوست و هر کس شعری درباره امام حسین (علیه السلام) بخواند و چهل نفر را بگریاند، بهشت جایگاه اوست و هر کس که شعری درباره امام حسین (علیه السلام) بخواند و سی نفر را بگریاند، بهشت جایگاه اوست، و هر کس شعری درباره امام حسین (علیه السلام) بخواند و بیست نفر را بگریاند هم بهشت جایگاه اوست. و هر کس شعری درباره امام حسین (علیه السلام) بخواند و ده نفر را بگریاند هم بهشت جایگاه اوست و هر کس شعری درباره امام حسین (علیه السلام) بخواند و حالت گریه به خود بگیرد جایگاه او هم در بهشت است. (1)

بنابراین، گریستن و حالت گریه به خود گرفتن، یک کارند و دارای یک اثر هستند؛ لذا ثواب واحدی هم خواهند داشت. پس هر کس که توان لازم بدنی را داشته باشد، می‌گیرد و هر کس سلامت کامل را دارا نباشد، حالت گریه به خود می‌گیرد.

2: حضرت موسی (علیه السلام) در مناجات

حضرت موسی (علیه السلام) در مناجات خود از پروردگار متعال برای یک نفر از بنی اسرائیل درخواست آمرزش نمود. خداوند تبارک و تعالی فرمود:

ای موسی! هر کس از من در خواست آمرزش و بخشش کند من او را می‌بخشم و مورد عفو خود قرار می‌دهم، مگر قاتلین امام حسین (علیه السلام).

حضرت موسی (علیه السلام) عرض کرد: پروردگارا این حسین (علیه السلام) کیست؟

خداوند متعال فرمود: همان کسی که در کوه طور ذکری از او شنیدی.

عرض کرد: قاتلین او چه کسانی هستند؟

خداوند متعال فرمود: گروهی از طاغیان و ظالمان امت جدش در زمین کربلا- او را می کشند و اسب او ناله می کند و فریاد می زند: «الظلیمه الظلیمه من امه قتلت ابن بنت نبیها؛ فریاد فریاد از امتی که پسر دختر پیامبرشان را کشتند.»

پس بدن او بدون غسل و کفن و بر روی ریگ ها می گذارند و اموال او را به غارت می برند و اهل و عیال او را به اسیری می برند و یار و یاورانش را می کشند و سر مقدسش را با سر یاورانش بر روی نیزه می گذارند و می گردانند.

ای موسی! اطفال کوچکش از تشنگی می میرند و پوست بدن بزرگانشان از تشنگی جمع می شود، هر چه استغاثه و امان می خواهند کسی آنها را یاری نمی کند و امان نمی دهد.

حضرت موسی (علیه السلام) گریه کرد و عرض کرد: ای پروردگار! چه عذابی برای قاتلین او هست.

خداوند متعال فرمود: عذابی که اهل آتش از شدت آن عذاب به آتش پناه می برند رحمت من و شفاعت جدش به آنها نخواهد رسید و اگر برای کرامت و بزرگواری آن حضرت نبود من همه آنها را به زمین فرو می بردم.

حضرت موسی (علیه السلام) فرمود: پروردگارا از آنها و کسانی که راضی به کار آنها باشند بیزارم.

خداوند متعال فرمود: من برای تابعین آن حضرت رحمت قرار دادم و بدان هر کس که بر او گریه کند و یا دیگری را بگریاند یا خود را مانند گریه کنندگان در آورد، بدن او را بر آتش حرام می گردانم. (1)

3: وَ فِي حَدِيثٍ مُنَاجَاهِ مُوسَى (علیه السلام) وَقَدْ قَالَ يَا رَبِّ لِمَ فَضَّلْتَ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَضَّلْتُهُمْ لِعَشْرِ خِصَالٍ قَالَ مُوسَى وَمَا تِلْكَ الْخِصَالُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا حَتَّى أَمَرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَعْمَلُونَهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَالصَّوْمَ وَالْحَجَّ

وَالْجِهَادُ وَالْجُمُعَةُ وَالْجَمَاعَةُ وَالْقُرْآنُ وَالْعِلْمُ وَالْعَاشُورَاءُ قَالَ مُوسَى (عليه السلام) يَا رَبِّ وَمَا الْعَاشُورَاءُ قَالَ الْبُكَاءُ وَالْتَّبَاكِي عَلَى سَبِيحِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَالْمَرْتِيَةُ وَالْعَزَاءُ عَلَى مُصِيبِهِ وَوَلِدِ الْمُصْطَفَى يَا مُوسَى مَا مِنْ عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِي فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بَكَى أَوْ تَبَاكَى وَتَعَزَّى عَلَى وُلْدِ الْمُصْطَفَى (صلى الله عليه وآله وسلم) إِلَّا وَكَانَتْ لَهُ الْجَنَّةُ ثَابِتًا فِيهَا وَمَا مِنْ عَبْدٍ أَنْفَقَ مِنْ مَالِهِ فِي مَحَبَّةِ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّهِ طَعَامًا وَغَيْرَ ذَلِكَ دَرَاهِمًا إِلَّا وَبَارَكْتُ لَهُ فِي الدَّارِ الدُّنْيَا الدَّرْهَمَ بِسِتِّ بَعِينَ دَرَاهِمًا وَكَانَ مُعَافًا فِي الْجَنَّةِ وَغَفَرْتُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا مِنْ رَجُلٍ أَوْ امْرَأَةٍ سَأَلَ دَمْعَ عَيْنَيْهِ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَغَيْرِهِ قَطْرَةً وَاحِدَةً إِلَّا وَكُتِبَ لَهُ أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ.

حضرت موسی (علیه السلام) در مقام مناجات به حضرت قاضی الحاجات عرض کرد: ای پروردگارا! چرا امت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را بر سایر امت‌ها برتری دادی؟

خداوند فرمود: به جهت ده خصلت.

حضرت موسی (علیه السلام) عرض کرد: آن خصلت‌ها که امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) عمل می‌کنند، کدام است تا من نیز به بنی اسرائیل دستور دهم به آنها عمل کنند؟

خداوند فرمود: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، جمعه، جماعت، قرآن، علم و عاشورا.

حضرت موسی (علیه السلام) سؤال کرد: پروردگارا عاشورا چیست؟ [و چگونه عملی است؟]

خداوند فرمود: گریه کردن و خود را به گریه زدن [تلاش برای گریه] بر فرزند دختر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و مرثیه خوانی و عزاداری در مصیبت فرزند مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

هیچ بنده‌ای نیست که از مال خود به اندازه درهم یا دیناری در راه محبت فرزند دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، طعام یا چیز دیگری را انفاق کند، مگر آنکه برکت دهم برای او در عالم دنیا هر دره‌می را به هفتاد مقابل و بهشت ارزانی او خواهد بود و گناهان او را خواهم بخشید.

به عزت و جلالم قسم! هر مرد یا زنی، در روز عاشورا یا روز دیگر، یک قطره اشک از چشمش [در عزای بر حسین (علیه السلام)] جاری شود، برای او اجر صد شهید نوشته خواهد شد. (1)

4: امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«... من انشد فی الحسین فتباکی فله الجنة...»

هر که درباره حسین (علیه السلام) شعری بخواند و تباکی کند، بهشت برای اوست. (2)

5: در حدیثی سید بن طاووس نقل کرده:

«من تباکی فله الجنة؛ هر کسی تباکی کند، بهشت بر او واجب است.» (3)

6: در حدیث قدسی آمده است:

«یا موسی! ما من عبد من عیبی فی ذلک الزمان بکی او تباکی و تعزّی علی ولد المصطفی الا و کانت له الجنة ثابتاً فیها»

ای موسی! هر یک از بندگانم که در زمان شهادت فرزند مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) گریه کند یا حالت گریه به خود گیرد و بر مصیبت سبط پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تعزیت گوید، همواره در بهشت خواهد بود. (4)

تباکی در کلام علما

1: مرحوم علامه مجلسی می فرماید:

«التباکی حُمْل النفس علی البكاء و السعی فی تحصیله و قیل: المراد به اظهار البكاء و التشبیه بالبائین فی الهيئة و هو ایضاً حسن فان من تشبه بقوم فهو منه و الاول اظهر.»

1- مجمع البحرین، ج 3، ص 184.

2- امالی صدوق، ص 142، مجس 19.

3- بحار الانوار، ج 44، ص 288.

4- مستدرک الوسائل، ج 10، ص 319.

تباکی یعنی اینکه انسان خودش را وادار به گریه کند و در این امر تلاش کند و برخی گفته‌اند به این معناست که انسان خودش را تشبیه گریه کنندگان در بیاورد و اظهار گریه کند که این معنا نیز نیکوست؛ زیرا هر کس که خودش را به گروهی تشبیه کند از آن گروه محسوب می‌شود. البته معنی اول ظاهرتر است. (1)

نکته: می‌توان گفت که این دو معنایی که علامه مجلسی ذکر فرموده است لازم و ملزوم یکدیگر هستند یعنی هر کس که خودش را وادار بر گریه کردن بکند قطعاً در اظهار هم شبیه گریه کنندگان در می‌آید.

2: مرحوم آیت الله شیخ جعفر شوشتی می‌فرماید:

«التشبيه بالبكاکی و هو التباکی الذی ورد فیه بالخصوص ان من تباکی فله الجنة؛ یعنی اینکه انسان خودش را تشبیه گریه کنندگان در آورد، همان تباکی است.» (2)

مشابَهت با گریه کننده که همان تباکی است؛ در این خصوص وارد شده است که: کسی که تباکی کند بهشت از آن اوست. یعنی اگر کسی سنگ دل شده و دلش آتش نمی‌گیرد، باید سر را به زیر افکند و خود را شبیه مصیبت زده و دل شکسته بنماید. من نمی‌دانم چگونه قلب قساوت پیدا می‌کند و بر ذکر مظلوم نمی‌سوزد. ذکری که حتی صبر - اگر صبر بر مصیبتش تحقق یابد - بر آن می‌گیرد. (3)

شیخ در جای دگر از کتابش می‌نویسد:

«این از شگفتی‌ها است که گریه بر حسین (علیه السلام) اگر صورت ظاهر پیدا نکند و تشبیه به آن حاصل شود، ثواب آن نصیب شخص می‌گردد. یعنی اگر گریه تحقق پیدا نکند و تباکی صورت گیرد، یعنی شخص حالت خود را شبیه کسی کند که گریه می‌نماید و سرش را پایین اندازد و صدای گریه در آورد و علائم رقت و تأثر در او ظاهر شود،

1- مرآة العقول، ج 12، ص 56.

2- خصائص الحسينیه، باب 6.

3- زیتون ترجمه خصائص الحسينیه، ص 143.

ثواب گریه برای او مقدر می‌گردد؛ نه به این معنا که برای خدا تباکی کند، نه برای تظاهر به مردم؛ زیرا تباکی عملی است که اخلاص شرط آن می‌باشد. (1)

3: مرحوم طریحی در مجمع البحرین می‌فرماید:

«تباکی الرجل: تکلف البكاء» تباکی یعنی اینکه انسان در گریه کردن خودش را به سختی بیندازد.

4: سایر علما و بزرگان فرموده‌اند که: تباکی یعنی خود را به گریه زدن، حتی اگر کسی نگرید، گرفتن این حالت هم در خود شخص حالت اندوه و حزن ایجاد می‌کند و هم به مجلس عزا چهره و رنگ غم می‌بخشد.

4: سایر علما و بزرگان فرموده‌اند که: تباکی یعنی خود را به گریه زدن، حتی اگر کسی نگرید، گرفتن این حالت هم در خود شخص حالت اندوه و حزن ایجاد می‌کند و هم به مجلس عزا چهره و رنگ غم می‌بخشد. (2)

نتیجه:

تباکی نه تنها ریاکاری نیست، بلکه از مصادیق شعائر الهی است که از نشانه‌های تقوای قلوب است می‌باشد و مانند لباس مشکی به تن کردن است که فایده‌اش این می‌باشد که زنگ عزا و ماتم به جامعه می‌بخشد و انسان با دیدن کسی که خودش را شبیه گریه کنندگان در آورده، یا لباس مشکی پوشیده به یاد مصائب حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) می‌افتد، در واقع کسی که تباکی می‌کند، به مرور زمان هم، خودش واقعاً محزون می‌شود و اشک او جاری می‌شود. چنانچه در روایات فراوانی وارد شده: کسی که یک صفت حسنه اخلاقی را ندارد، بر خودش آن صفت را تحمیل و وادار کند تا کم کم آن صفت در او ایجاد شود.

1- زیتون ترجمه خصائص الحسینیه، ص 218.

2- بزرگترین مصیبت عالم، ص 51.

فصل بیست و سوم : ضجه: ناله و فریاد

اشاره

ناله و فریاد زدن در مصائب اهل بیت (علیهم السلام)، به ویژه امام حسین (علیه السلام)، امری است که مکرر در روایات مختلف ذکر شده است و این کار در سیره معصومین (علیهم السلام)، ملائکه و حتی توسط آسمانها و زمین صورت گرفته است.

ضجه :

از ریشه «ض ج ج» است و در اکثر کتب لغت به معنای «ناله زدن هنگام مصیبت آمده است.» (1)

فیومی و طریحی می گویند: به ناله ای که شخص هنگام ترس از مصیبت، از خود خارج کند و با آن مردم را به خود جلب می کند «ضجیح» گفته می شود. (2) فریاد از شدت غم و دهشت را ضجه می گویند.

ضجه زدن بر مصیبت های بزرگی چون مصیبت شهادت امام حسین (علیه السلام) ارزشمند است و پاداش بزرگی را نصیب شخص می کند.

1: در دعای ندبه آمده است: « پس بر پاکان از اهل بیت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) باید گریه کنند گریه کنندگان و بر خصوص آنها باید ندبه کنند ندبه کنندگان و برای مانند آنها باید جاری شود اشک ها و صرخه بزنند صرخه زندگان و ضجه بزنند ضجه زندگان و صدای خود را بلند کنند فریاد گران.» (3)

2: امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که کار حسین بن علی (علیهما السلام) بدانجا انجامید [که به دست اشقیاء به شهادت رسید] ملائکه به درگاه خدا ضجه زدند [و از شدت غم و خوف و دهشت این مصیبت عظیم، فریاد برآوردند] و گفتند: پروردگارا! آیا با

1- جوهری، الصحیح، ج 1، ص 326؛ ابن منظور، لسان العرب، ج 2، ص 312.

2- فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ص 358؛ طریحی، مجمع البحرین، ج 2، ص 314.

3- «فعلى الا طائب من اهل بیت محمد یعج العاجون» ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص 579.

حسین (علیه السلام)، برگزیده خود و فرزند پیغمبرت این چنین رفتار می‌شود؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: در این هنگام خداوند برای ملائکه سایه حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را برپا داشت و فرمود: توسط این شخص برای حسین (علیه السلام) از ظالمینش انتقام می‌گیرم. (1)

3: در حدیث ام ایمن از کلماتی که جبرئیل خطاب به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد:

... [ای محمد!] هنگامی که آن روز [عاشورا] فرا رسد که در آن نوه تو و خاندانش کشته شوند، و لشکریان اهل کفر و ملعونین بر گرد آنان احاطه پیدا کنند، زمین با تمام نواحی و گوشه‌های آن به حرکت می‌آید و کوه‌ها از جای خود جنبش کرده و به اضطراب شدید می‌افتند و دریاها امواج خود را زیر و رو می‌نمایند و آسمان بر اهلس به هیجان و اضطراب می‌افتد، و این از سر غضب برای تو و ذریه تو خواهد بود. یا محمد! و به جهت سختی و عظمت حرمتی که از تو هتک می‌شود ... در آن هنگام هر آنچه در آسمان‌ها و زمین‌هاست، ضجه (فریاد) خواهد کرد و لعن بر کسانی را که به عترت ظلم کردند و حرمت تو را حلال دانستند.

و آنگاه که آن گروه به آرامگاه‌های خود برسند، خداوند عزوجل به دست خود جان‌های آنان را قبض خواهد کرد [و خود قبض روح آنان را به عهده خواهد گرفت] و فرشتگانی از آسمان به زمین فرود خواهند آمد که به دست آنها ظرف‌هایی از یاقوت و زمرد باشد که لبریز از آب حیات است و لباس‌هایی از لباس‌های بهشتی و عطرهایی از عطر بهشت به همراه آن ملائکه خواهد بود. پس جسدهای شهدا را با آن آب غسل

1- «لما كان من امر الحسين بن علي (عليهما السلام) ما كان، ضجّت الملائكة الى الله تعالى وقالت: يا رب يفعل هذا بالحسين (عليه السلام) صفيك و ابن نبيك (صلی الله علیه و آله و سلم)؟ قال: فاقام الله لهم ظل القائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وقال: بهذا انتقم له من ظالميه». امالی طوسی، ص 418؛ بحار الانوار، ج 44، ص 221.

می دهند و لباس ها را بر ایشان می پوشانند و به آن عطرها آنان را حنوط می کنند و ملائکه صف به صف بر آنان نماز می خوانند... (1)

4: در کتاب علل الشرایع مسنداً از ابی حمزه ثمالی روایت کرده که امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«لما قتل الحسين جدی ضجت الملائكة الى الله عزوجل بالبكاء والنحيب...»

«وقتی که جد من حسین (علیه السلام) کشته شد فرشتگان به درگاه خدا نالیدند و به گریه و زاری فریاد بر آوردند...» (2)

5: گریه جناب ام کلثوم (علیها السلام):

ام کلثوم (علیها السلام) اشعاری قرائت فرمود که صدای شیون بلند شد و صدای ناله بلندی از قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بیرون آمد که شنیدند و ضجه و ناله مردم همه جا را فرا گرفت. (3)

1- (فی حدیث ام ایمن مما خاطب به جبرئیل رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)) ... فاذا كان ذلك اليوم الذي يقتل فيه لسبطك و اهله و احاطت بهم كتائب اهل الكفر و اللعنة، تزعزت الارض من اقطارها، و مادت الجبال و كثر اضطرابها، و اصفقت البحار بامواجها، و ماجت السماء باهلها، غضباً لك يا محمد و لذريتك و استعظماً لها ينتهك من حرمتك ... فعند ذلك يضح كل شيء شيء في السماوات و الارضين بلعن من ظلم عترتك و استحل حرمتك، فاذا برزت تلك العصابة الى مضاجعها تولى الله عزوجل قبض ارواحها بيده، و هبط الى الارض ملائكة من السماء السابعة معهم انية من الياقوت و الزمرد مملوءة من ماء الحياة، و حلل من حلل الجنة و طيب من طيب الجنة، فغسلوا جثتهم بذلك الماء و البسوها الحلل و حنطوها بذلك اطيب و صلى الملائكة عليهم صفاً صفاً ... كامل الزيارات، ص 264؛ بحار الانوار، 45، ص 182.

2- بحار الانوار، ج 37، ص 294؛ علل الشرایع، ج 1، ص 160.

3- اشک حسینی سرمایه شیعه، ص 86؛ به نقل از مقتل ابی مخنف، ص 226؛ معالی السبطين، ج 2، ص 209-210.

فصل بیست و چهارم: شیون شدید (صرخه)

اشاره

صرخه: فریاد غم و دادخواهی با جدیت و شدت تمام

«صرخه» از ریشه «ص رخ» است و در لسان العرب چنین معنا شده است: «الصيحة الشديدة عند الفزع او المصيبة؛ صرخه، شیون شدیدی است که هنگام ناآرامی یا وحشت مصیبت، از فرد سر می‌زند. (1) البته در سایر کتاب های لغت به «نال و شیون بلند که همراه با استغاثه و دادخواهی باشد» معنا شده است. (2)

بعضی از روایات در مورد صرخه از قرار ذیل می‌باشد:

1: ابن عباس روایت می‌کند که ام سلمه از طریق خواب دیدن حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) از شهادت امام حسین (علیه السلام) خبردار شد:

«بینا انا راقد فی منزلی اذ سمعت صراخاً عظيماً عالیاً من بیت ان سلمه ... و قالت: یا بنات عبدالمطلب اسعدنی و ابکین معی»

من در منزل خوابیده بودم که ناگاه از خانه ام سلمه صدای گریه و فریاد دادخواهی بلندی را شنیدم ... که او می‌گفت: ای دختران عبدالمطلب! مرا کمک کنید و با من گریه کنید، چرا که آقای شما کشته شد». به ام سلمه گفتند: از کجا این را دانستی؟

گفت: در این ساعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در خواب دیدم در حالی که ژولیده و خراسان بود. از حضرتش درباره علت این امر پرسیدم. فرمود: فرزندان حسین (علیه السلام) و اهل بیتش کشته شدند و من آنان را دفن کردم.

ام سلمه گفت: در آن وقت به تربت حسین (علیه السلام) نگاه کردم، دیدم که به خون تبدیل شده است، خونی که تازه است در حال جوشش و فوران. (3) و این تربت همان تربتی

1- لسان العرب، ج 3، ص 34.

2- جوهری الصحاح، ج 1، ص 426؛ ازهری، تهذیب اللغه، ج 7، ص 63؛ طریحی، مجمع البحرین، ج 2، ص 437.

3- بحار الانوار، ج 45، ص 231؛ امالی طوسی، ص 314؛ اعلام الوری، ص 220؛ کشف الغمه، ج 2، ص 56.

است که جبرئیل (علیه السلام) آن را از کربلا آورده بود و به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه داشت: هرگاه به خون تبدیل شد، فرزند تو کشته شده است. پیغمبر آن تربت را به ام سلمه داد و فرمود: آن را در شیشه‌ای قرار بده و نزد تو باشد. هرگاه به خون تبدیل شد، بدان حسین (علیه السلام) کشته شده است. (1)

2: ابن قولویه در «کامل الزیارات» از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که در سجده برای زائرین و عزاداران امام حسین (علیه السلام) دعای طولانی می‌فرمود و چنین فرمودند: (معاویه بن وهب می‌گوید)

«اللهم... وَ اِزْحَمْ تِلْكَ الْاَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَ اِزْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَ احْتَرَقَتْ لَنَا وَ اِزْحَمِ الصَّرِخَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا»

خدایا... آن دیدگان را که اشک‌هایش در راه ترحم و عاطفه بر ما جاری شده و دل‌هایی را که به خاطر ما بی تاب گشته و سوخته و آن فریادها و ناله‌هایی را که در راه ما بوده است، مورد رحمت قرار بده. (2)

3: اما صرخه می‌تواند سبب مرگ شود، به عنوان نمونه هنگامی که حضرت زینب (علیها السلام) وارد شهر کوفه می‌شدند، به شمر ملعون رو کرده و فرمودند:

«قل لحامل الرأس اخی الحسین (علیه السلام) ان یخرجه من بین المحامل لان نبته سکینه کمانظرت الیه تصرخ صراخاً تکاد ان تهلکم و تموت من کثرة خریها و شجوها لابیها ثم مر بنا من مکان قلیل النظارة و بعید الشمامه»

به حامل سر برادرم حسین (علیه السلام) بگو: سر را از بین محامل‌ها خارج کند که هرگاه دخترش سکینه (علیها السلام) بدان می‌نگرد، چنان می‌نالد که نزدیک است هلاک شود و

1- کامل الزیارات، ص 117؛ بحارالانوار، ج 45، ص 227.

2- بحارالانوار، ج 98، ص 8؛ کامل الزیارات، ص 117. (کامل الزیارات، باب 40، ص 336)

بمیرد از شدت و زیادی ذلت و خوار شدنش، امر کن ما را از جای خلوت ببرند که مردم کمتر به ما نگاه کنند. (1)

4: امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«ان الحسين لما قتل اتاهم آتٍ و هم في العسكر فصرخ فصرخ فقال لهم و كيف لا اصرخ و رسول الله قائم ينظر الى الارض مرة و الى حربكم مرة ... جعلت فداك من هذا الصارخ قال ما نراه الا جبرييل اما انه لو اذن له فيهم لصاح بهم صيحة يخطف به ارواحهم من ابدانهم الى النار و لكن امهل لهم ليزدادوا اثماً و لهم عذاب اليم.

هنگامی که امام حسین (علیه السلام) کشته شد فردی نزد قاتلین آمد در حالی که قاتلین در لشکر بودند و پراکنده نشده بودند، پس این فرد شیون بلندی کشید و مصیبت زده شد رو به لشکر نمود و گفت: چگونه شیون نکنم در حالی که رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) ایستاده و یکبار نگاه به زمین می کند و یکبار نگاه به گروه شما... از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: فدایتان کردم این شیون کننده چه کسی بود؟

فرمود: اعتقاد ندارم کسی غیر از جبرئیل باشد. آگاه باش که اگر اذن داشت صیحه‌ای بر سر آنها می کشید که از آن صیحه، ارواح آنها و بدن هایشان به سوی آتش ربوده می شد، لکن خداوند آنها را مهلت داد تا بر گناهانشان افزوده شود و برای آنها عذاب دردناکی است. (2)

صرخه و شیون‌های بلند و این نوع عزاداری در روز قیامت

5: حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

1- غوغای کوفه و شام (مقتل مقرر)، ص 89 به نقل از بحرالمصائب و مفتاح البکاء.

2- کامل الزیارات، ص 336؛ بحار الانوار، ج 45، ص 172.

« إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَاءَتْ فَاطِمَةُ ع فِي لُومَةٍ مِنْ نِسَائِهَا فَيَقَالُ لَهَا ادْخُلِي الْجَنَّةَ فَتَقُولُ لَا ادْخُلُ حَتَّى أَعْلَمَ مَا صَنَعَ بَوْلَدِي مِنْ بَعْدِي فَيَقَالُ لَهَا انْظُرِي فِي قَلْبِ الْقِيَامَةِ فَتَنْظُرُ إِلَى الْحُسَيْنِ ع قَائِمًا وَ لَيْسَ عَلَيْهِ رَأْسٌ فَتَصْرُخُ صَرْخَةً وَ أَصْرُخُ لِبَصْرَاحِهَا ... »

هنگامی که روز قیامت شود حضرت فاطمه (علیها السلام) با عده‌ای از زنان همراهش وارد می‌شوند، پس به او گفته می‌شود به بهشت داخل شو؟

می‌فرماید: داخل نمی‌شوم تا بدانم که بعد از من با فرزندانم چه کردند؟

پس به ایشان گفته می‌شود: وسط صحنه قیامت را نگاه کن، نگاه می‌کند به امام حسین (علیه السلام) که ایستاده و سری بر بدن شریفش نیست، پس شیون و فریادی می‌زند که من هم از شیون او شیون می‌کنم و ملائکه از شیون او به شیون فریاد می‌آیند...» (1)

6: در دعای ندبه آمده است: «پس بر پاکان از اهل بیت محمد و علی (علیهما السلام) باید گریه کنند گریه کنندگان ... صرخه بزنند صرخه کنندگان...» (2)

1- بحار الانوار، ج 43، ص 222.

2- المزار الکبیر، ابن المشهدی، ص 579.

فصل بیست و پنجم: شیون بلند (شَهقه)

اشاره

یکی از موارد عزاداری حسینی (علیه السلام) «شَهقه» می باشد.

شَهقه از ریشه «ش ه ق» است و در کتب لغت «شَهقه» چنین معنا شده است:

شیون بسیار بلند. (1)

شَهق، الشَهیق: ردد البكاء فی صدره ... اللیث: الشَهیق ضد الزفیر، و الزفیر اخراج النفس ... و الشَهقه: كالصیحه، يقال: شَهق فلان و شَهق شَهقه فمات ... (2)

شَهق: الشَهیق ضد الزفیر، فالشَهیق رد النفس و الزفیر اخراجه، شَهق یشَهق شَهیقاً و جبل طولاً و یجمع: شواهِق و هو یشَهق شَهوقاً (3) شَهق شَهقه و مات (4)

گریه را در سینه گردانیدن، نعره‌ای که سبب مرگ می شود، ناله و نعره‌ای که از اندوه و خشم و گیج کننده است و سبب می شود اشک و ناله و صوت در سینه حبس و گاهی منجر به جان دادن شود.

منظور از شَهقه، گیر کردن نفس در خود سینه است بدون اینکه بیرون بیاید، به صورتی که منجر به جان باختن شخص شود. (5)

برخی از احادیث مرتبط با شَهقه زدن معصومین (علیهم السلام)

امام صادق (علیه السلام) در مورد حالت و نوع عزاداری حضرت زهرا (علیها السلام) لفظ «شَهقه» را به کار می برند و می فرمایند:

1- لسان العرب، ج 5، ص 197؛ مجمع البحرین، ج 5، ص 197.

2- لسان العرب، ج 10، ص 191.

3- کتاب العین، ج 3، ص 361.

4- المنجد، ج 1، ص 1013.

5- المنجد، ج 1، ص 1013.

«... ان فاطمة اذا نظرت اليهم و معها الف نبى و الف صديق و الف شهيد و من الكرويين الف الف يسعدونها على البكاء و انها لشهق شهقة فلا يبقى فى السماوات ملك الا بكى رحمة لصوتها و ما تسكن حتى ياتيها النبى [ابوها] فيقول: يا بنية قد ابكيت اهل السماوات و شغلتهم عن التسبيح و التقديس فكفى حتى يقدسوا...؛ ... همانا وقتى حضرت فاطمه (عليها السلام) به آنها (ملائكى كه حسين (عليه السلام) را زيارت مى کنند) نگاه مى کند، در حالى كه هزار پيامبر و هزار صديق و هزار شهيد و از كرويان هزار هزار (يك ميليون) نفر با او هستند كه او ار در گريه بر حسين (عليه السلام) كمك مى کنند، او (يعنى بى بى دو عالم) از شدت ناراحتى شهقه و فريادى مى زند كه در آسمان ها ملكى نمى ماند كه به سبب صدای او به گريه نيفتد، و آرام نمى شود تا اينكه پيامبر (صلى الله عليه و آله و سلم) نزد او مى آيد و مى فرماید: دخترم! همانا اهل آسمان ها را به گريه انداختى و از تسبيح و تقديس خدا باز داشته شدند، دست از گريه بردارد تا تقديس الهى کنند...» (1)

همان طور كه از روايت بر مى آيد اينكه به سبب گريه حضرت فاطمه (عليها السلام) تمامى مراتب ملائكه الله و قدسين و مسبحين از فعل خود يعنى تسبيح و تهليل و تقديس الهى دست بر مى دارند. افعال ملائكه الهيه كه مامور بدانند، مختل مى گردد.

نكته مهم تر اينكه چنان كه در روايات صحيحه آمده: اين فعل مربوط به هر روزى است كه ملائكه زوار به سوى آسمان صعود مى کنند.

شهقه حضرت فاطمه (عليها السلام) در روز قيامت

شهقه و فرياد در مصيبت امام حسين (عليه السلام) حتى در روز قيامت هم وجود دارد.

حضرت رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمود:

1- كامل الزيارات، ص 86؛ بحار الانوار، ج 45، ص 224؛ اسرار الشهادات، ج 3، ص 85.

«اذا كان يوم القيامة نصب لفاطمه قبه من نور و اقبل الحسين صلوات الله عليه رأسه في يده فاذا راته شهقت شهقه لا يبقى في الجمع ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا عبد مومن الا بكى...؛ چون روز قیامت شود برای فاطمه (علیها السلام) قبه ای از نور نصب می شود. حسین که - صلوات خدا بر او باد- در حالی که سر خود را به دست گرفته است می آید. پس هنگامی که فاطمه (علیها السلام) او را می بیند چنان شیون و شهقه ای می زند که در اثر ناله او هیچ فرشته مقرب و هیچ نبی مرسل و هیچ بنده مومنی باقی نمی ماند مگر آن که می گرید...» (1)

به درستی چه فردی و چه مرتبه ای از وجود، چنین در غم امام حسین (علیه السلام) شهقه و فریاد می زد؟ وجود نورانی که علت خلقت و حبیبه خدا و ناموس الله است. منزلت حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) که در رتبه اسوه و حجت بر تمامی حجج الهی از انبیاء و اوصیاء تا ائمه معصوم (علیهم السلام) قرار دارد وقتی چنین عزاداری می فرمایند؛ پس حجت بر حجج و مخلوقین در این زمیه واضح خواهد بود.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود:

«نحن حجة الله على خلقه و امننا فاطمه حجة علينا؛ ما حجت های خداوند بر خلقیم و مادران حضرت فاطمه (علیها السلام) حجت بر ماست.» (2)

از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که فرمود: «یا ابابصیر! ان فاطمه لتبکیه و تشهق؛ ای ابابصیر! به درستی که فاطمه (علیها السلام) هر آینه گریه می کند برای حسین (علیه السلام) و در مصیبت او شهقه می زند.» (3)

1- ثواب الاعمال، ص 217؛ ملهوف، ص 139؛ مثیر الاحزان، ص 81؛ بحار الانوار، ج 43، ص 222.

2- تفسیر اطیب البیان، ج 13، ص 225.

3- کامل الزیارات، ص 82.

شهقه امام سجاد (عليه السلام)

غلامی از غلامان امام سجاد (عليه السلام) روایت کرده است که آن حضرت روزی به صحرا رفت. به دنبال آن حضرت راه افتادم و او را در حالی یافتم که بر روی سنگ ریزه‌ای سجده می‌کرد؛ در این حال صدای شهقه و ناله غم و گریه او را می‌شنیدم. سپس سر از سجده برداشت در حالی که محاسن آن حضرت و صورتش از اشک چشمش پوشیده شده بود. به آن حضرت عرض کردم: آقای من! آیا زمان آن نرسیده است که حزن شما پایان پذیرد و گریه شما کم شود؟

فرمود: وای بر تو! یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم داراری دوازده فرزند بود خداوند یکی از آنان را از جلوی چشمش پنهان کرد، در حالی که فرزندش زنده بود، چشمان یعقوب (عليه السلام) از اندوه سفید شد؛ اما من به چشم خود شاهد بودم پدرم، برادرم، عمویم و هفده تن از اهل بیتم و گروهی از یاران پدرم را به قتل رساندند و سرهایشان را از تن جدا کردند. چگونه اندوه من پایان پذیرد. (1)

1- وسائل الشیعه، ج 3، ص 282؛ لهوف، ص 88. عَنْ بَعْضِ مَوَالِيهِ قَالَ: خَرَجَ يَوْمًا إِلَى الصَّحْرَاءِ فَتَبِعْتُهُ فَوَجَدْتُهُ قَدْ سَجَدَ عَلَى حِجَارِهِ خَشْيَةً فَوَقَفْتُ وَأَنَا أَسْمَعُ شَهيقَهُ وَبُكَاءَهُ وَأَحْصَيْتُ لَهُ أَلْفَ مَرَّةٍ وَهُوَ يَقُولُ - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا - ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سَجُودِهِ وَإِنَّ لِحَيْتَهُ وَوَجْهَهُ قَدْ غَمَّرَا بِالْمَاءِ مِنْ دُمُوعِ عَيْنَيْهِ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي مَا أَنْ لِحُزْنِكَ أَنْ يَنْقُضِيَ وَ لِبُكَائِكَ أَنْ يَقِلَّ فَقَالَ لِي وَيْحَكَ إِنَّ يَعْقُوبَ بْنَ إِسْحَاقَ بْنَ إِبْرَاهِيمَ كَانَ نَبِيًّا ابْنَ نَبِيٍّ وَكَانَ لَهُ اثْنَا عَشَرَ ابْنًا فَغَيَّبَ اللَّهُ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَشَابَ رَأْسُهُ مِنَ الْحُزْنِ وَاحْتَدَوْدَبَ ظَهْرُهُ مِنَ الْغَمِّ وَالْهَمِّ وَذَهَبَ بَصَرُهُ مِنَ الْبُكَاءِ وَابْنُهُ حَيٌّ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَأَنَا رَأَيْتُ أَبِي وَأَخِي وَسَبْعَةَ عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي صَرَغِي مَقْتُولِينَ فَكَيْفَ يَنْقُضِي حُزْنِي وَيَذْهَبُ بُكَائِي.

فصل بیست و ششم: جزع و بی تابی (از خود بیخود شدن)

اشاره

«جزع» از ریشه «ج ز ع» است و اهل لغت برای آن دو معنا ذکر کرده‌اند:

«بریدن» (1)، «بی صبری» (2) بعضی معنای اصلی آن را بریدن و قطع کردن دانسته و معنای دوم را به آن برگرداده‌اند؛ به این گونه که شخص جزع کننده از ادامه صبر و طمأنینه دست بر می‌دارد. (3) در هر صورت آنچه مسلم است، جزع کردن در مصیبت به معنای «بی تابی» است و این بی تابی هرگونه که آشکار شود، «جزع» به شمار می‌رود. همچنان که طبق تصریح آیات قرآن، حضرت یعقوب (علیه السلام) نیز در فرق یوسف (علیه السلام) آن قدر گریست که بینایی چشمان خود را از دست داد. (4) و جزع و بیتابی او به حدی بود که فرزندان او می‌ترسیدند که پدر در فراق یوسف (علیه السلام) جان خود را از دست بدهد. (5)

جزع و بی تابی مراتب مختلفی دارد که از فریاد و زاری و دست از غذا خوردن کشیدن، شروع می‌شود تا سر و سینه و کندن مو و محاسن و ... به عنوان نمونه روایت ذیل معنای «جزع» را این گونه تبیین می‌کند.

«جزع» نقیض صبر و به معنای اظهار حزن و درد و مصیبت است.

ابن منظور می‌گوید: و جزع نقیض صبر است. و الجزع نقیض الصبر. (6)

در اقرب الموارد در تفسیر جزع آمده است: «او صبر نکرده و اظهار حزن نموده است». لم یصبر فظاهر الحزن. (7)

1- صاحب، المحيط فی اللغة، ج 1، ص 243؛ ابن منظور، لسان العرب، ج 8، ص 49.

2- العین، ج 1، ص 216؛ تهذیب اللغة، زهری، ج 1، ص 221.

3- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج 1، ص 195؛ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج 2، ص 95.

4- «و ابیضت عیناه من الحزن». یوسف/84.

5- تالله تفتتوا تذکر یوسف حتی تکون حرضاً او تکون من الهالکین. یوسف/85.

6- لسان العرب، ج 1، ص 184.

7- اقرب الموارد، ج 1، ص 120.

در المنجد نیز به همین معنا تفسیر شده است.

اظهار حزن دارای انواع و اقسامی است:

1: بلند کردن صدا به همراه گریه که به آن نوحه سرایی می‌گویند.

2: گریه همراه شیون که به آن عویل می‌گویند.

3: گریه همراه با شمردن محاسن شخص از دنیا رفته که به آن ندبه می‌گویند.

4: گاهی هم با قول است مثل گفتن واویلا و ...

5: گاهی هم همراه با عمل است، به این که دستش را بر پیشانی یا صورت و یا سینه‌اش می‌زند و جزع می‌کند در هر حال، هر کردار و گفتاری که از آثار غلبه حزن و اظهار آن باشد از مصادیق این جزع است و این مطلبی است که در روایات نیز به آن اشاره شده است.

فرمایش امام باقر (علیه السلام) در معنای جزع

جابر از امام محمد باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که عرض کردم:

«... ما الجزع قال اشد الجزع الصراخ بالویل و العویل و لطم الوجه و الصدر و جز الشعر من النواصی و من اقام النواحه فقد ترک الصبر ...؛ جزع چیست؟ فرمود: شدیدترین نوع جزع، فریاد با صدای بلند گریستن و شیون زدن و بر صورت و سینه زدن و کندن مواز بالای پیشانی است و کسی که اقامه کند گلایه‌ها را، پس به تحقیق صبر را ترک کرده است.» (1)

در روایتی که در مورد امام زین العابدین (علیه السلام) که تعبیر «فکادت نفسی ان تخرج» وارد شده است معنای جزع را تا مرتبه جان دادن نیز توسعه داده است و آن موقعی است

1- الکافی، ج 3، ص 223؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 271؛ بحار الانوار ج 79، ص 89؛ مسکن الفؤاد، ص 51.

که اسرار را از قتلگاه عبور می دادند و چیزی نمانده بود تا جان از سینه امام سجاد (علیه السلام) مفارقت کند، و در جواب عمه جانانشان حضرت زینب (علیها السلام) می فرماید:

«کیف لا اجزع و اهلع؛ چگونه جزع نکنم و بی قرار نباشم». (1)

طبق این روایت جزع تا مرتبه جان دادن نیز می باشد. لذا معنای «کادت نفسی ان تخرج» چنین می شود که: «هیچ نمانده بود که من جان بدهم».

کلام مرحوم آیت الله دربندی درباره جزع

الجزع هو نقيض الصبر لغه و عرفاً، و كما يدخل تحته رفعال صوت في النوح و البكاء و اعلان الصيحة و الضجّة و النحيب و تنفس الصعداء فكذا تدخل تحته دق الصدر و ضرب الرأس و شق الجيوب و تمزيق الثياب و حشو التراب و الرماد على الرأس و التلبس اهل المصائب.

جزع [بی تابی] همان نقیض صبر است در عرف و لغت و چنانکه در معنای جزع اموری مانند بالا بردن صدا در نوحه گری و گریه، اظهار فریاد [داد زدن]، ضجه [و فریاد از شدت غم و دهشت]، گریه با صدای بلند و نفس کشیدن های طولانی از شدت هم و غم داخل می شود، همچنین اموری مانند کوبیدن بر سینه و زدن بر سر و چاک دادن گریبان و پاره کردن لباس ها و ریختن خاک و خاکستر بر روی سر و پوشیدن لباس های اهل عزا و مصیبت، در این معنی داخل می شود.

و نشر الشعور و لطم الوجوه و خدش الخدود و الصدور و ضرب الافخاذ و الرأس و الجباه بالاكف ... الى غير ذلك من جملة الامور الآخر، داخل تحت الجرع.

1- کامل الزیارات، ص 260 (فضل کربلا و زیارة الحسین (علیه السلام)، باب 88، ح 1)؛ بحار الانوار، ج 56، ص 2.

و پریشان کردن موها و لطمه زدن بر صورت‌ها و خراش دادن و خدشه زدن بر گونه‌ها و سینه‌ها و زدن با دست بر روی ران‌ها و سر و صورت و ... و نیز آن از امور دیگر داخل است در معنای جزع. (1)

احادیث درباره جزع بر امام حسین (علیه السلام)

آنچه در مورد عزای بر حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) وارد شده است هر نوع بی صبری مجاز شمرده است، بلکه مأجور معرفی شده است:

علی بن حمزه از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که حضرت فرمودند: «ان البكاء و الجزع مکروه للعبد فی کل ما جزع، ما خلا البكاء و الجزع علی الحسین بن علی (علیهما السلام) فانه فیه ما جور»

همانا گریه و چزع برای انسان در هر چه جزع می‌شود مکروه است به جز گریه و جزع بر حسین بن علی (علیهما السلام) که در این مورد ثواب دارد. (2)

«... کل الجزع و البكاء مکروه ما خلا الجزع و البكاء لقتل الحسین (علیه السلام) فانه مأجور؛ هر بی صبری و گریه‌ای مکروه است مگر بی صبری و گریه در مورد قتل امام حسین (علیه السلام)، همانا که آن دارای اجر است.» (3)

همان‌طور که از لفظ جزع و همچنین از اطلاق و عموم آن در احادیث بر می‌آید، مصادیق زیادی را در بر می‌گیرد؛ زیرا در روایت فوق واژه «کل» یعنی هر نوع جزع وارد شده است. و همچنین در این روایت و روایت قبل و مانند آن «الجزع» به صورت مفرد محلی به الف و لام و اسم جنس می‌باشد که شامل تمامی افراد خود است. از این

1- جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، ص 124-125، به نقل از اسرارالشهادات، ج 1، ص 141.

2- کامل الزیارات، ص 201، باب 32.

3- وسائل الشیعه، ج 14، ص 505؛ منظور روایت اباحه به معنی الاستجاب است، بدین معنا که هر نوع جزع و بی تابی در مصیبت امام حسین (علیه السلام) مستحب است.

رو مصداق تمام اعمال و رفتاری می‌شود که در اثر بی‌تابی و بی‌صبری از انسان سر می‌زند.

آری، اگر چه صبر، صفتی پسندیده و نیک است اما صبر در مصیبت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) و خودداری از بی‌تابی نمودن در مصیبت ایشان، صبری مذموم و قبیح می‌باشد. همین مطلب در مورد مصیبت شهادت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگام دفن بدن مبارک پیامبر اکرم (علیه السلام) فرمود:

«ان الصبر لجميل الا عنك، و ان الجزع لقيح الا عليك؛ همانا صبر زیباست اما در مصیبت غیر تو و همانا جزع و بی‌تابی زشت و قبیح است مگر بر تو.» (1)

و در مورد امام حسین (علیه السلام) امر به اظهار این جزع شده‌ایم، «باظهار الجزع علیه» یعنی اگر چه جزع همان بی‌تابی و بی‌صبری است و بی‌تابی و بی‌صبری در ظاهر هر انسان مصیبت زده‌ای دیده می‌شود، اما ائمه اطهار (علیهم السلام) باز برای تاکید در علنی بودن شعائر امام (علیه السلام) لفظ «اظهار» را نیز در کنار «جزع» ذکر نموده‌اند.

امام باقر (علیه السلام) در بیان آداب روز عاشورا می‌فرماید: باید ندبه و گریه کند بر حسین و به اهل منزل و کسانی که در خانه او هستند، دستور بدهد که بر حسین (علیه السلام) گریه کنند و در خانه خود مصیبت آن حضرت را بر پا کند، به این ترتیب که برای آن حضرت اظهار جزع کنند و با گریه یکدیگر را ملاقات کنند. (2)

همچنین روایت شده است:

«و لما نظر علی بن الحسین (علیهما السلام) الی جنه ابیه و بنی ابیه... عظم ذلک فی صدره و اشتد علیه فزاد قلقه و عظم جزعه، فکادت نفسه ان تخرج من بدنه و تفارق روحه»

1- مستدرک الوسائل، ج 2، باب 68، ص 445، ح 2422؛ بحار الانوار، ج 79، ص 134؛ نهج البلاغه، ص 527؛ غرر الحکم، ص 109.

2- کامل الزیارات، ص 101. «ثم لیندب الحسین (علیه السلام) و یامر من فی داره بالبکاء علیه و یقیم فی داره مصیبه باظهار الجزع علیه و یتلاقون بالبکاء».

الدنيا...؛ و هنگامی که علی بن الحسین (علیهما السلام) به جسد شریف پدرش و فرزندان پدرش نظر کرد ... مصیبت بر سینه او بزرگ آمد و برای او سخت و طاقت فرسا گردید و اضطراب او فزونی گرفت و بی تابی او زیاده از حد گردید. پس نزدیک بود که جانش از بدن خارج شود و روحش از دنیا مفارقت کند... (1)

جزع و بی تابی حضرت ابراهیم (علیه السلام) در عزای امام حسین (علیه السلام)

عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ (2) قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا (علیه السلام) يَقُولُ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ (علیه السلام) أَنْ يَدْبَحَ مَكَانَ ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ الْكَبْشَ الَّذِي أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ تَمَنَّى إِبْرَاهِيمُ (علیه السلام) أَنْ يَكُونَ قَدْ ذَبَحَ ابْنَهُ إِسْمَاعِيلَ بِيَدِهِ وَأَنَّهُ لَمْ يُؤْمَرْ بِذَبْحِ الْكَبْشِ مَكَانَهُ لِيَرْجِعَ إِلَى قَلْبِهِ مَا يَرْجِعُ إِلَى قَلْبِ الْوَالِدِ الَّذِي يَدْبَحُ أَعَزَّ وُلْدِهِ عَلَيْهِ بِيَدِهِ فَيَسَّ تَحَقُّقَ بِذَلِكَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ الثَّوَابِ عَلَى الْمَصَائِبِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ مَنْ أَحَبُّ خَلْقِي إِلَيْكَ فَقَالَ يَا رَبِّ مَا خَلَقْتَ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَفْهَوُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ نَفْسُكَ قَالَ بَلْ هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي قَالَ فَوَلِّدْهُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ وُلْدُكَ قَالَ بَلْ وُلْدُهُ قَالَ فَذَبْحُ وُلْدِهِ ظُلْمًا عَلَى أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْ جَعُ لِقَلْبِكَ أَوْ ذَبْحُ وُلْدِكَ بِيَدِكَ فِي طَاعَتِي قَالَ يَا رَبِّ بَلْ ذَبْحُ وُلْدِهِ ظُلْمًا عَلَى أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْ جَعُ لِقَلْبِي قَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ طَائِفَةً تَزْعُمُ أَنَّهَا مِنْ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ سَتَبْتَلُ الْحَسَّ مِنْ ابْنِهِ مِنْ بَعْدِهِ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا كَمَا يُدْبَحُ الْكَبْشُ وَيَسَّ تَوْجُوبُونَ بِذَلِكَ سَخَطِي فَجَزَعَ إِبْرَاهِيمُ (علیه السلام) لِذَلِكَ وَتَوَجَّعَ قَلْبُهُ وَأَقْبَلَ بِيَكِي

1- عبرات المصطفين، ج 2، ص 223.

2- فضل بن شاذان از اصحاب امام رضا و امام جواد (علیهما السلام) است. شیخ نجاشی درباره او فرموده: او از فقها و متکلمینی است که بین شیعیان منزلت و جلالت والایی دارد که به وصف نیاید. او صد و هشتاد تألیف دارد. معجم رجال الحدیث، ج 14، ص 309.

فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ فَدَيْتُ جَزَعَكَ عَلَى ابْنِكَ إِسْمَاعِيلَ لَوْ ذَبَحْتَهُ بِيَدِكَ بِجَزَعِكَ عَلَى الْحَسَنِ وَقَتْلِهِ وَأَوْجَبْتُ لَكَ أَزْفَعَ
دَرَجَاتٍ أَهْلِ الثَّوَابِ عَلَى الْمَصَائِبِ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ (1)؛

امام رضا (علیه السلام) فرمود: هنگامی که خدای عزوجل به حضرت ابراهیم (علیه السلام) دستور داد که به جای حضرت اسماعیل (علیه السلام) قوچی را که برای او فرستاده بود قربانی کند، حضرت ابراهیم (علیه السلام) آرزو کرد که ای کاش اسماعیل (علیه السلام) را ذبح کرده بود نه قوچ را تا قلبش در عزای عزیزترین فرزندانش - که به دست خود ذبح شده - داغدار می شد و به بالاترین درجات پاداش مصیبت زدگان نائل می گشت.

خداود به او وحی کرد: محبوب ترین خلق نزد تو کیست؟

عرض کرد: خدایا! حبيب تو محمد (صلی الله علیه و آله و سلم).

او را بیشتر دوست می داری یا خودت را؟

او را از خودم بیشتر دوست دارم.

فرزند او را بیشتر دوست داری یا فرزند خودت را؟

فرزند او را.

اگر فرزند او به دست دشمنان مظلومانه کشته شود، بیشتر قلب تو را به درد می آورد، یا اینکه با دست خود فرزندت را به جهت اطاعت من ذبح کنی؟

پروردگارا! کشته شدن فرزند او را بر دست دشمنان، بیشتر قلب مرا به درد می آورد.

ای ابراهیم! گروهی که خود را از امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می دانند پس از او فرزندش حسین (علیه السلام) را از روی ستم و دشمنی به قتل می رسانند و مستوجب خشم و غضب من خواهند گشت.

حضرت ابراهیم (علیه السلام) از شنیدن این خبر بی تاب شد، قلبش به درد آمد و شروع به گریه نمود.

خدای عزوجل به او وحی فرمود: بی‌تابی و جزع تو را در عزای امام حسین (علیه السلام) به جای بی‌تابی در کشته شدن فرزندان اسماعیل - اگر او را با دست خود قربانی می‌کردی - پذیرفتم و بالاترین درجات و پاداش مصیبت زدگان را بر تو (ثبت نموده و) لازم دانستم.

سپس امام رضا (علیه السلام) فرمود: مقصود از آیه شریفه «و فدیناه بذبح عظیم» (1) نیز همین قضیه است. (2)

اهل جزع چه کسانی هستند؟

جزع و بی‌تابی در مصائب ائمه اطهار (علیهم السلام) از درجهٔ اهمیتی برخوردار است که عده‌ای از یاران خاص اهل بیت (علیهم السلام) را به نام «اهل الجزع» می‌خوانند و بالاترین نوع بشارت را به ایشان می‌دهند:

مسمع کردین می‌گوید: ... امام باقر (علیه السلام) سؤال فرمود:

آیا یادی از مصائب امام حسین (علیه السلام) می‌نمایی؟

عرض کردم: آری،

حضرت فرمود: آیا جزع و فزع می‌کنی؟

- 1- علامه مجلسی (قدس سره) در توضیح آیه بنابر روایت گذشته بیانی دارد به این شرح که: خداوند تعالی جزع حضرت ابراهیم (علیه السلام) در عزای امام (علیه السلام) را به (جای) جزع حضرت ابراهیم (علیه السلام) در عزای حضرت اسماعیل (علیه السلام) (پذیرفت و) تعویض کرد. ایشان فرموده: عبارت «فدی» در «فدیناه» در معنای حقیقی اش استعمال نشده، بلکه به معنای تعویض آمده است. غدیر و عاشورا در سیره امام رضا (علیه السلام)، ص 50-52. به نقل از: بحار الانوار، ج 44، ص 226-227.
- 2- الخصال، ج 1، ص 59؛ عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج 2، ص 187-188؛ تأویل الآیات، ج 2، ص 497-498؛ بحار الانوار، ج 12، ص 124-125؛ و ج 44، ص 225-226؛ عوالم العلوم، ج 17، ص 106.

عرض کردم: آری، به خدای قسم به خاطر این یادآوری، اشکم جاری می‌شود تا آنجا که خانواده‌ام اثر آن را در صورتم می‌بینند و نیز از خوردن غذا امتناع می‌کنم تا آن که اثر آن در صورتم پدید می‌آید.

سپس حضرت (علیه السلام) فرمود:

«رحم الله دمعتك اما اتك من الذين يعدون من اهل الجزع لنا و الذين يفرحون لفرحنا و يحزنون لحزننا و يخافون لخوفنا و يامنون اذا امننا...؛ خدا رحمت کند اشک‌های تو را، بدان که قطعاً تو از کسانی محسوب می‌شوی که به خاطر ما جزع نموده و به واسطه سرور و فرح ما مسرور گشته و به خاطر حزن ما محزون گردیده و به خاطر خوف ما خائف بوده و هنگام ایمنی ما در امان است. (1)»

سپس بالاترین بشارت‌ها را به «اهل الجزع» می‌دهند و می‌فرمایند:

«آگاه باش! به زودی ما را خواهی دید و هنگام مرگ پدران مرا زیارت می‌کنی و آنان را کنار بستر مرگ می‌نگری که به فرشته مرگ سفارش تو را می‌کنند، سپس ملک الموت از مادر نسبت به فرزندش بر تو مهربان‌تر می‌گردد.»

مسمع می‌گوید: زمانی که سخنان حضرت به این جا رسید شروع به گریه نمودند و من نیز گریستم. بعد فرمود:

«... به راستی هیچ کس به مصیبت‌ها و ظلم‌هایی که بر ما وارد شده نمی‌گرید، مگر آنکه خداوند پیش از آنکه اشک از چشمان او بیرون آید رحمت و درودش را بر او می‌فرستد و هرگاه اشک بر صورتش جاری شد اگر قطره‌ای از آن در دوزخ افتد، حرارت آن را خاموش می‌کند و هنگام مرگ شاد و مسرور است تا وقتی که در کنار حوض کوثر بر ما وارد شود، کوثر هم از دیدار او شاد می‌گردد و پیوسته از آب کوثر و لذت‌های بهشتی بهره می‌برد.» (2)

1- کامل الزیارات، ص 101؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 508؛ بحارالانوار، ج 44، ص 289.

2- همان. ویژگی‌های کوثر و آب کوثر نیز بیاید از کتاب خصائص الحسینیه.

در عزای حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) جزع یعنی آنچه که بی صبری نامیده شود، چه بر سر و صورت زدن باشد یا زنجیر و ... نه تنها اشکالی ندارد بلکه مأجور می باشد و مکرر از جانب ائمه اطهار (علیهم السلام) بدان توصیه شده است.

امام صادق (علیه السلام) در سجده خود بر جزع کنندگان بر امام حسین (علیه السلام) چنین دعا می کرد و می فرمود:

«اللهم ... وارحم تلك الاعين التي جرت دموعها رحمة لنا و ارحم تلك القلوب التي جزعت و احترقت بنا و ارحم الرصخة التي كانت لنا؛ خدایا!.. آن دیدگان را که اشک هایش در راه ترحم و عاطفه بر ما جاری شده و دل هایی را به که خاطر ما نالان گشته و سوخته و آن فریادها و ناله هایی را که در راه ما بوده است، مورد رحمت قرار بده».⁽¹⁾

وقتی دل محب، داغ امام حسین (علیه السلام) در آن جلوه کند، آرام و قرار را از دست می دهد و به بالاترین نوع جزع دست می زند.

اللهم اجعلنی من اهل الجزع علی مصائب الامام الحسين (علیه السلام)

عن ابن قولويه قال: حدثني ابي و اخي رحمهما الله عن احمد بن ادریس و محمد بن يحيى جميعاً عن العمركي بن علي البوفكي قال: حدثنا يحيى و كان في خدمته ابي جعفر الثاني (علیه السلام) عن علي عن صفوان الجمال عن ابي عبدالله (علیه السلام) قال: سئلته في طريق المدينة و نحن نريد مكة فقلت يا بن رسول الله مالي اراك كثيراً حزيناً منكسراً فقال (علیه السلام): لو تسمع ما اسمع لشغلک عن مسئلتی. قلت: فما الذي تسمع؟ قال (علیه السلام):

1- بحار الانوار، ج 98، ص 8؛ کامل الزیارات، ص 117، باب 40، باب دعا رسول الله و علی و فاطمه و ائمه (علیهم السلام) لزوار الحسين (علیه السلام)، ح 2.

ابتهاال الملائکه الی الله عزوجل علی قتله امیرالمؤمنین و قتله الحسین (علیهما السلام) و نوح الجن و بکاء الملائکه الذین حوله و شده جزعهم، فمن یتهنأ معه هذا بطعام او بشراب او نوم؟

راوی می گوید در راه مدینه در حالی که ما قصد مکه را داشتیم از حضرت صادق (علیه السلام) پرسیدم: ای پسر پیامبر چرا شما را غمگین و حزین و شکسته می بینم.

پس حضرت فرمود: اگر تو می شنیدی آنچه را که من می شنوم دیگر این سؤال را از من نمی کردی.

از ایشان پرسیدم چه چیز شما می شنوید؟

حضرت فرمود: تضرع ملائکه در نزد خدا در نفرین و لعن بر قاتلان امیرالمؤمنین و قاتلان امام حسین (علیهما السلام) و نوحه جن و گریه ملائکه ای که بر گرد قبر او هستند از شدت جزع و بی قراری آنها، پس با همه این ها چه کسی از غذا یا نوشیدن یا خواب شاد می گردد؟ (1)

امام باقر (علیه السلام) روز عاشورا به تمامی اهل خانه که از آنها تقیه نمی کرد می فرمود: بر آن حضرت گریه کنند و در خانه اش مجلس عزا بر پا کرده و اظهار جزع می کنند، یعنی بی تابی خود را آشکار کرده نشان دهید. (2)

عن الرضا (علیه السلام): فجزع ابراهیم (علیه السلام) لذلك و توجه قلبه و اقبل بیکى فاوحى الله عزوجل: یا ابراهیم قد فدیت جزعک علی ابنک اسماعیل لو ذبحته بیدک بجزعک علی الحسین (علیه السلام) و قتله... (3)

امام رضا (علیه السلام) می فرماید: ابراهیم (علیه السلام) در هنگام شنیدن مصیبت حضرت حسین (علیه السلام) به جزع افتاد و قلبش دردناک شد و شروع به گریه کرد. آنگاه خداوند متعال وحی

1- کامل الزیارات، باب 28، باب بکاء السماء و الارض علی قتل الحسین (علیه السلام)، ح 18؛ بحار الانوار، ج 45، ص 226.

2- وسائل الشیعه، ج 14، ص 509.

3- الخصال، ج 1، ص 59؛ بحار الانوار، ج 44، ص 225.

فرمود: ای ابراهیم! جزع تو را بر حسین (علیه السلام) و کشته شدن او، فدیۀ جزع تو بر فرزندان اسماعیل اگر او را به دست خود ذبح می - کردی قرار دادم.

عن ابی جعفر الباقر (علیه السلام): ... ثم لیندب الحسین (علیه السلام) یبکیه و یأمر من فی داره بالبکاء و یقیم فی داره مصیبتہ باظهار الجزع علیه و یتلاقون بالبکاء ...

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند:

... سپس باید ندبه کند بر حسین (علیه السلام) بر او گریه کند و به اهل منزل و کسانی که در خانه او هستند، دستور بدهد که بر امام حسین (علیه السلام) گریه کنند و در خانه خود مصیبت آن حضرت را بر پا کند، به این ترتیب که برای آن حضرت اظهار بی تابی و جزع نمایند و با گریه یکدیگر را ملاقات کنند [و گرد هم بیایند] ... (1)

حدیث معاویه بن وهب :

اشاره

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُؤْلُوِيَه (قدس سره)، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبِ الرَّزَّادِ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام): كُلُّ الْجَزَعِ وَ الْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَ الْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ (علیه السلام). (2)

تمام راویان این حدیث امامی و ثقه‌اند. در سند این روایت هفت شخص واقع شده که به توثیق آنها می‌پردازیم:

1- کامل الزیارات، باب 71، ح 556.

2- امالی شیخ طوسی، ص 162؛ بحار الانوار، ج 44، ص 280؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 505.

1: وثاقت شیخ مفید (قدس سره) :

نجاشی در رجال خود، وی را با عنوان «محمد بن محمد بن النعمان» ذکر می‌کند و می‌گوید:

«فضل او فراتر است از اینکه در وثاقت و دانش، فقه، کلام و روایت توصیف شود.» (1)

شیخ طوسی که افتخار شاگردی او را دارد می‌نویسد:

«محمد بن محمد بن نعمان» معروف به ابن المعلم، از متکلمان شیعه است که مرجعیت و ریاست امامیه در عصر خویش به او منتهی شد. وی در فقه و کلام بر هر دانشمندی مقدم بود و حافظه خوب و ذهنی دقیق داشت و در پاسخ به سئوالات، حاضر جواب بود. او بیش از دوست جلد کتاب کوچک و بزرگ دارد.» (2)

2: وثاقت ابن قولویه (قدس سره) :

نجاشی درباره او چنین می‌گوید:

«هر زیبایی و دانش و فقهی که مردم با آن وصف کردند، ابن قولویه برتر و فوق آن است.» (3)

شیخ طوسی در «الفهرست» می‌نویسد:

«ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، شخصی معتمد بوده و دارای نگاشته های فراوان، به تعداد ابواب فقه است.» (4)

علامه حلی نقل می‌کند: «ابوالقاسم از علمای موثق و ارزشمند در حدیث و فقه است.» (5)

1- نجاشی، رجال النجاشی، ص 399.

2- طوسی، الفهرست، ص 238.

3- نجاشی، رجال النجاشی، ص 123.

4- طوسی، الفهرست، ص 91.

5- حلی، خلاصه الاقوال، ص 91.

ابن طاووس در توصیف وی می‌گوید: «راوی صادقی بوده است که تمام بزرگان بر امانتداری او اتفاق دارند».⁽¹⁾

ابن حجر عسقلانی از علمای اهل سنت، او را از بزرگان و علمای مشهور شیعه می‌داند.⁽²⁾

3: وثاقت محمد بن قولویه (قدس سره) :

ابوجعفر محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور بن قولویه قمی، پدر ابن قولویه، محدث والامقام و از مهم‌ترین ناقلان حدیث شیعه در سده‌های سوم و چهارم هجری است. شیخ مفید در شعری که در معرفی استادش سروده، او را فرزند صالح و محل اعتماد دانسته است.⁽³⁾

نجاشی در رجالش، او را از یاران خوب سعد بن عبدالله اشعری قمی برشمرده است.⁽⁴⁾

آیت الله خوسی در «معجم رجال الحدیث» می‌نویسد: «پسرش جعفر، از او روایات بسیاری در کامل الزیارات نقل کرده است و این در حالی بوده که خود را ملزم می‌دانسته است در این کتاب به جز از معتمدان، به نقل روایت نپردازد ... این دلیل خوبی بر ثقه بودن اوست».

⁽⁵⁾

4: وثاقت سعد بن عبدالله

شیخ طوسی می‌نویسد: «سعد نزد بزرگان امامیه محدثی معتبر به شمار می‌آید. او محدثی جلیل القدر، ثقه، راوی اخبار و مؤلف چند کتاب است».⁽⁶⁾

1- ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج 1، ص 34.

2- عسقلانی، لسان المیزان، ج 2، ص 125.

3- علیاری تبریزی، بهجه الآمال فی شرح زبده المقال، ج 6، ص 337.

4- رجال النجاشی، ص 123.

5- خویی، معجم رجال الحدیث، ج 17، ص 167.

6- طوسی، الفهرست، ص 75.

شیخ طوسی نیز از سعد به نیکی یاد کرده است. « سعد از یاران امام عسکری (علیه السلام) و معاصر آن حضرت بوده، ولی به روایتش از امام دسترسی ندارم. » (1) به همین دلیل، نام سعد را در ردیف کسانی آورده است که از معصومان (علیهم السلام) روایت نقل نکرده‌اند. (2)

نجاشی می‌نویسد: «ابوالقاسم سعد بن عبدالله اشعری، فقیه و محدثی والامقام، مورد اطمینان و از بزرگان و استادان خاندان اشعری بوده است ... سعد حدود 36 تألیف دارد. » (3)

بسیاری از علمای رجال از قبیل شیخ کشی (4) و علامه مجلسی (5) و علامه حلی (6) نیز از سعد به نیکی یاد کرده‌اند.

5: وثاقت احمد بن محمد بن عیسی

وی فرزند محمد بن عیسی است که از نظر بزرگان امامیه شخصیتی جلیل‌القدر شمرده می‌شود. قدیمی‌ترین اظهار نظر درباره او از احمد بن علی بن نوح سیرافی، استاد نجاشی است که در جواب نامه نجاشی نوشته است: «می‌خواستی نظر مرا در باره کتاب‌های حسن بن سعید اهوازی بدانی؟ در جواب باید بگویم آنچه معتمد اصحاب شیعه است همان است که احمد بن محمد بن عیسی نقل کرده است.» (7)

نجاشی درباره او می‌نگارد: «احمد بن محمد بن عیسی که رحمت خدا بر او باد، از دانشمندان اهل قم است. او رئیس و فقیه بی نظیر شیعه بوده است که با حاکمان قم

1- طوسی، رجال الطوسی، ص 394.

2- رجال الطوسی، ص 427.

3- رجال النجاشی، ص 439.

4- طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص 528.

5- الوجیزه فی الرجال، ص 59.

6- حلی، خلاصه الاقوال، ص 78.

7- نجاشی، رجال النجاشی، ص 81.

رابطه داشت و به خدمت سه امام، امام رضا، امام جواد و امام هادی (علیهم السلام) رسیده است.» در ادامه سخن نیز به نه کتاب از تألیفات او اشاره می‌کند. (1)

علامه حلی نام او را در قسمت اول کتاب خود (کسانی که به آن‌ها اعتماد دارد) ذکر کرده و همانند نجاشی او را به نیکی توصیف می‌کند. (2)

6: وثاقت حسن بن محبوب

برقی در رجال خود می‌گوید: «حسن پسر محبوب بود و جدش وهب نام داشته و کنیه‌اش ابوعلی و لقب وی سرّاد یا زّراد است.» (3)

علامه مجلسی او را راوی و فقیه بزرگ شیعه دانسته و از یاران امام کاظم و امام رضا و امام جواد (علیهم السلام) برشمرده است. وی می‌گوید: «رجال شناسان و محدثان متقدم و متأخر در وثاقتش متفق‌اند.» (4)

کشی وی را یکی از اصحاب اجماع، یکی از شش فقیه برجسته از یاران امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام) می‌شمارد که به گفته او طایفه امامیه بر صحت احادیث و فقاهتشان اجماع دارند.» (5)

طبق بررسی آیت الله خویی، او علاوه بر چند حدیث که بی واسطه از امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام) روایت کرده از 188 راوی حدیث شنیده است که 60 تن از آنان از یاران امام صادق (علیه السلام) بوده‌اند. همچنین نام او در طریق نزدیک به سه هزار حدیث از کتب اربعه امامیه دیده می‌شود. (6)

1- رجال النجاشی، ص 81.

2- حلی، خلاصه الاقوال، ص 17.

3- برقی، رجال البرقی، ص 38 و ص 48.

4- رجال البرقی، ص 38 و ص 48؛ مجلسی، الوجیزه فی الرجال، ص 59.

5- طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص 556.

6- خویی، معجم رجال الحدیث، ج 5، ص 89 - 95.

بنابر تحقیق آیت الله مامقانی، برخی علمای شیعه همانند شهید ثانی و محقق سبزواری، عقیده داشتند که وی مانند محمد ابن ابی عمیر، حدیث مرسل را جز از راویان ثقه نقل نمی‌کند و این والاترین درجه و میزان اعتماد به راوی است. (1)

7: وثاقت ابی محمد انصاری

نجاشی در رجالش از او با عنوان «عبدالله بن حماد الانصاری» و با تعبیر «شیوخ اصحابنا» یاد کرده است. (2)

به نظر می‌رسد تعبیر نجاشی به «مشایخ اصحاب امامیه» دلالت بر وثاقت او دارد؛ زیرا رجال شناسان قدیم هنگامی از این تعبیر استفاده می‌کنند که راوی به قدری معروف است که از توثیق بی‌نیاز باشد و به عبارت دیگر، توثیق کردن او حد و مرتبه او را پایین می‌آورد. (3)

شیخ طوسی او را از یاران امام رضا (علیه السلام) و با عنوان «عبدالله بن ابراهیم» در رجال و فهرست خود ذکر کرده است. (4)

8: وثاقت معاویه بن وهب

نجاشی می‌گوید: «ابوالحسن، معاویه بن وهب، عربی الاصل، معتمد و بر عقیده مستقیم بوده و از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت نقل کرده است. وی کتابی به نام «فضائل الحج» دارد که ابن ابی عمیر از آن حدیث نقل می‌کند. (5)

حاصل واکاوی سند حدیث معاویه بن وهب این است که راویان این سند، همگی از راویان موثق شیعه‌اند و این حدیث بنابر اصطلاح متاخران، صحیح است.

1- مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج 20، ص 360.

2- رجال النجاشی، ص 568.

3- سلوک ماتم، ص 80.

4- رجال الطوسی، ص 362؛ فهرست، ص 292.

5- رجال الطوسی، ص 412.

معنای عدم کراهت جزع در سوگ امام حسین (علیه السلام) :

شیخ یوسف بحرانی در شرح روایت «معاویه بن وهب» از امام صادق (علیه السلام) که فرمود: «همه انواع جزع و گریه مکروه است، مگر جزع و گریه در شهادت امام حسین (علیه السلام)». می‌فرماید:

پس ظاهر آن است که مراد به کراهت در اینجا مجازاً عدم ترتب ثواب و اجر بر گریه باشد، نه کراهتی که موجب مذمت گردد و جهت آن این است که در هیچ نوع گریه چیزی که موجب ثواب ارزشمند و اجر زیبا شود نیست، همانند گریه بر امام حسین (علیه السلام) و گریه بر پدر و اجداد و فرزندان او (علیهم السلام) که چنین ثواب و اجری دارد. و نهایت حکمی که مترتب بر گریه بر دیگران می‌شود آن است که مباح است. (1)

1- الحدائق الناظرة، ج 4، ص 164. فالظاهر ان المراد بالکراهه هنا عدم ترتب الصواب و الاجر علیه مجازاً، لا الکراهه الموجهة للذم، و ذلك فانه ليس في شيء من افراد البكاء ما يوجب ثواب الجزيل و الاجر الجميل مثل البكاء عليه و البكاء على آبائه و ابنائه و قصارى البكاء على غيرهم ان سبيله سبيل المباحات. واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات، ص 289.

فصل بیست و هفتم: دست بر سر نهادن از شدت اضطراب

فرد مصیبت زده از شدت اضطراب و بیچاره شدن از مصیبت، دست بر روی سر قرار دهد. در مورد حضرت ام کلثوم (علیها السلام) وارد شده است که در روز عاشورا:

«وضعت ام کلثوم یدها علی رأسها و نادت و امحمداه واجداه واعلیاه ...»

ام کلثوم دست خود را بر سر نهاد و فریاد زد: ای محمد! ای جد بزرگوار! ای امیرالمؤمنین! [\(1\)](#)

در مورد حضرت زینب (علیها السلام) نیز روایت شده است که:

واضعاً یدها علی رأسها تندب و تقول و امحمدا هذا حسین بالعراء قد سلب العمامة و الرداء.

دستش را روی سرش قرار داده و ندبه می کرد و می گفت: وای ای جد بزرگوار! این حسین توست که در صحرا افتاده است در حالی که عمامه و ردای او را به غارت برده اند. [\(2\)](#)

این ماهی فتاده به خون حسین توست وین صید دست و پا زده در خون حسین توست. [\(3\)](#)

1- بحار الانوار، ج 45، ص 59.

2- بحار الانوار، ج 44، ص 321.

3- اشعار محتشم.

فصل بیست و هشتم : کئیب و اندوهگین بودن

کئیب به معنای اندوهگین و دلشکسته و در هم بودن، به گونه‌ای که انکسار در چهره شخص مشخص شود و چهره‌اش تیره و مایل به سیاهی شود.

در مورد اهل بیت (علیهم السلام) آمده است که در عزای امام حسین (علیه السلام) کئیب بودند.

1: دعبل خزایی شاعر می‌گوید:

«دخلت علی سیدی و مولای علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) فی مثل هذه الايام فرأیته جالساً جلسه الحزین الكئیب و اصحابه من حوله...»

محضر آقاییم و مولایم علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) وارد شدم در مثل چنین روزی (عاشورا) پس دیدم که نشسته اند در نشستن فردی حزین و غمگین و درهم شکسته و یاران حضرت پیرامون ایشان بودند پس به محض اینکه مرا دید فرمود... (1)

2: همچنین روایت شده است:

«خرج النبی الی سفر فوقف فی بعض الطریق استرجع و دمعت عیناه فسئل عن ذلك فقال هذا جبرئیل یخبرنی عن ارض بشط فرات یقال لها کربلاء یقتل فیها ولدی الحسین ... کانی انظر الیه و الی مصرعه و مدفنه بها ... رجع عن سفره مغموماً مهموماً کئیباً حزیناً...»

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای سفری خارج شدند پس در بین راه توقف نموده و آیه استرجاع [انا لله و انا الیه راجعون] را خواندند و از چشمانشان اشک جاری شد، پس از حضرت در این مورد پرسیدند. فرمودند: جبرئیل است که به من خبر می‌دهد از سرزمینی در شط فرات که به آن کربلا گفته می‌شود فرزندم حسین (علیه السلام) در آن کشته می‌شود... گویا

1- مستدرک الوسائل، ج 10، ص 386، ب 13، ح 12236؛ بحار الانوار، ج 45، ص 257.

نگاه می‌کنم به سوی او و به سوی مقتل و محل دفن او ... پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از سفر خود بازگشتند در حالی که مصیبت زده، بی تاب و درهم شکسته و محزون بودند.» (1)

3: قال الرضا (عليه السلام): ... كان ابي اذا دخل شهر المحرم لا يري ضاحكاً و كانت الكأبة تغلب عليه ...

امام رضا (عليه السلام) می‌فرماید:

پدرم امام کاظم (عليه السلام) چنان بود که هرگاه ماه محرم فرا می‌رسید دیگر کسی او را خندان نمی‌دید و غم و شکسته حالی از حزن بر او چیره می‌شد [و افسردگی و دلگیری می‌گردید]. (2)

4: صديقه طاهره حضرت فاطمه (عليها السلام) می‌فرماید:

ان حزني عليك حزن جديد و فؤادي والله صب عنيد

کل یوم یزید فیہ سجونی و اکتیابی عليك لیس ببید

ان قلنا عليك يالْف صبرا او عزاء فانه لجلید

همانا حزن من بر تو حزن تازه‌ای است و قلبم والله که شیدا و جانسوز شده.

هر روز غصه‌ام گلوگیرتر می‌شود و چهره‌ام شکسته‌تر می‌شود بر تو، که این غم نابود شدنی نیست.

به راستی قلبی که در برابر مصیبت تو با صبر یا آرامش خو بگیرد آن قلب واقعاً قلب سختی است. (3)

5: عن الصادق (عليه السلام): اذا اردت زيارة الحسين (عليه السلام) فزره و انت كئيب حزين مكروب، شعث مغبر، جائع عطشان، فان الحسين (عليه السلام) قتل حزیناً مكروباً شعثاً مغبراً جائعاً عطشاناً ...

1- بحار الانوار، ج 44، ص 249؛ مشیرالاحزان، ص 18.

2- وسائل الشیعه، ج 14، ص 505؛ امالی صدوق، ص 191؛ بحار الانوار، ج 44، ص 283.

3- بحار الانوار، ج 43، ص 176.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرگاه اراده کردی امام حسین (علیه السلام) را زیارت کنی، با خاطر افسردگی و شکسته حال و محزون او را زیارت کن و در حالت شدت غم [و اندوهی که راه نفس را می‌گیرد] باش و ژولیده و غبار آلود و گرسنه و تشنه او را زیارت کن. چرا که حسین (علیه السلام) در حالتی که محزون و غم زده بود و با حال شدت غم [و اندوه نفس گیر] شهید شد ژولیده و غبار آلود و گرسنه و تشنه کشته شد... (1)

6: عن صفوان الجمال عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: سئلته ... مالی اراک کثیباً حزیناً منکسراً....

صفوان جمال از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که از آن حضرت پرسیدم: ... چه شده است که شما را دلگیر و افسرده و محزون و شکسته حال می‌بینم. (2)

1- کامل الریارات، باب 48، ح 376.

2- بحار الانوار، ج 45، ص 226.

فصل بیست و نهم : امتناع از خوردن طعام (بی رغبتی به آب و غذا در هنگام عزا و ایام عزاداری)

فرد مصیبت زده از شدت مصیبت و جزع، از خوردن طعام خودداری کند به گونه‌ای که آثار آن در صورت نمایان شود.

1: « عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ كِرْدِينِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) ... قَالَ لِي: أَمَا تَذَكُرُ مَا صُنِعَ بِهِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: فَتَجَزَعُ؟ قُلْتُ إِي وَاللَّهِ وَاسْتَعْبِرُ لِذَلِكَ حَتَّى يَرَى أَهْلِي أَثَرَ ذَلِكَ عَلَيَّ، فَأَمْتَنِعُ مِنَ الطَّعَامِ حَتَّى يَسْتَبِينَ ذَلِكَ فِي وَجْهِِي . قَالَ رَحِمَ اللَّهُ دَمْعَتَكَ أَمَا إِنَّكَ مِنَ الَّذِينَ يُعَدُّونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا وَالَّذِينَ يَفْرَحُونَ لَفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا ... »

امام صادق (عليه السلام) به من [مسمع کردین] فرمود: .. آیا یادی از مصائب حسین (عليه السلام) می‌نمایی؟

عرض کردم: آری،

فرمودند: آیا جزع و فزع می‌کنی؟

عرض کردم: آری به خدا قسم، به خاطر این یادآوری، اشکم جاری می‌شود تا آنجا که خانواده‌ام اثر آن را در صورت می‌بینند و نیز از خوردن غذا امتناع می‌کنم تا آنکه اثر آن در صورتم پدید می‌آید.

امام فرمود: خدا اشک‌های تو را رحمت کند، آگاه باش که تو از افرادی هستی که از اهل جزع بر مایی و از کسانی هستند که شادند به شادی ما و محزونند به حزن ما. (1)

1- کامل الزیارات، ص 101؛ تسلیه المجالس، ج 1، ص 63؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 508؛ بحار الانوار، ج 44، ص 289؛ نفس المهموم، ص 56، ح 4. عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ كِرْدِينِ الْبَصْرِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا مِسْمَعُ أَنْتَ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ أَمَا تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قُلْتُ لَا أَنَا رَجُلٌ مَسَّهُ هَوْرٌ عِنْدَ أَهْلِ الْبَصْرَةِ وَ عَدَدْنَا مَنْ يَتَّبِعُ هَوَى هَذَا الْخَلِيفَةِ وَ عَدُوْنَا كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْقَبَائِلِ مِنَ النَّصَابِ وَ غَيْرِهِمْ وَ لَسْتُ أَمْتَهُمْ أَنْ يَرْفَعُوا حَالِي عِنْدَ وُلْدِ سَلِيمَانَ فَيَمْتَلُونَ بِي قَالَ لِي أَمَا تَذَكُرُ مَا صُنِعَ بِهِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَتَجَزَعُ قُلْتُ إِي وَاللَّهِ وَ اسْتَعْبِرُ لِذَلِكَ حَتَّى يَرَى أَهْلِي أَثَرَ ذَلِكَ عَلَيَّ وَ فَا مْتَنِعُ مِنَ الطَّعَامِ حَتَّى يَسْتَبِينَ ذَلِكَ فِي وَجْهِِي قَالَ رَحِمَ اللَّهُ دَمْعَتَكَ - أَمَا إِنَّكَ مِنَ الَّذِينَ يُعَدُّونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا وَ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ لَفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَ يَخَافُونَ لِحَوْفِنَا وَ يَأْمَنُونَ إِذَا أَمْنَا أَمَا إِنَّكَ سَتَرِي عِنْدَ مَوْتِكَ حُضُورَ آبَائِي لَكَ - وَ وَصِيَّتَهُمْ مَلَكَ الْمَوْتِ بِكَ وَ مَا يَلْقُونَكَ بِهِ مِنَ الْبِشَارَةِ أَفْضَلُ وَ لَمَلِكُ الْمَوْتِ أَرْقُ عَلَيْكَ وَ اسْتَدُّ رَحْمَةً لَكَ مِنَ الْأُمَّ الشَّفِيقَةِ عَلَيَّ وَ لَدَيْهَا قَالَ ثُمَّ اسْتَعْبِرَ وَ اسْتَعْبَرْتُ مَعَهُ - فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى خَلْقِهِ بِالرَّحْمَةِ وَ حَصَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِالرَّحْمَةِ يَا مِسْمَعُ إِنَّ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ لَتَبْكِي مُنْذُ قَتِلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع رَحْمَةً لَنَا وَ مَا بَكَى لَنَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَكْثَرُ - وَ مَا رَقَاتُ دُمُوعِ الْمَلَائِكَةِ مُنْذُ قَتَلْنَا وَ مَا بَكَى أَحَدٌ رَحْمَةً لَنَا وَ لِمَا لَقِينَا إِلَّا رَحْمَةً لِلَّهِ - قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ عَيْنِي فَإِذَا سَأَلْتَ دُمُوعَهُ عَلَى خَدِّهِ فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ لَأَلْفَاتُ حَرَّهَا حَتَّى لَا يُوجَدَ لَهَا حَرٌّ وَ إِنَّ الْمَوْجِعَ لَنَا قَلْبُهُ لَيَفْرَحُ يَوْمَ يَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ فَرَحَهُ لَا تَزَالُ تَلِكُ الْفَرَحَةَ فِي قَلْبِي حَتَّى يَرِدَ عَلَيْنَا الْحَوْضُ وَ إِنَّ الْكَوْثَرَ لَيَفْرَحُ بِمُجِبَّتِنَا إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ حَتَّى إِنَّهُ لَيَذِيقُهُ مِنْ صُرُوبِ الطَّعَامِ مَا لَا يَسْتَهِي أَنْ يَصُدَّرَ عَنْهُ يَا مِسْمَعُ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرِبَهُ لَمْ يَظْلَمْ بَعْدَهَا أَبَدًا وَ لَمْ يَسْتَقِ بَعْدَهَا أَبَدًا وَ هُوَ فِي بَرْدِ الْكَافُورِ وَ رِيحِ الْمِسْكِ وَ طَعْمِ الرَّنَجَبِيلِ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَ أَلْيَنَ مِنَ الزُّبْدِ وَ أَصْفَى مِنَ الدَّمْعِ وَ أَذْكَى مِنَ الْعَنْبَرِ يَخْرُجُ مِنْ تَسِّ نَيْمٍ وَ يَمُرُّ بِأَنْهَارِ الْجِنَانِ يَجْرِي عَلَى رَضْرَاضِ الدَّرِّ وَ الْيَاقُوتِ فِيهِ مِنَ الْقَدْحَانِ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ يُوجَدُ

رِيحُهُ مِنْ مَسِيرِهِ أَلْفِ عَامٍ قَدْ حَانَهُ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْأَوَانِ الْجَوْهَرِ يَفُوحُ فِي وَجْهِ الشَّارِبِ مِنْهُ كُلٌّ فَاتِحِهِ حَتَّى يَقُولَ الشَّارِبُ مِنْهُ يَا لَيْتَنِي
تُرِكْتُ هَاهُنَا لَا أَبْغِي بِهِدَا بَدَلًا وَلَا عَنْهُ تَحْوِيلًا- أَمَا إِنَّكَ يَا ابْنَ كِرْدِينَ مِمَّنْ تَرَوِي مِنْهُ وَمَا مِنْ عَيْنٍ بَكَتْ لَنَا إِلَّا نُعِمْتُ بِالنَّظَرِ إِلَى الْكَوْثَرِ- وَ
سُقِيَتْ مِنْهُ مَنْ أَحَبَّنَا وَإِنَّ الشَّارِبَ مِنْهُ لَيُعْطَى مِنَ اللَّذَّةِ وَالطَّعْمِ وَالشَّهْوَةِ لَهُ أَكْثَرَ مِمَّا يُعْطَاهُ مَنْ هُوَ دُونَهُ فِي حُبِّنَا وَإِنَّ عَلَى الْكَوْثَرِ أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَفِي يَدِهِ عَصَا مِنْ عَوْسَجٍ يَحْطُمُ بِهَا أَعْدَاءَنَا فَيَقُولُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ إِنِّي أَشْهَدُ الشَّهَادَتَيْنِ فَيَقُولُ انْطَلِقْ إِلَى إِمَامِكَ فَلَانِ-
فَاسْأَلْهُ أَنْ يَشْفَعَ لَكَ فَيَقُولُ تَبَرَّأْتُ مِنِّي إِمَامِي الَّذِي تَذْكُرُهُ فَيَقُولُ ارْجِعْ إِلَى وَرَائِكَ فَقُلْ لِلَّذِي كُنْتَ تَتَوَلَّاهُ وَتَقَدَّمَهُ عَلَى الْخَلْقِ فَاسْأَلْهُ إِذَا كَانَ
خَيْرَ الْخَلْقِ عِنْدَكَ أَنْ يَشْفَعَ لَكَ- فَإِنَّ خَيْرَ الْخَلْقِ مَنْ يَشْفَعُ [حَقِيقٌ أَنْ لَا يَرُدَّ إِذَا شَفَعَ] فَيَقُولُ إِنِّي أَهْلِكُ عَطَشًا فَيَقُولُ لَهُ زَادَكَ اللَّهُ ظَمًا وَ
زَادَكَ اللَّهُ عَطَشًا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَكَيْفَ يَدْرُ عَلَى الدُّنُوِّ مِنَ الْحَوْضِ وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ غَيْرُهُ فَقَالَ وَرِعَ عَنْ أَشْيَاءَ قَبِيحَةٍ وَكَفَّ عَنْ شَيْءٍ شَمِنًا
أَهْلَ الْبَيْتِ إِذَا ذُكِرْنَا وَتَرَكَ أَشْيَاءَ اجْتَرَى عَلَيْهَا غَيْرُهُ وَلَيْسَ ذَلِكَ لِحُبِّنَا وَلَا لِهَوَى مِنْهُ لَنَا وَلكِنَّ ذَلِكَ لِشِدَّةِ اجْتِهَادِهِ فِي عِبَادَتِهِ وَتَدْيِينِهِ وَلِمَا
قَدْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِهِ عَنْ ذِكْرِ النَّاسِ فَأَمَّا قَلْبُهُ فَمُنَافِقٌ وَدِينُهُ النَّصَبُ وَاتِّبَاعُهُ أَهْلَ النَّصَبِ وَوَلَايَةُ الْمَاضِينَ وَتَقَدُّمُهُ [تَقْدِيمُهُ] لَهُمَا عَلَى كُلِّ أَحَدٍ.

2: عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ وَنَحْنُ نُرِيدُ الْمَكَّةَ [مَكَّةَ] فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لِي أَرَاكَ كَثِيبًا حَزِينًا مُنْكَسِرًا فَقَالَ لَوْ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ لَشَغَلَكَ عَنْ مَسْأَلَتِي قُلْتُ فَمَا الَّذِي تَسْمَعُ قَالَ ابْتِهَالُ الْمَلَائِكَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى قَتْلِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَتْلِهِ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) وَنُوحِ الْجَنِّ وَبُكَاءِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ حَوْلَهُ وَشِدَّةِ جَزَعِهِمْ فَمَنْ يَنْهَنَّا مَعَ هَذَا بِطَعَامٍ أَوْ بِشَرَابٍ أَوْ نَوْمٍ؛

صفوان جمال از امام صادق (عليه السلام) نقل می‌کند که در خدمت حضرت از مدینه به سمت مکه می‌رفتیم. در راه از آن حضرت پرسیدم: ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چه شده است که شما را غمگین و افسرده و محزون و شکسته حال می‌بینم؟

حضرت فرمودند: اگر آنچه را که من می‌شنوم، تو نیز می‌شنیدی، تو را از سؤال و جواب کردن با من باز می‌داشت.

عرض کردم: چه چیزی می‌شنوید؟

فرمودند: جد و جهد کردن ملائکه به درگاه خداوند عزوجل در طلب لعنت بر قاتلان امیرالمؤمنین و قاتلان امام حسین (عليهما السلام) و نوحه‌گری جنیان و گریه ملائکه که در اطراف او [گرداگرد قبر حسین (عليه السلام)] هستند و شدت جزع و بی‌تابی ایشان! اکنون با این حال چه کسی می‌تواند از خوردن غذا و نوشیدن و خوابیدن بهره‌بردار [و گوارایش شود]؟ (1)

3: المفيد في مسار الشيعه [ص 60] قال: في العاشر من المحرم قتل الحسين و جئت (عليه السلام) الروايه عن الصادق (عليه السلام) باجتتاب الملاذ فيه و اقامه سنن المصائب و الامساك عن لطعام و الشراب الى ان تزول الشمس، و التغذى بعد ذلك بما يتغذى به اصحاب المصائب كالالبان و ما اشبهها دون اللذيذ من الطعام؛

شيخ مفيد در كتاب مسار الشيعه [ص 60] فرموده: روز دهم ماه محرم، روزی است که امام حسين (عليه السلام) کشته شد و روایت از امام صادق (عليه السلام) وارد شده است که باید در این روز از چیزهای لذت بخش اجتناب شود و سنت‌های عزا و مصیبت بر پا شود و از خوردن و آشامیدن پرهیز شود تا هنگام ظهر و نیمروز و بعد از آن خوراکی‌هایی که اهل مصیبت می‌خورند، مانند لبنیات و امثال آن بخورند و از خوراکی‌های لذیذ استفاده نکنند. (1)

4: في الانوار المحمديه تأليف يوسف بن اسماعيل النبهاني: كان رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) يوم عاشورا يدعا برضعائه و رضعاء ابنته فاطمه (عليها السلام) فيتفل في افواههم و يقول للامهات: لا ترضعنهم الى الليل، فكان ريقه يجرهم؛

در کتاب الانوارالمحمدیه تألیف یوسف بن اسماعیل نبهانی آمده است:

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) در روزهای عاشورا فرزندان شیرخوار خود و فرزندان شیرخوار دخترشان فاطمه (عليها السلام) را طلب می‌کردند؛ آنگاه از آب دهان مبارک خود در دهان آن شیرخواران قرار می‌دادند و به مادران ایشان سفارش می‌فرمودند: «تا شب به این کودکان شیر ندهید» و آب دهان مبارک آن حضرت، آن کودکان را از آب و غذای بی‌نیاز می‌کرد. (2)

1- جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، ص 168 به نقل از وسائل الشیعه، ج 14، ص 505، چاپ آل‌البیت (علیهم السلام).

2- جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، ص 169 به نقل از معالی السبطين، ج 1، ص 421.

5: عن الصادق (عليه السلام): اذا اردت زيارة الحسين (عليه السلام) فزره وانت كئيب حزين مكروب، شعث مغبر، جائع عطشان، فان الحسين (عليه السلام) قتل حزينا مكروبا شعثا مغبرا جائعا عطشانا...

امام صادق (عليه السلام) فرمود: هرگاه اراده کردی امام حسین (عليه السلام) را زیارت کنی، با خاطر افسردگی و شکسته حال و محزون او را زیارت کن و در حالت شدت غم [و اندوهی که راه نفس را می‌گیرد] باش و ژولیده و غبار آلود و گرسنه و تشنه او را زیارت کن. چرا که حسین (عليه السلام) در حالتی که محزون و غم زده بود و با حال شدت غم [و اندوه نفس گیر] شهید شد ژولیده و غبار آلود و گرسنه و تشنه کشته شد... (1)

فصل سی ام : لرزش مدام بدن عزادار حسین (علیه السلام) تا روز قیامت

علامه مجلسی (قدس سره) در بحار الانوار از ابوذر رحمه الله حدیثی را روایت و نقل کرده است که گفت: اگر بدانید چقدر حزن و اندوه و الم وارد می شود بر اهل دریاها در وقت موج آن ها و بر ساکنین کوه ها و تل ها و بیابان ها و اهل آسمان ها و از شهادت آن حضرت هر آینه به ذات خدا قسم آن قدر می گریستند که روح های شما از بدن هایتان مفارقت کند و از گریه هلاک شوید:

« مَا مِنْ سَمَاءٍ يَمُرُّ بِهٖ رُوحُ الْحَسَنِ (علیه السلام) إِلَّا فَزَعَ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَقُومُونَ قِيَامًا تُرْعَدُ مَفَاصِلُهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَا مِنْ سَحَابَةٍ تَمُرُّ وَ تُرْعَدُ وَ تُبْرِقُ إِلَّا لَعْنَتْ قَاتِلَهُ وَ مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ تُعْرَضُ رُوحُهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَيَلْتَقِيَانِ »

آسمانی نیست که روح سیدالشهداء (علیه السلام) به آن عبور کند، مگر آنکه هفتاد هزار ملک به فزع در می آیند و بی تاب می شوند، این ملانکه و فرشتگان می ایستند به طوری که مفاصل آن ها تا روز قیامت می لرزد و هیچ ابری نیست که حرکت کرده و بغرد و برق زند مگر آن که کشنده حضرت را لعنت می کند و هیچ روزی نیست مگر آن که روح مطهر آن حضرت را بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه داشته پس آن دو با هم ملاقات می کنند.» (1)

وقتی در عالم بالا که اشرف است بر این عالم؛ این چنین عزا بر حضرت اباعبدالله (علیه السلام) تا روز قیامت برقرار است، آیا این سؤال برای عقلاً پدید نمی آید که چگونه باید حق این مصیبت عظمی و داهیه کبری را در این دنیا ادا نمود؟

آیا فقط گریه و اشک کافی است؟

1- کامل الزیارت، ص 73؛ بحار الانوار، ج 45، ص 219؛ عوالم، ج 17، ص 455.

فصل سی و یکم : مایل به سیاهی شدن چهره

چهره انسان تغییر کند و مایل به سیاهی شود.

« دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ، فَأَلْفَيْتُهُ كَاسِفَ اللَّوْنِ ظَاهِرَ الْحُزْنِ، وَ دُمُوعَهُ تَتَحَدَّرُ مِنْ عَيْنَيْهِ كَاللُّؤْلُؤِ الْمَتَسَاقِطِ، فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مِمَّ بُكَاءُكَ لَا أَبْكِي اللَّهَ عَيْنَيْكَ؟

فَقَالَ لِي أَوْ فِي غَفْلَةٍ؟ أَنْتَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ أُصِيبَ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ؟

در روز عاشورا خدمت آقاامام صادق (علیه السلام) رسیدم ایشان را در حالی افتم که رنگش پریده بود و حزن و ناراحتی در او نمایان بود و اشک از چشمانش سرازیر بود مانند لؤلؤ پی در پی فرو ریخته می شد.

عرض کردم: یا بن رسول الله! برای چه گریه می کنید؟ خدا هیچگاه چشمان شما را گریان نکند.

پس حضرت به من فرمود: آیا در غفلتی؟ آیا نمی دانی که در مثل چنین روزی حسین بن علی (علیهما السلام) به شهادت رسید. [\(1\)](#)

در روایت فوق سه اثری که در مصیبت امام حسین (علیه السلام) از چهره مبارک امام صادق (علیه السلام) نمودار بوده ذکر شده است:

یکی «ظاهر الحزن» است، یعنی حزن در چهره مبارک حضرت ظاهر و نمایان شده بود. دوم اینکه: «دموعه تنحدر» یعنی اشک های شریفشان سرازیر بود. و سوم اینکه: «کاسف اللون» بودند یعنی چهره حضرت از اندوه زرد و متمایل به سیاه شود. بسیار قابل تأمل است، سنوالی که از امام صادق (علیه السلام) می شود و جواب حضرت، وقتی راوی از

حالت حضرت تعجب می‌کند، امام (علیه السلام) با خطاب و تخدر می‌فرمایند: «اما عملت؛ آیا هنوز نفهمیدی؟» یعنی این باید برای شما جا افتاده باشد که مصیبت امام حسین (علیه السلام) در جایگاهی قرار دارد که من امام معصوم در آن بی‌قراری می‌کنم.

خطاب «اما عملت»، بیانگر این است که این امر یعنی عزاداری بدین نحو، یک امر بدیهی است و باید مانند اولیات و بدیهیات برای شما حل شده باشد و جای پرسش ندارد.

فصل سی و دوم : سفید شدن موها در عزای سیدالشهداء (علیه السلام)

امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین (علیه السلام) با افراد و نفرات، از مدینه آهنگ خروج نمودند، زنان بنی عبدالمطلب پیش آمده برای نوحه سرایی و گریستن اجتماع نمودند و گفتند:

بکو حسیناً سیداً و لقتله شاب الشعر

برای (علیه السلام) که سرور و آقای همه است گریه کنید و به خاطر شهادتش مویها سفید شد. (1)

فصل سی و سوم : بی قرار و بی اختیار بودن در عزای امام حسین (علیه السلام)

در روایت صحیحہ «کامل الزیارات» از ابی نصیر روایت شده است که:

«كنت عند ابی عبدالله (علیه السلام) احدته فدخل علیه ابنه فقال له: مرحباً وضمّہ و قبله و قال: حقّ الله و حقّکم ... ثم بکی و قال: یا بابصیر اذا نظرت الی ولد الحسین اتانی ما لا املکه بما اتی الی ابیهم و الیهم»

نزد امام صادق (علیه السلام) بودم و حدیث می‌گفتم: پس فرزند حضرت داخل شد، پس حضرت به او خوش آمد گفتند و او را در آغوش گرفتند و بوسیدند و فرمودند: خدا حقیر کند هر کس شما را حقیر کند ... سپس گریستند و فرمودند: ای ابابصیر! هرگاه نگاه می‌کنم به فرزندان حسین (علیه السلام) حالتی به من عارض می‌شود که مالک آن نیستم، تاب آن نمی‌آورم به خاطر آن مصائبی که پدر ایشان حضرت امام حسین (علیه السلام) و به ایشان وارد شد. [\(1\)](#)

در این تردیدی نیست که امام و حجت خدا، واجد صبر الهی است. تاب و تحمل و آرامش و قرار او مافوق تصور ماست. امام کسی است که قرار و آرام زمین و زمان به وجود اوست که:

«لو خلت يوماً بغير حجة لماجت باهلها، كما يموج البحر باهله»

«اگر زمین لحظه‌ای از حجت خالی باشد موج می‌زند به اهلش، همانگونه که اهل دریا دچار موج می‌شوند.» [\(2\)](#)

امامی که در این مرتبه از قرار و آرامش است، که آرامش عالم وجود بسته به اوست مگر در مصیبت امام حسین (علیه السلام) چه می‌بیند که می‌فرماید:

1- بحار الانوار، ج 45، ص 203.

2- کمال الدین، باب 21، ح 9.

«اتانی ما لا املکه، بر من وارد می‌شود آنچه که مالکیت آن را ندارم» از حد بی‌قراری در این مصیبت عظمی؟!!

فتأمل! که این تعبیر والای امام و حجت خدا بسی قابل تدبر است.

فصل سی و چهارم : واله : مبهوت شدن از شدت مصیبت

در برخی روایات چنین آمده است که:

«الواله من شده الحزن»؛ واله بدین معناست: «به شدت اندوهگین به گونه ای که نزدیک بود عقل خود را از دست بدهد و از شدت مصیبت مات و سرگشته شد. حیران و بی تاب و بی قرار.»

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زیارت جد غریبشان می فرمایند:

«سلام من قلبه بمصابک مقروح و دمه عند ذکرک مسفوح، سلام المفجوع الحزین الواله...»

سلام بر کسی که قلبش در مصیبت تو مجروح است و اشکش هنگام یاد تو پی در پی جاری است.

سلام بر کسی که در مصیبت او دردمند شده و غمین و مات و مبهوت و بیچاره و مقهور است...»⁽¹⁾

فصل سی و پنجم : رائع : وحشت زده از مصیبت

رائع به معنای ترسیده و وحشت زده از مصیبت است.

امام زین العابدین (علیه السلام) در خطبه‌ای که بعد از اسارت خود در مدینه ایراد نمودند، فرمودند:

«ایها الناس ای قلب لا يتصرع لقتله ام ای فؤاد لا یحن الیه ام ای سمع یسمع هذه الثلمة التي ثلمت فی الاسلام فلا یرتاع لها»

ای مردم! کدام دل است که در شهادت او نشکند و کدام قلبی است که در مصیبت او ترحم نکند و نسوزد؟! یا کدام گوش‌گوشی است که این رخنه بزرگ را که در اسلام روی داده، بشنود و فزع و بی‌تابی نکند؟! (1)

1- الصراط المستقیم، ج 1، ص 164.

فصل سی و ششم: به هیجان در آوردن

در روایت آمده است که ابهارون به خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید:

«دخلت ابی عبدالله فقال لی انشدنی فانشدته فقال لا کما تشدون و کما ترثیه عند قبره قال فانشدته: امر علی جدث الحسین فقل لاعظمه الزکیه... قال زدنی انشدته یا مریم قومی فاندبی مولاک و علی الحسین فاسعدی بیکاک؛ قال فبکی و تهاجج النساء»

ای ابهارون! درباره حسین (علیه السلام) برایم چند بیت شعر بخوان. پس من هم خواندم. (حضرت گریستند) سپس فرمودند: آن طور برایم بخوان که خودتان می خوانید و آن چنان که نزد قبرش مرثیه می خوانید (یعنی با لحن) من هم این ابیات را خواندم:

مرور کن بر خاک‌هایی که در اطراف قبر حسین (علیه السلام) است و به استخوان‌های والایش بگو.

پس حضرت گریه کردند و سپس فرمودند: باز هم بخوان،

من هم شعر دیگری را برایش خواندم. پس حضرت گریه کرد و من صدای گریه خانم‌های حرم را از پشت پرده شنیدم که همدیگر را در مصیبت به هیجان در می آوردند. (1)

چقدر زیباست که محب در عزای مولایش هم خود بی قرار شود و دیگران را به شور و هیجان در آورد. این روایت قابل توجه آنانی باشد که به شور حسینی ایراد می گیرند.

فصل سی و هفتم: تجدید العزاء (سال به سال و نسل به نسل عزاداری را تجدید کنیم)

تجدید عزا یعنی تازه تر شدن مصیبت؛ بدین معنا که گویا الآن مصیبت وارد شده است. تجدید عزا یعنی هر روز که می گذرد نه تنها از حزن مصیبت زده به سبب نسیان و فراموشی و گذر زمان کم نشود، بلکه هر لحظه این غم زیادتر گردد.

1: حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

لما اخبر النبی ابنته فاطمه بقتل ولدها الحسین و ما یجری علیه من المحن بکت فاطمه بکاء شديداً، وق تالت یا ابل متی یكون ذلک؟

قال فی زمان حال منی و منک و من علی، فاشتد بکاءها و قالت: یا ابت فمن یبکی علیه؟ و من یلتزم باقامه العزاء له؟

فقال النبی: یا فاطمه، ان نساء امتی یبکون علی نساء اهل بیتی و رجالهم یبکون علی رجال اهل بیتی، و یجددون العزاء جیلاً بعد جیل، فی کل سنه... .

هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و آله خبر شهادت امام حسین (علیه السلام) و مصائبی که بر آن حضرت وارد می شود برای حضرت فاطمه (علیها السلام) بیان کرد، حضرت فاطمه (علیها السلام) گریه شدیدی نمود، بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال نمود، پدرم این واقعه در چه زمانی است؟

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: در زمانی این حادثه واقع می شود که من و تو و علی (علیهم السلام) نیستیم، گریه حضرت فاطمه (علیها السلام) بیشتر شد و فرمود: پدرم چه کسی بر حسینم گریه خواهد کرد؟ و چه کسی مجالس عزا برای پسرم بر پا می کند؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ای فاطمه! زنان امت من بر زنان اهل بیتم گریه می کنند و مردان امتم بر مردان اهل بیتم گریه می کنند. و این عزاداری را هر سال بر پا می کنند.» (1)

این روایت حائز نکته بسیار مهمی است که تسلی دادن حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) به تجدید عزای هر ساله شیعیان بر امام حسین (علیه السلام) می باشد.

2: در مورد عزای حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) بعد از شهادت پدرش وارد شده است که:

«و لم یکن فی اهل الارض و الاصحاب و الاقرباء و الاحباب اشد حزناً و اعظم بکاءً و انتخاباً من مولاتی فاطمه الزهرا و کان حزنها یتجدد و یزید و بکاؤها یشد.»

«اما در اهل زمین و اصحاب و خویشان و دوستداران پیامبر کسی شدیدترین حزن و بیشترین گریه و بی قراری را مانند سرورم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نداشت. این چنین بود که حزن او جدید و زیاد می شد و گریه اش شدت می گرفت.» (2)

1- بحار الانوار، ج 44، ص 293. ادامه روایت چنین است: فاذا كان القيامة شفيعين انت للنساء و انا اشفع للرجال و كل من بكي منهم على مصاب الحسين اخذنا بيده و ادخلناه الجنة. يا فاطمة كل عين باكية يوم القيامة الا عين بكت على مصاب الحسين فانها ضاحكة مستبشرة بنعيم الجنة. (و پاداش این عزاداری ها این است که) روز قیامت تو برای زنان امت شفاعت می کنی و من هم برای مردان، و هر کس از این امت من بر مصیبت حسین (علیه السلام) گریه کرده باشد، این چشم روز قیامت خندان است و بشارت بر او به نعمت های بهشتی باد. ای فاطمه! هر چشمی روز قیامت گریان است مگر چشمی که بر امام حسین (علیه السلام) گریسته باشد، پس همانا آن چشم در روز قیامت خندان است و به نعمت های بهشتی مزده داده می شود.»

2- بحار الانوار، ج 43، ص 175 (زندگی نامه حضرت زهرا (علیها السلام)).

فصل سی و هشتم: البهره و خنقته : بی تابی بسته شدن راه تنفس از شدت گریه و بریده شدن نفس

بُهره به چه معنایی است؟ «وقعت علیه البهره؛ شگفتی بر او واقع شد». نفسش در اثر مصیبت برید. بریدن نفس در اثر خستگی زیاد و مصیبت بزرگ، به نفس افتادن، مات شدن. (1)

1: «إِنِّي لَمْ أَذْكَرْ مَصْرَعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا خَنَقْتَنِي الْعَبْرَةَ لِذَلِكَ..» (2)

امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: من هیچ گاه کشته شدن فرزندان فاطمه (علیه السلام) را به یاد نمی آورم، مگر آنکه به سبب آن، اشک راه نفس را بر من می بندد. (و گریه گلوگیر من می شود).

2: سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ الْقَائِمَ (عجل الله تعالى فرجه الشريف) عَنْ تَأْوِيلِ كَهَيْعِصَ قَالَ هَذِهِ الْحُرُوفُ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ أَطْلَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ثُمَّ قَصَّهَا عَلَى مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَذَلِكَ أَنْ زَكَرِيَّا (عليه السلام) سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْأَسْمَاءَ الْخَمْسَةَ فَأَهْبَطَ عَلَيْهِ جِبْرِيْلُ فَعَلَّمَهُ إِيَّاهَا فَكَانَ زَكَرِيَّا إِذَا ذَكَرَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ سَرَّى عَنْهُ هُمُّهُ وَانْجَلَى كَرْبُهُ وَإِذَا ذَكَرَ اسْمَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) خَنَقَتْهُ الْعَبْرَةُ وَوَقَعَتْ عَلَيْهِ الْبُهْرَةُ فَقَالَ ذَاتَ يَوْمٍ إِلَهِي مَا بَالِي إِذَا ذَكَرْتُ أَرْبَعًا مِنْهُمْ تَسَلَّيْتُ بِأَسْمَائِهِمْ مِنْ هُمُومِي وَإِذَا ذَكَرْتُ الْحُسَيْنَ تَدَمَعُ عَيْنِي وَتَثُورُ زَفْرَتِي؟ فَأَنْبَأَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَنْ قِصَّتِهِ فَقَالَ كَهَيْعِصَ فَالْكَافُ اسْمُ كَرْبَلَاءَ وَالْهَاءُ هَلَاكُ الْعِثْرَةِ وَالْيَاءُ يَزِيدُ وَهُوَ ظَالِمُ الْحُسَيْنِ وَالْعَيْنُ عَطَشُهُ وَالصَّادُ صَبْرُهُ فَلَمَّا سَمِعَ بِذَلِكَ زَكَرِيَّا (عليه السلام) لَمْ يُفَارِقْ مَسَّ حِجْدَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ مَنَعَ فِيهِنَّ النَّاسَ مِنَ الدُّخُولِ عَلَيْهِ وَ

1- لسان العرب، ج4، ص 81 و 82؛ المنجد، ج1، ص 109.

2- كامل الزيارات، ص 107.

أَقْبَلْ عَلَيَّ الْبُكَاءِ وَالنَّحِيبِ وَكَأَنَّ يُرْثِيهِ إِلَهِي أَتُفَجِّعُ خَيْرَ جَمِيعِ خَلْقِكَ بِوَلَدِهِ؟ إِلَهِي أَتُنزِلُ بَلْوَى هَذِهِ الرَّزِيَّةِ بِنِئَانِهِ؟ إِلَهِي أَتُلْسِسُ عَلَيَّ وَفَاطِمَةَ ثَوْبِ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ؟ إِلَهِي تُحِلُّ كُرْبَةَ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ بِسَاحَتِهِمَا ثُمَّ كَانَ يَقُولُ إِلَهِي اارْزُقْنِي وَلِداً تَقَرُّ بِهِ عَيْنِي عَلَيَّ الْكَبِيرِ فَإِذَا رَزَقْتَنِيهِ فَأَفْتِنِي بِحُبِّهِ ثُمَّ أَفْجَعْنِي بِهِ كَمَا تُفْجَعُ مُحَمَّدًا حَبِيبَكَ بِوَلَدِهِ فَرَزَقَهُ اللَّهُ يَحْيَى وَفَجَعَهُ بِهِ وَكَانَ حَمْلُ يَحْيَى سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَحَمْلُ الْحُسَيْنِ كَذَلِكَ...؛

سعدین عبدالله گوید: از حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) درباره تأویل «کهیصص» پرسیدم.

حضرت فرمودند: این حروف از اخبار غیبی است که خداوند بنده خود حضرت زکریا (علیه السلام) را بر آن مطلع کرد و سپس این قضیه را [در قرآن] بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بازگو کرد و قضیه از این قرار است که:

حضرت زکریا (علیه السلام) از پروردگار خود درخواست کرد که نام «پنج تن» را به او تعلیم فرماید. خداوند هم جبرئیل (علیه السلام) را بر او نازل کرد و او نام‌ها را به زکریا (علیه السلام) تعلیم نمود. از آن پس حضرت زکریا (علیه السلام) چنان بود که هرگاه نام محمد و علی و فاطمه و حسن (علیهم السلام) را ذکر می‌کرد، حزن و اندوه او برطرف می‌شد و غم از دل او زدوده می‌شد و هرگاه اسم حسین (علیه السلام) را ذکر می‌کرد اشک راه نفس را بر او می‌بست [و از شدت گریه] نفس‌هایش بریده بریده می‌شد.

روزی حضرت زکریا (علیه السلام) از خداوند سؤال کرد: خدایا! مرا چه می‌شود که هرگاه چهار نفر از پنج تن را یاد می‌کنم، در اثر ایشان از غم‌های خود فارغ شده و تسلی پیدا کنم و هرگاه حسین (علیه السلام) را ذکر می‌کنم، چشمم اشکبار می‌شود [و از شدت حزن] نفس‌های سوزناک سینه‌ام زیاد می‌شود؟

خداوند تبارک و تعالی بها و قصه حسین (علیه السلام) را خبر داد و فرمود:

«کهیصص»: کاف اسم کربلاست و هاء هلاکت عترت طاهره است و یاء یزید است که ظالم حسین (علیه السلام) است و عین عطش حسین (علیه السلام) است و صاد صبر اوست.

هنگامی که زکریا (علیه السلام) این را شنید، سه روز از مسجد خود بیرون نیامد و در این مدت مردم را از این که بر او داخل شوند، منع کرد و به عزاداری و گریه‌های بلند برای امام حسین (علیه السلام) رو آورد و چنین بر او مرثیه می خواند:

خدایا! آیا بهترین خلق خودت را به فرزندش مصیبت زده می کنی [و این فاجعه را بر او وارد می کنی]؟

خدایا! بلای این مصیبت را به درگاه او نازل می کنی؟ خداوندا! آیا لباس های این مصیبت را بر علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) می پوشانی؟ خدایا! غم جانکاه و نفس گیر این مصیبت را بر ساحت علی و فاطمه (علیهما السلام) وارد می کنی؟

پس از آن حضرت زکریا (علیه السلام) می گفت: خدایا! فرزندی به من روزی کن که در سن پیری نور چشم و مایه فرح و سرور من باشد. آن گاه که این فرزند را به من عطا فرمودی، مرا به محبت او مفتون نما و سپس مرا به او مصیبت زده کن، آن چنان که حبیبیت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را در مورد فرزندش مصیبت زده می نمایی. خداوند هم به او حضرت یحیی (علیه السلام) را عطا فرمود و او را به حضرت یحیی (علیه السلام) مصیبت زده کرد و مدت حمل و زمان ماندن حضرت یحیی (علیه السلام) در شکم مادرش ماه بود، چنان که مدت حمل امام حسین (علیه السلام) همین مقدار بود.». (1)

وقتی معصوم (علیه السلام) چنین عزاداری کند تکلیف دیگران مشخص است.

فصل سی و نهم: هلع: بالاتر از جزع

یکی دیگر از انواع عزاداری امام معصوم (علیه السلام) در مصیبت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) «هلع» می باشد.

«الهلع» الحرص و قیل الجزع و قلۀ الصبر و قیل هو اسواء الجزع و افحشه؛

«الهلع» حرص است و گفته شده جزع و قلت صبر می باشد و برخی گفته اند هلع بدتر از جزع و فاحش تر از آن است. (1)

جزع و فزع و بی تابی و بی قراری به گونه ای که از آن سیر نشود و به چیز دیگر توجهی نکند نا آرامی که از شدت مصیبت باشد.

امام زین العابدین می فرماید:

«... لما اصابنا بالطف ما اصابنا و قتل ابی و قتل معه من ولده و اخوته و سائر اهله و حملت حرمه و نساؤه علی الاقتاب یراد بنا الكوفه فجعلت انظر الیهم صرعی و لم یواروا فعظم ذلك فی صدری و اشدت لما اری منهم فلقی فکادت نفی تخرج و تبینت ذلك منی عمتی زینب الكبرى بنت علی قالت ما لی اراک تجود بنفسک یا بقیة جدی و ابی و اخوتی فقلت و کیف لا اجزع و اهلع و قد اری سیدی و اخوتی و عمومتی و ولد عمی و اهلی مصرعین بمائهم مرملمین بالعزاء مسلین لا یکفنون و لا یوارون و لا یعرج علیهم احد و لا یقربهم بشركائهم اهل بیت من الدیلم و الخزر...»

هنگامی که در کربلا آن مصیبت بر ما وارد شد و پدرم و تمام فرزندان و برادران و جمیع اهلس که با او بودند کشته شدند و حرم و زنان آن حضرت را بر روی شتران بی جهاز نشانده و ما را به کوفه می بردند، پس به قتلگاه ایشان چشم دوختم و بدن های (طاهره را برهنه و عریان) دیدم که روی خاک افتاده و دفن نشده اند، این حال

بر من گران آمد و در سینه‌ام اثرش را یافته و هنگامی که از ایشان چنین منظره‌ای را دیدم، اضطراب و بی آرامی در من شدت یافت به حدی که چیزی نمانده بود که روح از کالبدم خارج شود، این هیئت و حالت را وقتی عمه‌ام زینب کبری دختر علی بن ابیطالب (علیهما السلام) از من مشاهده نمود، عرض کرد: این چه حالتی است که از تو می‌بینم، ای یادگار جد و پدر و برادرم! چرا با جان خود بازی می‌کنی؟

گفتم: چگونه جزع و بیتابی نکنم در حالی که می‌بینم سرور و برادران و عموها و پسر عموها و اهل خود را در خون خود طپیده، عریان و برهنه بوده، جامه‌هایشان را از بدن بیرون آورده‌اند، بدون اینکه کفن شده یا دفن گردیده باشند، احدی بالای سرشان نبوده و بشری نزدیکشان نمی‌شود، گویا ایشان از خاندان دیلم و خزرج می‌باشند. ⁽¹⁾

همان طور که از روایت به دست می‌آید «هلع» تا آنجا بوده است که امام می‌فرماید:

«فکادت نفسی تخرج» «چیزی نمانده بود که جان از سینه من خارج شود.»

فعل کاد وقتی سر یک فعلی آید آن فعل را بسیار قریب الوقوع می‌کند. امام (علیه السلام) می‌فرماید: هیچ نمانده بود که جان از سینه من خارج شود.

حال سؤال اینجاست: وقتی امام معصوم (علیه السلام) که دارای صبر و طمأنینه الهیه است کسی است که بقای جهان وابسته به اوست که در روایات متعدد وارد شده است: «لو بقیت الارض بغير امام لساخت» اگر زمین بدون امام باقی بماند، هر آینه اهلش را فرو می‌برد. ⁽²⁾ چنین مقامی به چنین جزعی دست می‌زند. تکلیف غیر از امام مشخص است. وقتی او که حفظ جانش از حفظ جان عالمیان از حفظ جان پیغمبران و اولیاء و جبرئیل و ... اولی است در مصیبت امام حسین (علیه السلام) به چنین جزعی دست می‌زند، تکلیف ما که به ایشان عرضه می‌داریم:

بابی اتم و امی و نفسی و اهلی و مالی؛ پدر و مادرم و جانم و اهل و مالم فدای شماست، چیست؟!

1- کامل الزیارات، ص 261.

2- الکافی، ج 1، ص 179؛ بحار الانوار، ج 23، ص 37؛ احادیث در این موضوع بسیار زیاد و مشهور می‌باشد.

فصل چهارم : تمثیل و تعزیه

اشاره

بی شک یادآوری مصیبت اباعبدالله (علیه السلام) زنده کردن یاد او و امر اوست. لذا از دیر باز تاکنون روش‌های مختلفی برای زنده کردن مصائب کربلا و نمایش دادن مصیبت آل الله (علیهم السلام) انجام می‌گرفته است، نظیر تعزیه که خود شامل مناقب خوانی، رجزخوانی، نوحه خوانی، بحر طویل خوانی، مقتل خوانی، شهادت خوانی، هجران خوانی (زبان حال اسرا)، اشقیاء خوانی و شمر خوانی (از زبان سران سپاه عمر سعد علیه لعائن الله) است. همچنین مواكب عزا و مراسم تشبیه و تمثیل از برخی از وقایع کربلا، نظیر سوزاندن نمادین خیام و زنجیر زدن بر دست و پاهای حضرت زین العابدین (علیه السلام) و اهل حرم سیدالشهداء؛ این تشبیه و تمثیل در سیره اهل بیت (علیهم السلام) نیز بوده است، به عنوان نمونه:

کمیت شاعر بر امام صادق (علیه السلام) وارد شد و برای آن حضرت اشعار و مرثیه می‌خواند و آن جناب گریه شدیدی می‌نمود، همچنین زن‌ها و اهل حرم در پشت پرده گریه می‌نمودند و ناله آن‌ها بلند بود. ناگاه کنیزی از پشت پرده بیرون آمد و کودکی در دامن امام صادق (علیه السلام) گذاشت، گریه حضرت بی‌نهایت شدید شد و صدای آن حضرت و زنان از پشت پرده به گریه بلند شد. ⁽¹⁾

بی تردید آوردن کودک، تمثیلی و حکایتی از داغ جانسوز حضرت علی اصغر (علیه السلام) و یا اطفال دیگر حرم سیدالشهداء (علیه السلام) بوده است و بی شک این نمادها و تمثیل‌هاست که بر سوز و گریه و شدت حزن و عزاداری می‌افزاید. همان‌گونه که بعد از گذاردن کودک در آغوش امام صادق (علیه السلام) بر گریه حضرت افزوده می‌شود.

از همین روست جریان معروف حضرت زین العابدین (علیه السلام) که با مشاهده آب، ذبح گوسفند، جوان، طفل شیرخوار و ... بر بی - تابی و گریه هایشان افزوده می شد؛ زیرا در نگاه محب عزادار، هر کدام حکایتی از داغ های بی نهایت عظیم کربلاست. این تشابه تا جایی از اهمیت قرار دارد که حتی شبیه گریه کننده امام حسین (علیه السلام) شدن در بسیاری از روایات امر شده و آن را مأجور و مُثاب معرفی فرموده اند، چه رسد به شبیه خونین کفنان و یاران امام حسین (علیه السلام) شدن.

از جمله این تحاکی و تماثل، مشق شب عاشورا است که به یاد رزمایش نمادین و تمثیلی حبیب بن مظاهر (علیه السلام) در شب عاشورا برای تسلاهی خاطر حضرت زینب (علیها السلام) و در صبح عاشورا، شیعیان به یاد ضربات و زخم هایی که بر بدن و فرق سر مقدس اباعبدالله الحسین (علیه السلام) وارد شد، انجام می دهند. شیعیان چه زیبا بیان می دارند که اگر دست روزگار آنان را به این زمان انداخت و نبودند تا سر و جان را فدای یک تار موی امام حسین (علیه السلام) کنند، نه تنها در این غم بگریند، بلکه به یاد مصائب بی شمار مولایشان به یاد شلاق ها و زنجیرهای سنگینی که بر سر و صورت بانوان اطفال و اهل حرم امام حسین (علیه السلام) زدند، زنجیر بر تن خویش می - زنند و اگر نبودند تا ضربه های تیر و سنان و نیزه و شمشیر را بر جان بخرند، خود را به خون خویش مزین می کنند تا علاوه بر اینکه تشبیه و تمثیل از واقعه عاشورا بوده، نماد آمادگی و ایستادن تا مرز خون و جان دادن در راه انتقام سیدالشهدا (علیه السلام) باشد.

این گونه است که حبیب وار به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تسلیت عرض می کنند.

ذکر روایت ذیل خالی از لطف نیست:

فرعون دلک و مسخره گری داشت که با افعال و حرکات او تفریح می کرد و برای تمسخر و استهزاء خود را در گفتار و حرکات و لباس به شکل حضرت موسی (علیه السلام) در می آورد، تا اینکه فرعون با قوم خود غرق شدند، ولی او به سلامت نجات یافت.

حضرت موسی (علیه السلام) به خداوند عرض کرد: خدایا! او به من اذیت و اهانت نمود، چرا او هلاک نشد؟

خطاب شد: «یا موسی! انه تشبه بک فی الثیاب و الکلام فانجیته لها تشبه باحبایی»

ای موسی! او در لباس و سخن گفتن به تو شباهت پیدا کرد و به جهت این که به دوستان من شبیه شد، او را نجات دادم». (1)

حال کسانی که بر اساس اعتقاد صحیح و صدق نیت و به خاطر محبت به امام و یادآوری و زنده کردن مصیبت او، خود را مانند حبیب خدا، امام حسین (علیه السلام) می سازند، در پیشگاه خداوند متعال به چه مقام و منزلتی نائل می شوند. آنان که برای کم رنگ شدن ظلمی که بر امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت ایشان شد، و به جهت آمادگی برای انتقام خون سیدالشهداء (علیه السلام) که هدف قیام منتقم الله است، خود را شبیه به امام و مولای خویش امام حسین (علیه السلام) می کنند، چه اجر عظیمی در پیشگاه خدای حسین (علیه السلام) دارند؟ فطوبی لهم.

نظریه صاحب قوانین درباره شبیه خوانی

مرحوم صاحب قوانین، حضرت آیت الله العظمی میرزا ابوالقاسم قمی متوفی 1231ق درباره جواز شبیه خوانی در محرم به جواز و رجحان و استحباب مؤکد با عملیاتی که در آن واقع می شود با ذکر ادله مشروحاً در اوائل متفرقه کتاب «جامع الشتات» چاپ شده است.

(2)

1- الانوار النعمانیة، ج 3، ص 177؛ همچنین در خزائن نراقی، ص 430 به همین مضمون نقل شده است.

2- عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، ص 74.

سؤال: در ولایت ترکستان در ماه محرم تشبیه در می آوریم که مردم عوام گریه کنند. و بعضی نوحه را از پیش خودمان اختراع می کنیم که مردم گریه کنند. آیا این ضرر دارد یا نه؟

جواب: تشبیه در آوردن به جهت گریه کردن - یعنی کسی را به صورت شهدا یا کفار و اشقیاء در آوردن - ظاهری ضرری ندارد و دروغ و افترا در مرثیه و نوحه و غیر آن جایز نیست. (1)

این سؤال و جواب مدرک و سند قاطع است بر علیه کسانی که با ژست محققانه می گویند شبیه خوانی از ناصر الدین شاه بنا نهاده است که در سفر فرنگ تحت تأثیر نمایش به دار آوریختن عیسی (علیه السلام) قرار گرفت و شبیه خوانی را بنا نهاد. میرزا (قدس سره) متوفای 1231 قمری می باشد و جلوس ناصرالدین شاه در سال 1261 قمری است.

مرحوم صاحب قوانین درباره مسئله شبیه خوانی در مسئله 104 به طور کاملاً مشروح و مستدل بحث کرده است که ما در اینجا تمام گفتار معظم له را می آوریم:

سؤال: آیا جایز است در ایام عاشوراء، تشبیه به صورت امام یا اعدای اهل بیت، به جهت گریانیدن مردم؟ و آیا جایز است که مردان در لباس زنان اهل بیت (علیهم السلام) یا غیر ایشان متشبه شوند به همان [نساء] (2) یا نه؟

جواب:

بدان که تحقیق این مطلب موقوف است به تمهید مقدمه، و آن این است که: علما ذکر کرده اند حرمت تزیین مرد به آن چه از مختصات زنان است؛ خواه [از] محرّمات ذاتیه باشد مثل طلا و حریر در غیر مواضع مستثنی، یا غیر آن مثل خلخال و [دسترنج] (3) و امثال آن. و طلا و حریر اجماعی است و اخبار اهل بیت (علیهم السلام) بر آن

1- جامع الشتات، ج 10، ص 51، س 34.

2- در نسخه: نضا.

3- در نسخه: دست رنج. - توضیح: دسترنج به معنی النگو، معرب «دسترنگ» است مانند لولهنگ.

مستفیض است. و اما مثل خلخال و غیر آن از لباس های مختصّی که به حسب هر زمان و مکان، مختلف می شود؛ پس ظاهر این است که در آن نیز خلافی نباشد. و کتب اصحاب که الآن نزد حقیق موجود است (از کتب فاضلین و شهیدین و غیرهم) در هیچ کدام نقل خلاف نشده. و علاوه بر این، دلالت دارد بر این، اخبار بسیار که دلالت می کنند بر منع از «لباس شهرت». و در برخی از اخبار صحیحیه از جمله آن ها فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ يُغِضُ شُهْرَةَ اللَّبَّاسِ» (1) و اخبار به این مضمون بسیار است. و عموم آن چه وارد شده است که «الشُّهُرَةُ خَيْرُهَا وَ شَرُّهَا فِي النَّارِ» (2) هم مؤید است.

و همچنین؛ دلالت دارد بر این، اخباری که دلالت دارد بر حرمت [تشبّه] (3) رجال به نساء، و به عکس. چنان که از علل و غیره نقل شده (4) و ظاهر این است که در این معانی قائل به فرقی مابین زنان و مردان نباشد.

هرگاه این را دانستی؛ پس می گوئیم در تشبیه به معصوم و نیکان، راه منعی در نظر نیست. و عمومات رجحان بکاء و ابکاء و تباکی بر سیّد الشهداء (علیه السلام) و تابعان ایشان، دلالت بر آن دارد. و شکی نیست که اعانت بر «برّ» است. و گاه است که توهم شود که این موجب هتک حرمت بزرگان دین است. این توهم فاسد است. زیرا مراد تشبیه نفس به نفس و شخص به شخص نیست. بل که تشبیه صورت وزی و لباس است محض از برای تذکره احوال ایشان را.

[اگر] (5) مراد آن چیزی است که در آلسنه است که هتک حرمت ایشان است از جهت این که [خواری] (6) ها

1- وسائل، ج 5، ص 24، ط آل البیت.

2- وسائل، ج 5، ص 24، ح 5791.

3- در نسخه: تشبیه.

4- این حدیث در علل یافت نشد. در «عوالی الثالی»، ج 1، ص 165.

5- در نسخه: که.

6- در نسخه: خاری.

که نسبت به ایشان رسیده نباید به نظرها [ی] مردم در آورده [شود] که مردم مطلع بر آن خواری‌ها بشوند. پس آن نیز باطل است. زیرا که در احادیثی از ائمه اطهار (علیهم السلام) وارد شده ذکر از خواری‌ها و ما را مامور کرده‌اند به خواندن آن‌ها در مجامع..... (1) است. و ما الحال تصویر آن خواری‌ها [را] در شخص غیر ایشان جلوه می‌دهیم.

با وجود آن که می‌گوییم: در اخبار و السنة اخبار، تشبیه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به شیر که حیوانی است، و جناب سید الشهداء (علیه السلام) به گوسفندی که سر آن را ببرند، و نیکان و متقیان به غرّ المحجلین که امیرالمؤمنین (علیه السلام) قائد آن‌ها است، بسیار است. پس چرا تشبیه ایشان به صورت شیعه [ای] از شیعیان و محبّی از محبّان ایشان، جایز نباشد؟ و این هتک حرمت باشد؟ و همچنین تصویر عورات (2) سواره بر شتران برهنه به اشخاص مشابه آن‌ها، چه ضرر دارد؟ با وجود اخبار بسیار که چنین واقع شده، و در مجالس می‌خوانند آن‌ها را.

و اما تشبیه به اعدای اهل بیت (علیهم السلام): پس دلیل بر آن، [آن سخن] مشهور است که «من تشبه بقوم فهو منهم». و مظنون این است که مضمون روایت باشد. (3)

و لکن الحال در نظرم نیست. و بر این وارد است که اولاً: این که این را «تشبه» نگویند. چون ظاهر از تشبه این است که خواهد خود را از ایشان داند و به طوع و رغبت در آن لباس رود، خواهد که خود را از جمله آنها شمرد. سلّمنا که عموم، شامل آن باشد، پس می‌گوییم: بعد منع سند و دلالت، و تسلیم عموم این که نسبت میان آن، و عمومات ابکاء، عموم من وجه است. و شکی نیست که عموم رجحان بکاء سنداً و دلالتاً و اعتضاداً، راجح است بر حرمت این گونه [تشبه]. (4) و همچنین هرگاه استدلال

1- سه لفظ در این جا خوانده نشد. احتمالاً «و برایش وعده حسنی» باشد.

2- مراد اولاد و زنان است. نه به معنی لغوی.

3- در عوالی اللثالی، ج 1، ص 165 ط انتشارات سید الشهداء (علیه السلام) قم، به صورت روایت مرسل آمده است.

4- در نسخه: تشبیه. - و همین طور است دیگر مکررات این لفظ تا پایان این مسئله.

شود بر حرمت اذلال مؤمن نفس خود را، [که] (1) همچنین جواب می‌گوییم منعاً و تسلیماً و تضعیفاً. بل که گاه است که این از اعظم مجاهدات است، و این را محض از برای رضای خدا کردن جهاد عظیم است. و حق تعالی اکرم از آن است که کسی خود را در راه او ذلیل کند، محروم کند از فیض. و دیگر این که اشخاص مختلف می‌باشند و نسبت به بعضی اشخاص، اذلال نیست، به جهت مهانت نفس او، و غالب این است که از این اشخاص تشبّه می‌شوند به صورت اعادی.

و اما مسئله تشبّه بر زنان: پس جواب از آن نیز از آن چه گفتیم ظاهر می‌شود که ممنوع است که مراد از «تشبّه» این باشد، به جهت آن که این شخص تشبّه به زنان از حیثیت آن که تشبّه به زنان است، نمی‌کند. بل که می‌خواهد که مثلاً زینب خاتون را مصور کند به لباسی که صریح در زنان نیست غالباً، و اگر باشد هم مضر نیست؛ مثل چادر شب به سرکردن، و مکالماتی که ایشان می‌فرمودند، بکند به جهت ابکاء. و این را تشبّه به زنان نمی‌گویند. چون ظاهر آن تشبّه به آن چه مختص به جنس زنان است بدون غرضی دیگر. و در این جا لباس زنان پوشیدن نه از برای نمود خود است در صورت زن. و فرق بسیار است میانه ملاحظه تشبّه به شخص معین از زنان از راه خصوصیات فعال آن زن، و تشبّه به جنس زنان از راه تشبّه به این جنس. پس خوب تأمل کن. (2)

1-- در نسخه: و.

2-- جامع الشتات، ج 10، ص 285-287، م 104.

فصل چهل و یکم: زخم (شدن) نمودن و جراحت چشم و پلک از گریه

«القرح بالفتح و السكون» الجراح، به جراحت و ددر جرح «قرح» می‌گویند.

در معنای «قرح» چنین وارد شده است:

«قرح القرحة: مما يجرح من الجسد (1) قرح ذكر القرحة بالفتح و السكون: الجراح و قيل القرحة بالفتح الجراح و القرحة بالضم ألم الجراح، بفتح القاف و سكون الراء واحده القرحة و القروح و هي حبه تخرج في البدن» (2)

«قيل: القرحُ الآثارُ، و القرحُ الألمُ؛ و قال يعقوب: كأنَّ القرحَ الجراحاتُ بأعيانها... كأنَّ القرحَ الجراحَ بأعيانها؛.. الصحيح أن القرحَةَ الجراحه... و قيل: الأقرحُ الذي غرته مثل الدرهم أو أقل بين عينيه أو فوقهما من الهامه؛ قال أبو عبيده: الغرَّة ما فوق الدرهم و القرحه قدر الدرهم فما دونه» (3)

«قرح» آن چیزی است که از بدن خارج می‌شود. به جراحت و درد جراحت نیز اطلاق می‌شود همچنین به دانه‌هایی که از بدن خارج می‌شود. گفته شده قرح، آثار جراحت و یا درد آن است. گفته شده قرح جراحی مانند درهم است برخی گفته‌اند مقداری کمتر از آن است و برخی گفته‌اند: بیشتر از یک درهم می‌باشد.

در مورد عزای امام حسین (علیه السلام) «اقرح جفوننا» وارد شده است.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

1- العين، ج 3، ص 43.

2- مجمع البحرين، ج 2، ص 403.

3- لسان العرب، ج 2، ص 557.

«إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا- وَ أَذَلَّ عَزِيزَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ- أَوْرَثْنَا الْكَرْبَ وَ الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ»

همانا روز امام حسین (علیه السلام) دیدگان ما را مجروح کرده است و اشک‌های ما را جاری قرار داد و عزیز ما را در سرزمین کربلا خوار ساخته و برای ما بلا و سختی را تا روز قیامت به ارث گذاشت. (1)

به راستی وقتی معصوم (علیه السلام) که در جایگاه حجت الهی بر تمام خلق و عالمیان هستند؛ در مقام عزای بر امام حسین (علیه السلام) به گونه‌ای جراحی بر چشمان و پلکان خود وارد می‌کنند و پلک‌هایشان از شدت گریه زخم می‌شود؛ دیگر جایی برای بحث «لا ضرر» و ... باقی نمی‌ماند، بلکه صحبت در این جا مستقر می‌شود که فعل امام رجحان ذاتی دارد و عنوان حجت بر آن تلقی می‌شود.

محمد بن حنفیه نقل می‌کند که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگام شهادت خود به امام حسین (علیه السلام) فرمود:

«... فقال: يا حسين يا ابا عبدالله! ادن مني فدنا منه وقد قرحت اجفان عينيه من البكاء فمسح الدموع من عينيه ووضع يده على قلبه وقال له يا بني ربط الله قلبك بالصبر و اجزل لك و لاخوتك عظيم الاجر...»

پس حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای حسین! ای ابا عبدالله! نزدیک من بیا. پس حضرت نزدیک رفت در حالی که پلک چشمشان از شدت گریه زخم شده بود. پس اشک را از دو چشمانش پاک کرد و دستش را بر قلبش نهاد و فرمود: ای فرزندم! خدا قلبت را صبور گرداند و در این مصیبت اجر عظیم و جزای جزیل برای تو و برادرت قرار دهد. (2)

1- الامالی للصدوق، ص 128؛ بحار الانوار، ج 44، ص 283؛ الاقبال، ص 544؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 169؛ المناقب، 4، ص 86.

2- بحار الانوار، ج 42، ص 288.

آری، اگر چشممان در عزای سیدالشهداء (علیه السلام) درد گرفت، پایمان مجروح شد، پیشانیمان ضربه خورد، کربلا و نهر علقمه و عصر عاشورا و پیشانی خونین مولایمان را به خاطر می‌آوریم.

فصل چهل و دوم : خراشیدن صورت

اشاره

یکی از انواع عزاداری که اهل بیت (علیه السلام) در مصیبت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) انجام می‌دادند «خدش و خمش» می‌باشد.

خدش در کتب لغت به معنای پاره کردن یا پاره شدن پوست است کم یا زیاد... (1)

و «الخدش» آثار آن است، پوست خراشیده شده. (2)

«خمش» علاوه بر معنای «خدش» به معنای بریدن نیز استعمال می‌شود. (3)

ابومنصور می‌گوید: خدش و خمش با ناخن‌ها است. (4)

ابن درید نیز با استناد به اشعار عرب می‌گوید: «خمش» هنگامی که صورت با ناخن‌ها خراشیده و خون جاری شود». سپس گوید: زنان این عمل را در مجالس ماتم و سوگواری انجام می‌دادند. (5)

بنابراین «خدش» هنگامی است که جراحت در ظاهر پوست باشد. و «خدش» بالاتر از کدح (پوست خراشیده شده) است و کمتر از «خمش» می‌باشد، زیرا خمش در معنای بریدن نیز استعمال می‌شود، گفته می‌شود: خمش فلان فلاناً؛ یعنی از و عضوی را قطع کرده است. (6)

1- الصحاح، جوهری، ج 3، ص 1003؛ لسان العرب، ج 6، ص 292.

2- النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج 2، ص 14.

3- مجمع البحرین، طریحی، ج 4، ص 127.

4- لسان العرب، ج 6، ص 292.

5- جمهره اللغه، ج 1، ص 602.

6- مجمع البحرین، ج 4، ص 136.

در معنای «خمش» نیز چنین گفته شده است: خمش (چنگ) در صورت است و گاهی اوقات در سایر اعضای بدن نیز استفاده می‌شود.

در حدیثی موثق از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود:

«علی مثل الحسین فلتشق الجيوب، و لتخمش الوجوه و لتلطم الخدود...»

برای مثل حسین (علیه السلام) بایستی گریبان‌ها چاک شود و صورت‌ها خراشیده شود و برگونه‌ها سیلی زد. (1)

برخی از روایات در این زمینه :

عزاداری زنان انصار در سوگ عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

1: امام صادق (علیه السلام) در مورد عزاداری زنان انصار در عزای عموی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«... نساء الانصار قد خدشن الوجوه و نشرن الشعور و جزرن النواصی و خرقت الجيوب و حزمن البطون علی النبی فلم رأينه قال لهن خیراً و امرهن ان یستترن و یدخلن منازلهن»

زنان انصار، صورت‌هایشان را خراشیدند و موهایشان را پراکنده کردند و موهای بالای پیشانی خود را کردند و گریبان پاره کردند و به خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) غذا نمی‌خوردند. هنگامی که زنان حضرت را دیدند، حضرت برای آن‌ها دعا کرد و امر کردند که خودشان را بپوشانند و داخل منازلشان بشوند. (2)

2: و عن خالد بن سلمه قال: لما جاء نعی زید بن حارثه. الی النبی (صلی الله علیه و آله و سلم)، اتی النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) منزل زید، فخرجت الیه بنیه لزید، فلما رأت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) خمشت فی وجهها، فبکی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) قال هاهاه فقیل یا رسول الله ما هذا؟ فقال: شوق الحبيب الی حبیبه»

1- وسائل الشیعه، ج 15، ص 583.

2- الکافی، ج 8، ص 322.

خالد بن سلمه می‌گوید: موقعی که خبر شهادت زید بن حارثه به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید، دختری از زید به طرف حضرت آمد. زمانی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را دید بر صورت خود پنجه زد. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) گریه کرد و فرمودند: هاه هاه، عرض کردند: این چیست؟

فرمودند: شوق حبیب به حبیبش. (1)

آنچه که از این دو روایت بر می‌آید این است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عمل زنان انصار و دختر زید را نهی نمی‌فرماید، بلکه از این حالت وی اشک می‌ریزد و گریه می‌کنند و چون از سبب گریه می‌پرسند، این‌گونه جواب می‌دهند که: «شوق حبیب به حبیب» است.

خراشیدن صورت توسط اهل حرم

*در روز دوازدهم، وقتی کاروان اسرا را به کوفه آوردند جدیل اسدی می‌گوید:

«رأيت اهل البيت مهتكات الجيوب مخمشات الوجوه يلظمن الخدود داخلات الى الكوفة ورايت علي بن الحسين يبكي لسوء حاله و فقد رجاله؛ دیدم اهل بیت (علیهم السلام) را وقتی وارد کوفه می‌شدند؛ در حالی که گریبان چاک کرده بودند و صورت‌های خود را می‌خراشیدند و لطمه به گونه‌های خود می‌زدند و دیدم علی بن الحسین (علیهما السلام) را در حالی که بر اسیری خود و کشته شدن مردان خود می‌گریید.» (2)

*در مصادر روایی و تاریخی مختلف این تعابیر آمده است که:

« وضمن التراب علی رؤسهن و خمشن وجوههن و ضربن خدودهن»

بانوان حرم خاک بر سر می‌ریختند و صورت‌هایشان را می‌خراشیدند و بر صورت می‌زدند. (3)

1- مستدرک الوسائل، ج 2، ص 465، ح 2475؛ مسکن الفؤاد، ص 106.

2- تذکره الشهداء، ج 2، ص 270.

3- بحار الانوار، ج 45، ص 112؛ عوالم، ص 381؛ لواعج الاشجان، ص 205؛ ملهوف، ص 156.

این همه در حالی است که اولاً اهل حرم تربیت شده ائمه معصومین (علیهم السلام) هستند، ثانیاً حضرت حوراء، مخدره زینب (علیها السلام) پرورش یافته دامن فاطمه زهرا (علیها السلام) در میان ایشان است و بر صورت خدش وارد می‌کند، و ثالثاً امام معصوم حضرت زین العابدین (علیه السلام) همراه ایشان است و اهل حرم را از این کار نهی نمی‌فرمایند، با امعان نظر بدین مطلب که در برخی مواضع در سفر اسارت امر و نهی فرمودند که به عنوان نمونه به حضرت زینب (علیها السلام) فرمودند: «یا عمتی اسکتی؛ ای عمه من! سکوت کن.» (1)

ابی مخنف در مورد ورود آل الله (علیهم السلام) به کوفه چنین نقل می‌کند که:

«روی بو جدیله الاسدی (فی بعض النسخ حذیفه) قال: كنت بالكوفة سنة قتل الحسين، فرأيت نساء اهل الكوفة مشققات الجيوب، ناشدات الشعور، لاطمات الخدود، مخمشات الوجوه، فاقبلت الى شيخ كبير قلت: ما هذا البكاء والنحيب؟ فقال: هذا لاجل رأس الحسين.»

راوی می‌گوید من در سال قتل امام حسین (علیه السلام) در کوفه بودم، پس دیدم زنان کوفه را که گریبان‌ها دریده‌اند و موهای خود را رها کرده‌اند و بر گونه‌ها می‌زنند و صورت‌ها می‌خراشیدند، پس به طرف پیرمردی رفتم و گفتم: این بلند گریستن برای چیست؟ پس گفت: به خاطر سر حسین (علیه السلام)». (2)

* و هنگامی که اهل بیت (علیهم السلام) به همراه زین العابدین (علیه السلام) به مدینه بر می‌گشتند چنین نقل شده است:

«فما بقيت في المدينة مخدرة ولا محجبة الا برزن من خدورهن مكشوفة شعورهن مخمشة وجوههن ضاربات خدودهن يدعون بالويل و الثبور فلم ار باكياً اكثر من ذلك اليوم»

1- بحار الانوار، ج 45، ص 164؛ الاحتجاج، ج 2، ص 305.

2- اسرار الشهادت، ج 3، ص 219؛ الدمع السجوم در ترجمه نفس المهموم، ص 359.

پس در مدینه هیچ زنی نماند، مگر آن که از خانه‌ها بیرون آمدند، در حالی که پریشان مو و خراشیده رو بودند و بر صورت های خود می - زدند و واویلا و واثبورا می گفتند، هیچ روزی بیشتر از آن روز گریه کن ندیدم» (1)

و بعد از مشاهده این صحنه امام سجاد (علیه السلام) سخنرانی می کنند و علاوه بر آنکه از این نوع عزاداری، نهی نمی فرمایند، بلکه عباراتی به کار می گیرند که تک تک آن‌ها برای عزاداری بیشتر مردم بر اباعبدالله (علیه السلام) دلالت دارد و مردم را تشویق و ترغیب به عزای دائمی و همیشگی بر آن مظلوم می نمایند که این همه، رجحان سیلی زدن و صورت خراشیدن در عزای امام حسین (علیه السلام) را دارد بلکه بیشتر از آن.

« قُتِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ عِزَّتُهُ وَ سُبَى نِسَاؤُهُ وَ صَبِيَّتُهُ ... أَيُّهَا النَّاسُ فَأَيُّ رَجَالٍ مِنْكُمْ يَسْرُونَ بَعْدَ قَتْلِهِ أَمْ أَيُّ عَيْنٍ مِنْكُمْ تَحْسِبُ دَمْعَهَا وَ تَصَدُّ عَنْ انْهِمَالِهَا فَلَقَدْ بَكَتِ السَّبْعُ السُّدَادُ لِقَتْلِهِ وَ بَكَتِ الْبِحَارُ بِأَمْوَاجِهَا وَ السَّمَاوَاتُ بِأَرْكَانِهَا وَ الْأَرْضُ بِأَرْجَائِهَا وَ الْأَشْجَارُ بِأَغْصَانِهَا وَ الْحَيْتَانُ وَ لُجَجُ الْبِحَارِ وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ أَجْمَعُونَ أَيُّهَا النَّاسُ أَيُّ قَلْبٍ لَا يَنْصَدِعُ لِقَتْلِهِ أَمْ أَيُّ فُؤَادٍ لَا يَحِنُّ إِلَيْهِ أَمْ أَيُّ سَمْعٍ يَسْمَعُ هَذِهِ الثُّلْمَةَ الَّتِي ثَلِمَتْ فِي الْإِسْلَامِ أَيُّهَا النَّاسُ أَصْبَحْنَا مَطْرُودِينَ مُشْرَدِينَ مَذُودِينَ شَاسِعِينَ عَنِ الْأَمْصَارِ كَأَنَّا أَوْلَادُ تَرْكِ وَ كَابِلٌ مِنْ غَيْرِ جُرْمٍ اجْتَرَمْنَاهُ وَ لَا مَكْرُوهٍ اِزْتَكَبْنَاهُ وَ لَا ثَلْمَةٍ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَمْنَاهَا - مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ - إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ - وَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ النَّبِيَّ تَقَدَّمَ إِلَيْهِمْ فِي قِتَالِهَا كَمَا تَقَدَّمَ إِلَيْهِمْ فِي الْوَصَايَا بِنَا لَمَا اِرْتَادُوا عَلَيَّ مَا فَعَلُوا بِنَافِ إِيَّا لِلَّهِ وَ إِيَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ مِنْ مُصِيبِهِ مَا أَعْظَمَهَا وَ أَوْجَعَهَا وَ أَفْجَعَهَا وَ أَكْظَمَهَا وَ أَفْظَمَهَا وَ أَمْرَهَا وَ أَفْدَحَهَا فَعِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُ فِيهَا أَصَابِنَا وَ مَا بَلَغَ بِنَا إِنَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ .

1- الملهوف، ص 156 و ص 197؛ بحار الانوار، ج 45، ص 112 و ص 147؛ تذكرة الشهداء، ج 2، ص 416.

«ای مردم! کدام یک از شما می‌تواند پس از کشته شدن حسین (علیه السلام) شاد و خرم باشد؟ و یا کدامین قلب است که برای او اندوهگین نشود؟ و کدامین چشمی است که بتواند اشکش را نگه دارد و از دیدگان جاری سازد؟ در حالی که آسمان‌های هفتگانه بر او گریستند و ارکان آسمان به خروش آمد و زمین با اعماق و اطرافش و درختان با شاخه و ماهیان در قعر دریا و ملانکه مقرب الهی و جمیع اهل آسمان‌ها بر او گریستند.

ای مردم! کدام دل است که در شهادت او نشکند و کدام قلبی است که در مصیبت او ننالد؟! و یا کدام گوشتی است که بشنود این شکاف بزرگی را که در اسلام پدیدار شد و کر نشود؟!

ای مردم! ما را پراکنده ساختند و از خانه‌هایمان دور کردند و آواره بیابان‌ها نمودند، که گویا ما فرزندان ترک و کابل هستیم، بی آنکه جرمی داشته باشیم و یا کار زشتی از ما سرزده باشد، یا رخنه‌ای در اسلام ایجاد کرده باشیم، و این رفتاری که با ما کردند نظیر آن در امت‌های پیشین سراغ ندارم و این بدعتی بیش نیست.

قسم به خدا! اگر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور قتل کار را می‌دادند همان‌گونه که وصیت به نیکی به ما فرمودند بیش از آنچه که با ما کردند، انجام نمی‌دادند.

... انا لله و انا الیه راجعون از مصیبت بزرگتر و دردناکتر و ضجیع‌تر و گلوگیرتر و ناگوار و تلخ‌تر و تر ما همه مصائب را نزد خدا به حساب می‌گذاریم که او قادر و منتقم می‌باشد.» (1)

در روایتی امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: حضرت زینب (علیها السلام) هنگامی که شنید امام حسین (علیه السلام) این ابیات را می‌خوانند:

یا دهر اف لک من خلیل کل لک بالاشراق و الاصیل

صورت خود را خراشید و پیراهن خود را پاره کردند و بی‌هوش بر زمین افتادند. (2)

و نیز در حدیثی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت گشته:

1- ملهوف، ص 200؛ بحار الانوار، ج 45، ص 147.

2- بحار الانوار، ج 45، ص 2.

«... و لقد شققن الجيوب و لظمن الخدود الفاطميات على الحسين بن علي (عليهما السلام) و على مته تلطم الخدود و تشق الجيوب»
 «فاطميات (زنان فاطمی) گریان‌ها را دریدند و بر صورت‌ها زدند و به جهت شهادت حسین بن علی (علیهما السلام)، و بر مانند (علیه السلام) به صورت‌ها زده می‌شود و گریان‌ها و یقه‌ها چاک داده می‌شود.» (1)

آری؛ جز در روز مصیبت حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) و اهل بیت اطهار (علیهم السلام) امری است محبوب و پسندیده و اظهار آن به صورت‌های مختلف است و اگر آن اظهار جزع با هدف «مواسات» با حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) و اصحاب و اهل بیتش (علیهم السلام) همراه باشد مقبول‌تر است، یعنی هر چه شدیدتر باشد، پسندیده‌تر و محبوب‌تر است.

روز عاشورا در وداع آخر امام حسین (علیه السلام) با اهل بیتش، نوبت به حضرت سکینه (علیها السلام) رسید که بیاید و با پدر بزرگوار خود وداع کند، آن مخدره با دلی پر خون پیش آمد در حالی که صورت خود را خراشیده بود و لباس سیاه در عزای برادرانش پوشیده بود. (2)

1- وسائل الشیعه، ج 15، ص 583، باب 31، باب کفاره شق الثوب، ح 1.

2- ریاض القدس، ج 2، ص 141.

فصل چهل و سوم : از هوش رفتن از شدت گریه

اشاره

یکی از دیگر انواع عزاداری در سیره اهل بیت (علیهم السلام) گریستن در حد از هوش رفتن است. با امعان نظر بدین مطلب که اولاً: در هوش رفتن احتمال مرگ وجود دارد و ثانیاً: اگر چه ممکن است بی هوشی اختیاری نباشد اما مقدمات آن مثل یادآوری مصیبت و جزع نمودن و فکر کردن روی آن اختیاری است؛ به نمونه‌هایی که اهل بیت (علیهم السلام) از شدت مصیبت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) از هوش می‌رفتند می‌پردازیم:

از هوش رفتن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

از ابن عباس روایت شده است که:

چون امام حسین (علیه السلام) متولد شد - و در آن وقت قابله او، صغیه [دختر عبدالمطلب، عمه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)] بود - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر او وارد شد و فرمودند:

ای عمه! فرزندم را نزد من بیاور، صغیه عرض کرد: پدران و مادران فدایت شوند! هنوز او را پاکیزه نکرده‌ام، چگونه بیاورم؟

حضرت فرمودند: به آن خدایی که جانم در دست اوست، او را خداوند از بلندای عرشش طاهر و پاکیزه نمود، آن‌گاه حضرت دستش را دراز نمود و صغیه، امام حسین (علیه السلام) را به او داد، حضرت خم شد و پیشانی و گونه‌های او را غرق بوسه نمود و زبانش را می‌مکید گویی عسل یا شیر می‌مکد.

«ثم بکی طویلاً فلما افاق قال (صلی الله علیه و آله و سلم): قتل الله قوماً قتلوک؛ سپس گریه طولانی نمود و از هوش رفت. وقتی به حال عادی برگشت، فرمود: خدا بکشد قومی که تو را می‌کشند.» (1)

1- عبرات المصطفین فی مقتل الحسین (علیه السلام)، ج 1، ص 158، به نقل از مناقب امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج 2، ص 234.

از تعبیر «افاق» معلوم می‌گردد که گریه‌های طولانی حضرت به قدری شدید بوده که راوی بدین کلمه تعبیر نموده است، یعنی از شدت گریه از هوش رفته و بعد به هوش آمده‌اند.

از هوش رفتن امیرالمؤمنین (علیه السلام)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ صفین از زمین کربلا عبور نموده و خاک آن را برداشته و بو نموده و فرمود:
«خداوندا! ... به کشندگان حسین (علیه السلام) و یاری دهندگان دشمن او و آنان که او را کمک نکنند برکت مده».

ابن عباس می‌گوید:

«... ثم بکی بكاءً طويلاً و بكينا معه حتى سقط لوجهه و غشى عليه طويلاً...»

سپس گریست گریه ای طولانی و ما نیز با او گریستیم تا آن که از بسیاری گریه از صورت بر زمین خورد و مدت زیادی به حالت غش بود...» (1)

از هوش رفتن امام حسین (علیه السلام) در برخی از مصائب

شدت مصیبت در واقعه کربلا به گونه‌ای بود که امام حسین (علیه السلام) نیز از اثر آن بی‌هوش می‌شدند. به عنوان نمونه در قضیه به میدان رفتن حضرت (علیه السلام) چنین وارد شده است:

«ثم خرج القاسم بن الحسن و هو غلام صغیر لم يبلغ الحلم فلما نظر اليه الحسين اعتقه جعلاً بيكيان حتى غشى عليهما ثم استأذن الحسين (علیه السلام) في المباحه...؛ سپس حضرت قاسم فرزند امام حسن (علیه السلام) خارج شد که نوجوانی نابالغ بود و به سن بلوغ نرسیده بود، برای وداع با امام حسین (علیه السلام) و اذن میدان گرفتن، بیرون آمد. هنگامی که چشم

امام حسین (علیه السلام) به او افتاد، مدتی طولانی او را در آغوش گرفت و آن قدر هر دو گریستند تا از هوش رفتند پس از آن قاسم (علیه السلام) اجازه مبارزه گرفت. (1)

از هوش رفتن حضرت زینب (علیها السلام)

شیخ مفید (قدس سره) هنگامی که حدیث خواب امام حسین (علیه السلام) را در خیام روایت می‌کند، می‌گوید: چون حضرت زینب (علیها السلام) می‌شنوند:

« لَطَمَتْ وَجْهَهَا وَ هَوَتْ إِلَى جَيْبِهَا فَشَقَّتْهُ وَ خَرَّتْ مَعْشِيًا عَلَيْهَا؛ حضرت زینب (علیها السلام) بر صورت زدند و گریبان دریدند و در حالی که غش کرده بودند افتادند.» (2)

ملاقات جابر با حضرت زینب (علیها السلام) و از هوش رفتن حضرت (علیها السلام)

فی الدمعه قال: فلما بلغوا ارض كربلا نزلوا فی موضع مصرعه و وجدوا جابر بن عبدالله الانصاری و جماعته من بنی هاشم و غیرهم و قد وردوا الی زیارة الحسین (علیه السلام) فتلاقوا فی وقت واحد و اخذوا بالبكاء و النحیب و اللطم و اقاموا العزاء الی مزه ثلاثه ایام، و اجتمع الیهم نساء اهل السواد. فخرجت زینب (علیها السلام) فی الجمع و اهوت الی جیبها فشقته و نادت بصوت حزين یقرح القلوب: و اخاه! و احسیناه! و احیب رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)! و ابن مکة و منی! و ابن فاطمه الزهرا (علیها السلام)! و ابن علی المرتضی (علیه السلام)! آه ثم آه! و وقعت مغشياً علیها؛

در کتاب الدمعه الساکبه آمده است:

هنگامی که [کاروان اهل بیت از شام برگشتند و] به سرزمین کربلا رسیدند، محل کشته شدن حضرت فرود آمدند در آنجا جابر بن عبدالله را یافتند که با گروهی از بنی هاشم و دیگران که به همراه او بودند، برای زیارت امام حسین (علیه السلام) وارد شدند. این دو

1- مقتل الحسین (علیه السلام)، ص 479؛ مقتل خوارزمی، ج 2، ص 27؛ بحار الانوار، ج 45، ص 34.

2- ارشاد، ج 2، ص 94؛ بحار الانوار، ج 45، ص 2.

گروه در یک زمان [وارد شدند و] با هم ملاقات کردند و شروع کردند به گریه کردن و صداها را به گریه بلند نمودند و بر خود لطمه زدند و تا سه روز عزاداری بر پا کردند.

زن‌های روستاها و مناطق اطراف [با اطلاع از این قضیه] گرد ایشان جمع شدند، آن‌گاه حضرت زینب (علیها السلام) در آن جمع حاضر شد و دست برد و گریبان خود را چاک داد و با صدای محزون و غمناکی که قلب‌ها را مجروح می‌ساخت، ندا داد: وای از مصیبت برادرم! وای حسینم! وای از مصیبت حبیب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)! وای از مصیبت فرزند مکه و منی! وای از مصیبت فرزند فاطمه زهرا (علیها السلام)! وای از مصیبت فرزند علی مرتضی (علیه السلام)! آه آه! و بعد از آن [که این جملات را فرمود] غش کرد و بیهوش بر زمین افتاد. (1)

از هوش رفتن امام رضا (علیه السلام)

در قصیده‌ای که دعبل خزاعی در محضر امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می‌سراید چنین می‌گوید:

افاطم خلت الحسین مجدلاً و قد مات عطشاناً بشظ فرات

إذا لطمت الخذ فاطمة عنده واجريت دمع العين فی الوجنات (2)

ای فاطمه! اگر در نظر می‌آوری حسین (علیه السلام) را که تیغ دشمن بر خاک افتاده و بر کنار فرات، تشنه لب جان داده است، هر آینه نزد او بر چهره می‌زدی و آب دیده را بر گونه‌های گلگونت روان می‌ساختی.

« و للامام الثامن (علیه السلام) مع دعبل الخزاعی قضیه مشهوره: و ذلك لما وفد علیه بعقریته التائیه، تلك القصیده التاريخیه الرنانه، التي تجاذبت بها اندیة الادب و انتشرت فی اقطر العرب و قامت بتلاوتها فی دار الرضا (علیه السلام) فقیامه الاحزان و قرعت ساحته الشریفه بنوح دعبل

1- جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، ص 155، به نقل از: معالی السبطين، ج 2، ص 186-187.

2- شرح تائیه دعبل خزاعی علامه مجلسی، ص 47-48 و 70 و 71.

بها الاشجان، فبکی الامام احز بکاء و علا من وراء الستر صراخ النساء و وکان لاطفاله انین و ماق و رغاء، حتی استولی علیه الاغماء، و اشترک معه جنه الارض و ملائکه السماء.

قضیه مشهوری است از امام هشتم (علیه السلام) با دعبل خزاعی و این ماجرا در هنگامی بود که دعبل با آن شعر بی نظیر و اعجاب انگیز خود، ایاتی که به حرف «ت» منتهی می شود، به محضر امام (علیه السلام) شرفیاب شد [و شعر را به حضرت تقدیم کرد] همان قصیده تاریخی خوش آوایی که مجامع ادبی را تحت تأثیر قرار داد و مجذوب ساخت؛ در تمامی نواحی عرب منتشر شد و در اثر خواندن آن در منزل امام رضا (علیه السلام) قیامت حزن و اندوه برپا شد.

وقتی دعبل با خواندن این اشعار بر مصائب امام حسین (علیه السلام) نوحه گری کرد، به ناگاه غم‌ها و غصه‌ها بر ساحت مقدس امام رضا (علیه السلام) وارد شد؛ آن حضرت سوزناک‌ترین گریه‌ها را سر دادند و صدای گریه و فریاد غم بانوان از پشت پرده بلند شد و صدای کودکان آن حضرت به گریه شنیده می شد. آن کودکان با بالاترین صدا گریه می کردند و در اثر شدت گریه، نفس‌های آنان منقطع می شد و ناله می زدند.

عزاداری امام (علیه السلام) به حدی رسید که حالت اغماء و بی هوشی بر حضرت مستولی شد و در این عزاداری به همراه حضرت، جنیان زمینی و ملائکه آسمان شرکت داشتند. (1)

- در مورد حضرت ام سلمه نیز روایت شده که چون خبر کشته شدن امام حسین (علیه السلام) به ایشان رسید گفت:

«او قد فعلوها ملاً الله بیوتهم و قبورهم ناراً»

ایا آن کار زشت را مرتکب شدند، خدا خانه‌ها و گورهاشان را از آتش پر کند.»

آنگاه چندان بگریست که بی هوش شد و بعد از سی روز از شهادت مصیبت امام حسین (علیه السلام) از شدت مصیبت جان داد. (2)

1- عبرات المصطفین، ج 1، ص 111.

2- دمع السجوم در ترجمه نفس المهموم، ص 379.

از این قبیل موارد در تاریخ و سیره اهل بیت (علیهم السلام) بسیار نقل شده است، اما آنچه مهم است اینکه فعل معصوم (علیه السلام) مجوز و حجت است که عزاداری تا چه حد و مرتبه است و توجه شود به آنکه حفظ جان ولی خدا اوجب واجبات است.

اسرار از هوش رفتن حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)

حضرت پس از افتادن از پشت ذوالجناح به روی خاک کربلا، دوبار از هوش رفتند و عجب این است که لشکر کفار با آن که در کشتن حضرت شتاب و عجله زیادی داشتند در این حالت نزدیک نمی آمدند. با وجود اینکه این وقت برای اتمام امر شهادت بسیار راحت تر بود.

در بیان سرّ و توضیح این وجه می گوئیم:

خلیفه الله و ولی مطلق پروردگار یعنی صاحب ولایت تامه و مطلقه چنانچه این خلافت و ولایت مختص خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) و اوصیاء گرامی آن بزرگوار که وارث جمیع کمالات او بودند، است. بر خلاف و ولایت مطلقه و تامه، آثار، مراتب و خواص بی شماری مترتب می شود از جمله خواصش این است که صاحب این خلافت و ولایت، به منزله قطب عوالم امکان و مانند قلب همه موجودات است.

پس به مقتضای این قاعده، در حین از هوش رفتن امام مبین و صاحب خلافت و ولایت مطلقه، می بایست همه عوالم از فرش تا عرش متلاشی، متفرق و معدوم شوند. به غیر از ارواحی که در قرب حق تعالی هستند و انوار و ارواح بزرگ و بزرگوار مانند: روح سیدالمرسلین (صلی الله علیه و آله و سلم) و ارواح امیرالمؤمنین، صدیقه کبری، و سید جوانان بهشت امام حسن مجتبی (علیهم السلام).

اما آنچه مانع از هم پاشیده شدن عوالم امکان و سلسله موجودات و انهدام و نابودی آنها شده اراده و عنایت ازلی پروردگار بود. در عین حال مشیّت و اراده حق تعالی موجب جلوگیری از اضطراب، تزلزل، حیرت و بی حرکت ماندن همه موجودات نشد، یعنی مخلوقات در زمان از هوش رفتن خلیفه الله حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) در

اضطراب و تزلزل و بی حرکتی بودند؛ زیرا بدون جانشین و خلیفه خدا عوالم امکان و موجودات قرار نخواهند گرفت.

این زمان وقتی بود که خلافت و ولایت تامه مطلقه به حضرت زین العابدین (علیه السلام) منتقل نشده بود و خلعت این مقام بر اندام آن حضرت پوشانده نشده و تاج اعظم بر سر ایشان گذارده نشده بود.

از این قاعده ظریف، محکم و ملکوتی استفاده می شود که در زمان از هوش رفتن سیدالشهداء (علیه السلام) (خواه سه ساعت و یا دقیق تر 6 ساعت که نظر مؤلف نیز شق دوم است)، اعضاء و جوارح منحوس آن قوم کافر اطاعت اوامر نفس ها و ارواح خبیث آنها را نمی کرد؛ زیرا در حالت اضطراب، تزلزل و بی حرکتی بودند. حتی می توان گفت نفس ها و ارواح خبیث آنها چون در اضطراب و حیرت بودند قدرت امر کردن به اعضاء و جوارح را نداشتند و این در حقیقت مقام دیگری از مقامات حجت خدا است. [\(1\)](#)

فصل چهل و چهارم : خاک بر سر ریختن در عزای سید الشهداء (علیه السلام)

اشاره

بارها دیده شده است که مصیبت زده در غم و عزای عزیزش، خاک بر سر می‌ریزد.

اما از آن زمان که امام حسین (علیه السلام) جوان در خون تپیده خویش را در آغوش کشید و فرمود: «علی الدنيا بعدک العفا؛ بعد از تو خاک بر سر دنیا باد» (1)

خدا دعای حضرت را در ظاهر و باطن برآورده ساخت و خاکستر بر سر اهل دنیا ریخت.

« تُمْطِرُ السَّمَاءَ رَمَاداً وَ دَمًا وَ يَبْكِي عَلَيْكَ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْوُحُوشُ فِي الْفَلَوَاتِ وَ الْحَيْتَانُ فِي الْبِحَارِ؛ وَ آسْمَانِ خَاكِسْتَرِ وَ خُونِ مِي بَارِدِ وَ مِي گريد بر تو همه چيزها، حتی وحشيان در بيابان و ماهيان در دريا». (2)

هنگامی که قافله اسرا وارد کوفه گشت حضرت زینب و ام کلثوم و فاطمه صغری و حضرت سجاد (علیهم السلام) به ذکر مصائب امام حسین (علیه السلام) پرداختند؛ آن قدر جانسوز اقامه عزای نمودند که اهل کوفه از زن و مرد صدای شیونشان بلند شد و خاک بر سر خود ریختند. (3)

همچنین از محمد بن سلمه روایت شده است که:

«لما قتل الحسين بن علي امطرت السماء تراباً احمر؛ چون حسین بن علی (علیهما السلام) کشته شد از آسمان خاک سرخ بارید.» (4)

1- بحار الانوار، ج 45، ص 44.

2- امالی صدوق، ص 116، مجلس 24.

3- لهوف، ص 63 و 69.

4- کامل الزیارات، ص 90؛ بحار الانوار، ج 45، ص 211.

و خاک بر سر دنیا و اهل دنیا شد. از این روست که اولیاء الله و انبیاء الله (علیهم السلام) در این مصیبت خاک بر سر ریختند و چون زنان جوان مرده گریستند.

[روی ابی مخنف عن الطرماح]: قال الطرماح بن عدی: كنت فی القتلی و قد وقع فی جراحات، و لو حلفت لكنت صادقاً انی كنت غیر نائم اذا اقبل عشرون فارساً و علیهم ثياب بیض یفوح منهم المسک و العنبر، فقلت فی نفسی هذا عبیدالله بن زیاد لعنه الله قد اقبل یطلب جثته الحسین (علیه السلام) لیمثل به، فجاءوا حتی صاروا قریباً منه، فتقدم رجل الی جثته الحسین (علیه السلام) و جلس قریباً منه و اجلسه فأومی بیده الی الکوفه و اذا بالرأس قد اقبل، فركب علی الجسد مثل ما كان بقدره الله تعالی و هو یقول: یا ولدی قتلوک، أترهم ما عرفوک و من شرب الماء منعوک، و ما اشد جرأتهم علی الله، ثم التفت الی من كان عنده فقال یا ابی آدم! و یا ابی ابراهیم! و یا ابی اسماعیل! و یا اخی موسی! و یا اخی عیسی! أما ترون ما صنعت الطغاة بولدی؟ لا انالهم الله شفاعتی یوم القیامة، فتأملته فاذا هو رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم).

و زاد السید الجزائری فی الانوار: فجعلوا یبکون و یعزون النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) زماناً طویلاً و هو یحثوا التراب علی رأسه و شبیته الطاهرة، و الحسین (علیه السلام) یقصر علیه ما صدر و ما عملوه فیهِ حتی غشی علیه من البكاء...؛

[ابی مخنف]

از طرماح روایت کرده: [طرماح بن عدی گوید:

در میان کشتگان کربلا بودم، در حالی که جراحات زیادی بر من وارده شده بود و اگر بر این مطلب قسم می خوردم راستگو بودم که من خواب نبودم و دیدم که ناگاه بیست نفر اسب سوار به طرف ما آمدند، در حالی که لباس های سفیدی پوشیده بودند و از ایشان عطر مشک و عنبر متصاعد بود. با خود گفتم: این عبیدالله بن زیاد (لعنت الله علیه) است که در پی جسد شریف حسین (علیه السلام) آمده تا آن را مُثله و قطعه قطعه کند.

آن گروه آمدند تا نزدیک حسین (علیه السلام) رسیدند. یکی از مردان به سمت جسد شریف امام حسین (علیه السلام) آمد. نزدیک او نشست و آن بدن مبارک را [از زمین بلند کرد و] به حالت نشسته قرار داد، پس از آن با دست خود به سمت کوفه اشاره کرد. در این هنگام به قدرت خداوند متعال سر مقدس [از جانب کوفه] رو آورده و بر روی جسد شریف قرار گرفت، همان گونه که قبلاً بوده است.

در این حال آن مرد [که نزد جسد شریف حسین (علیه السلام) آمده بود] می فرمود: ای فرزندم تو را کشتند! آیا آنها تو را نشناختند؟ و از نوشیدن آب تو را منع کردند! چه قدر جرأت آنان بر خدا زیاد است! سپس رو کرد به کسانی که [به همراه او و] نزد او بودند و فرمود: ای پدرم آدم! و ای پدرم ابراهیم! و ای پدرم اسماعیل! و ای برادرم موسی! و ای برادرم عیسی! ایانمی بینید طغیان گران با فرزندم چه کردند؟ خداوند شفاعت مرا در روز قیامت نصیب آنان نکند. [طرماحج می گوید:] من خوب در [چهره] آن مرد تأمل کردم و دیدم که او رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

«و سید جزائری در کتاب انوار اصفاه کرده است»: آن گروه شروع کردند به گریه کردن و تعزیت دادن به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و تا مدت طولانی به این کار پرداختند و در این حال رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خاکها را بر و محاسن شریفش می ریخت و حسین (علیه السلام) واقعه را و آنچه را که بر سر او آورده بودند نقل می کرد، تا جایی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از شدت گریه غش کرده و از هوش رفت...» (1).

مراسم عاشورا

مرحوم علامه دربندی صاحب کتاب شریف «اسرار الشهاده» از شاگردان شریف العلماء شیخ مرتضی انصاری اعلی الله مقامه الشریف بوده است، ایشان در اقامه عزای سیدالشهداء (علیه السلام) اهتمام فراوانی داشته و بر آن مواظبت می نمود. در بالای منبر از

1- جلوه های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، ص 139-140 به نقل از: معالی السبطين، ج 2، ص 43.

شدت گریه غش می کرد، روز عاشورا، لباس های خود را از بدن در می آورد و پارچه ای به خود می بست و خاک بر سر می ریخت و گِل به بدن می مالید و با همان شکل و صورت منبر می رفت و روضه خوانی می کرد. (1)

مرحوم آیت الله العظمی حاج سیدنور الدین حسینی الهاشمی معروف به آیت الله شیرازی (قدس سره) از مراجع طراز اول ایران و مؤسس حزب دینی و ضد استعماری «برادران» بوده است. فرزند ایشان مرحوم حجت الاسلام سید منیرالدین (قدس سره) در مورد عزاداری آن مرحوم در روز عاشورا می فرمود:

«پدرم روز عاشورا، حالتی متفاوت با همیشه داشتند، انقلابی در روح ایشان رخ می نمود و حزن و اندوه همه وجود ایشان را در بر می - گرفت و رفتار ایشان به کلی دگرگون می شد، پا برهنه به سوی

«مسجد وکیل» که پایگاه قدرت و خدمت ایشان بود، حرکت نموده تا هنگام ظهر در مراسم عزای حسینی شرکت می نمود.

آنگاه پس از خواندن نمازهای «فریضه» با مردم در حالی که همه هیئت های «برادران» به مسجد آمده و منتظر بودند، درست پس از نماز عصر (که حسب روایات ساعات نزدیک به پایان فاجعه است) حسب دستور ایشان، ظرفی بزرگی مملو از «گلی پاک» که قبلاً مهیا شده بود، همراه با سفره های بزرگ «کاه» به حضور ایشان می آوردند. ایشان بر عمامه خود گِل می زدند و پس از ایشان همه حاضران در مجلس، به خصوص بزرگان بر پیشانی و سر خود با گِل نشان عزا نموده، سپس بر سر و روی همه کاه می ریختند (این رسوم کلاً در عزای حسینی نماد خاک بر سر کردن است) آنگاه مرجعی که تمام طول سال در نهایت هیبت و وقار حرکت و رفتار می نمود. درست مانند کسی که هم اکنون عزیزترین عزیزان خود را از دست داده و فشار مصیبت او را بی تاب نموده، گاه به گاه دست های خود را می گشودند و از دل سوخته آه های جانسوز کشیده، آرام آرام ضجه می زدند. ریش اشک از چشمان ایشان قطع نمی شد، با همین حال، پابرنه، شال عزا افکننده، پیراهن عزا به گونه ای مودب چاک

1- سیمای فرزانتگان، ص 184؛ قصص العلماء، ص 109؛ احرام عاشورا، این البکائون، ص 150.

زده، بدون عبا و با چهره و حالتی که از فرط تأثر هر کسی را منقلب می‌کرد به حرکت عظیم عصر عاشورای شیراز، می‌پیوستند. (1)

در احوال برخی از علمای شیعه آمده که دستور می‌دادند روز عاشورا فرش زیر پای ایشان را بردارند و به جای آن خاکستر بریزند و روی خاکستر می‌نشستند و عزاداری می‌کردند. (2)

1- این البکائون، ص 151-152.

2- این البکائون، ص 153.

فصل چهل و پنجم : ژولیده و غبارآلود بودن ملائک تا روز قیامت

اشاره

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«ان اربعة آلاف ملك هبطوا يريدون القتال مع الحسين بن علي (عليهما السلام) فلم يؤذن في القتال، فرجعوا في الاسدندان و هبطوا و قد قتل الحسين (عليه السلام) فهم عنده قبره شعث غير يبكونه الى يوم القيامة و رئيسهم ملك يقال له منصور؛ به درستی که چهار هزار فرشته به قصد جنگیدن به همراه حسین بن علی (علیهما السلام) از آسمان هبوط کردند ولی به آنها اجازه داده نشد در جنگ شرکت کنند. آنها برای گرفتن اجازه به آسمان برگشته و دوباره به زمین هبوط کردند. ولی زمانی رسیدند که حسین (علیه السلام) کشته شده بود. و از آن پس این ملائک با حالت ژولیده و غبارآلود در نزد قبر حسین (علیه السلام) باقی ماندند و تا روز قیامت برای او گریه می کنند و رئیس آنان فرشته ای است که منصور نامیده می شود.» (1)

غبار آلودن بودن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

ام سلمه همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می گوید:

«خرج رسول الله منع ندنا ذات ليلة فغاب عنا طويلاً ثم جاءنا و هو اشعث اغبر و يده مضمومة قلت يا رسول الله ما لي اراک شعثاً مغبراً. فقال اسرى بي في هالوقت الى موضع من العراق يقال له كربلا فاريت فيه مصرعاً لحسين ابني و جماعة من ولدي و اهل بيتي فلم ازل القط دماءهم فها هي في يدي و سببها الى فقال خذيها و احتفظي بها فاخذتها فاذا هي شبه تراب احمر...؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شبی از نزد ما خارج شد و غیبت

طولانی نمود، سپس نزد ما آمد در حالی که آشفته موی و خاک آلود و دستانشان بسته بود، به ایشان عرض کردم: ای رسول خدا! چه می بینم، شما پریشان مو و خاک آلودید؟

حضرت فرمودند: در این وقت به سوی مکانی از عراق برده شدم که به آن کربلا گفته می شود، پس مقتل فرزندانم حسین (علیه السلام) و جماعتی از فرزندان و اهل بیت را مشاهده کردم، همواره خون هایشان را جمع می کردم و الآن در دست من است، دست خود را به طرف من باز نموده و فرمود: بگیر آن را و نگهداری کن، پس دیدم آن را که شبیه خاکی سرخ بود.» (1)

طبیعتاً باید مصیبت بر انسان وارد شود تا در غم آن بنشیند و خاک بر سر ریزد و اما چه غمی است که قبل از واقعه کربلا عقل اول و اشرف مخلوقات و واسطه خلقت و حبیب خدا و خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) بر سر و روی خویش خاک ریختند.

2: عن الصادق (علیه السلام): اذا اردت زیارة الحسین (علیه السلام) فزره و انت کئیب حزین مکروب، شعث مغتبر، جائع عطشان، فان الحسین (علیه السلام) قتل حزیناً مکروباً شعثاً مغتبراً جائعاً عطشاناً...

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرگاه اراده کردی امام حسین (علیه السلام) را زیارت کنی، با خاطر افسردگی و شکسته حال و محزون او را زیارت کن و در حالت شدت غم [و اندوهی که راه نفس را می گیرد] باش و ژولیده و غبار آلود و گرسنه و تشنه او را زیارت کن. چرا که حسین (علیه السلام) در حالتی که محزون و غم زده بود و با حال شدت غم [و اندوه نفس گیر] شهید شد ژولیده و غبار آلود و گرسنه و تشنه کشته شد... (2)

3: از امام رضا (علیه السلام) نقل شده که فرمود: از امام صادق (علیه السلام) از زیارت امام حسین (علیه السلام) سؤال شد فرمود که:

1- بحار الانوار، ج 44، ص 239؛ اعلام الوری، ص 219؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 193.

2- کامل الریارات، باب 48، ح 376.

« إِنَّ حَوْلَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ شُعْثًا غُيْرًا يَبْكُونَ عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ همانا هفتاد هزار فرشته و ملائکه تا روز قیامت در کنار مصجع نورانی سیدالشهدا (علیه السلام) غبارآلود، دائماً در حال گریه و ماتم هستند. » (1)

4: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ (عليه السلام) إِنَّ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ هَبَطُوا يُرِيدُونَ الْقِتَالَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) فَلَمَّ يُؤَذَّنُ لَهُمْ فِي الْقِتَالِ فَرَجَعُوا فِي الْإِسْتِئْذَانِ وَ هَبَطُوا وَقَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْثٌ غُيْرٌ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَرَبَّيْسُهُمْ مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ مَنْصُورٌ؛

امام صادق (علیه السلام) فرمود: به درستی که چهار هزار فرشته به قصد جنگیدن به همراه حسین بن علی (علیهما السلام) از آسمان هبوط کردند ولی به آنها اجازه داده نشد که در جنگ شرکت کنند. آنها برای گرفتن اجازه به آسمان برگشته و دوباره به زمین هبوط کردند، ولی زمانی رسیدند که امام حسین (علیه السلام) کشته شده بود. از آن پس این ملائکه با حالت ژولیده و غبارآلود در نزد قبر امام حسین (علیه السلام) باقی ماندند و تا روز قیامت برای او گریه می کنند و رئیس آنان فرشته ای است که منصور نامیده می شود. (2)

1- وسائل الشیعه، ج 14، ص 422.

2- امالی صدوق، ص 638، مجلس 92، ح 7؛ بحار الانوار، ج 45، ص 220.

فصل چهل و ششم: مریض شدن از شدت مصیبت سیدالشهداء (علیه السلام)

از حضرت صادق (علیه السلام) در مورد تفسیر آیه: «فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ اِنِّي سَقِيمٌ» (1) پرسیدند:

فرمودند: مراد این نیست که به ستاره‌ها نظر کرد. پس گفت: مریضم.

حضرت فرمودند: بلکه در نجوم نظر کرد و حساب کرد، «فَرَأَى مَا يَحِلُّ بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام)»؛ پس دانست که بر حسین (علیه السلام) چه روی می‌دهد، چون این آیه را دید، گفت: «اِنِّي سَقِيمٌ لَمَا يَحِلُّ بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام)؛ من بیمارم و مریض شده‌ام به جهت آنچه بر حسین (علیه السلام) [از مصایب] می‌رسد. (2)

بلی، غم حسین (علیه السلام)، دوستان خدا را بیمار کرد، انبیاء را مریض گردانید.

وقتی به حضرت زکریا (علیه السلام) خبر دادند که (کهیصص) یعنی: در کربلا حسین (علیه السلام) و عترت او، توسط یزید در حالت عطش و تشنگی هلاک می‌شوند و ایشان به جز صبر کاری نخواهند کرد چون زکریا (علیه السلام) این قصه را شنید، سه روز از خانه بیرون نیامد و در ندبه و گریه و زاری بود و کسی را به نزد خود راه نمی‌داد.

آن گاه گفت: خدایا! مرا فرزندی بده و او را قره‌العین من گردان و مرا فریفته‌ی محبت او گردان و او را از من به منزله‌ی حسین (علیه السلام) نسبت به جدش گردان، پس دل مرا در مصیبت او به درد آور، همچنان که دل حبیب محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در مصیبت فرزندش به درد می‌آید. (3)

1- صافات/ 88 و 89.

2- الکافی، ج 1، ص 456، ح 5؛ بحارالانوار، ج 44، ص 220، ح 12.

3- الاحتجاج، ج 2، ص 272؛ بحارالانوار، ج 24، ص 178، ح 14؛ و ج 44، ص 223، ح 1.

فصل چهل و هفتم: سینه زدن

اشاره

سینه و لطمه زنی بر صورت و سینه از بهترین شیوه‌های عزاداری است که در سنت و سیره اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است و از مصادیق جزع، لطم می‌باشد.

لطم:

به معنای سینه زدن می‌باشد...؛ و التدام زنان: به معنای به سینه و صورت زدن زنان در مصیبت است. (1)

لطم:

به معنای این واژه در لغت عربی «ضرب الخدّ و صفحات الجسم بسیط الید» (2) «او بالكف مفتوحه» (3) که بسیاری از لغت شناسان لطم را به معنای ضربه زدن با کف دست بر سینه و سیلی زدن (4) و سایر اعصابی بدن را نیز به معنای لطم افزوده‌اند. «با پهنای دست به صورت زدن» (5). همانطور که در روایت امام باقر (علیه السلام) نیز لطم به صورت منحصر نشده، بلکه «لطم صدر» نیز افزوده شده است. (6) و همچنین «تیره و سیاه شدن صورت بر اثر ضربه» (7) معنا کرده‌اند.

سینه زنی به ویژه در میان زنان، سنت عرب است. (8)

1- لسان العرب، ج 12، ص 539.

2- العین، ج 7، ص 433.

3- لسان العرب، ج 12، ص 542؛ مجمع البحرین، ج 6، ص 162.

4- فرهنگ عمید؛ فراهیدی، العین، ج 7، ص 433؛ لسان العرب، ج 12، ص 543.

5- ازهری، تهذیب اللغه، ج 1، ص 221؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج 5، ص 250.

6- عن ابی جعفر (علیه السلام) قال: قلت له ما الجزع قال اشد الجزع الصراخ بالعویل و العویل و لطم الوجه و الصدر و جزّ الشعر من النواصی. الکافی، ج 3، ص 223؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 272.

7- لسان العرب، ج 12، ص 543؛ المنجد، ج 2، ص 1681.

8- سیاهپوشی در سوگ ائمه نور، ص 317.

کلینی به سند خود از جابر نقل می‌کند که به امام باقر (علیه السلام) عرض کرد: جزع چیست؟

حضرت فرمود: اشد الجزع الصراخ بالویل و لطم الوجه و الصدر.. شدیدترین جزع، فریاد و واویلا و صیحه و زدن به صورت و سینه است.» (1)

با استفاده از متون تاریخی متوجه می‌شویم که در عرب آن دوران و حتی قبل از شهادت امام حسین (علیه السلام) سینه زنی بسیار شایع بوده و هنگام عزاداری به سر و سینه می‌زدند. در این زمینه گزارش‌های تاریخی بسیار زیادی در دست می‌باشد، مثلاً نقل شده که زنان پیامبر نیز به همین روش، نسبت به شهادت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ابراز عزاداری نموده‌اند.

سینه زنی در تاریخ و روایات

1: ابن هشام، احمد و دیگران به سند صحیح از عایشه نقل کرده‌اند که گفت: «... رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قبض روح شد. (2) آنگاه سر او را بر بالشتی قرار دادم. در این هنگام من با زنان برخواسته و سینه می‌زدم و من به صورت خود می‌زدم. (3)

محمد سلیم اسد درباره سند این حدیث می‌گوید: این سند صحیح است. (4)

2: (فی وفاة الامام موسی بن جعفر (علیهما السلام))... و خرجت الشیعه و هی تلطم الصدور و تذرِف الدموع و خرجت السيدات من نسائهم و هن یندبن الامام (علیه السلام) و یرفعن اصواتهن بالنیاحه علیه.

در وفات امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) :

1- وسائل الشیعه، ج 2، ص 915.

2- در حالی که در دامن من قرار داشت. (ما نظر اهل سنت را در خصوص این موضوع که بر دامن عایشه بود صحیح نمی‌دانیم.)

3- مسند احمد، ج 6، ص 274؛ عبدالملک بن هشام السیره النبویه، ج 6، ص 75، ح 26391.

4- حاشیه مسند ابی یعلی، ج 5، ص 63.

شیعیان از خانه‌های خود خارج شدند در حالی که به سینه‌های خود لطمه می‌زدند و اشک‌های آنان جاری بود و بانوان بزرگ از زنان شیعیان خاج شدند، در حالی که بر امام (علیه السلام) ندبه می‌خواندند و صدای خود را به نوحه‌گری بر آن حضرت بلند می‌کردند. (1)

نکته:

همین که حدیثی علیه سینه زنی در روایات نقل نشده، نشان دهنده مباح بودن آن است. چرا که در روایات آمده است: «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی؛ همه چیزها جایز است تا زمانی که نهی ای علیه آن وارد شود»

و نیز گفته شده است: «کل شیء لک حلال، حتی تعرف انه حرام؛ هر چیزی برای تو حلال است مادامی که حرامی برای آن ندانی.»

و هم چنین: «الاشیاء مطلقه ما لم یرد علیک امر او نهی؛ اشیاء مباح می‌باشند مادامی که برای تو امر یا نهی ای در مورد آن نباشد.»

دیدگاه مسیحیان درباره سینه زنی برای امام حسین (علیه السلام)

جرجی زیدان می‌گوید:

«شکی نیست که ابن زیاد با کشتن امام حسین (علیه السلام) جرم بزرگی را مرتکب شد که فجیع‌تر از آن در تاریخ عالم واقع نشده است. و لذا باکی نیست بر شیعه که به جهت کشته شدن امام حسین (علیه السلام) اظهار تظلم کرده، بر او در هر سال بگرید، و گریبان چاک دهد، و با اظهار تأسف بر او به سینه‌های خود زند؛ زیرا او مظلومانه کشته شد.» (2)

- 1- جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، ص 144، به نقل از حیاة الامام الرضا (علیه السلام)، الشیخ باقر شریف القرشی، منشورات سعید بن جبیر، ج 1، ص 92. نقل از نرم افزار المعجم الفقهی.
- 2- پرسش و پاسخ پیرامون حماسه عاشورا، ص 49 به نقل از: تاریخ النیاحه، ج 2، ص 30.

آنطوان بارا در این باره می‌گوید:

«مشاهده می‌کنم که عزاداری سهم زیادی در تحول ذهن و ضمیر انسان‌ها دارد؛ زیرا شما با این کار واقع عاشورا را بدون آنکه به کسی آزار رسانید مجسم می‌نمایید، و این برای شما ذخیره‌ای ایمانی در طول زندگانی از خود به جای می‌گذارد؛ تو هنگامی که به خود می‌زنی گویا نفست را عقاب معنوی می‌نمایی که چرا در زمان یاری حسین (علیه السلام) نبودی، و این به معنای آن است که تو الآن آماده جانفشانی هستی، و هر آنچه را که داری در راه ملحق شدن به قافله حسینی صرف می‌نمایی.» (1)

استفتاء

حکم سینه زدن، خراشیدن و سیلی زدن به صورت در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) چیست؟

بسمه تعالی: هر چه که عنوان جزع بر آن منطبق شود، ثواب و اجر دارد، هر چند که موجب ضرر جانی شود [ولیکن نباید به حد جنایت برسد] و مؤمنین باید با تمام وجود با شرکت در مجالس با گریه و سینه زنی شدید، هر چند که به سیاهی یا خون مردگی دچار شوند، مجالس و فیات اهل بیت (علیهم السلام) را با عظمت برگزار نمایند. (2)

بعضی از عزاداران حسینی به گونه‌ای سینه می‌زنند که گاهی مشاهده می‌شود از محل سینه زدن خون خارج می‌شود، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: سینه زدن شدید به دلیل حزن و جزع بر سید الشهداء و اهل بیت (علیهم السلام) مطلوب است و هر کاری که عنوان جزع بر آن منطبق شود، مطلوب می‌باشد و اما در مورد سؤال مطرح شده، سینه زنی اگر منجر به ضرر جانی شود، مانعی ندارد و لیکن

1- پرسش و پاسخ پیرامون حماسه عاشورا، ص 49 به نقل از: مجله المنبر، سال 1421ق.

2- شعائر حسینی، میرزا جواد تبریزی، ص 24.

نباید به حد جنایت برسد. در حفظ شعائر تلاش کنید که بهترین ذخیره آخرت است، به حرف مشککین گوش ندهید که القاء شیطان می-
باشد. (1)

1- شعائر حسینی، میرزا جواد تبریزی، ص 25.

فصل چهل و هشتم : لطمه زنی

اشاره

لطم:

به معنای این واژه در لغت عربی «ضرب الخدّ و صفحات الجسم بسیط الید» (1) «او بالكف مفتوحه» (2) که بسیاری از لغت شناسان لطم را به معنای ضربه زدن با کف دست بر سینه و سیلی زدن (3) و سایر اعصاب بدن را نیز به معنای لطم افزوده‌اند. «با پهنای دست به صورت زدن» (4). همانطور که در روایت امام باقر (علیه السلام) نیز لطم به صورت منحصر نشده، بلکه «لطم صدر» نیز افزوده شده است. (5) و همچنین «تیره و سیاه شدن صورت بر اثر ضربه» (6) معنا کرده‌اند.

روایات لطمه زنی

1: لطمه به صورت زدن فاطمیات

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

«... و لقد شققن الجيوب و لظمن الخدود الفاطمیات علی الحسین (علیه السلام) و علی مثله فلظم الخدود و شققن الجيوب؛

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: ... و هر آینه زنان فاطمی در

1- العین، ج 7، ص 433.

2- لسان العرب، ج 12، ص 542؛ مجمع البحرین، ج 6، ص 162.

3- فرهنگ عمید؛ فراهیدی، العین، ج 7، ص 433؛ لسان العرب، ج 12، ص 543.

4- ازهری، تهذیب اللغه، ج 1، ص 221؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج 5، ص 250.

5- عن ابی جعفر (علیه السلام) قال: قلت له ما الجزع قال اشد الجزع الصراخ بالعویل و العویل و لطم الوجه و الصدر و جزّ الشعر من النواصی. الکافی، ج 3، ص 223؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 272.

6- لسان العرب، ج 12، ص 543؛ المنجد، ج 2، ص 1681.

شهادت امام حسین (علیه السلام) گریبان‌ها را دریدند و بر صورت‌ها لطمه زدند و بر مانند حسین (علیه السلام) باید به صورت‌ها لطمه بزنند و گریبان‌ها و یقه‌ها چاک دهند.» (1)

عده‌ای می‌گویند: این حدیث از نظر سند ضعیف است؛ ولی عمل فقهای امامیه به آن در مورد احکام کفاراتی که در آن مطرح شده و نیز استناد فقها به آن در مورد عزاداری ائمه اطهار (علیهم السلام) و امام حسین (علیه السلام) ضعف سند را جبران می‌کند. چنان که مشهور فقها، قائل به جبران ضعف سند به واسطه شهرت هستند. (2)

صاحب جواهر در باب کفارات کتاب «ظهار» در مورد این روایت می‌گوید: ضعف خبر خالد بن سدیر با آنچه از عدم خلاف و ادعای اجماع سید مرتضی در «انتصار» شنیدی، جبران شده است. (3)

همچنین آیت الله خوبی (قدس سره) می‌نویسد: فقهای امامیه حرمت انجام این امور را [لطمه زدن، گریبان چاک کردن و ...] در مصیبت ائمه و امام حسین (علیهم السلام) استثناء کرده‌اند و در این زمینه به آنچه زنان بنی هاشم از لطمه زدن به صورت و گریبان چاک کردن برای امام حسین (علیه السلام) انجام داده‌اند، استناد کرده‌اند. چنان که در روایت خالد بن سدیر وارد شده است. (4)

دلالت این روایت بر جواز کارهایی مانند لطمه و گریبان چاک زدن در عزای امام حسین (علیه السلام) روشن است؛ چرا که در این روایت ابتدا عمل زنان فاطمی در گریبان چاک کردن و لطمه زدن در مصیبت امام حسین (علیه السلام) ذکر شده و سپس قاعده‌ای کلی ارائه شده که در چنین مصیبتی شایسته است بر گونه‌ها لطمه زده شود و

1- تهذیب الاحکام، ج 8، ص 325؛ وسائل الشیعه، ج 15، ص 583؛ وسائل الشیعه، ج 22، ص 402؛ جامع الاحادیث، ج 3، ص 492.

2- سلوک ماتم، ص 206.

3- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج 33، ص 86.

4- خوبی، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، ج 9، ص 235.

گریبان‌ها چاک گردد. این کلام به زمان یا مکان خاصی مربوط نیست و دلیلی بر تخصیص آن به موردی خاص وجود ندارد.

حضرت رجحان لطمه زدن و گریبان دریدن در عزای سیدالشهدا (علیه السلام) را بیان می‌دارند و با تعبیر «تلطم؛ زده می‌شود» و «شقق؛ دریده می‌شود» چنین بیان می‌دارند که گویا دائماً چنین بوده و این سنتی است دیرینه که در این عزا، چنین شود.

صاحب کتاب شفاء الصدور ذیل این حدیث می‌نویسد: و از این حدیث، شرف و جلالت خاندان عصمت معلوم می‌شود که امام (علیه السلام) به فعل دختران علی و فاطمه (علیهما السلام) در روز عاشورا احتجاج می‌کند تا دلالت کند بر اینکه در آن حالت هم کاری که از قانون شرع بیرون باشد نکرده‌اند و فعل ایشان، دلیل جواز است، چه در منزل و حی تربیت شده و در خانه نبوت نشو و نما کرده و از پستان عصمت و طهارت ارتضاع فرموده‌اند: سلام الله علیهم اجمعین. (1)

2: دیدن حضرت سکینه (علیها السلام) در رؤیا مادرش حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را به این حالت که:

«فلطمت علی وجهها و نادت و ولداه...؛ حضرت زهرا (علیها السلام) در عزای امام حسین (علیه السلام) بر صورت خویش لطمه زد و صدای ناله‌اش به وای پسر بلند بود.» (2)

3: «فی روایة حیث ینقل حدیث الحسین (علیه السلام) مع اخته زینب (علیها السلام) - ثم لطمت وجهها و هوت الی جبینها فشقته و خرت مغشیا علیها؛

شیخ مفید طبق روایتی بعد از گفتگوی امام حسین (علیه السلام) با حضرت زینب (علیها السلام) چنین نقل می‌کند: حضرت زینب (علیها السلام) بر صورت زدند و گریبان دریدند و به زمین افتاد در حالی که غش کرده بودند، افتادند» (3)

1- شفاء الصدور، ص 538.

2- لهوف، ص 198؛ بحار الانوار، ج 42، ص 199.

3- بحار الانوار، ج 45، ص 2؛ الارشاد، ج 2، ص 93؛ الاحتجاج، ج 2، ص 307؛ اعلام الوری، ص 239؛ ملهوف، ص 177؛ مشیر الاحزان، ص 100.

4: «فلما خطب هذه الخطبه و سمعت بناته و اخته زينب كلامه بكين و ندبن و لطنن خدودهن و ارتفعت اصواتهن فوجه اليهن...؛ هنگامي که سيدالشهدا (عليه السلام) مقابل لشکر دشمن خطبه خواندند، چون دختران و خواهرش زينب (عليها السلام)، کلام ابي عبدالله (عليه السلام) را شنيدند اشک ريختند و بلند گريه کردند و لطمه زدند و صداهايشان بلند شد...» (1)

5: «فلما نظرت النسوة الى القتلى صحن و ضربن و جوههن؛ هنگامي که چشم زنان به کشتگان افتاد شيون کردند و بر صورتشان لطمه زدند...» (2)

اين در حالي است که هرگز امام سجاد (عليه السلام) که همراهشان بود به عمل آنان اعتراض نکرد.

6: «و جلس الحسين فرقد ثم استيقظ فقال: يا اختاه اني رأيت الساعة جدي محمداً و ابي علياً و امي فاطمه و اخي الحسن (عليهم السلام) و هم يقولون يا حسين انك رائح الينا عن قريب. قال الراوي: فلطمت زينب و جهها و صاحت و بكت؛ هنگامي که امام (عليه السلام) در خيام لحظه‌اي به خواب می‌روند. هنگامي که از خواب برخاست فرمود: خواهرم! الآن جدم رسول (صلى الله عليه و آله و سلم)، پدرم علي (عليه السلام)، مادرم فاطمه زهرا (عليها السلام) و برادرم امام حسن (عليه السلام) را در خواب ديدم که آنها همگي به من گفتند: حسين جان! به زودي نزد ما خواهی آمد.

راوی گفت: هنگامي که حضرت زينب (عليها السلام) اين سخن را شنيد بر صورت خود سيلی زد و با صدای بلند شروع به گريستن نمود...» (3)

علاوه بر اين که فعل حضرت زينب (عليها السلام) فعل معصوم (عليه السلام) می‌باشد؛ همه این موارد در مقابل امام معصوم (عليه السلام) صورت پذيرفته و حضرت هيچ نهي ای نمی‌فرمايند؛ لذا تقرير معصوم (عليه السلام) مهر تأييد ديگري است بر آن؛ بلکه طبق روايت «تهذيب الاحكام» امام

1- ملهوف، ص 162؛ معالی السبطين، ج 1، ص 351.

2- بحار الانوار، ج 45، ص 58.

3- ملهوف، ص 166.

صادق (علیه السلام) امر به لطمه زدن در این مصیبت فرموده است. همچنین در مقامی که حورالعین در عالم ملکوت لطمه می‌زنند، جای هیچ‌گونه اعتراضی نیست.

7: لطمه زدن حورالعین در عزای سیدالشهداء (علیه السلام)

در زیارت ناحیه مقدسه آمده:

«برزن من الخدور، ناشرات الشعور علی الخدود، لاطمات ... و اختلفت جنود الملائكة المقربین، تعزی اباک امیر المؤمنین و اقیمت لک المآتم فی اعلی علیین، و لطمت علیک الحورالعین، و بکت السماء و سکانها و الجنان و خزائنها و الهضاب و اقطارها و الارض و اقطارها، و البحار و حیتانها و مکه و بنیانها و الجنان ولدانها و البیت و المقام و المشعر الحرام و الحل و الحرام؛ بانوان حرام از حریم و پناهگاه خیمه ها خارج شدند و در حالی که موها پریشان کرده بودند و بر گونه‌های خود لطمه می‌زدند ... و لشکریان ملائک مقربان الهی به آمد و شد پرداختند تا بر پدرت امیر المؤمنین (علیه السلام) تعزیت بدهند. و برای تو در اعلی علیین مجالس ماتم و عزا بر پا داشته شد و حورالعین در عزای تو بر خود لطمه زدند و آسمان‌ها و ساکنان آن‌ها و بهشت‌ها و خزانه داران آن‌ها و کوه‌ها و گوشه گوشه‌های آن‌ها و دریاها و ماهیان آن‌ها و بهشت‌ها و فرزندان بهشتی آن‌ها و خانه خدا و مقام ابراهیم و مشعر الحرام و خارج حرم و داخل حرم در مصیبت تو گریه کردند».

(1)

دلیل بر جواز لطمه زدن علاوه بر حدیث بالا، فرموده حضرت بقیت الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

است که در زیارت معروفه از حال بانوان معظمت فاطمیات و مجللات علویات حکایتی فرموده: «لاطمات الوجوه» (2)

1- بحار الانوار، ج 98، ص 322 و 323؛ المزار الکبیر، ابن مشهدی، ص 506.

2- بحار الانوار، ج 98، ص 322.

ابن قولویه نقل کرده که: حورالعین در اعلیٰ علین بر حسین (علیه السلام) به سینه و صورت زدند. (1)

سر مطلب:

شاید سر مطلب این باشد که تمام عالم از نور ائمه (علیهم السلام) خلق شده‌اند مخصوصاً اینکه طبق حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حوریان بهشتی از نور امام حسین (علیه السلام) آفریده شده‌اند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) صدر ضمن حدیثی می‌فرماید:

فتق نور الحسین (علیه السلام) فخلق منه الجنان و الحور العین و الحسین و الله افضل من الحور العین؛ خداوند متعال نور امام حسین (علیه السلام) را گشود و از آن بهشت و حوریان را آفرید و به خدا سوگند که امام حسین (علیه السلام) از حورالعین افضل است؛ (2) لذا حوریان بهشتی عزاداری را وظیفه خودشان می‌دانند؛ زیرا وجودشان را مدیون امام حسین (علیه السلام) هستند. (3)

8: امام رضا (علیه السلام) در جمع یاران نشسته بودند و خانواده حضرت در پشت پرده بودند که دعبل خزاعی این اشعار را در مصیبت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) خواند:

فاطم لو خلت الحسین مجدلاً و قد مات عطشاناً بشط فرات

اذن لطمت الخد فاطم عنده و اجریت الدمع العین فی الوجنات

«ای فاطمه! اگر حسینیت را با آن وضع می‌دیدی که لب تشنه کنار شط فرات جان سپرد.

اگر می‌دیدی در کنارش به صورت خود لطمه می‌زدی و قطرات اشک به گونه‌ات جاری می‌ساختی.

1- کامل الزیارات، ص 80؛ بحارالانوار، ج 45، ص 201.

2- بحارالانوار، ج 40، ص 43.

3- بزرگترین مصیبت عالم، ص 90-91.

سپس امام رضا (علیه السلام) دعبل را مورد تشویق قرار داد و صله‌ای به او عطا فرمود و برایش دعا کرد. (1)

امام رضا (علیه السلام) به وی نفرمود: تو چگونه این مطلب را فهمیدی؟! چرا که تعبیری مسامحی است که هر کس مصیبتی بزرگ بر او وارد شده، آن را می‌گوید.

9: «فلما خطب هذه الخطبه و سماع بناته و اخته زينب كلامه بكين و ندبن و لظمن و ارتفعت اصواتهن فوجه اليهن اخاه العباس و عليا ابنة و قال لهما سكتاهن فلعمري ليكثرن بكاءهن؛ هنگامی که امام حسین (علیه السلام) این خطبه را خواند و دخترانش و خواهرش حضرت زینب (علیها السلام) آن را شنیدند گریه کردند و ندبه کردند و به گونه‌های خود لطمه زدند و صدای آن‌ها بلند شد و آن‌گاه امام حسین (علیه السلام) برادرش حضرت عباس (علیه السلام) و فرزندش حضرت علی اکبر (علیه السلام) را به سوی آن بانوان فرستاد و به برادر و فرزند خود فرمود: آن بانوان را ساکت کنید به جان خودم قسم گریه آنها بعد از این بسیار زیاد خواهد بود...» (2)

10: ابومخنف نقل می‌کند از راوی که گوید:

«... نظرت الی تلك النسوة لما مرر بالحسين و اهله و ولده و هم صعی تسفی علیهم الريح، فصحن و لظمن و جوههن؛ نگاه کردم به آن بانوان در حالی که بر حسین (علیه السلام) و خاندان و فرزندانش گذر کردند؛ در حالی که آن‌ها کشته شده و بر زمین افتاده بودند و بادها بر بدن آنان می‌وزید، پس آن بانوان فریاد غم سر دادند و به صورت‌های خود لطمه زدند...» (3)

11: در ورود اهل بیت (علیهم السلام) به مدینه آمده است:

1- کشف الغمه، ج 2، ص 321؛ خورشید مهربانی؛ بحار الانوار، ج 45، ص 257؛ منتخب طریحی، ص 27.

2- معالی السبطين، ج 1، ص 351.

3- عبرات المصطفین، ج 2، ص 222.

«... فبما كان الا ساعة و اذا قد اتت نساء اهل المدينة فتلقتهن نساء الحسين بلطم يكاد الصخر يتصدع اليه؛ ساعتی نگذشت که زنان اهل مدینه آمدند و بانوان حسین (علیه السلام) با آنان روبرو گردیدند، در حالی که چنان به خود لطمه می زدند که نزدیک بود سنگ از چنین لطمه ای قطعه قطعه شود.» (1)

12: بانوان در مجالس زنانه موها را پریشان کنند

فی ورود اهل البیت بکربلا: و اما ام کلثوم فقد نشرت شعرها و لطمت خديها و نادت برفيع صوتها: اليوم مات جدی محمد المصطفى (صلی الله علیه و آله و سلم)، اليوم مات ابی علی المرتضی (علیه السلام)، اليوم ماتت امی فاطمه الزهرا (علیها السلام)، اليوم جل الثکل بالزهرا (علیها السلام)، و باقی النساء لاطمات نادیات ناعیات...؛

در قضیه ورود اهل بیت به کربلا:

حضرت ام کلثوم (علیها السلام) موهای خود را پریشان کرد و بر گونه های خود لطمه زد و با بلندترین صدای خود ندا سر داد: امروز جدم محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفت! امروز پدرم علی مرتضی (علیه السلام) از دنیا رفت! امروز مادرم فاطمه زهرا (علیها السلام) از دنیا رفت! امروز مصیبت مرگ فرزند بر زهرا (علیها السلام) وارد شد! [و او به فرزند خود داغ دیده گشت] و بقیه بانوان به خود لطمه می زدند و ندبه می کردند و از شهادت امام حسین (علیه السلام) خبر می دادند [و مرثیه می خواندند]. (2)

13: قال بشیر فرکت فرسی و رکضت حتی دخلت المدینه فلما بلغت مسجد النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) رفعت صوتی بالبکاء فانشأت اقول: یا اهل یثرب لا مقام لکم بها... قال فما بیت فی

1- معالی السبطين، ج 2، ص 195.

2- جلوه های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، ص 143 به نقل از: معالی السبطين، ج 2، ص 187.

المدينة محذرة و لا محجة الا برزن من خدودهن مكشوفة شعورهن مخمشة و جوههن ضاربات خدودهن يدعون بالويل و الثبور...؛

بشیر گوید: سوار بر اسبم شدم و آن را به سرعت راندم تا و ارد شهر مدینه شدم. هنگامی که به مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیدم صدایم را به گریه بلند کردم این ابیات شعر را بخوانم: «ای اهل مدینه! دیگر در مدینه جایگاهی برای شما نیست...»

در این هنگام احدی از بانوان پرده نشین و بانوان محجبه باقی نماند مگر آنکه از پس پرده و حریم خود خارج شدند و زنان مدینه از خانه- های خود بیرون آمدند، در حالی که موهای آنان مکشوف بود و به صورت های خود پنجه می کشیدند و بر گونه های خود ضربه می زدند و فر یاد واویلا و واثورا سر می دادند [و از شدت حزن این واقعه مهلک و مصیبت بار شکایت و استغاثه می کردند]. (1)

فتاوی علمای و مراجع بزرگ تقلید

1: صاحب جواهر (قدس سره) فرموده است: از حرمت جزع استثنا می شود (جزع، لطمه زنی بر سر و صورت و سینه و فریاد زدن و...) به خاطر روایاتی که گذشت.

2: آیت الله نائینی (2) (قدس سره) درباره مسائل عزاداری سیدالشهدا (علیه السلام) فتاوی معروفی دارند که پس از ایشان مراجع بزرگ تقلید آن را تأیید کرده و درستی و صحت آن را از واضحات شریعت دانسته اند. ایشان فرموده اند:

بر سر و سینه و صورت زدن به حدی که به مرتبه سرخی عضو یا سیاهی رسد اشکالی ندارد، بلکه اگر موجب شود که خون کمی از عضو صدمه دیده بیاید اشکالی ندارد. (3)

1- جلوه های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، ص 150، ح 6.

2- فتاوی معروف معظم له در فصل و بخشی جداگانه به طور کامل همراه با فتاوی مراجع دیگر در تأیید آن می آید.

3- الدعاه الحسینیه، ص 105.

پس از این فتوا، علمای بزرگی چون آیت الله سیدعبدالهادی شیرازی، آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی، آیت الله سید محسن حکیم، آیت الله سید محمود شاهرودی، و بسیاری از علمای دیگر فتوا را تأیید کرده‌اند. (1)

3: آیت الله میرزا جواد تبریزی (قدس سره):

لطمه زدن و پوشیدن لباس سیاه از شعائر اهل بیت (علیهم السلام) است... و هر کس در تضعیف این شعائر تلاش کند در حق اهل بیت (علیهم السلام) گناه کرده است. (2)

1- الدعاه الحسینیه، ص 110.

2- الانوار الالهیه، ص 152.

فصل چهل و نهم: موی پریشان نمودن

فی ورود اهل البيت بكریلا: و اما ام كلثوم فقد نشرت شعرها و لطمت خديها و نادت برفيع صوتها: اليوم مات جدی محمد المصطفى (صلى الله عليه و آله و سلم)، اليوم مات ابى على المرتضى (عليه السلام)، اليوم ماتت امی فاطمه الزهرا (عليها السلام)، اليوم جل الشكل بالزهرا (عليها السلام)، و باقى النساء لاطمات ناديات ناعيات ...؛

در قضیه ورود اهل بيت به كریلا:

حضرت ام كلثوم (عليها السلام) موهای خود را پریشان کرد و بر گونه‌های خود لطمه زد و با بلندترین صدای خود ندا سر داد: امروز جدم محمد مصطفی (صلى الله عليه و آله و سلم) از دنیا رفت! امروز پدرم على مرتضى (عليه السلام) از دنیا رفت! امروز مادرم فاطمه زهرا (عليها السلام) از دنیا رفت! امروز مصیبت مرگ فرزند بر زهرا (عليها السلام) وارد شد! [و او به فرزند خود داغ دیده گشت] و بقیه بانوان به خود لطمه می‌زدند و ندبه می‌کردند و از شهادت امام حسین (عليه السلام) خبر می‌دادند [و مرثیه می‌خواندند]. (1)

امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در زیارت ناحیه مقدسه (2) فرمودند:

«و اسرع فرسك شارداً الى خيامك قاصداً محمهما باکيا فلما راين النساء جوادک ... برزن من الخدور للشعور ناشرات و للخدود لاطمات و للوجوه سافرات و بالعويل داعيات؛ در این هنگام اسب تو شیون کنان و شیهه کنان با سرعت به سوی حرمت

1- جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، ص 143 به نقل از: معالی السبطين، ج 2، ص 187.

2- درباره زیارت ناحیه مقدسه و اعتبار آن فصلی جداگانه به آن می‌پردازیم.

بازگشت، زنان که این صحنه را دیدند از خیمه‌ها بیرون آمدند در حالی که موهایشان پریشان بود بر سر و صورت خود می‌زدند و با صدای بلند گریه و شیون می‌کردند» (1).

سؤال:

چگونه ممکن است اهل بیت (علیهم السلام) با این خصوصیات موجود در زیارت ناحیه از خیام حرم (در حالی که موهای خود را پریشان کرده بودند و ... خارج شده و به طرف مقتل حرکت کرده باشند؟

اول: «خرجن» که در زیارت ناحیه آمده، مستلزم آن نیست که عیالات اهل بیت (علیهم السلام) مخالف تکلیف شرعی را عمداً مرتکب شده باشند.

دوم: اهل بیت (علیهم السلام) به خاطر شدت مصیبت و دیدن سر بریده امام حسین (علیه السلام) در زیر حجاب موهای خود را پریشان کردند و بر سر و صورت زدند و در همان حال به سوی قتلگاه حرکت کردند.

سوم: اگر خروج اهل بیت (علیهم السلام) از خیام با آن حالت گیسوان پریشان کرده در حالی که حجاب نداشته بودند واقع می‌شد، دشمنان آن را ماده تاریخ می‌کردند و این واقعه را نقل کرده و بهانه قرار می‌دادند و می‌گفتند: ببینید خاندان اهل بیت (علیهم السلام) این-گونه عمل کردند، بلکه آنان در حالی که زیر حجاب، موها را پریشان کرده بودند خارج شدند.

چهارم: این گونه تعبیر در این زیارت مقدسه، حکمی از عظمت ظلمی است که در حق اهل بیت (علیهم السلام) روا شد و حاصل ما وقع، در زیارت ناحیه مقدسه نقل شده است.

پنجم: خروج زنان در اطراف خیام، هنگامی واقع شد که اسب بی صاحب سیدالشهدا (علیه السلام) کنار خیام آمد و با دیدن اسب خونی، عیالات حضرت (علیه السلام) در خیام و اطراف آن شروع به شیون کردند و این عمل از دید دیگران پنهان بود؛ زیرا سیدالشهدا (علیه السلام) خیام حرم را طوری قرار داده بود که حرم اهل بیت (علیهم السلام) در معرض دید نباشد.

ششم: در مقتل بدین نحو نقل شده است: هنگامی که خواهران و دختران اهل بیت (علیهم السلام) اسب بی صاحب امام (علیه السلام) را دیدند، فریاد و شیون و زاری برآوردند ام کلثوم دست بر سر نهاد، فریاد زد: وامحمداه، واجداه و... و فریاد زد این حسین است که بر زمین افتاده، سرش از قفا بریده شده و عمامه و ردایش به یغما رفته است... و همچنین آمده است: دختران رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) از حریم خیمه‌ها بیرون آمدند و گریستند و در فراق حامیان و عزیزان خود شیون کردند، آن‌گاه است: «خرجن من الخدور ناشرات الشعور علی الخدود لاطمات» (1) که نشر شعر (در حالی که زیر حجاب انجام دادند) بر سر و صورت می‌زدند و به اطراف قتل‌گاه حرکت کردند. (2)

آیا پریشان نمودن موهای سر، شایسته اهل حرم حسینی است؟

این که حضرت زینب (علیها السلام) و زن‌های دیگر در حرم حسینی (علیه السلام) هنگام دیدن بدن بی سر امام حسین (علیه السلام) از شدت مصیبت، موی سر پریشان کردند و به صورت زنان از خیمه‌ها بیرون دویدند آیا این کار شایسته اهل خیم حرم حسینی است؟ آنان برای ادعای خود به فرازی از زیارت ناحیه مقدسه استناد جسته و می‌گویند:

هنگامی که بانوان حرم، اسب تیزپایت را خوار و زبون دیدند و زین آن را بر آن واژگون یافتند، از پس پرده‌ها (ی خیمه) خارج شدند، در حالی که گیسوان بر گونه‌ها پراکنده نمودند، بر صورت‌ها لطمه زدند و نقاب از چهره‌ها افکنده بودند.

«فلما رأین النساء جوادک مخزياً و نظرن سرجک علیه ملویا بزرن من الخدور، ناشرات الشعور، علی الخدود لاطمات، الوجوه سافرات» (3)

پاسخ:

1- فرازی از زیارت ناحیه مقدسه.

2- شعائر حسینی، ص 120-122، تبریزی.

3- المزار، ص 504، فرازی از زیارت ناحیه مقدسه، محمد بن جعفر المشهدی (قرن ششم).

1: با دقت در متن بالا مشاهده می‌شود که شبهه‌کننده متن عربی را به نحوی قرائت کرده و سپس ترجمه نموده که معنای مورد نظرش را تأمین کند، شبهه‌کننده متن را چنین خوانده: «ناشرات الشعور علی الخدود» (زن‌ها در حالی که موهای خود را پریشان نموده و بر صورت‌های خود ریخته بودند از خیمه‌ها بیرون ریختند) در این صورت الزاماً پریشان نمودن موها به معنای آشکار نمودن آنهاست، در حالی که اگر جمله را به شکل صحیح بخوانیم و ترجمه کنیم الزاماً چنین معنایی را نخواهد داشت: «ناشرات الشُّعُورِ، علی الخدودِ لِاطْمَاتٍ» (زن‌ها با موهای پریشان، لطمه زنان از خیمه‌ها بیرون ریختند).

2: همان‌گونه که اشاره شد در صورتی پریشان کردن گیسو به معنای آشکار نمودن آنها خواهد بود که متن عربی را به صورتی که بالاتر گفته شد بخوانیم؛ در حالی که ممکن است گیسوان را از زیر چادر و با حجاب کامل به نشانه مصیبت و اندوه باز و پریشان کنند؛ چنان که امروزه نیز این شیوه میان زنان عرب مرسوم می‌باشد.

3: باتوجه به مکان خیمه‌گاه و مسافت زیادی که با لشکرگاه دشمن داشت، حتی اگر زنان به هنگام دیدن اسب امام حسین (علیه السلام) موهای خود را آشکار کرده و به عزاداری پرداخته باشند باز هم به این معنا نیست که این کار در برابر دیدگان نامحرمان صورت گرفته باشد.

4: در زبان عربی «خِدر» به مطلق پوشش و حفاظ برای زن گفته نمی‌شود؛ بلکه به پوششی گفته می‌شود که اندرون خانه برای زن نصب می‌شود و او را از دید نامحرمان مصون می‌سازد؛ (1) بنابراین ترجمه «با موهای پریشان از پشت پرده (خُدور) خارج شدند»، الزاماً به معنای در معرض دید همگان قرار گرفتن نیست؛ بلکه بنا به رسم عرب آن روز و حتی امروز هنگامی که زن به اوج نامیدی و یأس از بازگشت عزیز سفر کرده خود می‌رسید و چنان داغی بر دلش می‌نشست که دیگر امید لبخندی بر لبان

1- والخدر به الكسرِ سترٌ للجارية في ناحية البيت. لسان العرب، ج4، ص 230. محمد بن مكرم بن منظور الافريقي المصري، 711ه. دارصادر، بيروت، الطبعة الاولى.

خود نداشت، در چنین حالی گیسوان بسته و آراسته خود را باز و پریشان می‌کرد تا با این کار خود، وارد شدن مصیبتی داغ و سنگین را خبر دهد و این کار می‌تواند در برابر نزدیکان و اقارب محرم خویش صورت گیرد و سپس زیر پوششی همچون روسری یا مقنعه قرار گیرد. به عبارت دیگر در قدیم الایام، آرایش موی زنان به بستن (یا بافتن) مو بود که در شادی‌ها موهای خود را چنین کرده و هنگام عزا و سوگواری به نشانه عزا، آن را باز کرده و تا هنگامی که سوگوار بودند آن را نبسته و بر آن شانه نمی‌زدند، بلکه مقنعه یا روسری خود را روی موهای خود می‌بستند، نه این گونه که باموهای باز و سرلخت جلوی نامحرمان بیرون آیند.

5: همان‌گونه که در گریبان چاک زدن زنان انصار برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) افتاق افتاده و نه تنها با اعتراض حضرت روبرو نگشتند، بلکه مشمول دعای خیر حضرت گردیدند. (1)

1- شبها عذارى، عصیری، ج 1، صص 466-469.

فصل پنجاهم : گریبان چاک زدن

تعریف گریبان چاک زدن:

پاره کردن یقه پیراهن است که شخص ماتم زده به علت شدت مصیبت، به صورت غیر طبیعی انجام می دهد. (1)

مصیبت معصومین (علیهم السلام) به ویژه امام حسین (علیه السلام) به اندازه ای بزرگ است که حتی اهل بیت (علیهم السلام) که خود مظهر صبر خدا هستند، بی تاب می شدند و گریبان خویش را پاره می کردند.

مصیبت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) به قدری عظیم است که قبل از آن که حضرت متولد شوند، هنگامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر شهادت امام حسین (علیه السلام) را به حضرت فاطمه (علیها السلام) می دهند، ایشان بی تاب شده و گریبان خویش را پاره می کنند.

گریبان چاک نمودن حضرت زهرا (علیها السلام)

1: از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که:

«دخلت فاطمه علی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و عیناه تدمع فسألته مالک؟! فقال: ان جیرائیل اخبرنی ان امتی تقتل حسینا، فجزعت و شق علیها فاخبرها بمن یملک من ولدها فطابت نفسها و سكنت؛

حضرت فاطمه (علیها السلام) به محضر مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و چشمان مبارک ایشان را گریان دید، از آن جناب پرسید: شما را چه شده است؟

1- دهخدا، لغت نامه، ج 2، ص 2426؛ معین، فرهنگ معین، ص 923.

حضرت فرمود: جبرئیل به من خبر داده که امتم به زودی حسین (علیه السلام) را می‌کشند. پس فاطمه (علیها السلام) به جزع آمده و دست برد و جامه خود را پاره کرد.

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: یکی از فرزندان این مولود مالک امور گشته و انتقام از قاتلین خواهد گرفت. پس از این خبر حضرت فاطمه (علیها السلام) اندکی آرام و نفس مبارکش تسکین یافت.» (1)

جامه دریدن اهل حرم در هنگام اسارت

اشاره

همچنین بارها روایت شده که در شب و روز عاشورا و ایام اسارت، مخدرات حرم از شدت مصیبت، جامه دریدند و گریبان چاک زدند و همه آن‌ها در برابر امام سجاد (علیه السلام) صورت می‌گرفت.

2: در مورد حضرت زینب (علیها السلام) روایت شده است که:

«انه لما علی بن الحسین (علیهما السلام) و حرمه علی یزید لعنه و جیء براس الحسین (علیه السلام) و وضع بین یدیه فی طشت نجعل یضرب ثنایاه بمحضرة کانت فی یده ... فلما رأی زینب ذلک فاهوت الی جیبها فشقته ثم نادت بصوت حزن تفرع القلوب: یا حسینه ...» (2)

هنگامی که علی بن الحسین زین العابدین (علیهما السلام) و خانواده اش بر یزید که خداوند او را لعنت کند وارد شدند و سر حسین (علیه السلام) آورده شد و در برابر یزید در داخل طشتی گذاشته شد، او با چوب دستی به دندان‌های پیشین امام زد ... وقتی زینب (علیها السلام) آن را دید، دست به گریبان برد و آن را پاره کرد و با صدای محزون که دل‌ها را می‌سوزاند

1- کامل الزیارات، ص 57؛ بحارالانوار، ج 44، ص 233. اهل بیت (علیهم السلام) به واسطه عزاداری شیعیان بر مصائب سیدالشهدا (علیه السلام) و خبر خون خواهی امام زمان ارواحنا فداه تسکین می‌یافتند.

2- بحارالانوار، ج 45، ص 132.

فرمود: «ای حسین!» راوی گفت: به خدا قسم! هر کس را که در آن مجلس بود بگریانید. (1)

3: در مورد امام سجاد (علیه السلام) نیز وارد شده است که:

هنگام خطبه خواندن در مجلس یزید، بعد از آن که مؤذن به دستور آن ملعون شروع به اذان می‌کند و به فراز «اشهد ان محمداً رسول الله» می‌رسد امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید:

«ای یزید! بگو این محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) که نامش را به بزرگی یاد می‌کنی، جد من است یا جد تو؟ اگر می‌گویی جد توست، دروغ گفتی و کافر شدی و اگر می‌گویی جد من است پس چرا عترت او را کشتی؟ چرا پدرم را از روی ستم به قتل رساندی و مالش را غارت کردی و زنان او را اسیر نمودی؟

امام (علیه السلام) این سخنان را فرمود و آنگاه:

«واهو الی جیبه بیده فشقه ثم بکی؛ دست برد و گریبان چاک زد و گریست». (2)

4: هنگام شهادت اباعبدالله (علیه السلام) یکی از لشکریان فریاد زد که:

به خدا قسم که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را می‌بینم که دستی به محاسن دارد و دستی بر سر می‌زند. دیگری صدا زد که قسم به خدا علی بن ابیطالب (علیهما السلام) را می‌بینم که با عمامهٔ ژولیده و گریبان پاره به فرزندش نگاه می‌کند و گریه می‌نماید». (3)

در حبیب عالمی ز عزا چاک ماتم است یا رب عزای کیست که منسوب عالم است

5: امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

«... و لقد شققن الجيوب و لظمن الخدود الفاطمیات علی الحسین (علیه السلام) و علی مثله تلطم الخدود و تشق الجيوب؛ و هر آینه زنان فاطمی در شهادت حسین بن علی (علیهما السلام)

1- دمع السجوم، ص 406؛ لهوف، ص 213.

2- مقتل ابی مخنف، ص 404.

3- تذکره الشهداء، ج 2، ص 161.

گریبان‌ها را دریدند و بر صورت‌ها لطمه زدند و بر مانند حسین (علیه السلام) باید به صورت‌ها لطمه زده شود و گریبان‌ها و یقه‌ها چاک داده شود.» (1)

مرحوم علامه بحرالعلوم در این باره می‌گوید:

قل البكاء علی رزء یقل له شق الجیوب و عطّ القلب و العطب

در این مصیبت کبری و داهیه عظمی، کم است اشک ریختن و کم است پاره کردن پیراهن‌ها.

جای آن دارد که جگرها پاره پاره شود و از هم پاشد و روح‌های شیعیان از بدن بیرون رود و همه به یکباره هلاک شوند و روح‌ها بدن‌ها را خالی گذارده، بدن‌ها بی روح بمانند.» (2)

دکتر ناظر زاده کرمانی گوید:

ای یاد تو در عالم آتش زده بر جان‌ها هر جا زفراق تو چاک است گریبان‌ها

و طرب شیرازی (1276-1330ق) گفته است:

سوخت از یاد شه تشنه لبان جان و تنم نه عجب باشد، اگر چاک شود پیرهنم (3)

6: کشّی و دیگران با سندهای عدیده‌ای روایت کرده‌اند که: امام عسکری (علیه السلام) برای پدر بزرگوارش امام هادی (علیه السلام) رفته بود، در حالی که پیراهنش دریده بود.

ابن عون الابرش در نامه‌ای برای حضرت نوشت: آیا کسی از ائمه (علیهم السلام) در مثل این مصیبت پیراهنش را دریده است؟

امام عسکری (علیه السلام) در جواب نوشت: ای احمق! تو چه می‌دانی این چیست؟ موسی (علیه السلام) هم برای هارون پیراهن خود را درید.» (4)

7: شیخ مفید (قدس سره) از علی بن الحسین (علیهما السلام) نقل کرده است:

1- تهذیب الاحکام، ج 8، ص 325؛ وسائل الشیعه، ج 15، ص 583؛ جامع الاحادیث، ج 3، ص 492.

2- شرح مرآئی سید بحرالعلوم، ص 118-119.

3- مرثیه عاشورایی، ص 304 و 333. شیوه‌های یاری غریب کربلا، پاورقی، ص 99.

4- بحار الانوار، ج 50، ص 191؛ وسائل الشیعه، ج 2، ص 917، باب 84، کراهة الصیاح علی المیت، ح 5.

حضرت زینب کبری (علیها السلام) هنگامی که شنید امام حسین (علیه السلام) این ابیات را انشاد می کند:

یا دهر اف لک من خلیل کم لک بالاشراق و الاصلیل

صورت خود را خراش داد و پیراهن پاره کرد و بی هوش بر زمین افتاد. (1)

این حدیث که از فردی مانند شیخ مفید و با این خصوصیت که ایشان نزدیک به دوران معصومین (علیهم السلام) بوده نقل گردیده ویژگی و اهمیت به سزایی دارد.

* (لما نزلوا بکربلا) ... وَ جَلَسَ الْحَسَنُ بْنُ (علیه السلام) يُصَلِّحُ سَيْفَهُ وَ يَقُولُ: يَا دَهْرُ أَفِ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ ... قَالَ الرَّاوی: فَسَمِعْتُ زَيْنَبُ بِنْتُ فَاطِمَةَ (علیهما السلام) ذَلِكَ فَقَالَتْ يَا أَخِي هَذَا كَلَامٌ مَنْ أَيْقَنَ بِالْقَتْلِ فَقَالَ ع نَعَمْ يَا أُخْتَاهُ فَقَالَتْ زَيْنَبُ وَ تُكَلِّمُ يَنْعَى الْحَسَنُ بْنُ (علیه السلام) إِلَيَّ نَفْسَهُ قَالَ: وَ بَكَى النَّسْوَةَ وَ لَطَمَنَ الْخُدُودَ وَ شَقَّقَنَ الْجُيُوبَ.

سید بن طاووس در لهوف فرموده است: (هنگامی که کاران در کربلا منزل گرفت) ... امام حسین (علیه السلام) نشستند و به آماده کردن شمشیر خود و اصلاح آن مشغول بود و در این حال این شعر را می خواند: ای روزگار اف بر تو که چه بد رفیق هستی ... راوی گوید: حضرت زینب دختر حضرت فاطمه (علیها السلام) این کلمات را شنید و به آن حضرت عرضه داشت: ای برادرم! این گفتار کسی است که به کشته شدن خود یقین پیدا کرده است! آن حضرت فرمود: بله خواهرکم. زینب (علیها السلام) گفت: وای از داغ این مصیبت من! [اکنون مانند مادران فرزندان از دست داده مصیبت زده شده ام] امام حسین (علیه السلام) خبر کشته شدن خود را برای من آورده است! راوی گوید: بانوان گریه کردند و به گونه های خود لطمه زدند و گریبان ها را چاک دادند ...

وَ رَوَى مِنْ طَرِيقٍ آخَرَ أَنَّ زَيْنَبَ لَمَّا سَمِعَتْ مَضْمُونِ الْأَبْيَاتِ وَ كَانَتْ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ مُنْفَرِدَةً مَعَ النَّسَاءِ وَ الْبَنَاتِ خَرَجَتْ حَاسِرَةً تَجُرُّ تَوْبَهَا حَتَّى وَقَفَتْ عَلَيْهِ وَ قَالَتْ وَ تُكَلِّمُ لَيْتَ الْمَوْتَ أَعْدَمَنِي الْحَيَاةَ الْيَوْمَ مَا تَتْ أُمِّي فَاطِمَةَ وَ أَبِي عَلِيٍّ وَ أَخِي الْحَسَنُ يَا خَلِيفَةَ

الْمَاضِينَ وَثِمَالَ الْبَاقِينَ ... ثُمَّ أَهَوَتْ إِلَى جَيْبِهَا فَشَقَّتْهُ وَخَرَّتْ مَغْشِيَةً عَلَيْهَا فَقَامَ (عليه السلام) فَصَبَّ عَلَيْهَا الْمَاءَ حَتَّى أَفَاقَتْ...؛

و به طریق دیگری چنین روایت شده:

هنگامی که حضرت زینب (علیها السلام) مضمون این اشعار را [که امام حسین (علیه السلام) می خواند] شنید، جدای از او، همراه بانوان و دختران بود. آنگاه [از خیمه] خارج شد، در حالی که بالاپوش خود را انداخته بود و لباس هایش را بر زمین می کشید و می آمد، تا جایی که نزد امام حسین (علیه السلام) ایستاد و فرمود: وای از داغ مصیبت من! [اکنون مانند مادران فرزندان دست داده، مصیبت زده شده ام!] ای کاش مرگ به زندگی من پایان می داد! امروز از دنیا رفت، مادرم فاطمه (علیها السلام) و پدرم علی (علیه السلام) و برادرم امام حسین (علیه السلام)! ای جانشین و بازمانده گذشتگان! ای سرپرست و یاری گر در ماندگان! ... سپس دست به سمت گریبان خود برد و آن را چاک داد و بیهوش بر زمین افتاد. پس از آن امام حسین (علیه السلام) از جا برخاست و بروی خواهر خد آب ریخت تا او به هوش آمد ... (1)

8: سید بن طاووس نیز روایت کرده است: ... یزید دستور داد طنابها را پاره کنند، سپس سر حسین (علیه السلام) را در بین دستانش قرار داد و زنان پشت سر او نشستند تا این صحنه را نظاره نکنند. امام علی بن الحسین (علیهما السلام) او را دید و پس از آن هیچگاه کله (سر گوسفندی) نخورد (2)، و زینب (علیها السلام) هنگامی که آن صحنه را دید، پیراهن خود را درید و با صدایی پر از اندوه، که قلبها را به درد می آورد، ناله یا حسینه ... سر داد. (3)

9: در کتاب الدمعه الساکبه (اشک ریخته)، تألیف علامه سید هاشم بحرانی آمده است: زمانی که بنی هاشم به کربلا رسیدند - پس از بازگشت از مدینه - شروع به گریه و زاری و شیون و لطم کردند و سه روز به عزاداری پرداختند. زینب کبری (علیها السلام)

1- اللهوف علی قتلی الطفوف، ص 83-84.

2- عبارت نخوردن سر در کتاب لهوف ذکر نشده است.

3- لهوف، ج 1، ص 78.

پیراهن خویش را درید و با صدایی حزین و اندوهناک، ناله و احسیناه، وا حبیب رسول الله، وای پسر مکه و منی، ای فرزند فاطمه زهرا و ای فرزند علی مرتضی سر داد.. سپس آهی کشید و بی هوش بر زمین افتاد.

پاسخ به وهابیت

روایت زیر درباره حضرت زینب (علیها السلام) است:

«ثُمَّ وَضَعَ رَأْسَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) بَيْنَ يَدَيْهِ وَاجْلَسَ النِّسَاءَ خَلْفَهُ لِنَأَلَا يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ فَرَأَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) فَلَمْ يَأْكُلِ الرُّءُوسَ بَعْدَ ذَلِكَ أَبَدًا وَأَمَّا زَيْنَبُ فَإِنَّهَا لَمَّا رَأَتْهُ أَهْوَتْ إِلَى جَبِيهَا فَشَقَّتْهُ ثُمَّ نَادَتْ بِصَوْتٍ حَزِينٍ يُفْرِعُ الْقُلُوبَ يَا حُسَيْنَا يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللَّهِ يَا ابْنَ مَكَّةَ وَ مِنْى يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ النِّسَاءِ يَا ابْنَ بِنْتِ الْمُصْطَفَى.

قَالَ الرَّاوى: فَأَبْكَتْ وَاللَّهِ كُلُّ مَنْ كَانَ فِي الْمَجْلِسِ وَ يَزِيدُ عَلَيْهِ لَعَائِنُ اللَّهِ سَاكِتٌ. ثُمَّ دَعَا يَزِيدُ عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ بِقَضِيْبِ حَيْزُرَانَ فَجَعَلَ يَنْكُتُ بِهِ ثَنَائًا الْحُسَيْنِ (عليه السلام) ... وَ جَعَلَ يَزِيدُ يَتَمَثَّلُ بِأَبْيَاتِ ابْنِ الزُّبَيْرِ... « (1)

... یزید سر مبارک امام حسین (علیه السلام) را پیش روی خود نهاد و زنان را پشت سر خود جای داد تا آنان رفتار او را نبینند؛ به محض آن که نگاه امام سجاد (علیه السلام) به سر نازنین پدر افتاد و آن صحنه دلخراش را دید، دیگر تا پایان زندگی از گوشت تناول نفرمود، و چون حضرت زینب (علیها السلام) سر مبارک برادر را دید از اوج ناراحتی دست به گریبان برد و آن را چاک کرد؛ سپس چنان با آوای غمناک فریاد زد: و احسیناه که با ناله اش دل ها ریش شد ...

وهابیت با استناد به روایت بالا می گویند: آیا عملی همچون گریبان چاک کردن در شأن شخصیتی همچون اهل بیت (علیهم السلام) و حضرت زینب (علیها السلام) و سایر اهل بیت (علیهم السلام)

می‌باشد؟! سپس با استناد به آیاتی از قرآن کریم دستور به صبر و شکیبایی هنگام مصیبت « وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ، الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (1) و « إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ» (2)

و در منع از چاک کردن گریبان به هنگام ماتم شبهه خود را با روایاتی همچون آنچه در زیر می‌آید تحکیم می‌بخشند:

1: استناد به روایاتی که در کتب روایی اهل سنت در لعن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به چاک کنندگان ریبان و لطمه زندگان به صورت وارد شده:

عن عبدالله قال قال النبي (صلی الله علیه و آله و سلم) ليس منا من لطم الخدود و شق الجيوب و دعا بدعوى الجاهلية؛

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که در مصیبت بر صورت زند و گریبان چاک کند و سخنان جاهلی بر زبان آورد از ما نیست. (3)

و با این روایت که در کتاب‌های خود آورده اند مبنی بر این که:

عن ابی امامه ان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) الخامشه و جهها و الشاقه جيبها و الراعيه بالويل و الثبور؛

ابو امامه می‌گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) زنانی که در مصیبت‌ها به صورت‌ها خدشه زده، گریبان چاک کرده و آه و فغان به راه می‌اندازند را لعن فرمود. (4)

1- بقره / 155-156.

2- زمر / 10 .

3- صحیح بخاری، ج 1، ص 435، کتاب الجنائز، باب 34، باب ليس منا من شق الجيوب، محمد بن اسماعيل البخاری، (256ق)، دار ابن کثیر، بیروت، 1407ق، طبع سوم، تحقیق: ديب البغا)

4- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 505، ح 1585، باب 52، باب النهی عن ضرب الخدود، محمد بن یزید القزوينی (275ه) دارالفکر، بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي.

استاد به روایاتی از کتب شیعه در منع گریبان چاک کردن و امثال آن، مانند این روایت که امام حسین (علیه السلام) در ساعات پایانی حیات خویش به هنگام وداع با خواهرش زینب (علیها السلام) به او فرمود:

... و قال لها یا اخیة انی اقسمت فابری قسمی لا تشقی علی جیبا ولا تخمشی علی وجهها ولا تدعی علی بالویل و الثبور اذا انا هلکت.

ای خواهرم! در شهادت من گریبان چاک مکن، صورت مخراش و ناله و فغان سر مده. (1)

پاسخ نقضی:

گریبان چاک زدن در مرگ یزید به عمر بن هبیره (182ه) آخرین حاکم اموی در عراق

در متون تاریخی اهل سنت و مورد قبول وهابیت گزارش‌هایی از گریبان چاک زدن‌ها ثبت شده که حاکی از رویه عادی انسان‌ها برای تخلیه فشار روحی و کاهش دردها و آلام ناشی از مصیبت بوده و از نگاه فطرت سلیم بشر، مورد نهی و نکوهش نبوده، چنان که موردی از آن را درباره وفات ابن هبیره در سال 182 ه.ق در شهر واسط نقل کرده‌اند که پس از کشته شدن وی به دست عباسیان، ابوعطاء سندی این اشعار را که گویای بخشی از حوادث اتفاق افتاده در رثای اوست سرود:

همانا چشمی که روز کشته شدنت در شهر واسط برای تو اشکش جاری نشود، خشک باد.

در شب گذشته زنان نوحه خوان در عزای تو نوحه‌ها سر داده و در مصیبت از دست دادن تو گریبان‌ها چاک زدند و گونه‌ها خراشیدند. (2)

1- الارشاد، ج 2، ص 117، باب ليله عاشورا، الشيخ المفيد، (413ه) دارالمفيد للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، 1414ه، 1993م، الطبعة الثانية، تحقيق: مؤسسه آل البيت.

2- الا ان عینا لم تجد یوم واسط علیک یجاری دمعها لجمود عشیه فام النائحات و شققت جیوب بایدی ماتم و حدود تاریخ الطبری، ج 4، ص 364، ابوجعفر محمد بن جریر الطبری (310ه) دارالکتب العلمیه، بیروت. تاریخ مدینه دمشق، ج 65، ص 334، رقم 8328 (ترجمه یزید بن عمر بن هبیره)، علی بن الحسین بن عبدالله شافعی (571ق) دارالفکر بیروت، 1995م، تحقیق: غرامه العمری.

گریبان چاک زدن در مرگ نووی (یکی از علمای پرآوازه اهل سنت)

یا در مرگ نووی اشعار زیادی سروده شده که در یکی از آنها اشعاری چنین آمده است:

بلند مرتبه است آن که در مرگ او گریبان‌ها چاک زده شد. در مرگ او نه تنها گریبان که قلبم را چاک زد. (1)

پاسخ حلی:

خودداری از رفتارهای جاهلی و کفرآمیز

دین مبین اسلام همواره تخلیه صحیح فشارهای روحی که بر اثر شدت مصیبت بر انسان وارد می‌گردد را موافق با فطرت سلیم بشر و مؤثر در کاهش دردها و آلام به جا مانده از آن دانسته و مادامی که به خلاف شرع نیجامد نه تنها آن را امضا کرده، بلکه جایز شمرده است.

ضعف سند روایات مخالفان

در باره روایاتی که معمولاً توسط وهابیت مورد استناد قرار می‌گیرد باید گفت:

اولاً: روایاتی که از کتب اهل سنت بیان می‌شود برای شیعه حجت نبوده و الزام آور نیست؛ گذشته آن که از مفهوم همین روایات می‌توان فهمید، این گونه روایات در صدد نهی رفتارهای جاهلی و کفرآمیز در عزاداری است.

1- خطب رفع من شق الجيوب له فقد شققت جنانی دون قمصان تحفه الطالبین فی ترجمه الامام النووی، ج 1، ص 20، علاء الدین علی بن ابراهیم بن العطار (724ق) دارالنشر. شبهات عزاداری، عصری، ج 1، ص 459.

ثانیاً: روایتی که شیخ مفید (قدس سره) در ارشاد ذکر کرده و امام حسین (علیه السلام) خواهرش را از گریبان چاک نمودن نهی نموده، از جهت سند به خاطر «مُرسل» بودن ضعیف و غیر قابل استناد می‌باشد.

ثالثاً: با صرف نظر از اشکال سندی، این نهی به خاطر موقعیت خاص حضرت زینب (علیها السلام) و امکان سوء استفاده دشمن، تضعیف روحیه فرزندان و دیگر بازماندگان و شرایط حساسی بوده که در انتظار بانوی کربلا بوده است و تا لحظاتی دیگر باید رسالت بزرگی را به دوش کشید که با هرگونه اظهار ضعف از سوی آن بانو امکان پذیر نمی‌باشد.

رابعاً: نهی امام، ارشادی است نه مولوی تا گناه محسوب شود؛ بلکه به جهت آرام ساختن و دل‌داری بخشیدن به اهل بیت و دیگر زنان و خردسالان خیمه‌ها بوده است؛ بدین معنا که گویا امام حسین (علیه السلام) با سخنان خود خطاب به خواهر می‌کوشد تا فرزندان خردسال و دیگر زنان اهل حرم چنین پیامی برساند که جای نگرانی نیست.

اگر واقعاً نهی امام حسین (علیه السلام) مولوی بود، چرا هنگامی که حضرت در برابر لشکر دشمن خطبه خواند و اهل بیت با صدای بلند گریستند و به خود لطمه زدند، آنها را نهی نفرمود؟!

... چون دختران اباعبدالله (علیه السلام) و خواهرش حضرت زینب (علیها السلام) صدای آن حضرت را شنیدند اشک ریختند، بلند گریه کردند، لطمه زدند و صداهایشان بلند شد. (1)

«... فلما سمع بناته و اخته زینب کلامه بکین و ندبن و لظمن و ارتفعت اصواتهن...» (2)

امضای معصوم (علیه السلام) بر گریبان چاک زدن زنان حرم حسینی (علیه السلام)

1- شبهات عزاداری، ج 1، ص 460-461.

2- لهوف، ص 87.

در روایاتی که شیعه به آن استدلال می‌کند روایتی از امام صادق (علیه السلام) ذکر می‌شود که در آن چاک کردن گریبان به زنان حرم از سوی آن حضرت نقل شده و ردی هم بر آن نشده، بلکه با جمله‌ای که پس از آن بیان فرموده این رفتار را در مصیبت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) شایسته و به جا دانسته است:

خالد بن سُدیر می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد مردی که از مرگ پدر، مادر، برادر و یا یکی از نزدیکانش لباس خود را پاره کند (گریبان چاک زند) پرسیدم. حضرت فرمود: کسی که (در مصیبت نزدیکان خود) به صورت خود زند جز استغفار و توبه بر عهده او نیست (کفاره واجب نیست)؛ همان‌گونه که بانوان حرم حسینی (علیه السلام) در مصیبت امام حسین بن علی (علیهما السلام) گریبان چاک زده و به صورت می‌زدند، و بر مصیبتی چون مصیبت او باید گونه‌ها را لطمه زده و گریبان‌ها چاک گردد. (1)

استثناء شدن چاک زدن گریبان در عزای سیدالشهدا (علیه السلام)

باتوجه به ادله و روایات عام و خاصی که در باب عزای سیدالشهدا (علیه السلام) وارد شده (2) گریبان چاک زدن در این مورد استثنا شده است:

روایات عام

1- عن خالد بن سدير اخي حنان بن سدير قال: سالت اباعبدالله (عليه السلام) عن رجل شق ثوبه على ابيه او على امه و او عله ايه او على قريب له. فقال: لا بأس بشق الجيوب ... و لا شيء في اللطم على الخدود سوى الاستغفار و التوبه، و قد شققن الجيوب و لظمن الخدود الفاطميات لى الحسين بن على (عليهما السلام) و على مثله لظمن الخدود و شق الجيوب. (تهذيب الاحكام، ج 8، ص 325، باب الكفارات، محمد بن الحسن بن على الطوسى (460ه) دارالكتب الاسلاميه، طهران، 1365ش، ط: 4، تحقيق: السيد حسن الموسوى الخراسان.

2- ر.ک: شبهات عزاداری، ج 1، ص 327، ذیل عنوان ادله عام و خاص برای گریه و اشک در عزای امام حسین (علیه السلام).

1: روایاتی که با سند معتبر از معاویه بن وهب از امام صادق (علیه السلام) در جواز هر جَزَع و فَرَع (بی تابی) در عزای سیدالشهدا (علیه السلام) وارد شده که می فرماید:

هرگونه جزع و فرع (بی تابی) و گریه ای در مصیبت مکروه است، جز آن که در عزای امام حسین (علیه السلام) باشد. (1)

2: روایتی که از امام رضا (علیه السلام) نقل شده و در آن مصیبت جزد بزرگوارش در کربلا را مصیبتی غیر قابل قیاس با مصیبت های دیگر و احکامی استثنایی بیان فرموده است:

روز شهادت امام حسین (علیه السلام) پلک های ما را مجروح، اشک های ما را جاری، عزیز ما را به ظاهر (در نظر مردم) خوار و ما را تا روز قیامت میراث خوار سختی و بلا از سرزمین کرب و بلا ساخت. گریه کنندگان بر همچون حسین (علیه السلام)، باید بگریند که گریه بر او گناهان بزرگ را می بخشد. (سپس فرمود:) چون ماه محرم فرا می رسد تا دهم آن ماه کسی پدرم موسی بن جعفر (علیهما السلام) را خندان نمی دید و در این مدت، حزن و اندوه بر او غالب بود و آن روز، روز مصیبت، غم و اندوه و گریه های پدرم می گشت و می فرمود: امروز روزی است که جدم حسین (علیه السلام) به شهادت رسیده است. (2)

گذشته از استثنایی که در چاک کردن گریبان برای عزای سیدالشهدا (علیه السلام) و عزای پدر و برادر شده، تقریباً همه علمای شیعه قائل به حرمت چاک زدن گریبان و یا پاره نمودن جامه به هنگام مصیبت شده اند.

موارد دیگر از گریبان چاک زدن ها

اشاره

1- عن معاویه بن وهب قال ابو عبدالله (علیه السلام): كل الجزع والبكاء مکروه سوى الجزع والبكاء علی الحسين (علیه السلام). امالی، ص 162، ح 268/20، باب ینتظر دولة الحق، الشيخ الصدوق (381ه) مؤسس البعثه، قم، الطبعه الاولى، 1417ق، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه.

2- امالی، ص 190، ح 199/2، المجلس السابع والعشرون.

گریبان چاک زدن اختصاص به حرم حسینی ندارد؛ بلکه بر اساس روایات، موارد دیگری از این رفتار در مصیبت‌ها دیده شده که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

گریبان چاک زدن حضرت موسی (علیه السلام) در وفات برادرش حضرت هارون (علیه السلام)

حضرت موسی (علیه السلام) در عزای برادرش هارون (علیه السلام) گریبان دریده است:

خالد بن سدید می‌گوید: از امام (علیه السلام) در مورد مردی که در مرگ پدر، مادر، برادر و یا یکی از نزدیکانش لباس خود را پاره کند (گریبان چاک زند) پرسیدم.

حضرت فرمود: اشکال ندارد، مگر نه این که موسی بن عمران (علیهما السلام) در وفات برادرش هارون (علیه السلام) گریبان چاک زد؟
(1)

گریبان چاک زدن زنان انصار برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

در مورد دیگر شاهد همین رفتار از سوی زنان انصار در شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هستیم، اما نه تنها حضرت آنها را نهی نفرمود، بلکه برای آنان دعای خیر فرموده است:

زنان انصار (به محض شنیدن شایعه شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در جنگ احد) صورت‌های خود را خراشیده، موهای خود را پریشان نموده، موهای جلوی سر را کنده، گریبان‌ها چاک زدند، و غذا خوردن را بر خود حرام کردند و چون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آنان را دید، برای آنان دعای خیر نمود و امر فرمود: تا خود را بپوشانند و به منزل‌های خود بروند... (2)

گریبان چاک زدن امام عسکری (علیه السلام) در شهادت برادر بزرگوارش

1- تهذیب الاحکام، ج 8، ص 325، باب الکفارات.

2- الکافی، ج 8، ص 318، ح 502، باب غزوه احد، الشیخ الكلینی، (329ق) دارالکتب الاسلامیه، طهران، 1367ش، الطبعة الثالثة، تحقیق: علی اکبر الغفاری. و النساء نساء الانصار قد خدشن الوجوه و نشرن الشعور و جزرن النواصی و خرقن الجیوب و خدمن البطون علی النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) فلما رأیته قال لهن خیرا و امرهن ان سترن و یدخلن منازلهن.

نمونه دیگر در تأیید مدعای ما:

ابوهاشم جعفری گوید: در تشییع جنازه امام هادی (علیه السلام)، امام حسن عسکری (علیه السلام) در حالی که گریبان چاک زده بود بیرون آمد، ابوعون در نامه‌ای به حضرت نوشت چه کسی را دیده‌ای و یا از کدامین امام به تو رسیده لباست را چنین چاک بزنی؟

امام حسن عسکری (علیه السلام) در پاسخ او نوشت: ای احمق! تو چه می‌دانی این کار چیست؟ (و من در مصیبت چه کسی گریبان چاک زده‌ام). حضرت موسی (علیه السلام) نیز در وفات برادرش هارون (علیه السلام) گریبان چاک زد. (1)

بزشکی گریبان چاک زدن

زمانی که بر شخصی مصیبتی وارد می‌شود، درجه حرارت بدن بالا می‌رود و ضربان قلب افزایش می‌یابد و انسان بر اعصاب خود مسلط نیست. در این حالت، دریدن پیراهن امری طبیعی و قابل اغماض برای آن شخص است.

ضمن اینکه در آن حالت، شخص احتیاج به هوای بیشتر دارد و ریه با سرعت بیشتری تنفس را انجام می‌دهد و در عین حال نیاز قلب به هوا گاهی بیشتر از قدرت ریه‌ها است؛ بنابراین شخص مصیبت دیده پیراهن خود را می‌درد. این کار به طور طبیعی برای رساندن هوای بیشتر به ریه‌ها صورت می‌گیرد، همان‌گونه که به هنگام نزدیک شدن یک شیء خطرناک به چشم؛ به وسیله حرکات عصبیه، پلک‌های چشم بسته

1- علی بن عیسی فی کتاب «کشف الغمه» نقلاً من کتاب «الدلائل» لعبدالله بن جعفر الحمیری، عن ابی هاشم جعفری، قال: خرج ابومحمد (علیه السلام) فی جنازه ابی الحسن (علیه السلام) و قمیصه مشقوق، فکتب الیه ابن عون: من رأیت او بلغک من الائمۃ شق قمیصه فی مثل هذا؟ فکتب الیه ابومحمد (علیه السلام): یا احمق! و ما یدریک ما هذا؟ قد شق موسی علی هارون. وسائل الشیعه، ج 10، ص 447، ح 5، باب کراهۃ الصیاح علی المیت، الشیخ الحر العاملی، (1104ق) مهر، قم، 1414ه، ط: 2، تحقیق: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث. بحار الانوار، ج 9، ص 85.

می‌شود. بنابراین پاره کردن پیراهن از نوع بستن پلک‌های چشم می‌باشد و در محدوده شرع نیست؛ چرا که غالباً بدون تأمل فراوان انجام می‌شود. علاوه بر این که بسیاری از اوقات، از سکتۀ قلبی مصیبت دیده پیشگیری می‌کند. (1)

نظرات ارکان و بزرگان شیعه

اشاره

شرع نیز در دیدن پیراهن را، نه فقط برای امام حسین (علیه السلام) و نه تنها برای معصومین (علیهم السلام)، بلکه برای هر کس به هنگام فوت نزدیکی از او، مگر فرزند و همسر مباح شمرده شده است.

در جواهر الکلام از خالد بن سدیر نقل شده است:

از امام جعفر صادق (علیه السلام) راجع به مردی پرسیدند که پیراهنش را در فوت پدر یا برای مادر و یا برادر و یا یکی از نزدیکانش پاره کرده بود.

حضرت فرمودند: اشکالی در شکافتن پیراهن نیست؛ همانا موسی بن عمران (علیهما السلام) برای برادرش هارون، پیراهن خود را شکافت، اما پدر برای فرزند و شوهر برای زن نباید پیراهنش را بدرد، ولی زن برای شوهر اشکالی ندارد... و فاطمیون برای حسین بن علی (علیهما السلام) پیراهن‌های خویش را دریدند و گونه‌های خود را خراش دادند و در مثل این مصیبت پیراهن‌ها باید دریده و صورت‌ها خراشیده شوند. (2)

بنابراین مانعی در شکافتن پیراهن برای هر فقیدی نیست، به استثنای آنچه که گفته شد.

همان طور هم مانعی برای دریدن پیراهن برای امام حسین (علیه السلام) نیز وجود ندارد، بلکه داخل کردن آن در هر عزای منسوب به آن حضرت مستحب است. چرا که امام صادق (علیه السلام) همان‌گونه که در روایت شیخ در تهذیب و روایت خالد بن سدیر آمده

1- شیوه‌های یاری غریب کربلا، ص 97.

2- وسائل الشیعه، ج 15، ص 583.

است، آن را اجازه داده‌اند. بلکه فراتر از آن برای غیر از امام حسین (علیه السلام) نیز اجازه داده‌اند؛ به دلیل کلمه «مثل» در این دو روایت.

بسیاری از علمای بزرگ شیعه با استناد به همین روایات به جواز بیان گریبان چاک زدن در مرگ پدر یا برادر فتوا داده‌اند.

شهید اول (قدس سره) می‌فرماید:

به جز ابن ادریس حلی همه علمای شیعه گریبان چاک زدن را در مرگ پدر و برادر جایز می‌دانند؛ زیرا امام حسن (علیه السلام) در شهادت امام هادی (علیه السلام) گریبان چاک زد و بانوان حرم حسینی نیز در شهادت امام حسین (علیه السلام) گریبان چاک زدند... خالد بن سدیر می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد مردی که در مرگ پدر، مادر، برادر و یا یکی از نزدیکانش لباس خود را پاره کند (گریبان چاک زند) پرسیدم؟

حضرت فرمود: اشکال ندارد، مگر نه این که موسی بن عمران (علیهما السلام) در وفات برادرش هارون (علیه السلام) گریبان چاک زد؟

(1)

شهید ثانی (قدس سره) می‌فرماید:

به جز در مرگ پدر و برادر، گریبان چاک زدن در مرگ دیگر نزدیکان حرام است؛ زیرا که موجب از بین رفتن مال و ناخشنودی از قضای الهی است.

بیشتر علمای شیعه گریبان چاک زدن در مرگ پدر و برادر استثنا کرده‌اند؛ زیرا امام حسن عسکری (علیه السلام) در شهادت پدر بزرگوارش امام هادی (علیه السلام) گریبانش را از جلو و پشت چاک زد و بانوان حرم حسینی نیز در مصیبت امام حسین (علیه السلام) گریبان چاک

1- واستثنی الاصحاح الا ابن ادریس شق الجیوب علی موت الاب و الاخ لفعل العسکری (علیه السلام) علی الهادی، و فعل الفاطمیات علی الحسین (علیه السلام) ... عن خالد بن سدیر، عن الصادق (علیه السلام) و سأله عن رجل شق ثوبه علی ابیه او علی امه او علی اخیه او علی قریب له فقال: لا بأس بشق الجیوب قد شق موسی بن عمران علی اخیه هارون. (ذکری الشیعه فی احکام الشریعه، ج2، ص 56 .

زدند و از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: همانا موسی بن عمران (علیهما السلام) در وفات برادرش هارون (علیه السلام) گریبان چاک زد. (1)

مرحوم میرزای قمی (قدس سره) می گوید:

دلیل علما بر استثنای گریبان چاک زدن در مرگ پدر و برادر، روایات است که در مورد گریبان چاک زدن امام حسن (علیه السلام) در شهادت امام هادی (علیه السلام) و گریبان چاک زدن حضرت موسی (علیه السلام) در وفات هارون (علیه السلام) و گریبان چاک زدن بانوان حرم حسینی در مصیبت شهادت امام حسین (علیه السلام) است که به ما رسیده است. (2)

صاحب کتاب شفاء الصدور

ذیل حدیث گریبان چاک زدن بانوان حرم حسینی (علیه السلام) می نویسد: و از این حدیث، شرف و جلالت خاندان عصمت معلوم می شود که امام (علیه السلام) به فعل دختران علی و فاطمه (علیهما السلام) در روز عاشورا احتجاج می کند تا دلالت کند بر اینکه در آن حالت هم

1- شق الثوب علی غیر الاب و الاخ من الاقارب و غیرهم لما فيه من اضاعه المال و السخط بقضاء الله و علی استثناء الاب و الاخ الاكثر الاصحاب لاین العسکری (علیه السلام) شق ثوبه علی ابیه الهادی (علیه السلام) خلف و قدام و فعله الفاطمیات علی الحسین (علیه السلام) و عن الصادق (علیه السلام) ان موسی شق علی اخیه هارون... روض الجنان فی شرح ارشاد الازهران، ج 2، ص 854، باب حرمة نقل المیت بعد دفنه، الشهید الثانی، (965هـ).

2- و اما الاستثناء فدلیله ما استفیض فی الاخبار من فعل ابی محمد الحسن (علیه السلام) علی ابیه الهادی (علیه السلام) و فی بعضها تعلیل بان (علیه السلام) شق ثوبه علی هارون (علیه السلام) و لما نقل من فعل الفاطمیات علی الحسین (علیه السلام). غنائم الايام فی مسائل الحلال و الحرام، ج 3، ص 556، المبحث: 2، باب لا يجوز شق الثوب علی غیر الاب و الاخ، المیرزا القمی، (1231ق). شبهات عزاداری، ج 1، ص 465-466.

کاری که از قانون شرع بیرون باشد نکرده‌اند و فعل ایشان، دلیل جواز است، چه در منزل حی تربیت شده و در خانه نبوت نشو و نما کرده و از پستان عصمت و طهارت ارتضاع فرموده‌اند: سلام الله علیهم اجمعین. (1)

سایر علما و فقها نیز به فعل امام حسن عسکری (علیه السلام) و فاطمیات در کربلا تمسک کرده‌اند. (2)

گریبان چاک زدن در مصیبت معصومان (علیهم السلام) مانعی ندارد. (3)

ابن ادیس در سرائر:

به عبارت ذیل این حدیث تعبیر کرده، استدلال بر جواز «شق ثوب» می‌کند. (4)

و از این جا معلوم می‌شود که این خبر قطعی الصدور است، چه طریقه او در اصول منع حجیت اخبار آحاد است، چنانچه نزد اهلس مشهور است.

1- شفاء الصدور، ص 538.

2- روضه المتقین، ج 8، ص 68؛ ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج 2، ص 344؛ بزرگترین مصیبت عالم، ص 184.

3- الشعائر الحسینیه، صافی گلپایگانی، ص 130.

4- اسرار، ج 3، ص 78.

فصل پنجاه و یکم : لا تبصر من تواتر البكاء

فصل پنجاه و یکم: لا تبصر من تواتر البكاء (1)

بدین معنا که چشم از اشک‌های زیاد و پی در پی نبیند.

حضرت زهرا (علیها السلام) برای پدر بزرگوارش ناله و ندبه می کرد و می فرمود:

وَ أَبْنَاءَهُ! وَ صَفِيَّاهُ! وَ مُحَمَّدَاةُ! وَ أَبَا الْقَاسِمَاةُ! وَ رَبِيعَ الْأَرَامِلِ وَ الْيَتَامَى! مَنْ لِلْقَبْلَةِ وَ الْمُصَلَّى؟ وَ مَنْ لِابْنَتِكَ الْوَالِهَةِ الثُّكَلَى!

ثُمَّ أَقْبَلَتْ تَعَثَّرُ فِي أَذْيَالِهَا وَ هِيَ لَا تُبْصِرُ شَيْئاً مِنْ عَبْرَتِهَا وَ مِنْ تَوَاتُرِ دَمْعَتِهَا حَتَّى دَنَتْ مِنْ قَبْرِ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله و سلم) (2)

سپس روی آورد به طرف قبر مطهر حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالی که می لرزید دامن کشان افتاد به خاطر اشک‌های زیاد و گریه‌های پی در پی چشمانش نمی دید تا اینکه نزد قبر پدر بزرگوارش شد...

اشک از چشمان مقدس حضرت زهرا (علیها السلام) به طور متواتر و پشت سر هم می آمده است که دید خود را از دست داده بود و بر زمین می خوردند.

وای از این مصیبت و لعنت بر دشمنان.

1- برگرفته از سایت وبلاگ لثارات الحسین بلاگفا دات کام می باشد.

2- بحار الانوار (ط بیروت)، ج 43، ص 175؛ عوالم العلوم، ج 11، ص 792 و ص 811؛ منهاج البراعه، ج 13، ص 24.

فصل پنجاه و دوم : المصیبه اجلی من البكاء

روایت شده که مردم در شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) دیدند که حضرت خضر (علیه السلام) آمد و فضائل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را برشمرد و ناله کرد سپس گفت:

وَأْتَعِبْتَ مَنْ بَعْدَكَ تَعَبًا شَدِيدًا فَجَلَلْتَ عَنِ الْبُكَاءِ وَعَظُمْتَ رِزِيَّتَكَ فِي السَّمَاءِ وَهَدَّتْ مُصِيبَتُكَ الْأَنْامَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. (1)

معنا:

جللت عن البكاء: علامه مجلسی (قدس سره) در ذیل این روایت، این کلام را معنی می‌کنند:

فجللت عن البكاء، أي أنت أجل من أن يقضى حق مصيبتك البكاء؛ مصيبت تو اجل از این است که حثق آن با گریه ادا شود. (2)

همچنین در جای دیگر دو احتمال می‌دهند و احتمال اول را می‌پذیرند:

فجللت عن البكاء أي أنت أجل من أن يقضى حق مصيبتك و الجزع عليك بالبكاء بل بما هو أشد منه أو أنت أجل من أن يكون للبكاء عليك حد و الأول أظهر. (3)

جللت عن البكاء (معنای اول): یعنی تو بسی بالاتر از آن هستی که حق مصیبت تو و جزع بر تو، با گریه ادا شود. بلکه باید شدیدتر از گریه باشد.

یا (معنای دوم): تو بالاتر از آن هستی که گریه برای تو حدی داشته باشد. احتمال اول ظاهرتر است.

1- الکافی، ج 1، ص 456؛ امالی صدوق، ص 242؛ کمال الدین، ج 2، ص 390؛ الوافی، ج 3، ص 743؛ حلیهاالابرار، ج 2، ص 40؛

مدینه المعاجز، ج 3، ص 67؛ مرآه العقول، ج 5، ص 303؛ بحارالانوار، ج 42، ص 305.

2- بحارالانوار، ج 42، ص 306.

3- بحارالانوار، ج 97، ص 358.

همانطور که از کلام مرحوم علامه مجلسی بر می آید این است که منظور از «جللت عن البكاء» یعنی گریه و تو تا ابدالدهر باشد، حق مصیبت تو را نه تنها ادا نمی کند، بلکه به کار بردن جللت، یعنی تو خیلی عظیم تر و جلیل تر از آن هستی که فقط با گریه و لو تا ابدالدهر حق مصیبت تو ادا شود.

صاحب کتاب شریف «مرآه العقول» بسیار زیبا و البته صریح مطلب را بیان می کند:

«فجللت عن البكاء» أي أنت أجل من أن تتدارك مصيبتك بالبكاء، بل قتل الأنفس أيضا قليل في ذلك؛ جللت عن البكاء یعنی تو اجل از آن هستی که مصیبت تو با گریه جبران شود بلکه قتل نفس هم در این راه اندک است. (1)

حق این است و جز این نیست که در مصیبت حجت و ولی و خلیفه خدا او که سبب خلقت و غایت خلقت است قتل نفس نه تنها جایز، بلکه راجح و پسندیده است.

این در مصیبت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ما در مصیبتی که «لا یوم کیومه» است چه باید کرد؟ مصیبتی که به قول خود ذات مقدس خداوند: «تَصَّغُرُ عِنْدَهَا الْمَصَائِبُ» (2)، تمامی مصیبت ها اگر یک طرف جمع شوند در برابر مصیبت امام حسین (علیه السلام) کوچک اند، چه باید کرد؟!

وای از عظمت مصیبت و ویل بر آنان که در انواع عزاداری بر آن مظلوم ایراد می گیرند!

آنکه می فرمایند: «قتل انفس» در این عزا جایز است اشاره به این روایاتی دارد که می فرماید: بعد از قتل مولای ما ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) بنا بر این بود که بساط خلقت برچیده شود و حتی ملائکه اذن گرفتند بر نابودی اهل زمین که والله العلی العظیم، اگر همه عالم هم نابود می شد در این مصیبت کم بود. مگر می شود حق مصیبتی را

1- مرآه العقول، ج 5، ص 303.

2- بحار الانوار، ج 44، ص 245؛ ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، ج 1، ص 174؛ مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، ج 2، ص 415.

ادا کرد که خدا عزادار آن است؟ و به خاطر همین است که ذیل آیه: «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ؛ در قتل اسراف نکنید» (1) حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: این برای منتقم ما مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیست؛ زیرا او به خاطر انتقام حسین (علیه السلام) اگر همه عالم را هم بکشد حق دارد. (2)

به هر ترتیب ای عزیز! این زیباست و شایسته که مصیبت زده در عزای محبوبش در عین اینکه انواع عزاداری را احیاء و تعظیم می کند در عین حال بسوزد و بسازد. باید با این مصیبت سر کند و با این سوز و الم زندگی کند و چه زندگی شیرین تر از آن زندگی که با تلخی و الم ذکر مصیبت امام حسین (علیه السلام) باشد. چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «فَمَا أَنْقَصَ [أَنْغَصَ] ذِكْرَ الْحُسَيْنِ لِلْعَيْشِ؛ چقدر زندگی با یاد حسین (علیه السلام) تلخ می شود.» (3)

1- اسراء / 33.

2- محمد بن الحسن بن احمد، از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف، از محمد بن سنان، از شخصی نقل نموده که وی گفت: از حضرت ابی عبد الله (علیه السلام) از تفسیر آیه شریفه: «وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا.» پرسیدم. حضرت فرمودند: مقصود از «ولی» قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده که خروج نموده پس به خون خواهی حضرت سید الشهداء (علیه السلام) شروع به کشتن می نماید به طوری که اگر اهل زمین را بکشد اسراف نکرده است. و در ذیل این فقره از آیه «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» می فرماید: حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اقدام به چیزی که اسراف محسوب شود نمی کنند. سپس امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به خدا قسم! حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اعقاب کشتندگان سید الشهداء (علیه السلام) را به واسطه عمل آباء و اجدادشان را خواهد کشت. کامل الزیارات، ترجمه ذهنی تهرانی، ص 194.

3- الأمالی (للصدوق)، مجلس 29، ص 142، ج 7؛ روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمة)، ج 1، ص 171؛ جامع الأخبار (للشعیری)، ص 177. داود بن کثیر رقی گوید خدمت امام ششم بودم آب خواست و چون نوشید گریست و چشمش غرق اشک شد سپس فرمود: ای داود! خدا قاتل حسین (علیه السلام) را لعنت کند چه اندازه یاد حسین (علیه السلام) زندگی را ناگوار کند. من آب سردی نوشم جز آنکه یاد حسین کنم، بنده ای نیست که آب نوشد و یاد حسین (علیه السلام) کند و قاتلش را لعنت کند جز آنکه خدا صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار گناه از او محو کند و صد هزار درجه برای او بالا برد و گویا صد هزار بنده آزاد کرده و روز قیامت با رخسار درخشان محشور گردد. الأمالی (للصدوق)، مجلس 29، ص 142، ج 7.

فصل پنجاه و سوم : خضاب نکردن و روغن نزدن مو عطر نزدن

(ترک زینت در ایام سوگواری)

1: امام حسین (علیه السلام) لحظه جان دادن برادر بزرگوارشان حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند:

أَذْهَنُ رَأْسِي أَمْ تَطِيبُ مَجَالِسِي وَرَأْسِكَ مَعْفُورٌ وَأَنْتَ سَلِيبٌ

أَوْ أَسْتَمْتِعُ الدُّنْيَا لِشَيْءٍ أَحْبَبَهُ إِلَّا كُلُّ مَا أَدْنَى إِلَيْكَ حَبِيبٌ

فَلَا زِلْتُ أَبِئِكَ مَا تَغَنَّتُ حَمَامَةً عَلَيْكَ وَ مَا هَبَّتْ صَبَاً وَ جَنُوبٌ

آیا جا دارد که من روغن بسرم بزنم، یا مجالس من طیب و نیکو باشند؟ در صورتی که سر و صورت تو روی خاک باشد و تو برهنه باشی؟

یا اینکه از آن چیزهای دنیوی که دوست دارم بهره مند شوم، آگاه باش: هر چه که به تو نزدیک شود محبوب است.

من دائماً بر تو گریه می کنم مادامی که کبوتر بخواند و باد صبا و جنوب بوزد. (1)

1- بحارالانوار، ج 44، ص 160؛ تسلیه المجالس وزینه المجالس (مقتل الحسین (علیه السلام))، ج 2، ص 65؛ مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام) (لابن شهر آشوب)، ج 4، ص 45.

2: و عن عبد الله بن محمد بن أبي سعيد عن أبي العيناء عن يحيى بن راشد قال: قالت فاطمه بنت علي ما تحنأت امرأه منا ولا أجالت في عينها مرودا ولا امتشطت حتى بعث المختار رأس عبيد الله بن زياد.

حضرت فاطمه (عليها السلام) دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

تا زمانی که مختار سر ابن زیاد ملعون را نفرستاد، هیچ بانویی از ما به حنا زینت نکرد و میل سرمه را در چشم نگردانید و شانه به موی خود نزد. (1)

3: روایت است که روز اول محرم منادی ندا می‌کند که: ای حوریان بهشتی! زیورها را از خود دور کنید؛ زیرا ایام عزاداری محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) و روز مصیبت علی مرتضی (علیه السلام) و حزن حسن مجتبی (علیه السلام) و ماتم فاطمه زهرا (علیها السلام) می‌باشد. (2)

4: وَ رَوَى الْمَرْزُبَانِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ (عليهما السلام) أَنَّهُ قَالَ: مَا أَكْتَحَلْتُ هَاشِمِيَّةً وَلَا اخْتَضَّ بَتُّ وَلَا رُئِي فِي دَارِ هَاشِمِيٍّ دُخَانَ خَمْسٍ حِجَجٍ حَتَّى قُتِلَ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ زِيَادٍ.

و تا مدت پنج سال هیچ یک از بنی هاشم سرمه به چشم نکشید و موی خود را خضاب نکردند و در خانه هیچ یک از مردان بنی هاشم دود [ناشی از پخت غذا] دیده نشد تا آن زمان که عبيدالله بن زياد لعنت الله عليه كشته شد. (3)

5: و قال صاحب المناقب: و ذكر أبو مخنف وغيره: أن يزيد لعنه الله أمر بأن يصلب رأس الحسين (عليه السلام) على باب داره، و أمر بأهل بيت الحسين (عليه السلام) أن يدخلوا داره، فلما دخلت النسوة دار يزيد لم يبق من آل معاوية ولا أبي سفیان أحد إلا استقبالهن بالبكاء و

1- بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج 45، ص 386.

2- جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، ص 172 به نقل از بحارالمصائب، ج 1، ص 221.

3- بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج 45، ص 386.

الصراخ و النياحه على الحسين (عليه السلام)، [وقبلن ايدي بنات رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) و ارجلهن] (1) و ألقين ما عليهنّ من الثياب و الحلّي و أقمّن المأتم عليه ثلاثه أيام.

يزيد دستور داد که سر مقدس امام حسين (عليه السلام) را بر سر منزل خودش بياويزند و به اهل بيت حسين (عليه السلام) دستور داد که وارد خانه اش شوند. هنگامی که آن بانوان داغديده وارد خانهٔ يزيد لعنت الله عليه شدند، تمام زنان خاندان معاويه و خاندان ابوسفیان با گريه و فریاد و در حال نوحه‌گری بر امام حسين (عليه السلام) به استقبال آن بانوان مکرمه رفتند [و دست و پای دختران رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) را بوسيدند] و لباس های زینتی و زیورآلات خود را به کناری انداختند و گریه کردند و نوحه خواندند و تا سه روز در مصیبت امام حسين (عليه السلام) ماتم و عزا بر پا کردند». (2)

1- جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، ص 172 به نقل از معالی السبطين، ج 2، ص 174.

2- عوالم العلوم، ج 17، ص 443؛ البحار، ج 45، ص 142؛ مقتل الحسين (عليه السلام) خوارزمی، ج 2، ص 73.

فصل پنجاه و چهارم : زفره

بدین معنا که: هو آن یملاً صدره غما ثم یزفر به (1)؛ سینه پر از غم شود و سپس بازدهم را به طور عمیق بیرون دهد و صدا را بلند کردن. در اصطلاح آهی که از عمق وجود باشد.

روایات

ثُمَّ رَجَعَتْ إِلَى مَنْزِلِهَا وَأَخَذَتْ بِالْبُكَاءِ وَالْعَوِيلِ لَيْلَهَا وَنَهَارَهَا وَهِيَ لَا تَرْفَأُ دُمْعَتُهَا وَلَا تَهْدَأُ زَفْرَتُهَا

سپس حضرت زهرا (علیها السلام) به خانه برگشت و شبانه روز شروع به گریه و فریاد نمود و اشک‌هایش خشک نمی‌شد و آه‌هایش تمام نمی‌شد. (2)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مصیبت حضرت زهرا (علیه السلام) فرمودند:

نَفْسِي عَلَى زَفْرَاتِهَا مَحْبُوسَةٌ يَا لَيْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الزَّفْرَاتِ

لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ وَإِنَّمَا أَخَشِي مَخَافَةَ أَنْ تَطُولَ حَيَاتِي

جان من با آه‌های دردناکش محبوس است. ای کاش این جان همراه با آن آه‌ها بیرون آید.

پس از تو خیری در زندگی نیست و من از ترس این می‌گیرم که زندگی‌ام بعد از تو طولانی شود. (3)

1- العین، ج 7، ص 360.

2- بحار الانوار، ج 43، ص 177.

3- بحار الانوار، ج 43، ص 213؛ دیوان منسوب به امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ص 30؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 1، ص 240.

(خیری در زندگی نیست این کلام را حضرت در مصیبت حضرت علی اکبر و حضرت مسلم بن عقیل (علیهما السلام) هم به کار برده- اند.)

همچنین در مورد حضرت آدم (علیه السلام) وارد شده است که به جبرئیل فرمود:

إِذَا ذَكَرْتُ الْحُسَيْنَ تَدْمَعُ عَيْنِي وَتَثُورُ زَفَرَتِي؛

هنگامی که ذکر حسین (علیه السلام) را نمودی چشمانم پر از اشک می شود و صدایم به ناله و فریاد بلند می شود. [\(1\)](#)

1- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 461؛ دلائل الامامه، ص 513؛ احتجاج طبرسی، ج 2، ص 464؛ تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 319؛ بحار الانوار، ج 44، ص 223.

فصل پنجاه و پنجم : دائم الصوم بودن به خاطر مصیبت

فرد به خاطر مصیبت آب و خوراک را بر خود حرام کند. اما چون این کار متضرر است به نفس آدمی و در اسلام ضرری نیست به خاطر همین فرد دائماً روزه دار باشد.

«حَلَفْتُ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ نَفْسِي أَلَّا أَكُلَ طَعَاماً بِنَهَارٍ أَبَداً حَتَّى يَقُومَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالِ فَقُلْتُ لَهُ رَجُلٌ مِنْ شَيْعَتِكُمْ جَعَلَ لِلَّهِ عَلَيْهِ أَلَّا يَأْكُلَ طَعَاماً بِنَهَارٍ أَبَداً حَتَّى يَقُومَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ قَالَ فَصُمُّ إِذَا يَا كَرَامُ وَلَا تَصُمُّ الْعِيدَيْنِ وَلَا ثَلَاثَةَ الشَّذْرِيْقِ وَلَا إِذَا كُنْتَ مُسَافِراً وَلَا مَرِيضاً فَإِنَّ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) لَمَّا قُتِلَ عَجَبَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهِمَا وَالْمَلَائِكَةُ فَقَالُوا يَا رَبَّنَا ائْذَنْ لَنَا فِي هَلَاكِ الْخَلْقِ حَتَّى نَجِدَهُمْ عَنْ جَدِيدِ الْأَرْضِ بِمَا اسَّ تَحَلُّوا حُرْمَتَكَ وَقَتَلُوا صَفْوَتَكَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَا مَلَائِكَتِي وَيَا سَمَاوَاتِي وَيَا أَرْضِي اسْكُنُوا ثُمَّ كَشَفَ حِجَاباً مِنَ الْحُجُبِ إِذَا خَلْفَهُ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَاثْنَا عَشَرَ وَصِيّاً لَهُ (عليه السلام) وَأَخَذَ بِيَدِ فُلَانٍ الْقَائِمِ مِنْ بَيْنِهِمْ فَقَالَ يَا مَلَائِكَتِي وَيَا سَمَاوَاتِي وَيَا أَرْضِي بِهِذَا أَنْتَصِرُ لِهَذَا قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛ (1)

کرام گوید: من پیش خود سوگند یاد کردم که هرگز در روز غذا نخورم (یعنی روزه بگیرم) تا قائم آل محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) قیام کند، پس خدمت امام صادق (عليه السلام) رسیدم و عرض کردم: مردی از شیعیان شما برای خود به گردن گرفته که هرگز در روز غذا نخورد تا قائم آل محمد (عليهم السلام) قیام کند.

فرمود: ای کرام! بنا بر این باید روزه بگیری ولی دو روز عید (فطر و قربان) و سه روز تشریق (11 و 12 و 13 ذیحجه ایام حج گزاری) و زمانی که مسافر و بیمار هستی

روژه نگیر (1)، زیرا چون حسین (علیه السلام) کشته شد: آسمان‌ها و زمین و هر چه بر آنهاست با فرشتگان نالیدند و گفتند: پروردگارا، به ما اجازه بده خلق را هلاک کنیم و از صفحه زمین براندازیم، برای آنکه حرمت تو را حلال شمردند و برگزیده تو را کشتند.

خدا به آنها وحی فرستاد که: ای فرشتگانم و ای آسمان و زمین! آرام بگیرید، سپس یک پرده از پرده‌ها را عقب زد، پشت آن پرده محمد و دوازده وصی او بود. آنگاه دست فلان قائم میان آنها (امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) را گرفت و فرمود: ای فرشتگانم؛ و ای آسمان‌ها و زمینم: به سبب این انتقام می‌گیرم [از این]- این جمله را سه بار فرمود.»

آنچه از این روایت به دست می‌آید اینکه این شیعه بر خود عهد می‌بندد که در روز غذا نخورد تا ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف). و ظاهراً علت کار او انتظار ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. امام صادق (علیه السلام) کار ایشان را تأیید نموده و می‌فرماید در این صورت روزه بگیر.

نکته مهم این جاست که: حضرت در بیان علت چنین کاری مصیبت امام حسین (علیه السلام) را بیان می‌کند و می‌فرماید به خاطر چنین مصیبتی است که شایسته است چنین منتظر باشی و روزهایت را به روزه داری بگذرانی. مرحبا بدین همت و بدین انتظاری که یاران امام صادق (علیه السلام) در آن زمان داستند در حالی که هنوز قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به دنیا نیامده بود و ما که در زمان ایشان هستیم باید چگونه منتظر حضرت باشیم و به چه نوعی مصیبت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) را تجدید کنیم؟!

1- در حدیث فوق به هر ترتیب اولاً روزه گرفتن هر روز مستلزم نوعی حرج و سختی خواهد بود. و ثانیاً تعهد به عهد لازم و ضروری است. حضرت نه تنها سائل را از تصمیم و تعهد خود نهی نمی‌فرماید؛ بلکه در مقام بیان علت چنین کاری قتل امام حسین (علیه السلام) و انتظار قیام منتقم حسین (علیه السلام) را علت چنین زهد و ریاضتی معرفی می‌فرماید. همچنین علت بقای خلقت و نابود نشدن آن را بعد از قتل امام حسین (علیه السلام)، انتقام آن معرفی می‌فرماید و شیعه باید به هر نحوی منتظر این قیام بوده و این انتظار را به هر نحوی زنده گرداند. لذا می‌بینیم که هرگاه سخنی از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و قیام ایشان به میان می‌آمد اهل بیت نام امام حسین (علیه السلام) و انتقام خون او را زنده می‌کردند.

اما صد افسوس که اکثر ما در غفلت و یا تغافلیم و به جای آنکه آب و خوراک ما اشک بر امام حسین (علیه السلام) و انتظار فرج باشد، هم و غممان آب و خوراک شده است فاین تذهیبون!؟

فصل پنجاه و ششم : آسمانها تا ابد بر مصائب امام حسین (علیه السلام) گریانند

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«أنه إذا قبض الله نبيا من الأنبياء، بكت عليه السماء والأرض أربعين سنة، وإذا مات العالم العامل بعلمه بكيا عليه أربعين يوما، و أما الحسين (عليه السلام) فتبكي عليه السماء والأرض طول الدهر، و تصديق ذلك أن يوم قتله قطرت السماء دماء...»؛

«... همانا هنگامی که خداوند متعال قبض روح پیامبری را کند، آسمان تا 40 سال بر او می‌گرید و هنگامی که امامی از امت از دنیا مفارقت کند، آسمان بر او تا چهل ماه می‌گرید و هنگامی که عالمی که به علم خود عمل می‌نموده بمیرد، آسمان بر او تا 40 روز می‌گرید... پس بر امام حسین (علیه السلام) آسمانها و زمین گریست به طول روزگار و تصدیق آن این است که روزی که به شهادت رسید، از آسمان باران خون بارید.» [\(1\)](#)

نکته مهم این جاست که:

آسمان و زمین و ... مقهور اراده الهی اند و طبق فرمایش قرآن: «يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» [\(2\)](#) انجام می‌دهند آنچه را که بدان امر شده‌اند. یعنی اراده قاهر الهیه بر این قرار گرفته است که زمین و آسمان تا ابدالدهر و تا پایان روزگار بر امام حسین (علیه السلام) گریه کند. گریه دائمی کائنات بر مصائب امام حسین (علیه السلام) و اراده الهی است؛ چرا ما خود را از این سیطره الهیه و از این فیض عام و رحمت بیکران محروم کنیم و نه تا پایان دنیا، بلکه تا پایان همین مدت کوتاه عمر گریان نباشیم بر سیدالکونین ابی عبدالله الحسین (علیه السلام). اللهم اجعلني من الباكين على الحسين.

1- تفسیر البرهان، ج 5، ص 16، ذیل آیه 29 سوره دخان.

2- نحل / 50؛ تحریم / 6.

فصل پنجاه و هفتم : خارج شدن از آبادی‌ها به سوی ویرانه‌ها

مصیبت اگر عظیم باشد مصیبت زده ممکن است به خاطر آن آواره شود.

در روایت آمده است که جغد بعد از کشته شدن امام حسین (علیه السلام) از آبادی‌ها و عمران به سوی خرابه‌ها و ویرانه‌ها رفت.

«فَلَمَّا قَتِلَ الْحُسَيْنُ (علیه السلام) خَرَجَتْ مِنَ الْعُمَرَانِ إِلَى الْخَرَابِ وَالْجِبَالِ وَالْبُرَارِي؛ هنگامی که حسین (علیه السلام) کشته شد جغد به سوی خرابه‌ها و کوه‌ها و صحراها رفت.» (1)

همچنین روایت شده که امام صادق (علیه السلام) در مورد جغد فرمود:

« هَلْ أَحَدٌ مِنْكُمْ رَأَاهَا بِالنَّهَارِ قَبِيلَ لَهُ لَا تَكَادُ تَظْهَرُ بِالنَّهَارِ وَلَا تَظْهَرُ إِلَّا لَيْلًا قَالَ أَمَا إِنَّهَا لَمْ تَزَلْ تَأْوِي الْعُمَرَانَ أَبَدًا فَلَمَّا أَنْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ (علیه السلام) أَلَتْ عَلَى نَفْسِهَا أَنْ لَا تَأْوِي الْعُمَرَانَ أَبَدًا وَلَا تَأْوِي إِلَّا الْخَرَابَ فَلَا تَزَالُ نَهَارَهَا صَائِمَةً حَزِينَةً حَتَّى يَجْنَهَا اللَّيْلُ فَإِذَا جَنَّهَا اللَّيْلُ فَلَا تَزَالُ تَرِنُ [تَرْتُ] عَلَى الْحُسَيْنِ (علیه السلام) حَتَّى تُصْبِحَ؛ آیا هیچ یک از شما او را در روز دیده‌اید؟ عرض شد: خیر. در روز آشکار نمی‌شود و فقط در شب ظاهر می‌شود. حضرت فرمودند: اما اینکه این حیوان پیوسته در خرابه‌ها مسکن گرفته و در آبادی نمی‌آید، جهتش این است که وقتی حضرت امام حسین (علیه السلام) شهید شدند این حیوان به واسطه قسم بر خود حتم نمود که ابداً در آبادی سکنا نکرده و منزلش تنها در خرابه‌ها باشد. پس پیوسته در روز صائم و حزین است تا شب فرا برسد. وقتی شب در آمد از ابتدای آن تا صبح بر مصیبت امام حسین (علیه السلام) زمزمه و نوحه سرایی و مرثیه خوانی می‌کند.» (2)

1- کامل الزیارات، ص 99.

2- کامل الزیارات، ص 99.

وقتی حال حیوان این چنین است که در عزای امام حسین (علیه السلام) خانه نشین می شود چرا حال شیعه و محب او که طبق آیه قرآن مأمور است حب شدید نسبت به مولای خود داشته باشد این گونه نباید.

«وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ؛ و کسانی که ایمان آورده اند، شدیدترین حُب را نسبت به خدا دارند». (1)

و حُباً لله، همان حُب حسین (علیه السلام) است. طبق این فرمایش امام هادی (علیه السلام) که: «مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ؛ کسی که محبت شما را داشته باشد، خدا را دوست داشته است». (2) پس تکلیف چیست؟

تکلیف ما در این عزای عظمی و داهیة کبری چیست؟ وقتی می شنوی که جغد چنین عزاداری می کند ما که مأموریم به دوست داشتن شدید امام حسین (علیه السلام)، باید چگونه رفتار کنیم. به خاطر همین مطلب بود که به ما فرمودند:

«... وَ اللَّهُ كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى الْوُحُوشِ مَادَّةَ أَعْنَاقِهَا عَلَى قَبْرِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الْوُحُوشِ يَبْكُونَهُ وَيَرْتُونَهُ لَيْلًا حَتَّى الصَّبَاحِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَيَاكُمُ وَالْجَفَاءُ؛ به خدا قسم! گویا می بینم که وحوش گردن های خود را بر قبرش کشیده و بر او می گریند و از شب تا صبح بر او مرثیه می خوانند و وقتی حال وحوش چنین باشد پس شما انسان ها از جفاء به او حذر کنید». (3)

عبرت بگیریم که حضرت فرمود: وقتی حال درندگان و وحشیان در عزای امام حسین (علیه السلام) این گونه است شما بر امام حسین (علیه السلام) از طریق قصور عزاداری جفا نکنید...

1- بقره / 165 .

2- من لا يحضر الفقيه، ج 2، ص 613.

3- کامل الزیارات، ص 80، باب 26، ح 2؛ البكاء للحسين (علیه السلام)، ص 353؛ عوالم العلوم، ج 17، ص 489؛ بحار الانوار، ج 45، ص 205؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 258.

وقتی جغد تا صبح در مصیبت عظمای امام حسین (علیه السلام) گریان و نالان است پس ای بی سواد و بی محبت آن جماعت مردمی که ما را از عزاداری تا دیر وقت منع می کنند.

فصل پنجاه و هشتم : مدعور

مدعور به معنای مات و مبهوت و ترسان و وحشت زده. ذعرالمصیبه: مصیبت او را ترسانید و وحشت زده کرد.

در روایتی آمده که ابن عباس گفت: ما در خانه بودیم که صدای شیون و استغاثه ام سلمه را شنیدیم . خدمت ایشان رفتیم و عرض کردیم:

« يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، مَا بِالْكِ تَصْرِيخِينَ وَ تَعْوِيثِينَ ... قَالَتْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ فِي الْمَنَامِ السَّاعَةَ شَجِيحًا مَدْعُورًا فَسَأَلْتُهُ عَنْ شَأْنِهِ ذَلِكَ فَقَالَ قُتِلَ ابْنِي الْحُسَيْنُ (عليه السلام) وَأَهْلُ بَيْتِهِ الْيَوْمَ فَدَفَنْتُهُمْ وَالسَّاعَةَ فَرَعْتُ مِنْ دَفْنِهِمْ...»

ای مادر مؤمنین! شما را چه شده که شیون و صرخه می زنید و استغاثه می کنید؟!

فرمود: ... در این ساعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در خواب دیدم در حالتی که خاک آلود و وحشت زده بود. پس از این حالشان پرسیدم: فرمودند: فرزندم حسین (علیه السلام) و اهل بیت او کشته شدند. امروز ایشان را دفن کردم و الآن از دفن ایشان فارغ شدم. (1)

به راستی در جایی که اشرف خلائق و سرور رُسل از این مصیبت خاک آلود و مدعور و حشت زده است، تکلیف ما دون ایشان چیست؟

1- امالی طوسی، ص 314؛ بحار الانوار، ح 45، ص 231؛ عوالم العلوم، ج 17، ص 508.

تعليقات:**زیارت ناحیه****بررسی زیارت ناحیه مقدسه****اشاره**

یکی از اشکالاتی که توسط برخی از افراد مطرح شده، بحث زیارت ناحیه مقدسه، و برخی از عبارات آن است که ما در اینجا ابتدا به اسناد و مدارک این زیارت پرداخته و سپس به شبهات آن پاسخ خواهیم داد.

زیارت ناحیه مقدسه یکی از زیارات مشهور امام حسین (علیه السلام) است. این زیارت در روز عاشورا و غیر آن خوانده می‌شود و به اصطلاح، از زیارات مطلقه است. این زیارت، صحنه کربلا و حادثه بزرگ عاشورا را به زیباترین وجه در مقابل چشمان اشکبار و قلب داغدار شخص زائر مجسم می‌نماید و او را در متن واقعه عاشورا قرار می‌دهد و آنگاه که سراسر وجود انسان را سرشار از عشق و معرفت کرد، جانش را با تولی و تبری مأنوس می‌سازد و سلام بر حسین و یارانش، و بیزاری از یزید و یزیدیان تاریخ را وارد قلب و زبانش می‌نماید.

این زیارت با سلام بر پیامبران الهی و اولیای دین، ائمه اطهار (علیهم السلام) آغاز می‌شود سپس، با سلام بر امام حسین (علیه السلام) و یاران با وفایش ادامه می‌یابد. پس از آن، به شرح کامل اوصاف و کردار امام حسین (علیه السلام) پیش از قیام، زمینه های قیام حضرت، شرح شهادت و مصایب آن حضرت، و عزادار شدن تمام عالم و موجودات زمینی و آسمانی می‌پردازد. در پایان، با توسل به ساحت مقدس ائمه اطهار و دعا در پیشگاه خداوند متعال، پایان می‌پذیرد.

مصادر زیارت ناحیه مقدسه

این زیارت مسلماً از سوی امام معصوم (علیه السلام) صادر گردیده، و در کتب متقدمان و علمای شیعه از زمان‌های دور تاکنون، ثبت و ضبط شده است.

1: نخستین کسی که از این زیارت در کتاب خویش نام برده، شیخ مفید (متوفی 413ه ق) است که آن را در کتاب مزار خویش جزء اعمال روز عاشورا ثبت کرده است. علامه مجلسی می نویسد:

«قال الشيخ المفيد - قدس الله روحه - في كتاب المزار ما هذا لفظه: زیاره آخری فی یوم عاشورا بروایه آخری، إذا أردت زیارته بها فی هذا الیوم فقف علیه (علیه السلام) وقل: السلام علی صفوه اللّه...» (1)

2: پس از مفید، شاگردش سیدمرتضی علم الهدی (متوفی 436 ه ق)، از آن در کتاب مصباح الزائر خویش یا (المصباح (2)) یاد کرد. سیدبن طاووس در مصباح الزائر می نویسد:

«زیاره ثانیه بألفاظ شافیه یزار بها الحسین - صلوات اللّه علیه - زار بها المرتضی علم الهدی - رضوان الله علیه - قال: فإذا أردت الخروج فقل: اللهم إلیک توجهت.... ثم تدخل القبه الشریفه و تقف علی القبر الشریف و قل: السلام علی آدم صفوه الله...» (3)

3: علامه مجلسی هم در نقل این زیارت، به کتاب سید مرتضی (قدس سره) اشاره کرده است. (4)

ابن المشهدی (متوفی 595 ق)، شاگرد شاذان بن جبریل قمی، عبد الله بن جعفر دوریستی و ورام بن ابی فراس، و استاد ابن نماء حلّی و فخار بن معد حائری است. ابن المشهدی درباره زیارت ناحیه در کتاب المزار الکبیر، می نویسد:

«زیاره آخری فی یوم عاشورا لأبی عبدالله الحسین ممّا خرج من الناحیه إلى أحد الأبواب. قال: تقف علیه و تقول: السلام علی آدم صفوه الله» (5)

1- بحار الانوار، ج 98، ص 317.

2- ر.ک: سید محمد امین، اعیان الشیعه، ج 8، ص 219.

3- مصباح الزائر، ص 221.

4- بحار الانوار، ج 98، ص 328.

5- المزار الکبیر، ص 496 - 519.

بختی پیرامون شخصیت ابن مشهدی و کتاب ایشان

علمای بزرگی این عالم فاضل را توثیق و کتابش را تایید کرده‌اند:

شهید اول (متوفی 786 ه ق): «الشیخ الامام السعید». (1)

علامه مجلسی: «کتاب المزار الکبیر یعلم من کیفیه اسنادہ انه کتاب معتبر وقد اخذ منه السیدان ابنا طاووس کثیرا من الاخبار والروایات».

(2)

شیخ حر عاملی: «کان فاضلا محدثا صدوقا». (3)

محدث نوری: «الشیخ الجلیل المتبحر مولف المزار المشهور ... الذی اعتمد علیه اصحابنا الابرار». (4)

آقا بزرگ تهرانی: عالم جلیل واسع الروایه. (5)

آیت الله وحید خراسانی «حفظه الله»: «اعتمادنا علی المزار المشهدی نتیجه لاعتماد السید عبد الکریم (ابن طاووس) و ولده علیه» (6)

4: چهارمین عالم شیعه که به نقل آن پرداخته، سید بن طاووس، رضی الدین علی بن موسی بن طاووس حسنی بغدادی (متوفی 664 ق)،

است که این زیارت را در مصباح الزائر نقل کرد. (7)

بعد از این کتاب‌ها که مربوط به قدماء بود زیارت ناحیه در کتاب‌های حدیثی و مزار متأخران نقل گردید، و ترجمه‌ها و شرح‌های متعدد بر

آن نگاشته شد. در این باره،

1- بحار الانوار، ج 104، ص 196.

2- بحار الانوار، ج 1، ص 35.

3- مستدرک الوسائل، ج 9، ص 364.

4- مستدرک الوسائل، ج 2، ص 19.

5- طبقات اعلام الشیعه، ج 3، ص 202.

6- صوم عاشورا، ص 48.

7- مصباح الزائر، ص 192.

می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره کرد: 1. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج 98، ص 317 و تحفه الزائر، ص 333، زیارت چهارم امام حسین (علیه السلام) 2. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 10، ص 335؛ 3. فیض کاشانی، الصحیفه المهدیه، ص 203؛ 4. محدث قمی، نفس المهموم، ص 233؛ 5. آیت الله سید هادی میلانی، قادتنا کیف نعرفهم، ج 6، ص 115؛ 6. آیت الله بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج 15، ص 405؛ 7. سید محمود، ده سرخی، رمزالمصیبه، ج 3، ص 10. پس این زیارت، سابقه‌ای هزار ساله دارد، و در کتاب‌ها و گفتارهای عالمان شیعه مشهور بوده است.

صدور زیارت ناحیه:

اصل صدور زیارت ناحیه از سوی امام معصوم (علیه السلام) در کتب قدما پذیرفته شده بود.

علمای بزرگ شیعه آن را به عنوان یک زیارت مأثور و حدیث مشهور، در کتاب‌های خویش ذکر کرده‌اند.

شیخ مفید (م. 413ق) در مزار خود، می‌نویسد:

«زیاره آخری فی یوم عاشورا بروایه آخری». از این جمله معلوم می‌شود که این روایت، مروی بوده و از جمله احادیث صادره از معصوم به شمار می‌رفته است. (1)

سید مرتضی (م. 436ق) به هنگام زیارت امام حسین (علیه السلام) نخست این زیارت را می‌خواند و سپس زیارت دیگر را قرائت می‌کرد. سیدبن طاووس در مصباح الزائر می‌نویسد: «زاربها المرتضی علم الهدی - رضوان الله علیه» (2) و هم، در نسخه خطی کتاب المزار - از نویسنده‌ای کهن و نامعلوم، که نسخه آن به شماره 426 در کتابخانه آیت الله مرعشی قم موجود است - نوشته شده است:

1- بحارالانوار، ج 98، ص 317، ح 8؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 335، ح 16؛ جامع احادیث الشیعه، ج 15، ص 405، ح 16 و 17.

2- مصباح الزائر، ص 221.

«زیاره آخری تختص بالحسین - صلوات الله علیه - و هی مرویه بأسانید مختلفه و هی أول زیاره زاربه‌ها المرتضی علم الهدی - رضوان الله علیه.» (1)

معلوم است که تا زیارتی مروی از امام معصوم (علیه السلام) نبوده باشد، فقیهی بزرگ و عالمی سترگ مانند سید مرتضی، آن را بر زیارات دیگر - مانند زیارت عاشورا - مقدم نمی‌داشته و نمی‌خوانده است. (2) ابن المشهدی (م. 595ق) هم صریحاً می‌نویسد: «زیاره آخری فی یوم عاشورا لأبی عبدالله الحسین ممّا خرج من الناحیه إلى أحد الابواب.» (3) از این جمله، به صراحت روشن می‌شود که زیارت ناحیه، از سوی امام زمان (علیه السلام) صادر گردیده و به یکی از نواب خاصه و ابواب اربعه داده شده است. پس از آن، از طریق راویان بعدی به دست شیخ مفید رسیده و از ایشان به سید مرتضی و راویان پس از وی، منتقل شده است. از همین رو، اسناد این زیارت به امام زمان (علیه السلام) در کتب متأخران، بدون هیچ شک و شبهه‌ای بوده است.

محدث قمی در نفس المهموم می‌نویسد: فکان کما وصفه ابنه الإمام المهدی. (4)

آیت الله سید محمد هادی میلانی هم می‌نویسد:

«ونجد فی زیاره الامام المهدی (علیه السلام) وصفاً دقیقاً لما جرى علی جده الحسین (علیه السلام)» (5)

در کتاب حماسه حسینی شهید مطهری هم بخش‌هایی از این زیارت نقل شده است. (6)

1- المزار، ص 146.

2- مستدرک الوسائل، ج 10، ص 335، ح 17.

3- المزار الكبير، ص 496.

4- نفس المهموم، ص 233.

5- قادتنا کیف نعرفهم، ج 6، ص 115.

6- حماسه حسینی، ج 1، ص 191.

اسناد زیارت ناحیه

این زیارت سند دارد؛ به طوری که با اسناد محکم، به شیخ مفید، سید مرتضی و ابن المشهدی می‌رسد. احتمالاً با سند در کتاب مزار شیخ مفید و مصباح سید مرتضی روایت شده، اما با فقدان این دو کتاب، و حذف اسناد زیارات در مزار ابن المشهدی - به دلیل اختصار - سند این زیارت هم مفقود شده است. خود ابن مشهدی در آغاز کتابش، تصریح می‌کند که این زیارات با سند متصل به من رسیده است. او می‌نویسد: «فإتی قد جمعت فی کتابی هذا من فنون الزیارات ... ممّا اتصلت به من ثقات الرواه إلی السادات» (1) اما ابن المشهدی برای اختصار کتابش و اطمینانی که به صدور زیارات از معصوم داشت، آنها را حذف کرد. علامه مجلسی پس از نقل عبارت ابن مشهدی، می‌نویسد: «فظهر أنّ هذه الزیارة منقوله مرویه» (2) در نسخه کتاب المزار - که به شماره 462 در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است (ورق 146) - درباره این زیارت چنین آمده است: «و هی مرویه بأسانید مختلفه» در مستدرک الوسائل نیز این عبارت بدون واژه «مختلفه» آمده است (3). شیخ مفید هم در کتاب مزار و در وصف این

زیارت، چنین نگاشت: «زیاره آخری فی یوم عاشوراء بدرایه آخری» (4) مسلم است تا این زیارت دارای سند عالی و استوار نباشد، شیخ مفید و سید مرتضی آن را در کتابشان نمی‌آوردند، و سید مرتضی آن را بر زیارات دیگر - مانند زیارت عاشورا، که دارای سندی محکم و متعدد است - مقدم نمی‌داشت و نمی‌خواند. پس، زیارت ناحیه دارای سند صحیح و معتبر است، که از امام زمان علیه السلام صادر شده و از طریق یکی از نایبان خاص آن حضرت، به راویان اخبار، از آنان به شیخ مفید، سپس به ابن المشهدی و از او به سیدین طاووس، علامه مجلسی و دیگران رسیده است.

1- المزار الکبیر، ص 27.

2- بحار الانوار، ج 98، ص 328.

3- مستدرک الوسائل، ج 10، ص 335، ح 17.

4- بحار الانوار، ج 98، ص 317، ح 8.

زیارت ناحیه دوم (زیارت شهداء)

اشاره

یکی دیگر از زیارات ناحیه، زیارتی است که مشتمل بر نام شهیدان کربلاست، در این زیارت، ابتدا از طرف حضرت سلام به امام حسین (علیه السلام) و سپس به تک تک شهدای کربلا سلام داده شده است که بانام حضرت علی اکبر شروع می شود: «السلام علی اول قتیل من نسل خیر سلیل»

سند زیارت ناحیه دوم

1: سیدبن طاووس در کتاب الاقبال، ضمن اعمال روز عاشورا به سند خویش روایت کرده است. (1)

2: پیش از سیدبن طاووس این زیارت در مزار شیخ مفید (2) و مزار کبیر ابن المشهدی آمده است. (3)

این زیارت با اضافاتی، شامل زیارت امام حسین (علیه السلام)، علی اکبر (علیه السلام) و دیگر شهدا، بنابر نقل شیخ مفید و سیدبن طاووس، در اعمال اول ماه رجب و شب نیمه شعبان هم تکرار شده و معروف به «زیارت رجبیه» است. (4)

سید - و هم ابن المشهدی در مزار خود - به سند متصل خویش از جدّش، شیخ طوسی، از ابو عبد الله محمدبن احمدبن عیاش، از ابو منصور بن عدالمنعم بن نعمان بغدادی نقل می کند که در سال 252ق، از ناحیه مقدسه به دست شیخ محمد بن غالب اصفهانی، این زیارت خارج شد. متن عبارت، چنین است:

«خرج من الناحیه سنه اثنتین و خمسين و مأتین علی ید الشیخ محمد بن غالب الاصفهانی».

1- بحار الانوار، ج 98، ص 269-274.

2- بحار الانوار، ج 98، ص 274.

3- المزار الکبیر، ص 162 - 164.

4- بحار الانوار، ج 98، ص 341-336.

شبهات

1: متأسفانه از برخی سخنوران شنیده شده است که: مگر امام زمان بیکار است که روزی دو مرتبه برای جد مظلومشان گریه کند!!!

پاسخ:

اولاً:

این جمله بدون سند نیست بلکه از ناحیه امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صادر شده که فرمودند:

«فَلَا تُدْبِنُكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَابِكَيْنِ عَلَيَّكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا حَسْرَةً عَلَيَّكَ وَ تَأْسُفًا وَ تَحَسُّراً عَلَيَّ مَا دَهَاكَ» (1)

جد غریبم: اگر روزگار، مرا به تاخیر انداخت و من نتوانستم تورا یاری کنم در عوض صبح و شام برای تو خون گریه می‌کنم.

مصیبتی که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای آن خون گریه می‌کند کدام مصیبت است؟

مرحوم آیت الله شیخ علی اکبر نهاوندی در کتاب گرانسنگ عبقری الحسان نقل می‌کند: مرحوم حاج ملا سلطانعلی روضه خوان تبریزی که از عباد و زهاد بود، نقل کرد که در خواب خدمت حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیدم، عرض کردم: مولای، آنچه در زیارت ناحیه مقدسه آمده که فرمودید:

«فَلَا تُدْبِنُكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَابِكَيْنِ عَلَيَّكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا» صحیح است؟

فرمودند: آری صحیح است، عرض کردم: آن مصیبتی که به جای اشک خون گریه می‌کنید کدام است، آیا مصیبت علی اکبر است؟ فرمودند: اگر علی اکبر زنده بود در این مصیبت او هم خون گریه می‌کرد.

گفتم: آیا مصیبت حضرت عباس است؟ فرمودند: اگر حضرت عباس هم زنده بود او نیز در این مصیبت خون گریه می‌کرد.

گفتم: لابد مصیبت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) است؟ حضرت فرمودند: حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) اگر زنده بود ایشان هم در این مصیبت خون گریه می کردند

عرض کردم: پس کدام مصیبت است؟ فرمودند: مصیبت اسیری زینب (علیها السلام) می باشد، که همیشه باید برای آن خون گریست.

(1)

چنانچه گذشت این زیارت را علمای بزرگی از جمله: شیخ مفید، سید مرتضی، ابن مشهدی، سیدبن طاووس و ... نقل کرده اند.

ثانیاً:

این گونه شبهات را کسانی می کنند که عمق مصیبت کربلا را متوجه نشده اند اما اگر حقیقت این واقعه عظیم درک شود دیگر حتی فکر این گونه شبهات را نمی کنیم. طبق روایات معتبر چهار هزار ملک هم اکنون نیز غبارآلود و ژولیده مو به دور آن ضریح شش گوشه طواف می کنند و می گریند و یا چنانچه گذشت و مصادر آن به طور مفصل گذشت که بنا بر حدیث ابوذر اگر انسان این مصیبت را درک کند سزاوار است که جان بدهد.

ابن قولویه قمی به سند معتبر از حضرت سجّاد (علیه السلام) روایت کرده که به زانده، فرمود: همانا چون روز عاشورا رسید به ما آنچه رسید از دواهی و مصیبات عظیمه و کشته گردید پدرم و کسانی که با او بودند از اولاد و برادران و سایر اهل بیت او، پس حرم محترم و زنان مکرمه آن حضرت را بر جهاز شتران سوار کردند برای رفتن به جانب کوفه پس نظر کردم به سوی پدر و سایر اهل بیت او که در خاک و خون آغشته گشته و بدنهای طاهر آنها بر روی زمین است و کسی متوجه دفن ایشان نشد و سخت بر من گران آمد و سینه من تنگی گرفت و حالتی مرا عارض شد که همی خواست جان از بدن من پرواز کند. عمّه ام زینب کبری (علیها السلام) چون مرا بدین حال دید پرسید که این چه حالت است که در تو می بینم ای یادگار پدر و مادر و برادران من، می نگرم تو را که می خواهی جان تسلیم کنی؟

گفتم: ای عمّه! چگونه جزع و اضطراب نکنم و حال آنکه می بینم سیّد و آقای خود و برادران و عموها و عموزادگان و اهل و عشیرت خود را که آغشته به خون در این بیابان افتاده و تن ایشان عریان و بی کفن است و هیچ کس به دفن ایشان نمی پردازد و بشری متوجه ایشان نمی گردد و گویا ایشان را از مسلمانان نمی دانند.

عمّه ام گفت: از آنچه می بینی دل نگران مباش و جزع مکن، به خدا قسم که این عهدی بود از رسول خدا به سوی جدّ و پدر و عمّ تو و رسول خدا، مصائب هر یک را به ایشان خبر داده، به تحقیق که حق تعالی در این امت پیمان گرفته از جماعتی که فراعنه ارض، ایشان را نمی شناسند لکن در نزد اهل آسمانها معروفند که ایشان این اعضای متفرقه و اجساد در خون تپیده را دفن کنند.

«وَيَصْبُونَ لِهَذَا الطَّفِّ عَلَمَا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ (عليه السلام) لَا يُدْرَسُ أَثَرُهُ وَلَا يَعْفُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ»

در ارض طّفّ بر قبر پدرت سیّد الشهداء (علیه السلام) علامتی نصب کنند که اثر آن هرگز برطرف نشود و به مرور ایام و لیالی محو و مطموس نگردد یعنی مردم از اطراف و اکناف به زیارت قبر مطهرش بیایند و او را زیارت نمایند و هر چند که سلاطین کفره و اَعْوَانِ ظَلَمَهِ در محو آثار آن سعی و کوشش نمایند ظهورش زیاده گردد و رفعت و علوّش بالاتر خواهد گرفت. (1)

2: اگر این زیارت دوم از ناحیه امام زمان است پس چرا سه سال قبل از ولادت آن حضرت صادر شده است؟

پاسخ:

اولاً: یکی از مواردی که موجب این گونه اختلافات می شود بحث تصحیف و تحریف الفاظ روایات می باشد که این امر بر محققان و پژوهشگران عرصه علوم حدیثی پوشیده و مخفی نیست. تحریف به این معناست که عده ای از نسخ و نویسندگانی که نسخه های حدیث را جمع آوری می کنند، عمداً به علل مختلفی در الفاظ روایات

دست می‌برند اما اگر این کار سهوی باشد آن را تصحیف نامگذاری می‌کنند لذا در اینجا نیز ممکن است در نوشتن، خواندن و قرائت الفاظ، اشتباهی رخ داده باشد و عدد شش را به اشتباه، پنج خوانده باشند.

ثانیاً: ممکن است که این زیارت از ناحیه امام عسکری (علیه السلام) صادر شده باشد.

هر دو احتمال در کلمات علما و بزرگان نیز آمده است:

1: علامه مجلسی می‌فرماید:

«و اعلم أنّ فی تاریخ الخبر إشکالا لتقدمها علی ولاده القائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بأربع سنین. لعلّها کانت اثنتین و ستین و مأتین و یحتمل أنّ یكون خروجہ عن ابی محمد العسکری (علیه السلام)»

2. ملا عبدالله بن نورالله بحرانی می‌نویسد:

«هكذا فی جمیع النسخ إلا أنّ هذا التاریخ لا یناسب ولاده و غیبه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بفصل عده سنوات فیحتمل تصحیف الرقم، أو أنّها وردت عن الامام العسکری (علیه السلام)» (1)

3: حاج میرزا ابوالفضل تهرانی می‌نویسد:

و ظاهراً، مراد به ناحیه، حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) است؛ چنانچه در کثیری از اخبار، این اطلاق شایع است، چه این تاریخ سابق بر ولادت امام زمان است. (2)

4: حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله می‌نویسد:

گویند: تاریخ خبر خالی از اشکال نیست، چون ولادت با سعادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

در سال 256 است و خروج این زیارت، چهار سال قبل از میلاد است، و احتمال دارد که از امام عسکری باشد و نساخ اشتباه کرده باشند. (3)

بنابراین، اگر سال 252 را صحیح بدانیم و احتمال تصحیف - که در متون خطی قدیم بسیار است و اشباه و نظایر فراوان دارد - ندهیم، مراد از ناحیه، امام عسکری (علیه السلام)

1- عوالم العلوم، ج 63 (مخطوط)، ص 787.

2- شفاء الصدور، ج 1، ص 243.

3- قمقام زخار، ص 677.

است. اما اگر این سال را نادرست بدانیم و مانند علامه مجلسی و ملا عبدالله بحرانی، احتمال تصحیف بدهیم و صحیح آن را (ستین) بدانیم، مراد از ناحیه، ناحیه مقدسه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود. [\(1\)](#)

1- بزرگترین مصیبت عالم، ص 212.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

8000 متر عشق، مهدی نیلی پور، انتشارات مرغ سیمان، چاپ اول، 139.

اثبات الوصیه، مسعودی، علی بن حسین، ناشر: انصاریان، قم، چاپ سوم، 1384 / 1426.

الإحتجاج علی أهل اللجاج، طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ناشر: نشر مرتضی، مشهد، چاپ اول، 1403 ق.

احرام مُحَرَّم، عبدالحسین نیشابوری، انتشارات دلیل ما، چاپ اول، زمستان 1395.

ادب الطف او شعراء الحسين (عليه السلام) من القرن الاول الهجري حتى القرن الرابع عشر، اثر: سید جواد شبر

ارشاد العباد الی استحباب لبس السواد علی سیدالشهدا و الائمه الامجاد، میرزا جعفر طباطبایی الحائری حفید صاحب الرياض (1321ه.ق)، تحقیق: الحسینی الفحام.

إرشاد القلوب إلى الصواب، دیلمی، حسن بن محمد، ناشر: الشریف الرضی، قم، چاپ اول، 1412 ق.

الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، 1413 ق.

الاستیعاب، ابن عبدالبر،

اسدالغابه، ابن اثیر، انتشارات اسماعیلیان، تهران.

اسرارالشهادات،

اشک حسینی سرمایه شیعه، نیشابوری، عبدالحسین، انتشارات دلیل ما، قم، چاپ دهم، زمستان 1391ش.

اشک‌های رقیه (علیها السلام)، دفاع از دردانه امام حسین (علیه السلام)، حسینی، سید جلال، مترجم: حسین خسروی، انتشارات طوبای محبت، چاپ اول، 1393 ش.

الاصابه، ابن حجر عسقلانی،

اصول الحدیث، احکام فی علم الدرايه، سبحانی،

الاصول العامه للفقہ المقارن، طباطبائی حکیم، محمد تقی،

اصول الفقه، مظفر، محمدرضا، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ چهارم، 1370 ش.

إعلام الوری بأعلام الهدی (ط- القدیمة)، طبرسی، فضل بن حسن، ناشر: اسلامیة، تهران، چاپ سوم، 1390 ق.

اعیان الشیعه، سید محمد امین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، 1406 ق.

إقبال الأعمال، ابن طاووس، علی بن موسی، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1409 ق.

اقتناع اللائم، سید محسن امین،

ام البنین، مادر پرچمدار کربلا، سید جمال اشرف

الأمالی، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتابچی، تهران، چاپ ششم، 1376 ش.

الأمالی، طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: مؤسسه البعثه، ناشر: دار الثقافه، قم، چاپ اول 1414 ق.

الأمالی، مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: استاد ولی، حسین وغفاری علی اکبر، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، 1413 ق.

امواج البکاء، گریه‌های حضرت سیدالشهداء (علیه السلام)، مؤلف: آیت الله ملا-نوروزعلی معروف به فاضل بسطامی (م1309ق)، انتشارات طوبای محبت، تصحیح و تحقیق و اضافات: مجتبی خورشیدی، چاپ دوم، 1392 ش.

الانتصار، الشیخ الکورانی العاملی (معاصر)، دارالسیره بیروت، 1422 ه.ق، لبنان، الطبعة الاولى.

انساب الاشراف، احمد بن يحيى البلاذرى، مؤسسه الاعلمى، بيروت، چاپ اول، 1394 ق.

انوار الشهادة فى مصائب الحسين (عليه السلام).

اولين دانشگاه و آخرين پیامبر، سيد محمد رضا پاكنازاد،

اين البكائون، آداب و سيره علما و بزرگان در عزای سيد الشهداء (عليه السلام)، عيوضى مجيد، ناشر: صيام، چاپ ششم، 1391 ش.

آداب عزادارى شهيدان كربلا، حسن سمنانى، حسين، انتشارات راه نيكان، تهران، چاپ اول، 1385 ش.

بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، محقق / مصحح: جمعى از محققان، ناشر: دار إحياء التراث العربى، بيروت، چاپ دوم، 1403 ق.

البرهان فى تفسير القرآن، بحراني، سيد هاشم بن سليمان، محقق / مصحح: قسم الدراسات الإسلاميه مؤسسه البعثه، ناشر: مؤسسه بعثه، قم، چاپ اول، 1374 ش.

بزرگترین مصيبت عالم، خادمى، محمد، انتشارات آشيانه مهر، مجمع جهانى شيعه شناسى، چاپ اول، 1389 ش.

بشاره المصطفى لشيعه المرتضى، طبرى آملی، عماد الدين أبى جعفر محمد بن أبى القاسم، ناشر: المكتبه الحيدريه، نجف، چاپ دوم، 1383 ق.

بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد صلی الله عليهم، صفار، محمد بن حسن، محقق / مصحح: كوچه باغى، محسن بن عباسعلى، ناشر: مكتبه آيه الله المرعشى النجفى، قم، چاپ دوم، 1404 ق.

البكاء للحسين عليه السلام، علامه ميرجهانى،

بهجه الآمال فى شرح زبده المقال، عليارى تبريزى،

پرسش و پاسخ پيرامون حماسه عاشورا،

تاج العروس من جواهر القاموس، حسيني زبيدى، محمد مرتضى، محقق / مصحح: على، هلالى و سيري، على، ناشر: دارالفكر، بيروت، چاپ اول، 1414 ق.

تاریخ طبری، ابن جریر طبری، مؤسسه اعلمی، بیروت.

تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، دارالفکر، بیروت، 1415ق.

تاریخچه عزاداری اهل سنت بر امام حسین (علیه السلام)، حسین تهرانی، حسین، انتشارات تهذیب، چاپ اول، پاییز 1390ش.

تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، استرآبادی، علی، محقق / مصحح: استاد ولی، حسین، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی، قم، چاپ اول، 1409ق.

تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، 1404 / 1363ق.

التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، حسن، ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، 1368ش.

تذکره الخواص، ابن جوزی، منشورات شریف رضی، قم.

تذکره الشهداء،

ترجمه عیون أخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی، مترجم: حمید رضا و غفاری، علی اکبر، ناشر: نشر صدوق، تهران، چاپ اول، 1372ش.

تسلية المُجالس وزینه المَجالس (مقتل الحسین علیه السلام)، حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب، محقق / مصحح: حسون، کریم فارس، ناشر: مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم، چاپ اول، 1418ق.

تعلیقہ بر منهج المقال، استرآبادی،

تفسیر اطیب البیان، طیب، سید عبدالحسین، انتشارات مؤسسه جهانی سبئین، چاپ اول، 1495ش.

تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، ناشر: المطبعه العلمیه، تهران، چاپ اول، 1380ق.

تفسیر القمی، قمی، علی بن ابراهیم، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب، ناشر: دار الکتاب، قم، چاپ سوم، 1404ق.

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، حسن بن علي، امام يازدهم عليه السلام، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدي عليه السلام، ناشر: مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، چاپ اول، 1409 ق.

تفسير نور الثقلين، العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، محقق / مصحح: رسولي محلاتی، سيد هاشم، ناشر: اسماعيليان، قم، چاپ چهارم، 1415 ق.

تقويم شيعه، نيشابوري، عبدالحسين، انتشارات دليل ما، چاپ، 13 .

تنقيح المقال، مامقاني،

التنقيح في شرح العروه الوثقى، خويي،

تهذيب الاحكام، محمد بن الحسن بن علي الطوسي (460ه) دارالال-كتب الاسلاميه، طهران، 1365 ش، ط: 4، تحقيق: السيد حسن الموسوي الخراسان.

تهذيب اللغه، ازهری،

ثمرات الاعواد، هاشمی نجفی، سيدعلی، المكتبة الحيدريه، قم.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابن بابويه، محمد بن علي، مترجم: غفاری، علي اكبر، ناشر: كتاب فروشي صدوق، تهران، چاپ اول، بی تا.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابن بابويه، محمد بن علي، ناشر: دار الشريف الرضي للنشر، قم، چاپ دوم، 1406 ق.

جامع أحاديث الشيعه، بروجردی، آقا حسين، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ناشر: انتشارات فرهنگ سبز، تهران، چاپ اول، 1386 ش.

جامع الرواه، محمد بن علي الاردبيلي، مكتبه المحمدي.

جامع الشتات،

جلاء العيون، علامه مجلسی،

جلوه‌های عزاداری در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)،

جمهرة اللغه، ابن دريد، محمد بن حسن، دارالعلم للملایین، بیروت، 1988 م.

جواهر الکلام، نجفی، محمد حسن، انتشارات اسلامیه، تهران، چاپ سوم، 1367 ش.

چرا سیاه می پوشیم، وحیدالدین شریانی،

حدائق الناظره، محدث یوسف بحرانی، مؤسسه نشر اسلامی، قم.

حضرت حمزه (علیه السلام) حامی رسالت، جمعی از محققین حوزه علمیه اصفهان، نشر مؤلف، چاپ اول، 1396 ش.

حضرت زینب (علیها السلام)، فروغ تابان کوثر،

حلیه الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار (علیهم السلام)، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ناشر: مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم، چاپ اول، 1411 ق

الخصال، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، 1362 ش.

الخصائص الحسينیه (علیه السلام)، شوشتری، شیخ جعفر، انتشارات جزایری، چاپ، سال .

خصائص الزینبیه، جزایری، سید نورالدین، چاپخانه میهن، 1404 ق.

الخصائص الفاطمیه، کجوری، ترجمه سید علی اشرف،

خلاصه الاقوال، علامه حلی، حسن بن یوسف، تحقیق: القیومی، جواد، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1417 ق.

خورشید مهربانی، آقابابایی، مهدی، انتشارات عطر عترت، چاپ اول، 1388.

دارالسلام، محدث نوری،

دانشنامه امام حسین (علیه السلام)، محمدی ری شهری، محمد، انتشارات دارالحدیث، قم.

دانشنامه جهان اسلام،

در سوگ امام حسین (علیه السلام)، سید محمدحسینی شیرازی، ناشر: مؤسسه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم).

در کربلا چه گذشت، ترجمه نفس المهموم، قمی، عباس، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم.

الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیععه، سید علی خان مدنی، مؤسسه الوفاء،

الدعاها الحسینیة، غروی نخجوانی، محمدعلی، چاپخانه مهر، قم، 1406 ق.

دعائم الإسلام، ابن حيون، نعمان بن محمد مغربي، محقق / مصحح: فيضی، آصف، ناشر: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، قم، چاپ دوم، 1385 ق.

دعبل ابوذر امام رضا (عليه السلام)، تجويدى، سيد محمد رضا، انتشارات نورالحيات، چاپ اول، 1399.

دلائل الإمامه، طبرى آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، محقق / مصحح: قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثه، ناشر: بعثت، قم، 1413 ق.

الدمع السجوم در ترجمه نفس المهموم،

ديوان أمير المؤمنين (عليه السلام) ميدي، حسين بن معين الدين، مترجم: زمانى، مصطفى، محقق / مصحح: زمانى، مصطفى، ناشر: دار نداء الإسلام للنشر، قم، چاپ اول، 1411 ق.

ذخيره المعاد فى شرح الارشاد،

الذريعه الى تصانيف الشيعة، علامه آقا بزرگ طهرانى، دارالاضواء، بيروت، 1403 ق.

الرجال (لابن داود)، حلى، حسن بن على بن داود، ناشر: دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، 1342 ش.

رجال البرقى - الطبقات، برقى، احمد بن محمد بن خالد، محقق / مصحح: طوسى، محمد بن الحسن / مصطفى، حسن، ناشر: انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، 1342 ش.

رجال الطوسى، طوسى، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: قيو مى اصفهانى، جواد، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجامعه المدرسين بقم المقدسه، قم، چاپ سوم، 1373 ش.

رجال الكشى - إختيار معرفه الرجال، كشى، محمد بن عمر، محقق / مصحح: طوسى، محمد بن الحسن / مصطفى، حسن، ناشر: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد، چاپ اول، 1409 ق.

رجال النجاشى، محمد بن على النجاشى، مؤسسه النشر الاسلامى، قم، 1418 ق.

روض الجنان فى شرح ارشاد الازهان، الشهيد الثانى،

روضه المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه (ط- القديمه)، مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، محقق / مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاوردی علی پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم، چاپ دوم، 1406 ق.

روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط- القديمه)، فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ناشر: انتشارات رضی، قم، چاپ اول، 1375 ش.

ریاحین الشریعه، محلاتی، ذبیح الله، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1364 ش.

ریاض القدس، واعظ قزوینی، صدرالدین، انتشارات اسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1376 ش.

ریاض الأبرار فی مناقب الأئمه الأطهار، جزائری، نعمت الله بن عبد الله، ناشر: مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، چاپ اول، 1427 ق- 2006 م.

زنان دانشمند و راوی حدیث، صادقی اردستانی، انتشارات، چاپ، سال .

زیارت عاشورا میراث جاودان عاشورا، نشر راه نیکان، چاپ، سال 13 ش.

سحاب رحمت، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ، 1387 ش.

سخن گفتن سر امام حسین (علیه السلام)، علی فلسفی،

سعادات ناصریه،

سفینه البحار، قمی، عباس، ناشر: اسوه، قم، چاپ اول، 1414 ق.

سلوک ماتم، عمرانی، سیدمسعود، نشر خیمه، تهران، چاپ اول، 1395 ش.

سنت عزاداری و منقبت خوانی در تاریخ شیعه امامیه،

سیاه پوشی در سوگ ائمه نور (علیهم السلام)، علی ابوالحسنی منذر، ناشر: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ دوم، 1390.

سیر اعلام النبلاء، ذهبی، مؤسسه الرساله، بیروت، طبع التاسعه، 1413 ق.

السیره الحلبیه فی سیره الامین المأمون، حلبی، علی بن ابراهیم، دارالمعرفه، لبنان، 1400 ق.

سیل اشک دیدار با ابرار، فروغی، نعمت الله، انتشارات آفتاب خوبان، چاپ اول، بهار 1384 ش.

شبهات عزاداری، عصیری، سید مجتبی.

شرح أصول الكافي (صدرا)، صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، محقق / مصحح: خواجوی، محمد، ناشر: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ اول، 1383 ش.

شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (عليهم السلام)، ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، محقق / مصحح: حسینی جلالی، محمد حسین، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، 1409 ق.

شرح تائیه دعبل خزاعی، علامه مجلسی،

شرح مرآتی سید بحر العلوم،

شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید، ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ناشر: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، چاپ اول، 1404 ق.

شعائر حسینی، میرزا جواد تبریزی،

الشعائر الحسینیة، صافی گلپایگانی،

شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، بمبئی، 1309 ق،

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حسکانی، عبید الله بن عبد الله، محقق / مصحح: محمودی، محمدباقر، ناشر: التابعه لوزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافه الإسلامیه، تهران، چاپ اول، 1411 ق.

شهاب شریعت، درنگی در زندگی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، علی رفیعی، علاء مرو دشتی، طبع کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی، قم، 1373 ش.

شیعه و عاشورا، میلانی، سید ابراهیم.

شیوه های یاری غریب کربلا، داوری، صادق،

الصباح، جوهری، دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ چهارم، 1407ق.

الصراط المستقیم، زین الدین علی بن یونس عاملی، المكتبة المرتضوية، چاپ اول، 1384ق.

الصواعق المحرقة، ابن حجر عسقلانی، مكتبة قاهره ریحال قاهره، چاپ دوم، 1965م.

طبقات الكبرى، ابن سعد، دارصادر، بیروت.

الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، ابن طاووس، علی بن موسی، محقق / مصحح: عاشور، علی، ناشر: خیام، قم، چاپ اول، 1400ق.

عبرات المصطفین فی مقتل الحسین (علیه السلام)، محمودی، محمدباقر، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، قم، چاپ دوم، 1417ق.

عقرب الحسان، نهاوندی، شیخ علی اکبر، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، علی ربانی خلخالی، انتشارات مکتب الحسین (علیه السلام)، محرم الحرام 1415ق.

عزاداری رمز محبت، مهدی صدری،

عزاداری سنتی شیعیان، سید حسین معتمدی کاشانی، ناشر: قلم مکنون، چاپ دوم، خرداد 1384ش.

عزاداری، بایدها و نبایدها، باقری بیدهندی، ناصر، انتشارات نورالسجاد، قم، چاپ چهارم، 1387ش.

علل الشرائع، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتاب فروشی داوری، قم، چاپ اول، 1385 ش / 1966 م.

عمده عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، ابن بطریق، یحیی بن حسن، ناشر: جماعه المدرسین بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، 1407ق.

عوامل العلوم و المعارف والأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، ناشر: مؤسسه الإمام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ایران؛ قم، چاپ اول، 1413ق.

عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیہ، ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، محقق / مصحح: عراقی، مجتبی، ناشر: دار سید الشهداء للنشر، قم، چاپ اول، 1405 ق.

عیون الاخبار و فنون الآثار، عمادالدین ادیسی قریشی.

عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ناشر: نشر جهان، تهران، چاپ اول، 1378 ق.

الغدیر، علامه امینی، عبدالحسین، دارالکتب العربی، بیروت، 1379 ق.

غدیر و عاشورا در سیره امام رضا (علیه السلام)، صدری، مهدی، انتشارات دلیل ما.

غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی، ناشر: دار الکتب الإسلامی، قم، چاپ دوم، 1410 ق.

غنائم الايام فی مسائل الحلال و الحرام، المیرزا القمی، (1231 ق).

غوغای کوفه و شام (مقتل مقرر)،

الفروع من الکافی، (دارالکتب الاسلامیه، 1391 ق)،

فرهنگ معین، معین،

فلاح السائل و نجاح المسائل، ابن طاووس، علی بن موسی، ناشر: بوستان کتاب، قم، چاپ اول، 1406 ق.

الفوائد الرجالیه، بحرالعلوم، السید محمد المهدی، تحقیق: بحرالعلوم، محمدصادق، مکتبه الصادق، نجف، 1363 ق.

الفهرست شیخ طوسی، نشر الفقاهه، قم، چاپ اول، 1417 ق.

فهرست کتب الشیعہ و اصولهم: شیخ الطوسی، مکتبه المحقق الطباطبائی قم، 1420 ق.

الفهرست، ابن ندیم، مطبعة الرحمانیه، مصر 1348 ق.

قادتنا کیف نعرفهم،

قاموس الرجال،

قرب الإسناد (ط- الحديثه)، حميرى، عبد الله بن جعفر، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) ناشر: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، قم، چاپ اول، 1413 ق.

قصص العلماء،

قممقام زخار،

الكافى، الشيخ الكلينى، (329ق) دارالكتب الاسلاميه، طهران، 1367ش، الطبعة الثالثة، تحقيق: على اكبر الغفارى.

كامل بهايى، عمادالدين حسن بن على طبرى، مكتبه مصطفى، تهران.

الكامل فى التاريخ، ابن اثير، دارصادر، بيروت، 1402ق.

كتابشناسى تاريخى امام حسين (عليه السلام)، محمد اسفنديارى

كنز العمال، متقى هندی.

الكنى واللقاب، قمى، شيخ عباس،

كامل الزيارات، ابن قولويه، جعفر بن محمد، مترجم: ذهنى تهرانى، محمد جواد، ناشر: انتشارات پیام حق، تهران، چاپ اول، 1377 ش.

كامل الزيارات، ابن قولويه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امينى، عبد الحسين، ناشر: دار المرتضويه، نجف اشرف، چاپ اول، 1356 ش.

كتاب العين، فراهيدى، خليل بن أحمد، ناشر: نشر هجرت، قم، چاپ دوم، 1409 ق.

كشف الغمه فى معرفه الأئمه (ط- القديمه)، اربلى، على بن عيسى، محقق / مصحح: رسولى محلاتى، سيد هاشم، ناشر: بنى هاشمى، تبريز، چاپ اول، 1381 ق.

كمال الدين و تمام النعمه، ابن بابويه، محمد بن على، محقق / مصحح: غفارى، على اكبر، ناشر: اسلاميه، تهران، چاپ دوم، 1395 ق.

لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مكرم، محقق / مصحح: مير دامادى، جمال الدين، ناشر: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع- دار صادر، بيروت، چاپ سوم، 1414 ق.

لسان الميزان، عسقلانى، ابن حجر، مؤسسه الاعلمى، بيروت، 1390ق.

لغت نامه، دهخدا،

- لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، ناشر: مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، 1414 ق.
- اللهوف علی قتلی الطفوف، ابن طاووس، علی بن موسی، مترجم: فهری زنجانی، احمد، ناشر: جهان، تهران، چاپ اول، 1348 ش.
- مثیر الأَحزان، ابن نما حلی، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدی (علیه السلام)، ناشر: مدرسه امام مهدی (علیه السلام)، قم، چاپ سوم، 1406 ق.
- مجمع البحرين، طریحی، فخر الدین بن محمد، محقق / مصحح: حسینی اشکوری، احمد، ناشر: مرتضوی، تهران، چاپ سوم، 1375 ش.
- مجمع الدرر فی المسائل للاثنی عشر، شیخ عبدالله مامقانی.
- مجمع الزوائد، هیثمی، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1408 ق.
- مجموعه وژام، آداب و اخلاق در اسلام / ترجمه تنبیه الخواطر، ورام بن اَبی فراس، مسعود بن عیسی، مترجم: عطایی، محمد رضا، ناشر: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، 1369 ش.
- محاسن، محمد بن محمد با خالد البرقی، تحقیق: السید حلال الدین حسینی، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، طهران، الطبعة الاولى، 1330 ش.
- المحکم فی اصول الفقه، حکیم،
- المحیط فی اللغة، صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، محقق / مصحح: آل یاسین، محمد حسن، ناشر: عالم الكتاب، بیروت، چاپ اول، 1414 ق.
- المختصر، (المختصر) حسن بن سلیمان حلی، المكتبة الحیدریه، نجف، چاپ اول، 1370 ق.
- مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ناشر: مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم، چاپ اول، 1413 ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1404 ق.

المزار الكبير (لابن المشهدى)، ابن مشهدى، محمد بن جعفر، محقق / مصحح: قيومى اصفهاني، جواد، ناشر: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، 1419 ق.

مسالك الافهام، شهيد ثانی،

مستدرک الوسائل، الميرزا حسين النورى (1320ق) تحقيق و الناشر: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لاهياء التراث، بيروت، 1408ه، الطبعة الثانية.

مستدرک سفینه البحار، نمازی شاهرودی، مؤسسه نشر اسلامى، قم، 1419ق.

مستدرک علم رجال، نمازی شاهرودی،

مستدرک على الصحيحين، حاکم نیشابورى،

مُسْكَنُ الْفُؤَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْأَحَبِّ وَالْأَوْلَادِ، شهيد ثانی، زين الدين بن على، ناشر: بصيرتى، قم، چاپ اول، بی تا.

مسند امام رضا (عليه السلام)، عطاردى، عزيزالله، المؤتمر العالمى للإمام الرضا (عليه السلام)، مشهد، 1406ق.

مصائب رأس الحسين (عليه السلام)،

مصباح المتهجد و سلاح المتعبّد، طوسى، محمد بن الحسن، ناشر: مؤسسه فقه الشيعه، بيروت، چاپ اول، 1411 ق.

المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير، فيومى، أحمد بن محمد، ناشر: مؤسسه دار الهجره، قم، چاپ دوم، 1414 ق.

معالم العلماء فى فهرست كتب الشيعه، محمد بن على بن شهر آشوب، مؤسسه نشر الفقاهه، قم، 1425ق.

معالى السبطين، حائرى مازندرانى، محمد مهدى، منشورات الشريف الرضى، قم، 1409ق.

معجزات سر مقدس امام حسين (عليه السلام)،

معجم رجال الحديث، موسوى خويى، سيدابوالقاسم، چاپ پنجم، 1413ق.

معجم مقایس اللغة، ابن فارس، أحمد بن فارس، محقق / مصحح: هارون، عبد السلام محمد، ناشر: مكتب الاعلام الاسلامي، قم، اول، 1404 ق.

مفردات ألفاظ القرآن، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محقق / مصحح: داوودی، صفوان عدنان، ناشر: دار القلم - الدار الشاميه، بيروت - دمشق، چاپ اول، 1412 ق.

مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، دارالکتاب، قم، المكتبة الحیدریه، نجف، 1385 ق.

مقتل الامام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام)،

مقتل الحسین (علیه السلام)، ابو مخنف لوط بن یحیی، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1398 ق.

مقتل الحسین (علیه السلام)، حافظ ابوالمؤید خوارزمی، دار انوارالهدی، قم، 1418 ق.

من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، 1413 ق.

مناقب آل ابي طالب (عليهم السلام) (لابن شهر آشوب)، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ناشر: علامه، قم، چاپ اول، 1379 ق.

مناقب علی بن ابیطالب (عليهما السلام)، مغازلی،

منتهی الآمال، قمی، عباس، انتشارات هجرت،

المنجد، لویس معلوف.

منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه (خوئی)، هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، مترجم: حسن زاده آملی، حسن و کمره ای، محمد باقر، محقق / مصحح: میانجی، ابراهیم، ناشر: مکتبه الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، 1400 ق.

مواصات با سیدالشهداء (علیه السلام)، تعدادی از نویسندگان.

الموجز فی اصول الفقه، سبحانی،

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، شمس الدین ذهبی، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1416 ق.

میزان تشیع، برری سند و محتوا و نسخه های زیارت عاشورا، محمد عندلیب همدانی، به کوشش: اجمد نباتی، انتشارات جمکران، چاپ اول، سال 1392 ش.

ناسخ التواریخ، زندگانی امام سجاد (علیه السلام)،

نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا، ترجمه وقعه الطفّ، ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، مترجم: سلیمانی، جواد، محقق / مصحح: یوسفی غروی، محمد هادی، ناشر: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ دوم، 1380 ش.

نفس المهموم، قمی، عباس، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

نورالعین فی مشهد الحسین (علیه السلام)، ابواسحاق اسفرائینی،

النهایه فی غریب الحدیث و الاثر،

نهضت حسینی، حاج شیخ علی فلسفی

واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات، رضوانی، علی اصغر،

الوجیزه فی الرجال، مجلسی، محمدباقر، نشر ستایش، تهران، 1378 ش.

وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، ناشر: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، قم، چاپ اول، 1409 ق.

وقعه الطفّ، ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، محقق / مصحح: یوسفی غروی، محمد هادی، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ سوم، 1417 ق.

هدایه الانام فی شرح شرایع الاسلام، محمد حسین الکاظمینی، طبع نجف، 1330 ه.

هدایه الأئمه إلى أحكام الأئمه (علیهم السلام)، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش های اسلامی. گروه حدیث، ناشر: آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الإسلامیه، مشهد، چاپ اول، 1414 ق.

ینابیع الموده لذی القربی، قندوزی حنفی، دارالاسوه، قم، چاپ اول، 1416 ق.

آثار دیگر مؤلف که به چاپ رسیده است:

- 1: رازهای نهفته در شطرنج
- 2: خورشید مهربانی
- 3: تحقیق و پژوهش در کلام مقام معظم رهبری دام ظلّه.
- 4: فیض ماندگار؛ شرح زندگانی و شاگردان و اساتید آیت الله فیاض (قدس سره)
- 5: شمع سوزان خرابه شام. (سید مجید نبوی، مهدی آقابابایی)
- 6: ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ (سه سخنرانی از مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره))
- 7: عبد رحمان، زندگی نامه و خاطراتی از سردار شهید عبدالرحمان کرمی
- 8: تربیت فرزند از دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام)
- 9: نور هفتم (میلاّد مبارک امام هفتم (علیه السلام) در ماه ذی الحجّه)
- 10: آسمانی های خاکی، بر اساس زندگی برادران شهید عبدالرحمان و محمدرضا کرمی هرستانی
- 11: آسمانی های خاکی، بر اساس زندگی شهید مصطفی نصرافهانی
- 12: تحریف تاریخی تحلیلی پیرامون ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری (علیها السلام)
- 13: سخنان ناب بزرگان درباره تحقیق، پژوهش، نگارش و قلم
- 14: عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی (از آثار آیت الله طیب (قدس سره)).
- 15: دانستی های علمی پیرامون قاعدگی، همجنس گرایی، همجنس بازی و استمناء
- 16: کتابشناسی زیارت عاشورا
- 17: تحریفات و تصحیفات پیرامون زیارت عاشورا .
- 18: رازهای نهان در موسیقی (جوان و موسیقی).
- 19: کتابشناسی حضرت رقیه (علیها السلام) .

20: زیارت جوادیه (یا زیارت چهارم امام رضا (علیه السلام)).

21: انواع عزاداری در سیره اهل بیت (علیهم السلام) در روایات (حدود 60 نوع عزاداری). کتاب حاضر.

22: روزه داری و کرونا ویروس .

آثار در دست چاپ و تألیف:

- 1 (علیهم السلام): ردای خونین (شرح مختصر زندگانی 146 شهید والا مقام مدرسه علمیّه امام صادق (علیه السلام) اصفهان- چهارباغ) (در دست چاپ)
- 2: مرد غیرتمند ایرانی، بابا شجاع الدین، ابولؤلؤ
- 3: تقویم تبری
- 4: شرح حدیث ریان بن شیب (پیرامون عزاداری سیدالشهدا (علیه السلام))
- 5: سرگذشت جانسوز حضرت رقیه (علیها السلام)
- 6: زندگانی بلال حبشی
- 7: تألیفات و آثار آیت الله طیب (قدس سره) (کتب مخطوط و چاپی)
- 8: دانستنی های علمی پیرامون ریش و ریش تراشی
- 9: عبدالله بن عمر و نامه پدرش به معاویه
- 10: هر زمان کیست؟
- 11: آتش سوزی کتابها و کتابخانهها.
- 12: تحقیقی کوتاه پیرامون حی علی خیرالعمل.
- 13: حضرت خدیجه (علیها السلام) نخستین حامی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
- 14: غنچه خونین کربلا، حضرت باب الحوائج علی اصغر (علیه السلام)
- 15: انفاق و اطعام طعام در عزای سیدالشهدا (علیه السلام)
- 16: سفره احسان و کرم امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- 17: حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در محشر
- 18: جایگاه قرض الحسنه در اندیشه اسلامی و تفکر رضوی (علیه السلام) و راه کارهای احیای قرض الحسنه در جامعه اسلامی.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

